





کتابخانه مجلس شورای اسلامی		
کتب صورت مذاکرات کمیسیون مخصوص انتظامی		
مؤلف	شماره ثبت کتاب	
موضوع	۸۴۱۶۲	
شماره قفسه		

	۲۲
	۱۰۴۵

دوره شانزدهم قانونگذاری

شماره ترتیب چاپ ۱۷۲

۱۲۱



صورت مذاکرات

کمیسیون مخصوص نفت مجلس شورای ملی

۱۸۴۱۹۳
بیت ره

اداره مطبوعات و اطلاعات

۲۲
۴۵

کمیسیون مخصوص نفت که در تاریخ پنجم تیر ماه ۱۳۲۹ از مجلس شورای ملی انتخاب گردید از همان تاریخ جلسات خود را تشکیل داده و پس از انتخاب هیئت رئیسه شروع بر رسیدگی لایحه الحاقی قرارداد نفت جنوب بعنوان (قرارداد کس - گلشائیان) نموده و پس از خواستن پرونده های مربوطه از وزارت دارائی و مطالعه آنها در جلسات متعدد کمیسیون (۲۵ جلسه) مذاکرات مفصلی از طرف آقایان اعضاء کمیسیون و همچنین نمایندگان دولت بعمل آمده که در این مجموعه صورت مذاکرات جلسات ثبت و با مضای رئیس محترم کمیسیون رسیده است نظر باینکه توضیحات نمایندگان دولت در کمیسیون از نظر فنی و محاسباتی قابل دقت و مطالعه میباشد و همچنین بیانات و تذکرات بعضی از آقایان اعضاء کمیسیون که اطلاعاتی در امر نفت داشته اند مورد توجه است با اجازه مقام ریاست مجلس دستور داده شد کلیه صورت جلسات کمیسیون که حاوی مطالب مهمی از نظر قرارداد اولیه و قرارداد ۱۹۳۳ و قرارداد الحاقی میباشد بچاپ رسیده و بنظر آقایان نمایندگان محترم برسد.

غرض اصلی از انتشار صورت جلسات اطلاع یافتن نمایندگان محترم مجلسین از جریان کار کمیسیون و رفع هر گونه ابهامی است که احیاناً ممکن است برای آقایان در این باب دست داده باشد.

ضمناً بيمورد نمیداند در این مقدمه مختصر از مراقبت و توجه خاصی که آقای تاج رئیس اداره کمیسیونهای مجلس در امور اداری و دفتری کمیسیون نفت نموده و مخصوصاً آقای فضل الله وجدی که برای تهیه صورت جلسات کمیسیون مزبور اختصاص

کمیسیون مخصوص نفت

۳۲۱

۱۷۱



تاج الله تهرانی

رأب درایه رشید رشید رشید رشید

۶۴۱۳۸

۱۹۳۸

تاج الله تهرانی

داده شده و ایشان هم الحق صورت جلسات منظم و مرتبی تهیه نموده که قابل استفاده میباشد یادآوری و نیز از آقای دادگو کارمند اداره کمیسیونها که در امور دفتری کمیسیون و گزارشها و نامهها کمک نموده اند قدردانی مینماید.

همچنین از نظم و دقت و سرعت عمل اداره مطبوعات و اطلاعات که در ظرف بیست و چهار روز سیصد و چهل و چهار صفحه کتاب حاضر را بدون غلط با کمک چاپخانه منظم مجلس شورای ملی در دسترس مطالعه کنندگان گذاشته تقدیر و حسن جریان اداری مجلس شورای ملی را یادآور میشود.

مخبر کمیسیون مخصوص نفت - حسین مکی

جلسه اول

اولین جلسه کمیسیون نفت منتخب از شعب ششگانه مجلس شورای ملی ساعت ده صبح روز دوشنبه پنجم تیرماه ۱۳۲۹ با حضور آقایان مفصله ذیل:

آقایان: دکتر مصدق - دکتر علوی - دکتر هدایتی - دکتر شایگان - سیدعلی بهبهانی - حائری زاده - جمال امامی - جواد گنجی - جواد عامری - اللهیار صالح - فقیه زاده - سرتیب زاده - ناصر ذوالفقاری - خسرو قشقائی - منکی تشکیل گردید. بدو آقای جمال امامی پیشنهاد کردند برای اینکه جلسه مان صورت بگیرد رئیس جلسه را معین بفرمائید.

آقای قشقائی اظهار داشتند: بطور کلی در تمام شعب و کمیسیونها مخصوصاً در روزهای اخیر يك توافق بوده و هر انتخابی که بعمل آمده است روی وحدت نظر بوده است بنده میخواستم استدعا کنم که این رویه را ادامه بدهید و طوری شود که با اتفاق آراء آقایان انتخاب بشوند.

در این موقع اکثر از آقایان اصرار کردند که جناب آقای دکتر مصدق ریاست کمیسیون را قبول بفرمایند و ایشان فرمودند که من رد میکنم.

آقای حائری زاده اظهار داشتند: که اگر به شما رای بدهند نمی توانید رد بکنید.

آقای گنجی ای بیانات آقای قشقائی را تأیید کردند.

آقای دکتر مصدق اظهار داشتند: اینکار برای من بساعت زحمت است و با این کسالت مزاجی که دارم میسر نیست.

آقای جمال امامی اظهار داشتند: بالاچار باید جنابعالی باشید این هم صلاح مملکت است و هم صلاح جنابعالی.

آقای دکتر هدایتی گفتند: خود جناب عالی فرمودید که در وهله اول انتخابات را برای خاطر نفت قبول فرمودید و هیچکس هم مخالف نیست استدعا میکنم قبول بفرمائید. در اینموقع برای انتخاب رئیس بارأی مخفی اخذ رأی بعمل آمد و در نتیجه آقای دکتر مصدق از ۱۵ نفر عده حاضر با ۱۴ رأی بسمت ریاست کمیسیون انتخاب گردیدند و آقای بهبهانی نیز يك رأی داشتند.

سپس برای انتخاب دو نفر نواب رئیس تبادل افکار شد و آقای ذوالفقاری اظهار نمودند اگر اجازه بفرمائید سه نفر آقایان دیگر هستند بگذارید آنها هم بیایند و رأی گرفته بشود.

آقای دکتر شایگان اظهار نمودند: بعد از اینکه جلسه رسمی شد و اکثریت قریب باتفاق حاضر شده اند عدم حضور آنها نباید مانع از کار شود و علاوه این آقایان بواسطه عدم حضور فقط از رأی دادن محروم هستند ولسی میتوانند انتخاب بشوند و هرکس میخواهد با آقایان رأی بدهند. موافقت شد که برای انتخاب دو نفر نواب رئیس باورقه رأی گرفته بشود و در نتیجه آقای گنجه‌ای با ۱۵ رأی باتفاق آراء و آقای بهبهانی با اکثریت ۱۳ رأی انتخاب گردیدند، آقایان حائری زاده و عامری نیز هر يك يك رأی داشتند. پس از آن نسبت باتنخاب دو نفر منشی مذاکره و اخذ رأی مخفی بعمل آمد و در نتیجه آقای دکتر علوی با ۱۵ رأی باتفاق آراء بسمت منشی و آقای خسرو قشقائی با ۱۴ رأی انتخاب گردیدند و آقای ناصر ذوالفقاری نیز دارای يك رأی بودند.

آقای جمال امامی در باره انتخاب مخیر مذاکرانی نموده و عقیده داشتند چون آقای مکی در باب نفت سابقاً اظهار عقیده نموده اند نباید انتخاب بشوند.

آقای حائری زاده در جواب گفتند: وکیلی که در پارلمان میاید قبل از اینکه

در پارلمان بیاید باید عقاید سیاسی خود را بجامعه بگوید ما باید سعی کنیم که مخیرمان کسی باشد که مطالعات زیاد در اطراف نفت کرده باشد که اگر اعتراضی در مجلس شد بتواند بادلیل و برهان آن اعتراضات را مرتفع بکند و من چون دیدم آقای مکی در این کار خیلی زحمت کشیده اند من ایشانرا کاندیدا کرده ام.

آقای جمال امامی در جواب گفتند: البته وکیل باید عقیده داشته باشد مثلاً بنده خودم يك عقیده ای دارم راجع بنفت ولی هیچوقت اگر آقایان مرا انتخاب بکنند برای مخبری من خودم قبول نمیکم.

آقای فقیه زاده استدعا کردند: همانطور که رئیس و نواب رئیس را اتفاق حاصل گردید و رأی دادید نسبت به مخیر هم همینطور اتخاذ تصمیم بشود بطوریکه در خارج شنیدم دو نفر کاندیدا بودند یکی آقای دکتر هدایتی و دیگری آقای عامری من استدعا می کنم با اینکه با آقای مکی ارادت دارم معهداً تقاضا میکنم که قبول بفرمایند این آقایان انتخاب بشوند و در خارج هم این توافق بعمل آمده است.

آقای دکتر مصدق اظهار داشتند: بنده خیال میکنم کارنفت با آنجا نخواهد کشید که مخیر اظهار عقیده بکند. (آقای جمال امامی گفتند یعنی آقا کوشش خواهند کرد که نرسد) هر چه میشود در این کمیسیون میشود مخیر در مجلس ناقل خواهد بود. در اینموقع برای انتخاب یکنفر مخیر اخذ رأی مخفی بعمل آمد و در نتیجه آقای مکی با اکثریت نسبی ۷ رأی بسمت مخیر انتخاب گردیدند و آقای دکتر هدایتی شش رأی داشتند و دو ورقه هم سفید بود.

آقای جمال امامی تذکر دادند: آن اسناد و مدارکی که کمیسیون لازم دارد

باید دولت بیاورد و آن آقایانی که در کمیسیون نفت شرکت داشته‌اند از جمله آقایان جهانگیر و پیرنیا بیایند اینجا و آقای وزیر دارائی هم باشند .

آقای دکتر مصدق گفتند: بسیار خوب بنده عقیده دارم جلسه بعد از يك هفته دیگر یعنی دوشنبه دیگر باشد و جناب آقای وزیر دارائی و آقایان پیرنیا و جهانگیر هم با تمام دوسیه‌ها و سوابق امر تشریف بیاورند .

آقای اللهیار صالح اظهار داشتند: نظر من این است که فعلاً مدارك خواسته شود و بعداً صاحب نظران و گزارش پروفیسور ژیدل را هم به کمیسیون بیاورند .

آقای جمال امامی گفتند: بنده دیدم پروفیسور ژیدل يك کتابی نوشته است که جزء پرونده هست و خیلی هم مستدل و کامل نوشته است و بزبان فرانسه هم هست . آقای دکتر علوی عقیده داشتند: که این مدارك قبلاً به کمیسیون داده بشود و کمیسیون مطالعاتی بکند بعد متخصصین بیایند .

آقای جمال امامی مخالف بودند و تذکر دادند: این مدارك باید با توضیحات فنی باشد بنابراین باید آقایان هم باشند و پروفیسور ژیدل هم تمام مستنداتی که کرده بآن قرارداد کرده و باید قرارداد را بخوانیم .

آقای حائری زاده اظهار نمودند: که باید گزارش ارمیتاژ اسمیت بکمیسیون تقدیم گردد زیرا يك گزارش خیلی جامعی داده است که باید آن را بخوایم و همچنین گزارش آقای امامی و پروفیسور ژیدل هم لازم است .

آقای ذوالفقاری اظهار نمودند: که بنده پیشنهاد میکنم که يك عده از آقایان نمایندگان عاقلانند بودند مذاکراتی که در کمیسیون میشود بعنوان مستمع آزاد بیایند و بنشینند اشخاصی که وارد باین کار هستند .

آقای دکتر مصدق در جواب اظهار داشتند: مانعی نیست .

آقای دکتر شایگان عقیده داشتند: که برای جلسه آینده فقط اسناد بیایند اینجا و اشخاص را بعد میتوانیم دعوت بکنیم .

آقای جمال امامی با این نظر مخالف بودند و اظهار کردند: اولاً بيك هفته بعد می‌اندازیم و اگر آن اسناد بیاید اینجا و آن اشخاص بیایند ما نتیجه نمیرسیم و باید چند روز دیگر بنشینیم و دوم رتبه آن اشخاص را دعوت بکنیم که بما توضیح بدهند مثلاً آن قرارداد آقای تقی زاده يك قرارداد روشنی نیست و باید توضیح داده بشود يك چیزهای خیلی مهمی دارد .

آقای گنج‌ای عقیده داشتند: که موافقت بفرمایند اطلاع بدهیم آن متصدیان امر بیایند بادوسیه‌هایشان قبلاً يك مذاکرات شفاهی بشود بعد شروع بکنیم بخواندن مدارك و اسناد .

آقای جمال امامی تذکر دادند: که اشخاص غیر رسمی نباید بیایند .

آقای دکتر مصدق در جواب اظهار داشتند: که وقتی دعوت کردیم این رسمی میشود و هر کسی که این کمیسیون صلاح دانست که بیاید باید دعوت بشوند و از نظریه آنان استفاده بکنیم .

آقای فقیه زاده متذکر شدند: که يك هفته دیگر دیر است چون اصل مدت کمیسیون یکماه بیشتر نیست .

آقای دکتر مصدق در جواب توضیح دادند: مدت را تمدید میکنیم این قراردادها بعدی بیچ دریچ است که باید کاملاً مطالعه بشود بنابراین موافقت شد که از آقایان پیرنیا - جهانگیر - فرمانفرمائیان برای جلسه بعد روز دوشنبه دوازدهم تیرماه دوساعت

قبل از ظهر دعوت بشوند که در کمیسیون حضور بهم رسانند و همچنین کلیه اسناد و مدارک راجع بنفت از وزارت دارائی خواسته شود.

ساعت یازده و یک ربع (سه ربع بظهر) جلسه ختم گردید.

غائبین: آقایان: فرامرزی - پالیزی - دکتر کاسمی.

رئیس کمیسیون مخصوص نفت - دکتر محمد مصدق

جلسه دوم

دومین جلسه کمیسیون نفت روز چهارشنبه چهارم مرداد ماه ۱۳۲۹ دو ساعت و سه ربع ساعت قبل از ظهر بریاست آقای دکتر محمد مصدق و با حضور آقایان مشروحه زیر: حائری زاده - دکتر شایگان - دکتر علوی - اللهیار صالح - فقیه زاده - گنجهای - مکی - بهبهانی - جمال امامی - فرامرزی - سرتیب زاده - پالیزی - عامری - دکتر کاسمی - ناصر نوالفقاری و آقای دکتر پیرنیا معاون وزارت دارائی تشکیل گردید. بدو نامه هائی که بوزارت دارائی نوشته شده بود برای ارسال اسناد و مدارک و اوراق مربوطه بنفت قرائت گردید و آقای دکتر مصدق اظهار داشتند بنده هر کاری که بکنم بنظر کمیسیون میرسانم.

آقای دکتر پیرنیا در خصوص نامه اخیری که از طرف کمیسیون نوشته شده اظهار کردند: این نامه امروز صبح بوزارت دارائی داده شده و بنده حامل یک پیغامی از طرف آقای وزیر دارائی هستم ایشان عرضی که داشتند این بود:

« برای هر گونه اظهار نظر و اتخاذ تصمیم نسبت بموضوع نفت محتاج بفرصت برای مطالعه دقیق موضوع میباشد برای این مطالعه پرونده ها وسوابق و اسناد بایستی در اختیار ایشان باشد تا مطالعه نمایند ».

آقای بهبهانی تذکر دادند: در کمیسیون معمول این بوده است لوابعی که دولت میداد اگر آن دولت میرفت دولت بعدی که میآمد با آن لایحه را تأیید می کرد یا مسکوت می گذاشت بنده نظرم اینست که تا خود دولت تعقیب نکند ما نمیتوانیم کاری بکنیم یا باید تعقیب بکنند یا پس بگیرد (دکتر مصدق نمیتواند پس بگیرد).

آقای حائری زاده گفتند: یک وظیفه دولت دارد و یک وظیفه ما داریم دولت اگر خواست تعقیب نکند ما نمیکذاریم زیرا این یک کار ملی است کمیسیون هم اگر کار

را بتعمیق بیندازد بر طبق آئین نامه گویا اشکالی پیدا میشود امروز که کمیسیون تشکیل شده برای تعیین تکلیف لایحه نفت میباشد بیگامی که ایشان آوردند مثل اینست که ما باید کمیسیون را تعطیل نکنیم در صورتی که آقای وزیر دارائی باید برای مطالعه خودشان مدتی را تعیین کرده باشد.

آقای مکی گفتند: عرایض من تقریباً همان بود که آقای حائری زاده فرمودند بعقیده بنده ما از طرف مجلس مأموریت پیدا کردیم که بکار نفت رسیدگی بشود و همه آقایان هم علاقمندند که باین کار رسیدگی بشود باید ما یک گزارشی بدهیم که افکار عمومی روشن بشود و بدانند که ما کار خودمان را کرده ایم.

آقای امامی سؤال نمودند: آیا دولت اصراری در اختفای این قضیه ندارد؟

آقای دکتر پیرنیا جواب دادند: بنده اطلاعی از این موضوع ندارم.

آقای فرامرزی سؤال کردند: که آیا از سابق راجع باین موضوع پرونده و مدار کی در کمیسیون هست یا نیست؟ (گفته شد چیزی نیست) بنا بر این ما بحث و عملی نمیتوانیم بکنیم چون مدار کی در دستمان نیست این موضوع یک کار عادی نیست که دولت خواسته باشد و مورد نظر دولت باشد و بخواهد این کارش را انجام بدهد ناچار باید از راه پارلمان اقدام بکنند این یک امری است که مورد علاقه افکار عمومی است و مجلس ناچار باید رویش نظر بدهد اینست که همانطور که فرمودند ما میتوانیم تعقیب بکنیم و دولت را وادار بکنیم نظر خود را بدهد.

آقای فقیه زاده اظهار داشتند: بنده چون در دوره سابق نبوده ام نمیدانم دولت لایحه نفت را آورده است به مجلس یا نیاورده اگر آورده که باید عمل بشود و ماده

۴۱ آئین نامه داخلی مجلس را قرائت کردند و توضیح دادند اینک فرمودید دولت بیاید و تعقیب بکند اینطور نیست این یک طرحی است آمده و در یک کمیسیون خاصی باید مورد رسیدگی واقع گردد.

آقای گنجه‌ای عقیده داشتند: که هر اقدامی که باید بکنیم باید جلسه دیگر و با حضور وزیر دارائی باشد که بگوید ده روز ۱۵ روز مهلت میخواهم تا رسمیت داشته باشد.

آقای پالیزی نظر داشتند: صورت جلسه این کمیسیون نوشته و امضاء بشود و آقای جمال امامی گفتند مایک تکلیف در مجلس داریم و یک تکلیف در کمیسیون اینجا یک کمیسیون خاصی است برای یک کار خاصی اولاً ما میخواهیم بدانیم این کمیسیون تشکیل شده که قضیه نفت را حل بکند یا بدولت رجوع بکند؟ اگر ما تشکیل شدیم که خودمان حل بکنیم باید بنشینیم و موضوع را رسیدگی بکنیم اما اگر باید در موضوع لایحه دولت اظهار نظر بکنیم که آن امری است علیحده بنده عقیده ام اینست که جناب آقای دکتر مصدق نامه‌ای مرقوم فرمایند با آقای وزیر دارائی مبنی بر پیغام آقای دکتر پیرنیا که شما اگر حاضر هستید در ظرف ۵ روز آمادگی خودشان را اطلاع بدهند و اگر هم نظر دیگری دارند فرمایند.

آقای دکتر مصدق توضیح دادند: اینجا یک لایحه‌ای دولت سابق آورده بمجلس بعد مجلس کمیسیون خاصی انتخاب کرد که باین کار رسیدگی بکند کمیسیون وظیفه اش اینست که حقوق ملت را حفظ بکند یعنی اگر دولت بخواهد تکامل بکند باید کمیسیون دولت را در تکامل بگذارد نه اینکه مسئولیت را گردن خودش بگذارد بکماه است این کمیسیون تشکیل شده و باید مطابق آئین نامه گزارشی کار خودش

را بمجلس بدهد مجلس اگر صلاح دانست تمدید میکند چون سه جلسه قبل در مجلس آقای دکتر هدایتی نظرشان این بود که کمیسیون را دعوت نکنیم بنده آن انتخاب کمیسیون را خواستم دیدم مدتش هنوز باقیست و گفتم خوب باید دولت فکر بکند مطالعه بکند بعد کسی بنده را متوجه کرد بماده ۳۲ آئین نامه که کمیسیون در ظرف یکماه باید گزارش خودش را بدهد این بود که نامه‌ای نوشته شد بوزارت دارائی و کمیسیون هم دعوت شد حالا آقای دکتر پیرنیا تشریف آورده اند و پیغام آقای وزیر دارائی را میدهند بنده گفتم عین نطق ایشان را خارج نویس کرده و ایشان امضاء نمایند و روی آن يك گزارشی تهیه و تقدیم مجلس گردد ما که نباید مسئولیت را بگردن خودمان بگیریم (ماده ۳۲ آئین نامه قرائت شد).

آقای فرامرزی گفتند: بعد از این تصمیمی که جناب آقای دکتر مصدق گرفتند عقیده دارم که دیگر مذاکرات کافی است.

آقای دکتر کاسمی بیانات جناب آقای دکتر مصدق را تأیید و اضافه کردند: همانطور که آقای امامی فرمودند باید دولت بیاید در کمیسیون و توضیحاتش را بدهد و يك نکته دیگر که باید مسلم بشود اینست که آیا لایحه تقدیمی دولت سابق را دولت فعلی قبول دارد یا ندارد؟

آقای فرامرزی در جواب گفتند: این لایحه یا دولت سابق تقدیم مجلس کرده و یا خود مجلس این عمل را کرده و طرح داده اگر دولت سابق این لایحه را داده این لایحه بقوت خودش باقیست و مجلس باید تعقیب بکند، يك کاری که يك دولتی، يك مملکتی بنایش گذاشت این باید بجائی برسد نه اینکه يك دولت دیگری بیاید و بگوید که تعقیب نشود این که بجائی نمیرسد، اگر مجلس خودش کرده طرح داده، مجلس

کاری ندارد بدولت باید کارش را ادامه بدهد و بگوید ما این کارا میخواهیم بکنیم باید دولت بیاید و مدارکش را بدهد و اگر قبول نمیکند باید برود و دولت دیگری بیاید آن نامه ای که جناب آقای دکتر مصدق نوشته اند کفایت دولت هم که گفته من هنوز حاضر نکرده ام این قبول ضمنی است و نوشتن نامه دیگری لازم ندارد.

آقای اللهیار صالح گفتند: چیزی که روشن شده اینست که باید ما این گزارش را امروز بدهیم ولی يك قسمت دیگری در آئین نامه مقرر میدارد که میگوید اگر کار زیاد باشد و کمیسیون نتوانست بموقع کارش را تمام بکند مجلس میتواند تمدید بکند، این کار مورد علاقه مردم است امروز روز آخر مدت کمیسیون است (آقای مکی گفتند این يك کمیسیون خاص است) باشد کمیسیون خاص هم تابع کمیسیون های دیگر است و نظر من اینست که تمدید بکند.

آقای جواد عامری اظهار داشتند: دو مسئله را باید ماحل کنیم مسئله اول همان قسمتی است که گفته شد و آئین نامه خوانده شد هر طرح بالایحه‌ای که بمجلس داده شد دوره که منقضی میشود یا دولت که تغییر میکند بموجب صریح آئین نامه و عملی که داشتیم باید يك صورتی برای نمایندگان و دولت بفرستند برای دولت لوایح و برای وکلاء طرحها اگر وکلای جدید بطرحهای قدیم عقیده دارند دوبرتبه تقاضا میکنند و همچنین دولت این يك نکته. آقای منصور هم بر حسب فشار خود آقایان بالاخره آمد و گفت من تعقیب می کنم و تقاضا کردند این طرح را بنده میخوانم (طرح قرائت شد) پس باید حل بکنیم که بینیم آیا دولت فعلی باید پیشنهاد بکند یا نکند؟ اگر باید دولت جدید هم تقاضا بکند اول کارها اینست که باید تقاضای دولت جدید برسد اگر غیر از اینست پس ما باید برویم سراغ آئین نامه داخلی که میگوید در

ظرف بکماه کمیسیون گزارش خود را بدهد این شامل کمیسیون مخصوص هم میشود یا نمیشود همانطور که جناب آقای اللهیار صالح توضیح دادند برای کمیسیون خاص مقرراتی نیست و تابع کمیسیونهاست (آقای اللهیار صالح گفتند خودتان نظر بدهید) بنده نظرم اینست که اگر بعد از گذشتن این ماده دیگر نمیخواهد از دولت نظر بخواهیم که آن حرفی است علیحده و قسمت دومش بنده خیال می‌کنم نظری باشد و مربوط به کمیسیونهای عادی مجلس است.

آقای دکتر پیرنیا اظهار داشتند: بعضی از آقایان طوری صحبت کردند مثل اینکه يك نگاهلی در کار شده در صورتیکه اینطور نیست برای اینکه دولت تازه روی کار آمده و باید مطالعاتی بکند فرصت لازم است.

آقای حائری زاده گفتند: چند روز مهلت لازم است و آقای دکتر پیرنیا جواب دادند که کتباً سؤال بفرمائید.

آقای عامری توضیح دادند: که دولت آقای منصور الملک این لایحه را در دستور مجلس قرار دادند طرحتی که در مجلس تهیه شده بامضای ده یازده نفر رسیده این لایحه‌ای که بوسیله دولت در دستور مجلس قرار داده شده بود بکمیسیون مخصوص قرار دادند اگر مجلس میخواست این را در دستور مجلس قرار بدهد باید ۱۵ نفر امضاء کرده باشند این بر حسب تقاضای دولت در دستور مجلس قرار گرفته و بعداً بر حسب تقاضای عده ای از نمایندگان در کمیسیون مخصوص قرار گرفته فعلاً هم بنظر بنده چون دولت تغییر پیدا کرده باید دولت جدید بیاید و تقاضا بکند که در دستور مجلس قرار بگیرد (آقای فرامرزی گفتند صحیح نیست) و چون اظهار نظری نکرده ما نمیتوانیم کاری بکنیم.

آقای دکتر شایگان گفتند: مثل اینکه ما اصرار داریم که مطالب را گیره بزینم

اگر حرفی هم هست باید دولت بگوید دولت چیزی که نگفته است گفته است ما مهلت میخواهیم که مطالعه بکنیم، دولت گفته ما چون فرصت نداریم فرصت بمابدهید تا مطالعه بشود بهر حال کمیسیونی که تشکیل شده باید بیک وضعی از اوضاع گزارش کار خودش را بدهد و اما راجع بمدت من عقیده‌ام اینست که ما کمیسیون خاص هستیم و نظرم اینست که در گزارش نوشته شود که چون کار کمیسیون تمام نشده ما منتظریم که کار خودمان را بعد از آنکه دولت دوسیه‌ها را داد تمام بکنیم و گزارش کار خودمان را بدهیم.

آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند: که راجع باین نامه‌ای که از طرف وزارت دارائی نوشته شده استنباط میکنم که دو قسمت باید کرد اظهار نظر راجع بقرارداد را با ارسال گزارش‌های مربوطه اینها باید دو قسمت بشود بهر حال ارسال این سوابق هیچ ارتباطی با اظهار نظر دولت راجع بلا یحه نفت ندارد چه نفیاً و چه اثباتاً.

در این موقع آقای فرامرزی پیشنهاد کفایت مذاکرات کردند و توضیح دادند: مگر اینکه در آئین نامه تصریح شده باشد که لایحه‌ای که دولت داد اگر دولت عوض شد کمیسیون نمیتواند تعقیب بکند مگر با نظر دولت اگر تصریح نشده باشد این کار مال دولت است و باید تمام بشود کاری که يك دولتی شروع کرده این کار قابل جریان است تا جریانش را طی بکنند مگر اینکه دولت بگوید نکند بنظر من قضیه روشن است کمیسیون هم خواه ناخواه باید گزارش کارش را بدهد هر چه بیشتر صحبت بکنیم اطلاع کلام و فوت کردن وقت است و قضیه را بیشتر بفرنج میکنند بنابراین خواهش میکنم الان گزارش تهیه بشود و بعد بمجلس تقدیم گردد که مجلس تکلیف این کار را معین بکند.

آقای دکتر کاسمی بکفایت مذاکرات مخالف بودند و گفتند: بنده دیر آمدم نمیدانم آقای دکتر پیرنیا چه فرمودند. دولت باید در این کمیسیون حاضر شود و وزارت دارائی جواب داده است که مدارک میفرستم این نامه تأیید ضمنی نیست شاید دولت این لایحه را پس بگیرد دولت باید بدو تأیید کند و بعداً گزارش داده بشود. رأی پیشنهاد کفایت مذاکرات گرفتند و تصویب شد (آقای دکتر کاسمی رأی ندادند).

پیشنهاد آقای فقیه زاده مبنی بر ارسال پرونده و تمدید مدت قرائت و مورد توجه واقع نشد.

آقای حائری زاده پیشنهادی مبنی بر ...

و جناب آقای دکتر مصدق توضیح دادند که ما يك کمیسیونی تشکیل داده ایم برای يك کار مخصوص کمیسیون بموجب انتخاب مجلس تشکیل شد يك گزارشی هم آقای مکی داده اند حالا دولت کاغذی نوشته بکمیسیون که من مدارک را نمیتوانم تهیه بکنم این صحبتی را که آقای دکتر پیرنیا میکنند بعقیده بنده صحیح نیست بجهت اینکه ما مدارک را برای کار کمیسیون خواسته ایم اگر ایشان این لایحه را صحیح نمیدانستند و مورد توجه دولت نبود باید بگویند ' باید بنویسند من چند روز وقت میخواهم این را خوب بود همان روز اول میگفتند ما گزارش دادیم که دولت قرار بوده مدارک بیاورد و نیاورده حالا هم گزارش میدهیم که مدارک را نیاورده است. باید حالا گزارشی تهیه بشود که کمیسیون تشکیل شد و آقای دکتر پیرنیا اینطور گفتند. عده ای تقاضا داشتند که گزارش را جناب آقای دکتر مصدق تهیه بفرمایند. در این موقع ساعت ده و نیم (یکساعت و نیم قبل از ظهر) کمیسیون ختم و قرار شد گزارش جهت تقدیم بمجلس تهیه و همه آقایان امضاء نمایند.

رئیس کمیسیون مخصوص نفت - دکتر محمد مصدق

جلسه سوم

سومین جلسه کمیسیون مخصوص نفت ساعت نه و سه ربع صبح دوشنبه بیست و هفتم شهر بورماه ۲۹ بریاست آقای دکتر محمد مصدق و با حضور اکثریت آقایان اعضاء بشرح ذیل:

آقایان: حائری زاده - جمال امامی - بهبهانی - مکی - پالیزی - دکتر علوی - دکتر کاسمی - سرقیب زاده - فقیه زاده - دکتر هدایتی - اللهیار صالح - ناصر ذوالفقاری تشکیل گردید.

آقای دکتر هدایتی راجع بارسال اسناد و مدارک نفت از طرف دولت مطالبی ایراد و گفتند: باید بالاخره يك راهی برای ارسال اسناد و مدارک از طرف دولت پیدا بشود.

آقای جمال امامی گفتند: ما يك گزارشی تهیه کردیم و بمجلس تقدیم شد حالا باز هم میشود در اینخصوص بدولت چیزی بنویسیم خوبست حالا حلقه را پاره کنیم و کمیسیون تصمیم بگیرد که دولت برود يك قرار داد بهتری بیاورد اگر میخواهید دولت را در این خصوص استیضاح بکنید باید اول تکلیف دولت را معین بکنید بعد استیضاح بکنید.

آقای مکی گفتند: بنده از بیانات آقای امامی اینطور استنباط کردم که ایشان يك دستگاه رادیوگرافی دارند که میتوانند مکتوبات قلبی هر کس را بخوانند. اما راجع بوظیفه این کمیسیون يك قانونی گذشت در دوره ۱۵ که آن قرارداد قوام سادچیکف را لغو کرد و دولت را مکلف نمود که برای استیفای حقوق ملت ایران تا آنجا که ممکن است کوشش بکنند مدت ها این قانون گذشته بود و دولت ها هم همینطور با امروز و فردا میگذرانند تا اینکه آقای عباس اسکندری دولت را استیضاح

کرد و با اینکه نسبت بدولت رأی داده شد مع هذا برای قضیه نفت بدولت رأی سکوت دادند و رأی اعتماد ندادند و این دلیل بر این بود که دولت را خاطی میدانست این قانون هنوز لغو نشده است و میتوانیم بدولت ها تذکر بدهیم که با بودن این قانون و با اینکه سه ماه است دولت آقای رزم آرا روی کار آمده هنوز برای استیفای حقوق ایران در موضوع نفت کاری نکرده است ما دولت را مجرم میدانیم . وقتی که يك کمیسیون مخصوصی برای يك کاری معین میشود این باید کارش را تمام بکند خاصه که ما هنوز کوچکترین اقدامی برای کار نفت نکرده ایم و دو مرتبه هم بمجلس شورای ملی گزارش داده شده که ما این پرونده ها را خواسته ایم و دولت نداده است بنده میخواستم باطلاع آقایان برسانم که آن قانون هست و میتوانیم از دولت بخواهیم .

آقای حائری زاده اظهار داشتند: عقیده ما نسبت به نفت یعنی شخص خودم چیزی نیست که در پرده باشد نطق های من در مجلس راجع بقرارداد داری حاضر است که من می گفتم این بضرر مملکت است و حالا هم موجود است من عقیده دارم با این اوضاع و احوال دنیا اگر يك دولت و مجلس متحدی داشتیم می توانستیم صنعت نفت را ملی بکنیم و امتیاز خودمان را از اجانب بگیریم و به ممالکی که احتیاج دارند به نفت بتوانند از ما بخرند و ما هم بفروشیم این يك کمیسویی است و برای يك امر خاصی تشکیل شده ما نباید موجبات تمویق کار خودمان را فراهم بکنیم و باید کار خودمان را بکنیم باید نظر دولت معلوم شود اگر نظر مسامحه و طفره است آقایان باید از دولت بازخواست بکنند .

آقای دکتر علوی گفتند: در مورد فرمایش آقای امامی که فرمودند این قرارداد الحاقی بنظر ایشان چون مطالعه کردند آنطور که باید و شاید استیفای حقوق ملت

را نمیکند ، بنده عقیده ام اینست که این قرارداد دولت باید نظر بدهد تهیه بکند و ما بنشینیم زورش مطالعه بکنیم ما باید از دولت بپرسیم راجع بقرارداد الحاقی که بماداده شده شما موافقید یا نه ؟ بما بگویند که چه در نظر دارند .

آقای دکتر هدایتی قانون راجع برسیدگی نفت را قرائت و توضیحاتی دادند و متذکر شدند: که الان اینکار وظیفه مجلس است و مجلس هم بموجب این ماده عده ای از نمایندگان يك طرحی دادند و این کمیسیون تشکیل شد برای رسیدگی باین قرارداد پس باید دولت بیاید و دلائل و اسناد آن را بیاورد و دولت هم هنوز نیاورده ما باید رد بکنیم این مسئولیت را بخود دولت ثابت بکنیم که این اختیاری که بماداده شد و نتوانستیم کاری انجام بدهیم بواسطه این بود که دولت دوسیه و مدارک را نیاورده است: **آقای الهیار صالح** اظهار داشتند: بنده میخواستم جواب آقای جمال امامی داده بشود راجع باینکه فرمودند این کمیسیون باز هم صلاحیت دارد یا ندارد این ماده که خوانده شد و جناب آقای دکتر هدایتی توضیح دادند که این کمیسیون از طرف مجلس تشکیل شده و باید نتیجه رسیدگی را بمجلس تقدیم بدارد حالا اگر دولت سکوت بگذارد و مدارک را نیاورد ما باید حتی الامکان کار خودمان را تمام بکنیم بنده نظرم این بود که اگر نماینده دولت نیاید پیشنهاد کنم که شرحی بجناب آقای نخست وزیر نوشته شود و توضیح خواسته شود .

(در همین موقع آقای دکتر پیرنیا معاون وزارت دارائی در کمیسیون حضور بهم رسانیدند) .

آقای دکتر هدایتی راجع باز سال پرونده ها و اسناد مربوط بنفت توضیحاتی خواستند: و

آقای دکتر پیرنیا در جواب گفتند: سؤال آقای دکتر هدایتی بواسطه این بود که در جلسه گذشته تشریف نداشتند و ما محروم بودیم از زیارت ایشان (دکتر هدایتی - بنده صورت جلسه قبل را خواندم) جریان این بوده بطوری که بنده اطلاع دارم اسناد و مدارک حاضر بوده که بکمسیون بفرستند همانروز که بنا بود فرستاده شود وزیر جدید معین شد و ایشان گفتند که من میخواهم بخوانم و من آمدم اینجا و مهلت خواستم بنده اینطور استنباط کردم که کمسیون اینطور تصمیم گرفت که يك گزارشی بدهند به مجلس (آقای دکتر مصدق گفتند بعنوان شکایت) و بعد از او از طرف کمسیون بنده خیال می کردم که کمسیون منتظر است که اقدامی نکرده و بدولت بنویسند پروندهها فرستاده بشود والا اگر يك نامه ای نوشته شده بود و یادآوری کرده بودند بنده می گفتم با آقای وزیرداری که مطالعه شان تمام شده یا باز مهلت میخواهند و علت اینکه تا بحال فرستاده نشده همان مهلتی بوده که آقای وزیرداری میخواستند، اینکه بنده آمدم اینجا میخواستم نظریات خودم را عرض بکنم و الان که تلفن فرمودند مستقیماً آمدم بینم چه فرمایشی دارید و از طرف ایشان چیزی عرض نمیکنم و دستوری بمن نداده اند و این مهلت برای مطالعه شخص خودشان بوده است.

آقای مکی گفتند: بنده عین اظهارات آقای دکتر پیرنیا را در جلسه قبل قرائت میکنم که بدانند کمسیون مسامحه نکرده است این در مجلس قرائت شده چطور ما گفتیم سلب اختیار کردیم و کمسیون تمام شده است قبل از اینکه جناب عالی تشریف بیاورید این موضوع مطرح شد که قانونی از مجلس دوره ۱۵ گذشته که دولت ها مکلفند استیفای حقوق ملت ایران را بکنند پس بنا بر این مجلس هم متوجه این موضوع

شده است که دولت هائی که قصور کرده اند در اجرای این قانون مورد مؤاخذه واقع شده اند و برای نمونه عین تصمیم قانونی مجلس بعد از استیضاح آقای عباس اسکندری از دولت آقای ساعد در مورد نفت و رأی سکوتی که از طرف مجلس داده شد این موضوع را بخوبی میسازد.

آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند: بنا بر این در خصوص مطالعات قرار بوده که آقای وزیرداری مطالعات بکنند و بعد پرونده را بفرستند و تا روز آخر مسافر نشان مشغول مطالعه این پروندهها بودند از طرف ایشان نمیتوانم بیانی بکنم ولی اینطور میتوانم احساس کنم که مطالعه ایشان تمام است و در صورتی که تقاضا بشود ممکن است با کسب اجازه از جناب آقای نخست وزیر فرستاده بشود.

آقای جمال امامی اظهار داشتند: که دوسه موضوع است که نباید آنها را مخلوط بکنیم اولاً مانشتمه ایم اینجا که قانون ۲۵ مهر ماه را مطالعه بکنیم یا این قرارداد را مطالعه بکنیم مجلس بما اجازه نداده است ما مأمور بتمان اینست که این قرارداد الحاقیه را مطالعه بکنیم و این وظیفه ما است خطاب با آقای دکتر پیرنیا نموده گفتند اولاً مجلس هر وقت يك پرونده ای را از دولت خواست دولت حق ندارد نفرستد و بگوید میخواهم مطالعه بکنم ما باید مطالعه کنیم دولت حق ندارد پس دولت تخلف کرده آنروز که ما ایراد نکردیم از نظر مصالح بود اما بعد که بنا بوده باز دهم تیر بفرستند حالا که نفرستاده اند این تخطی از اوامر مجلس شناخته میشود این بهانه گیری است بنظر بنده اگر راستی تشخیص دادید که دولت نمیخواهد این قضیه را بجائی برساند ما يك تکلیفی داریم و باید يك گزارشی بمجلس تقدیم کنیم که ما هر چه نشستیم دولت بما همراهی بکنند دولت نکرد بدولت اخطار بفرمائید که آقا باید تا فلان روز بیایید

و وظیفه‌تان را انجام بدهید اگر نیامد بدین ورقه را بعنوان استیضاح تلقی بفرمائید.
آقای دکتر هادی اظهار داشتند: که آقای دکتر پیرنیا ببنده فرمودند تعجب
 میکنم از بیان جنابعالی در صورتی که از بیان جنابعالی همه تعجب میکنند خود
 حضرتعالی تشریف آورده اید اینجا سه چهار امضاء کرده اید.

(نامه شماره $\frac{۲۹۶۲}{۳۹۴۱۱}$ وزارت دارائی مبنی بر استمهال برای ارسال مدارک و
 اسناد نفت قرائت گردید) اینکه فرمودید از جناب آقای نخست وزیر کسب اجازه
 بشود دیگر لازم نیست جنابعالی خودتان معاون وزارت دارائی هستید و میتوانید این
 پرونده‌ها را بفرستید.

آقای جمال امامی تذکر دادند: پرونده تنها کافی نیست و باید دولت اظهار نظر
 خودش را هم بکند.

آقای فقیه زاده گفتند: جواب آقای دکتر پیرنیا را جناب آقای مکی در قسمت
 بیاناتشان فرمودند در روز صبح يك كتابچه و نامه‌هایی بآوردند راجع بگزارش ماهیانه
 وزارت دارائی در آنجا قسمت‌هایی تعیین شده منجمله آقای دکتر پیرنیا و آقای شعاعی
 و قسمت نفت را مخصوصاً بعهده آقای دکتر پیرنیا محول شده که ایشان پرونده‌ها را
 بیاورند و ما ببینیم.

آقای دکتر پیرنیا اظهار داشتند: موضوع اینست که آقای وزیر دارائی يك
 مهلتی خواسته بودند برای مطالعه و کمیسیون هم وقت داد برای مطالعه و آنطوری
 که بنده اطلاع دارم از لحاظ مطالعه دولت هیچ مسامحه نکرده است با این گرفتاریهایی
 که دارد اینجا هم فرمودید که فوری پرونده‌ها را بدهید اگر فرموده بودید بنده

بآقای وزیر دارائی می‌گفتم که کمیسیون نمیخواهد دولت مطالعه بکند بنده تصور
 میکنم اگر آن مرقوم بفرمائید فردا برایتان بفرستیم بنده برای این آمدم اینجا
 که همکاری با کمیسیون کرده باشم و هیچ دستوری از احدی ندارم برای اینکه من
 که معاون پارلمانی نیستم.

آقای جمال امامی توضیح دادند: آقای دکتر پیرنیا همانطور که تذکر دادند
 معاون پارلمانی نیستند که مسئولیت داشته باشند چون ایشان اطلاعات از این قرارداد
 دارند قرار بوده است که بما توضیحات بدهند.

آقای ناصر ذوالفقاری گفتند: مجلس شورای ملی ما را انتخاب کرده مجلس
 شورای ملی یعنی نماینده ملت و این نماینده ملت ما را برای گرفتن حقوق خودش
 فرستاده است اینجا ما باید از دولت بخواهیم بنده دلم میخواهد که این پرونده‌ها را
 مطالعه بکنم بمن نمیدهند، بمن اطمینان پیدا نمی‌کنند این موضوع بستگی باحیات
 مملکت دارد من یقین دارم که در این کمیسیون يك نفر مدافع کمیانی نفت نیست همه
 مدافع حقوق ملت هستند بنده عقیده ام اینست همانطور که گفته شد يك شرحی بدولت
 نوشته شود.

آقای دکتر پیرنیا گفتند بنده تصور می‌کنم که دولت باید طرف اعتماد مجلس
 باشد نه مجلس طرف اعتماد دولت نفرستادن این پرونده‌ها همانطور که عرض کردم روی
 اصل مطالعه بوده است.

آقای پالیزی اظهار داشتند: راجع بقسمت منافع ملت ایران نه اکثریتی هست
 و نه اقلیتی باید منافع ملت ایران گرفته بشود راجع بارسال مدارک همانطور که آقای

د کتر پیرنیا گفتند پرونده‌ها حاضر است و عقیده‌ام اینست که شرحی نوشته شود و پرونده‌ها خواسته بشود.

آقای حائری زاده توضیح دادند ما دو موضوع داریم یکی پرونده‌است و یکی اظهار نظر دولت است که دولت با این قرارداد چه میگوید منصور الملک آمد و راجع بقرارداد یک چیزهایی گفت و رفت این دولت اقلاً همان حرف را هم نزد ما خودمان میخوانیم مطالعه بکنیم پس از اینکه مطالعه مان تمام شد دولت باید بعد نظرش را بدهد.

آقای اللهیار صالح تذکر دادند که بنده خیال میکنم مذاکرات کافی باشد و دولت پرونده‌ها را بیاورد فرمایشات آقای د کتر پیرنیا روی اصل وفاداری از وزیر مربوطه شان هست و استنباط کرده اند که مطالعات تمام شده است پس ما یک شرحی مینویسیم آقای نخست وزیر که تا فلان روز اگر پرونده را نفرستند و نظر ندهند ما بوظیفه قانونی خودمان عمل خواهیم کرد بنابراین مذاکرات کافی است.

آقای جمال امامی نظر خودشان را راجع بنوشتن نامه بیان کردند و بالاخره باتفاق آراء تصمیم گرفته شد که نامه ای بجناب آقای نخست وزیر در خصوص ارسال پرونده‌ها و اظهار نظر دولت در تاریخهای معین نوشته شود نامه مزبور تهیه و باتفاق آراء تصویب گردید که بدولت فرستاده بشود.

در این موقع جلسه نیم ساعت بظهر ختم گردید.

رئیس کمیسیون مخصوص نفت - د کتر محمد مصدق

جلسه چهارم

چهارمین جلسه کمیسیون مخصوص نفت دو ساعت قبل از ظهر روز دوشنبه سوم مهر ماه ۱۳۲۹ بریاست آقای د کتر محمد مصدق و باحضور اکثریت آقایان اعضاء مشروحه زیر: آقایان: حائری زاده - بهبهانی - جمال امامی - جواد غامری - فقیه زاده - د کتر علوی - مکی - سرتیب زاده - گنجی - اللهیار صالح - پالیزی - فرامرزی تشکیل گردید. بدو نامه شماره $\frac{۱۶۳۷۴}{۲۹/۷/۲}$ دولت در خصوص ارسال پرونده‌ها و اینکه دولت منتظر

نتیجه بررسی کمیسیون است قرائت شد.

آقای د کتر علوی اظهار کردند: بنده میخواستم این پرسش را بکنم با در نظر گرفتن آن نامه‌ای که در هفته گذشته با آقای نخست وزیر نوشتیم و این نامه ای که آمده قانع کننده هست یا نیست (نامه مزبور قرائت شد) ما اینجا نوشتیم که شما نظر خودتان را بگوئید و اگر بفاصله ده روز نظرتان را نگوئید ما شما را استیضاح میکنیم اینجا باز همان رویه‌ای را اتخاذ کردند که دولت سابق اتخاذ کرد و آنها از ما نظر خواسته‌اند در صورتیکه باید اول دولتها مطالعه بکنند و نظر خودشان را بدهند، این لایحه اگر مورد قبول دولت است باید بگویند که مورد قبول ما هست و ما هم مطالعه میکنیم و نتیجه آن را بدولت میگوئیم و اگر هم نیست بگویند بنابراین جواب دولت بنظر من قانع کننده نیست دولت باید مدافع لایحه باشد و قطعاً بان لایحه‌ای که میدهد نظر توافق دارد.

آقای فقیه زاده گفتند: بنده از فرمایشات آقای د کتر حالا مطلع شدم که اینطور جواب داده اند اگر نظر آقایان باشد جناب آقای د کتر مصدق پشت تریبون با آقای منصور گفتند باید بگوئید این لایحه را قبول دارید یا ندارید بنابراین این جوابی که دولت داده است نظر ما را تأمین نمیکند، دوم اینکه میخواستم استدعا

بکنم بدون حضور نماینده دولت باز کردن پرونده ها صلاح نیست و اگر آقایان اجازه بفرمایند يك نامه ای نوشته شود که يك نفر نماینده را تعیین بکنند که باحضور آن نماینده پرونده ها باز و مطالعه بشود.

آقای دکتر مصلح اظهار داشتند: ما این لایحه الحاقیه را قبول داریم یا نداریم اگر قبول داریم که باید پرونده را باز بکنیم و اگر مخالف هستیم باید بدولت بنویسیم که کمیسیون با این لایحه مخالف است. اما وقتی که ما بدولت گفتیم که اگر شما فرس می کنید که این لایحه منافع دولت را تأمین میکند که بنویسید تا ما روش مطالعه بکنیم و اگر منافع ایران را تأمین نمی کند ما باید بدولت بنویسیم ما باید این مسئله برای خودمان محرز باشد که آیا این لایحه روی منافع ایران تهیه شده یا نشده است.

آقای جواد عامری گفتند: دو چیز خواسته شده یکی پرونده ها و دیگری نظر دولت حالا دولت پرونده ها را فرستاده است اما اینکه از ما نظر خواسته اند بنظر می آید که مجلس شورای ملی مقصودش از تعیین این کمیسیون این بوده که کمیسیون نظر خودش را بگوید.

آقای فقیه زاده گفتند: با این پیشنهاد جناب آقای دکتر محمد مصدق قبل از رسیدگی پرونده ها این اظهار نظر مورد ندارد مخصوصاً اینکه گزارشات جناب آقای نظام امامی لازم است و ممکن است از این گزارشات ما خیلی استفاده بکنیم ممکن است بگوئیم لغو و ممکن است بگوئیم صحیح و قبل از رسیدگی پرونده ها بنظر بنده مورد ندارد.

آقای جمال امامی توضیح دادند: که این پیشنهادی که بنده در جلسه قبل کردم و مورد قبول آقایان واقع شد برای این بود که يك مرحله ثانوی برسیم و استنباطم

اینست که این ترتیبی را که پیش گرفته ایم ما هیچوقت بنشیجه نمی رسیم دولت ها میخواهند این بار را از گردن خودشان بردارند و بیندازند بگردن مجلس این بود که این پیشنهاد را کردیم که دولت را مجبور بکنیم نظریه خودش را بدهد این قسمت اولش بود و در قسمت دومش هم همانطور که آقای دکتر فرمودند من هم موافقم حالا آقایان اگر خیال می کنید که وارد هستید و فرس می فرمائید که این لایحه تأمین منافع ما را نمی کند پس این نامه را بمجلس بنویسیم اول بنسده امضاء می کنیم ولی آقایان شاید بگویند که ما مطلع نیستیم اول مطالعه بکنند بعد تصمیم بگیرند.

آقای دکتر مصلح در جواب توضیح دادند: که اینجا موضوع اینست که بعد از اینکه مطالعه کردیم ما بمجلس گزارش خواهیم داد اگر بمجلس گزارش بدهیم که بدولت دیگر طرف نیستیم اولاً این قرارداد الحاقی هر کس بگوید که من میخواهم مطالعه بکنم بعقیده بنده بیخود گفته است مگر اینکه بخواهند امرار وقت بکنند روی این لایحه الحاقیه در مجلس در دوره ۱۵ بقدری صحبت شده ' بقدری در روزنامه ها چیز نوشته شده و در تمام مسائلش در مسائل عایداتش ' در مسائل ارزش و بطور کلی در تمام مسائلش مذاکره شده است ' این لایحه با اینصورت که الآن هست روی منافع ایران نیست از هر کس بپرسید میدانند این کمیسیون که انتخاب کردند اگر کاری نکند غیر از بدنامی چیزی بار نخواهد آورد باید کمیسیون کاری بکنند که هم وظیفه اش را انجام بدهد و هم بدنام نشود در جلسه قبل ما تصمیم گرفتیم که يك نامه ای بنویسیم بدولت روی اصل ماده قانون دوره ۱۵ که دولت باید منافع ملت ایران را حفظ بکنند دولت باید صریحاً بگوید که عقیده من روی این لایحه چیست ' حالا دولت از این شاخ بآن شاخ میرود یعنی میخواهد بگوید که من کار باین کار ندارم و کمیسیون

مستول این کار است، کمیسیون باید با کمی مذاکره بکند؟ آیا کمیسیون حق دارد که با شرکت نفت مذاکره بکند؟ این وظیفه دولت است حالا آیا آقایان معتقدید که این لایحه بمنافع دولت ایران هست یا نیست اگر آقایانی باشند که مطالعه نکرده باشند بنا بر این باید يك سو کمیسینی معین بشود از پنج نفر آن سو کمیسیون تمام پرونده ها را با اطلاع معاون یا نماینده وزارت دارائی بخوانند و روی آن گزارش بدهند و روی آن گزارش آقایان نظر بدهند.

آقای دکتر علوی گفتند: بیانات جناب آقای دکتر مصدق حاوی دو نکته بود یکی راجع باینکه آیا این نامه آقای نخست وزیر را ما قبول میکنیم و همینطور بمجلس گزارش میدهیم و یکی راجع بسو کمیسیون بود بنده فکر میکنم اساس تشکیل این کمیسیون برای مطالعه بوده ما اگر بخوایم اختیارات خودمان را به پنج نفر بدهیم این صلاح نیست البته اگر سو کمیسیون مطالعه بکند و خلاصه بکند این پرونده هارا اینهم عمل خیلی شاقی است بنده اساساً نسبت به این سو کمیسیون چندان نظری ندارم و فکر میکنم بالاتفاق يك تصمیم بگیریم بهتر است يك جواب دیگری بود راجع به آقایان دکتر مصدق و امامی که فرمودند ما بیایم در مرحله اول این لایحه را رد بکنیم (حال امامی بنده که نگفتم) بنده که در دوره ۱۵ که وکیل بودم و ممکن است آن مباحثاتی که شده برای بنده قانع کننده نباشد و بعقیده بنده آنطور که باید و شاید قرارداد الحاقی مورد مطالعه و شور قرار نگرفته و هنوز ما يك پرونده های جامعی نسبت باین قرارداد الحاقی نداریم ما باید بانهایت دقت بدون در نظر گرفتن اینکه زید و عمرو چه میگویند در خارج این کمیسیون ما خودمان وجداناً این قرارداد را مورد مطالعه قرار بدهیم.

آقای فرامرزی گفتند: بنده معتقدم اگر بخوایم بنتیجه برسیم یعنی روی این عمل بشود راهی ندارد مگر اینکه دولت را مجبور بکنیم که تعقیب بکند ما خودمان دور هم بنشینیم و صحبت بکنیم و بمجلس گزارش بدهیم اگر دولت نخواهد رویش نظر بدهد این ممکن نیست بنتیجه برسیم برای اینکه ما می نشینیم و مطالعه میکنیم و گزارش میدهیم بمجلس و این گزارش میماند و از بین میرود، عمل عاملی میخواهد بدون عامل عمل صورت نمیگیرد عامل کارهم فقط دولت است ما باید بدولت بگوئیم که یا بیاید مسئولیت را بگردن بگیرد یا اولش بکنیم، البته این را من از دولت شنیده ام که آنها حاضر نیستند يك چیزی اضافه بدهند و ما هم مشغول مذاکره هستیم خلاصه من این را عملی نمیدانم مگر اینکه دولت قبول یابد بکند بنا بر این ما باید گزارشمان را بدولت بدهیم نه بمجلس و باید ما دولت را مجبور بکنیم بدخالت در قضیه آن گزارشی که بمجلس ۱۵ آمده راجع بنفت برای ما هیچ روشن نیست برای من که هیچ روشن نیست زیرا من آنچه که فتم نیست نه مطالعه میکنم و نه گوش میدهم در این دوره من تصمیم گرفتم که وارد بشوم و بفهمم چه چیز است، کسی که بلد باشد و بتواند مرا حالی بکند پیدا نکردم از طرف خود شرکت نفت بامن تماس گرفتند خلاصه من خواستم کسانی که میدانند با آنها صحبت بکنم آنها ارقامی بمن نشان دادند و بموجب آن ارقام سهمی که بدولت ایران میدهند از تمام نقاط دنیا که میدهند زیاد تر است یعنی بصاحب معدن مگر در زمین های معاهده یعنی بین عراق و نجد یعنی مال ما میشود در هر تنی ۱۸ شلینگ، این سو کمیسینی که اگر شما تعیین میکنید بالخصوصی که میدانید میتوانند با رقم بماناب بکنند و با مقایسه با سایر منابع دنیا که حاضر میکنیم از این قرارداد الحاقی این را باید با محالی بکنند،

آنها يك منافعی دارند از ما میبرند هر چه هم ما حرف بزیم ضرر ما و نفع آنها است مگر اینکه سو کمیسیون مطالعه بکند و یکی از کارهایش این باشد که معایب این لایحه را ببا بگوید و مقایسه آنها با سایر منابع دنیا بکند خیلی خیلی مامنون می شویم و از اینکه سو کمیسیون نظرش را اظهار بکند من مخالف نیستم.

آقای مکی در جواب گفتند: البته این سو کمیسیون حق ندارد اظهار نظر صریح بکند و از این لحاظ میگوئیم که گزارش را تهیه بکند و وقت ماضی نشود والا این سو کمیسیون هیچگونه اختیاری ندارد و اما همانطور که آقای ققیه زاده فرمودند درست است که در این لایحه خیلی بحث و گفتگو نوشته شده اما هنوز قسمتهای مختلف آن بر اشخاص پوشیده است و مطالعات لازم نشده است گزارشات پرورفور ژیدل را باید مطالعه کرد بنده خواستم پیشنهاد کرده باشم که بلکه کار مایک جاهائی رسید که خواستیم تصمیم بگیریم باید از پرورفور ژیدل واقعا دعوت کرد که بیاید اینجا و با توضیحات کافی و شافی يك چراغ هدایتی پیش پای ملت ایران بگذارد و ما بتوانیم از ایشان استفاده کنیم. یکی گزارش آقای نظام امامی است که این گزارشها هنوز بر ما مجهول است که چه گزارشاتی بوده است.

آقای حائری زاده گفتند: در قضاوت يك دفعه آدم يك موضوعی برایش مجهول است شروع میکند بتحقیقات و قاضی هم گوش میکند پس از اینکه حرفها تمامش گفته شد قاضی قضیه برایش روشن است و تصمیمش را گرفته است در موضوع نفت و کار ماها بکعبه تصمیمشان را گرفته اند بنده در ۲۷ سال پیش که کمیسیون نفت بود بنده آنروز تصمیم خود را گرفته ام رفقائی هم که در جبهه ملی داریم صاحبی ای که مخبرین با جناب آقای دکتر داشتند عقیده ما در جراندروشن شده ماها هیچ احتیاجی

برای مطالعه این پروندهها نداریم ما روی استدلال باید تهیه مدارك بکنیم يك چیزی هست که می بینم بحث میشود که دولت چرا ظرفه می رود، از نظر اصول پارلمانی صحیح است دولت باید نظریه خودش را صریحاً بگوید ولی موضوع نفت يك چیزی مافوق همه آنهاست ما میدانیم که دولت هایترو سن داینها میترسند پیش کمیانیهای نفت، منصور را ما میدانیم که چه جور از این شاخ و آن شاخ کرد که آلوده بنفت نشود این دولت هم همینطور خودش را داخل نمیکنند من متقدم ماضی وقت نباید بکنیم مطالعات زیادی هم ندارد ما باید بدولت بنویسیم که این لایحه هیچ منافع دولت ایران را تأمین نمیکند و باید دولت استیفای حقوق ملت ایران را بکند انگلستانی که امروز بانکها را ملی میکند ملی شدن یعنی دولتی شدن یعنی از دست شرکتها و کمپانیهای خصوصی گرفتن اگر راه حکمیت و راههای دیگری نداشته باشیم باید صنایع نفت خودمان را ملی بکنیم ما قرارداد فروش نفت بممالک مجاور خودمان منعقد میکنیم اگر دولتی باما هم فکر باشد مجلس و دولت هم آهنگ باشد هیچ موقعی بهتر از حال نیست برای لغو امتیازات خودمان من این کمپانی را محل آزادی و آسایش و آرامش و همه چیز ایران می شناسم و اگر يك شاهی از این نفت استفاده بکنیم این باز بصره ملت ایران است.

آقای عامری اظهار داشتند: بنده میخواستم بگویم که اینها همه مقدمه است و اصل مسئله حفظ حقوق و منافع ایران است الان همانطور که جناب آقای دکتر فرمودند بعضی مسائل کلی هست مثل میزان نفتش که اگر ما آنجا را جلوش بگیریم این منافع ایران است یکی مسئله استخدام است. يك مسائل کلی است که هر کس توجه بکند اهمیت دارد بنظر من نباید دولت را ما کنار بگذاریم باید دولت را بخواهیم و بگوئیم مگر منافع مردم را نمیخواهی ما باید بگوئیم که این مصالح ایران را تأمین

نمیکند نه بگوئیم که ما چه چیز میخواهیم آنها میگویند که بگوئید چه چیز میخواهید تا ما بدهیم ما باید آن سه چهار مسئله اصولی را بگوئیم که کمیسیون مطالعه بکند و استناد بکنیم و بگوئیم این سه چهار مسئله اصولی را که در نظر گرفتیم منافع ایران را تأمین میکند.

آقای گنجه ای گفتند: اهمیت مسئله نفت با اندازه ایست که وقتی که مطرح میشود کمان میکنم که ملت ایران با دولت یکصد باید تشریک مساعی بکند بنده عرایضم در تأیید بیانات جنابعالی بود که ما هر چه صحبت میکنیم مثل اینست که ما نتیجه نخواهیم گرفت بعقیده من تعیین سو کمیسیون مفید نخواهد بود باید شروع بکنیم همه این پرونده ها را بخوانیم لازم نیست که ورق ورق بخوانیم آن مطالبی که مهم است دانه دانه خوانده بشود و ما روشن بشویم یک چیزهایی در اینجا میخواهیم و یک چیزهایی هم در خارج راجع بمقایسه هم وضعیت مقایسه در اداره امتیازات تمام کارهایش شده و از آنجا میخواهیم که آمارشان را بیاورند بعد از این بنشینیم برای اظهار نظر اگر دولت آمد و یک راه اصلاحی پیدا شد که چه بهتر و اگر نشد باید ما گزارش بدهیم به مجلس با استدلال و منطق.

آقای دکتر علوی گفتند: بعقیده بنده باید بنشینیم و این قرارداد الحاقی را مطالعه بکنیم ببینیم اول تا آخرش چه هست بنده بعقل و درایت جناب آقای حائری زاده ایمان کامل دارم ولی این بیانی که فرمودند که بنده با ایده فیکس آمدم اینجا این یک قدری بنده کله دارم من مطالعه نکردم و با هیچ ایده فیکس نیامدم اینجا باید با هم دیگر بنشینیم شور بکنیم، مطالعه بکنیم و یک نظر واحدی بگیریم و

نتیجه ببریم، راجع بملکی کردن صنایع نفت ایران این ایده آل همه ملت ایران است البته آمال ما اینست که یک روزی بفضل خدا اینکار را بکنیم ولی بنظر اینجناب امروز موقع این عمل نیست بنده پیشنهاد می کنم که ما بیائیم یکبار یا در این جلسه و یا در جلسه بعد این قرارداد را از اول تا آخر بخوانیم ببینیم معنای مفهوم آن چه چیز است بعضی ها هستند بنده که یک شخص مبتدی هستم میگویند این قرارداد از قرارداد های مشابه مالک خاورمیانه بهتر و برای ایران مفیدتر است ما باید این قرارداد را بخوانیم و بعد نظریات خودمان را اظهار بکنیم.

آقای جمال امامی اظهار داشتند که ما میخواهیم راجع بتمام این صحبت هایی که شد صحبت کنیم صحبتمان به درازا میکشد مخصوصاً آن نماینده وزارت دارائی که باید راجع باین جزئیات توضیحات بدهد نیست جناب آقای دکتر مصدق فرمودند که دولت آمده است نامه ای نوشته و تکلیف را بگردن کمیسیون گذاشته است یک قانون در دوره ۱۵ داریم که دولت را مکلف میکند برای استیفای حقوق ایران و یکی هم این لایحه است دولت یکوظیفه دارد باید نظر بدهد که این لایحه استیفای حقوق ملت ایران را میکند یا نمیکند آیا دولت این را کافی میدانند یا دارد صحبت میکند اگر صحبت میکنند پس دلیل اینست که این را کافی نمیدانند ما از دولت عاجزاً تقاضایمان اینست و باید دولت را مکلف بکنیم و این پیشنهاد من از این نظر بود که دولت بیاید و نظریه خودش را بگوید قریب ۵۰ میلیون پول ما ازین میروند اگر ما قبول نکردیم این پول را بگیریم برای این بود که ما مطالبه بیشتری داشتیم منظورمان اینست که دولت بنیاید بگوید ما داریم صحبت میکنیم و میخواهیم بیشتر بگیریم، آنطوری که خودم اطلاع دارم شرکت نفت حاضر نیست چیزی اضافه بدهد مگر اینکه ما

مجبورش بکنیم یعنی مجلس دولت ها را مکلف بکنند و بگویند تو باید اینقدر بگیری البته صلاح نبود این صحبت ها حالا گفته بشود ولی چون جناب آقای حائری زاده وارد بعضی مطالب شدند ناچار پیش آمد در هر صورت این قرارداد دو جانبه است يك جانبه نیست از این گذشته از نظر اقتصادی هم این را نفرمائید ما از نفت جنوب سالی ۵۰ میلیون لیره عایدی داریم هر چه این مملکت ارز دارد از نفت جنوب است سه مملکت است که در تمام دنیا میتواند نفت را اداره بکند، انگلستان، امریکا و روسیه شوروی است اصلاً بازار نفت دنیا در دست آنها است، لوله دست آنهاست الآن چند صد میلیون سرمایه کمیابی است بنده عقیده ام اینست که کنایچه نظریات پرفسور ژیدل را شما مطالعه بکنید کافیت برای اینکه پرفسور ژیدل واقعاً يك نابغه ایست، این قراردادی که آقای تقی زاده بسته است این مملکت را چهار میخه کرده است و امروز برای ما راه مقری باز نگذارده است اگر بیایند نظریه پرفسور ژیدل را برای ما تأمین بکنند بنده امضاء میکنم چون يك آدم خیره و بیطرفی است بنده الان روی ۱۶ شیلینگ سابق اگر بدهند باز هم امضاء میکنم و الآن حق ما بین ۱۳ و سیزده و نیم دور میزند يك قسمت مهمی که بعقیده من خیلی مهم است قسمت تصفیه خانه است که میخواهند از اینجا ببرند وقتی تصفیه خانه را بردند يك قسمت مهم از عواید ما از بین خواهد رفت اینست که ما آنوقت استناد روی این دو موضوع کردیم یکی هم در قسمت سؤم مالیات دولت انگلستان بود کمیابی میگفت من نمیتوانم کاری بکنم قسمت پرسنلی را میشود حل کرد آنهم با در نظر گرفتن توانائی خودمان میگویند اگر شما دارید این مستخدمین را بما بدهید ایده آل ما غیر از

توانائی ما است و یکی هم قرارداد بحری با انگلستان است که باید روی این چند موضوع ما استناد کنیم.

آقای د کتر مصدق اظهار داشتند: قسمت مهم اینست که آیا ما صلاحیت داریم يك گزارش بدیم که این نفت چه باید بشود یاخیر؟ خیر نداریم. این کمیسیون بعقیده بنده اگر اوراق را بیاورند بخوانند و ورق هم بزنند نخواهد توانست يك گزارشی بدهد که بنظر من قرارداد باید اینطور تنظیم بشود.

رایورت پرفسور ژیدل از قراریکه شنیده ام از حیث مالی بکلی منفی است، مجلس يك چیزی را رجوع کرده بکمیسیون اما به کمیسویی که نمایندگان مجلس هستند نه متخصص اگر ما بخوایم تخصص بکنیم، یکسال هم مطالعه بکنیم مانعیتوانیم نظریه بدیم پس ما باید روی يك کلیاتی خودمان را متقاعد بکنیم.

گزارش پرفسور ژیدل برای حفظ صورت البته در اینجا قرائت میشود اما کمیسیون صلاحیت این را نخواهد پیدا بکنند که بگویند این قرارداد الحاقیه چه جور باید بشود آقایان الآن روی يك کلیاتی موافق هستند روی پرسنل مثلاً ما بگوئیم که برخلاف قرارداد رفتار شده است وسایر مسائل دیگر.

در همین دوره ۱۵ آقای گلشائیان بالاترین خیانت را به مملکت کرد و همین کاغذ مرحوم داور را دو مرتبه زنده کرد و در آخر دوره ۱۵ آقای گلشائیان يك نامه ای به کمیانی نوشت (آقای جمال امامی گفتند در جواب کمیانی نوشت) چه فرق میکند اینها يك مسائلی است که روی این مسائل مثلاً یکی قرارداد بحری است که میشود روی آن استناد کرد، مابطور کلی میدانیم که این قرارداد صلاح مملکت نیست و اگر بنویسیم هیچ کار خلافی نکرده ایم راجع به پرسنل شما موافق هستیم راجع بقرارداد

بحری و مالیات و سایر قسمت‌های دیگر پس بنا بر این همه معتقد هستیم که این قرارداد الحاقی در صلاح مملکت نیست دولت مکلف است بر طبق آن قانون دوره ۱۵ با کمپانی داخل مذاکره شده و استیفای حقوق ملت ایران را بکند این وظیفه ما است دولت باید مذاکراتش را با کمپانی تمام بکند و نتیجه را بمجلس بگوید کمیسیون نمیتواند روی نظر دولت اظهار عقیده بکند ماصلاحیت نداریم بگوئیم چه چیز درست و یا غلط است.

آقای حائری زاده گفتند: من يك توضیحی میخواهم بدهم فرمایش کردند که نظر فلانکس نبخته است البته لازم نیست که همه در يك موضوعی متحد باشیم مجلس هست، اقلیت دارد و اکثریت هم دارد کمپانی آمده در آن موقع يك چیزهایی از ملت ایران گرفته حالا باید يك کسی بگوید آنها همه بی ارزش است ما باید وحدتی در مجلس ایجاد بکنیم و قیام و مبارزه بکنیم برای خدا کثر استفاده از حق ایران راجع باینکه گفته شد مهندسین ما نمیتوانند کاری بکنند این درست است البته ما میرویم ابتدا يك کمپانی‌هایی استخدام میکنیم مهندسین خودمان را هم تربیت میکنیم برای این کار ما نمیخواهیم بهم بزنی همان دستگاه باشد و ما می فروشیم نفتمان را بسایر ممالک دنیا.

آقای مکی در تأیید فرمایشات آقایان دکتر مصدق و امامی و عامری تذکر دادند: که بنده توجه کمیسیون را بیک موضوعاتی جلب میکنم، مواردی که کسلاه سرملت ایران رفته زیاد است همین قیمت نفت بحری انگلیس است یکی موضوع نفت و بنزین در داخله ایران است ما يك کشور صادر کننده نفت و بنزین هستیم يك موضوع دیگر کنترل ایران در دستگاههای نفت است هنوز ما يك کنترل دقیقی در

دستگاه نفت نداریم این یکی از مواردی است که ما باید بدانیم. یکی هم که آقای دکتر علوی فرمودند راجع بقراردادهای مشابه خاور میانه اینها تمام در اداره امتیازات موجود است دیگر راجع بقیمت اراضی است که ما با شرکت نفت اختلاف داریم و همچنین راجع بکارگران ایرانی است که من سؤال کردم.

آقای سر قیاب زاده اظهار داشتند: عقیده‌ام اینست که بکفایت مذاکرات رأی گرفته بشود دو نظریه است یکی اینکه سوکمیسیون این پرونده‌ها را با حضور نماینده دولت مطالعه بکند و یا اینکه خود کمیسیون مطالعه بکند.

آقای اللهیار صالح اظهار داشتند: بنده به کفایت مذاکرات مخالفم و بنظر بنده میشود این را اضافه کرد صحبت در اینست که این قرار داد الحاقی منافع ایران را تأمین نمیکند و خوبست گفته بشود دولت برود يك راه بهتری را پیش بگیرد، بنده می خواستم يك چیزی اضافه بکنم که ما بگوئیم بچه دلیل این قرارداد معیوب است، ملت ایران هنوز برایش روشن نیست که این قرارداد چه عیب دارد بنظر من خوبست این را اضافه بکنیم که این قرارداد با این دلایل و این جهات نافع بحال ملت ایران نیست و ذکر این موضوع لازم است اینست که ما این دوسیه‌ها را ببینیم و چند تا از مسائل مهم درجه اول را که مضر بودن این ماده الحاقیه را نشان میدهد بیان کنیم.

آقای دکتر مصدق اظهار داشتند: این را بعد از اینکه خواندید تصمیم بگیرید. در این موقع بکفایت مذاکرات رأی گرفته شد و تصویب گردید و همچنین باتفاق آراء تصویب شد که پرونده‌ها با حضور نماینده دولت باز بسته شود و شرحی بدولت نوشته شود که نماینده دولت در جلسه آتیه که روز چهارشنبه پنجم مهرماه ۱۳۲۹ تشکیل میشود حضور بهم رسانند.

جلسه ساعت ۱۲ (ظهر) ختم و جلسه آتیه بر روز چهارشنبه پنجم مهرماه ساعت نه و نیم صبح موکول گردید. رئیس کمیسیون مخصوص نفت - دکتر محمد مصدق

جلسه پنجم

پنجمین جلسه کمیسیون مخصوص نفت بر باست آقای دکتر محمد مصدق و حضور نماینده دولت (آقای دکتر پیرنیا معاون وزارت دارائی) و اکثریت آقایان اعضاء بشرح ذیل:

آقایان: گنجهای - دکتر هدایتی - سرتیب زاده - جمال امامی - دکتر علوی - یالیزی - دکتر کاسمی - فقیه زاده - مکی - حائری زاده - اللهیار صالح - عامری دو ساعت قبل از ظهر روز چهارشنبه پنجم مهرماه ۲۹ تشکیل گردید.

بدو آ صورت جلسات اول دوم و سوم کمیسیون قرائت و پس از تذکر اصلاحی آقای جمال امامی در مورد بیانات خودشان در جلسه سوم که بجای اینکه نوشته شود: « دولت باید بیاید تکلیف این قرارداد را تعیین بکنند » نوشته شده بود: « دولت برود يك قرارداد بهتری تهیه بکنند و بیاورد » اصلاح و تصویب گردید.

سپس آقای دکتر مصدق متذکر شدند که آقای فرمانفرمائیان دیروز آمدند منزل بنده کله کردند از یکی از اعضاء کمیسیون که گفته بودند ایشان مینوت کاغذ هژبر را تهیه کرده اند، ایشان گفتند در آن موقع بنده داخل آن کار نبودم و مینوت آن کار مرحوم هژبر بخط خودش تهیه کرده است و در پرونده هست (آقایان جمال امامی و مکی گفتند اینطور گفته نشد) مذاکرات کمیسیون خوب است که در خود کمیسیون بماند.

آقای جمال امامی اظهار داشتند: این موضوع را خود آقا چند دفعه تذکر

دادید و من هم گفتم که اسرار این کمیسیون باید در خود کمیسیون بماند ولی تمام مذاکرات کمیسیون ما من دیدم در روزنامه باختر نوشته شده بود.

آقای مکی گفتند: بنده عرض کردم نظیر کاغذی که مرحوم هژبر نوشته تهیه کرده اند که آقای وزیر و معاون جلوی آرا گرفته حالا این خبر را قلب کرده اند. آقای دکتر پیرنیا معاون وزارت دارائی تذکر دادند: که از لحاظ مصالح دولت هم خوب نیست که گزارشی از جریان مذاکرات کمیسیون بخارج داده بشود و هرگونه خبری که از کمیسیون بخارج برای جرائد باید داده شود با شور و موافقت کمیسیون باشد.

آقای سرتیب زاده سؤال کردند: حالا که تصمیم می گیرید که اخبار از اینجا خارج نشود پس مستمعین آزادی که می آیند اینجا چطور میشود؟

آقای جمال امامی جواب دادند: اگر نمایندگان مجلس مقصودتان هست همانطور که آقایان اعضاء کمیسیون تذکر داده شد با آنها هم گفته میشود که افشا نکنند.

آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند: این پرونده هائی که تقدیم کردم بکمیسیون پرونده هائی است که مربوط بقرارداد الحاقی است پرونده هائی که راجع بموضوع نفت در وزارت از چند سال پیش تهیه شده پرونده های خیلی متعددی است صورت آنرا داده ام استخراج بکنند که بیاورند خدمت آقایان. پرونده های جاری مثل پرونده صرف طلا و با مستخدمین جزو این صورت ها نیست اینها هر کدام لازم است بفرمائید بیاورند خدمتتان ضمناً يك رويه ای را انتخاب کرده بودند بنا به پیشنهاد بنده و آن این بود که بکنفر تندن نویس مثل این کمیسیون تعیین شده بود که تمام اظهارات طرفین را عیناً بنویسد و بنده از آن بیانات هم دو جزوه تهیه کردم چه

مذاکرانی که در زمان وزارت دارائی جناب آقای وارسته شده بود و چه مذاکرانی که در زمان آقای گلشائیان شده بود میخواستیم عرض بکنیم علاوه بر این قرارداد الحاقی و چند موضوعی که در نامه کمیسیون ذکر شده بود علاوه بر آن تمام پرونده‌هایی که در وزارت دارائی در اداره امتیازات هست تمام دست تهیه است، راجع بگزارش جناب آقای نظام امامی هم مطلع نشدم که چه گزارشی مورد لزوم است تلگرافی بایشان کردم که چه گزارشی را مفید میدانند که اطلاع بدهند و به کمیسیون فرستاده بشود.

آقای گنج‌های نظر داشتند: که برای اینکه در مطالعه این پرونده‌ها ما بجای برسی و انتظامش درست باشد از روزی که آن قانون استیفای حقوق ایران گذشت از آنجا شروع بکنیم و بیائیم جلو و هر چه هست نوبت این پرونده‌ها باید خوانده بشود.

آقای مکی گفتند: بنده می‌خواستم توضیحی عرض بکنم در دوره گذشته که موضوع نفت مطرح شد بک پرونده‌های خود آقای گلشائیان داشتند که بکروزیایشان در همین اطاق در اختیار من گذاشتند این پرونده مخصوص مطالعه وزیر دارائی بود گزارش آقای هژیر هم در آنجا بود، گزارش یرفسور ژیدل هم در آن بود میخواستیم ببینیم آقای دکتر پیرنیا اطلاع دارند از این پرونده در اینجا هست یا نیست و یک قسمت دیگر راجع بگزارش آقای امامی است که اینطور گزارش داده اند که اگر شما این کار و آن کار را بکنید نفع ایران است.

آقای جمال امامی توضیح دادند: این قضیه دو جنبه دارد یکی جنبه تاریخیست که ببینیم از روزی که این قانون گذشته دولت‌ها چه کارهایی کرده‌اند و این از نظر تاریخی خیلی مهم است و یکی از روزی که شروع شده بتنظیم

این پرونده یعنی دعوی دولت ایران از شرکت نفت در نتیجه آن قانون ۲۶ ماده در زمان مرحوم هژیر بمساعدت آقایان تهیه شد بک گزارشاتی قبل از آن آقای دکتر پیرنیا هم اطلاع دارند که آقای نظام امامی داده بودند که آن پرونده ۲۶ ماده‌ای روی آن تنظیم شد و در کابینه آقای حکیم‌الملک بود که قضیه مسکوت عنه ماند و دوباره در زمان کابینه مرحوم هژیر تنظیم شد اگر هژیر هیچ کار نکرده و مضر هم برای مملکت بوده همین ۲۶ ماده که تنظیم کرده همینقدر کافیست و جبران میکند چون خیلی خوب تنظیم شده است و تمام دعوی ما روی آن دور میزند حالا ما میتوانیم بگیریم یا نگیریم این بمرحوم هژیر مربوط نیست او کارش را کرد و رفت بنابراین اگر آقایان بخواهند قضیه مطالعه پرونده شروع بشود یکی در کابینه آقای قوام السلطنه که چه اقدامی شده و یکی در کابینه حکیم‌الملک و سومی در کابینه مرحوم هژیر است که چه اقداماتی شده و تاریخچه اش را باید از آنجا شروع بکنیم.

آقای دکتر مصدق اظهار داشتند: که ما باید بفهمیم که مأموریتمان چیست مأموریتمان که معلوم بشود کارمان هم معلوم میشود بعقیده بنده امروز مأموریت ما این نیست که ما بک نظریاتی بدهیم که چه باید بکنیم این وظیفه دولت است اگر وظیفه ما بود ما باید حق داشته باشیم که با شرکت نفت صحبت بکنیم پس وظیفه ما این است که این قرارداد ۲۶ ماده‌ای را که می‌فرمائید از مرحوم هژیر باقیمانده این را مطالعه بکنیم ببینیم این بصالح مملکت هست یا نیست و اینکه می‌فرمائید بیائیم ببینیم کابینه آقای قوام و حکیمی چه کاری کرده این بعقیده بنده اتلاف وقت است پس ما اینجا سه چهار چیز اصولی و اساسی داریم روی این قرارداد که اگر این سه چهار چیز با نظریات کمیسیون تطبیق نکند باید دولت را مجبور بکنیم که برود با

کمیانی مذاکره بکنند بعقیده بنده یکی نظر ما روی ماده ۱۰ این لایحه است که اساساً آن قرارداد ۱۹۳۳ را تأیید میکنند این قرارداد الحاقیه یعنی این ملحق بقرارداد ۱۹۳۳ است و قرارداد ۱۹۳۳ بنظریات خود امضاء کنندگان مخدوش شده است یکی روی ماده ۱۶ راجع بکارگران ایرانی است که مطابق آن کاغذهایی که آقای گلشائیان و مرحوم داور نوشته اند و برخلاف قراردادی که داریم عمل کرده اند و یکی راجع بقسمت های نفت است ما باید ببینیم این سه چهار چیز را موافقت داریم یا نداریم اگر موافقت دارید بسیار خوب و اگر موافقت ندارید ما یک گزارشی بدهیم به مجلس که کمیسیون نتوانست با این قرارداد موافقت بکند و مجلس دولت را مکلف بکند که استیفای حقوق ملت ایران را بکند.

(آقای دکتر کسرمی گفتند: پس این پرونده ها را برای چه خواستید) ما اینها را نخواستیم ما گفتیم یک چیزهایی که مؤثر است برای ما بفرستند حالا میفرمایند چند روز دیگر برویم یا کنوس بکنیم و ببینیم چه چیزهایی مؤثر است اینها اتلاف و امرار وقت است چیزهایی که باید مطرح بشود یکی ماده ۱۰ و یکی ماده ۱۶ است وقتی ما بایک یادو چیزش موافقت نکنیم دولت قهراً مجبور است که با کمیانی وارد مذاکره بشود اینها را بفرمائید جناب آقای دکتر پیرنیا توضیحات بدهند این کاغذ مرحوم هژیر را بیاورید بخوانید ماده قرارداد را بیاورید بخوانید ببینید درباب طلا هژیر چه نوشته ، راجع بکارگران ما باید ماده ۱۶ را بخوانیم و نامه آقای گلشائیان را هم بخوانیم بنده این عرایضی که میکنم برای اینست که وقتمان تلف نشود بما گفته اند که ببینید این قرارداد صلاح هست یا نیست اگر صلاح است که خیلی خوب و اگر صلاح نیست باید بگوئیم که کمیسیون روی این اصول موافقت ندارد و دولت مکلف است که استیفای حقوق ملت ایران را بکند.

آقای عامری اظهار داشتند: بنده تصور می کنم که در آخر جلسه گذشته همه روی این موضوع متفق بودیم و جزئیاتش را گفتیم من خودم پیشنهاد کردم سه موضوع را یکی قرارداد بحری با انگلستان بود که گفتیم لطمه بزرگی بما میزند یکی راجع بمالیات که بدولت انگلستان میدهند و یکی راجع بکارگران و یکی مصرف نفت و بنزین ایران بود و یکی هم همین ماده ۱۰ که جنابعالی فرمودید. اینها را در آخر جلسه حل کردیم و مستحضر شدیم اگر آقایان موافق باشند شروع بکنیم بقرائت ماده ۲۶ ماده ای.

آقای فقیه زاده در تأیید بیانات آقای رئیس اظهار داشتند: که ما باید باین قرارداد رسیدگی بکنیم والا ما طرف مذاکره با کمیانی نفت که تیشیم بنده میخواستیم تأیید کرده باشم که نظریات ایشان صد درصد صحیح است و فقط یک نکته ای هست که آقای مکی فرمودند من از خارج استنباط کرده ام که اگر گزارشی که آقای نظام امامی داده است که اگر دولت وارد مذاکره بشود بهتر میتواند منافع ببرد آن گزارشها را بیاورند اینجا.

آقای جمال امامی اظهار داشتند: بدبختانه بنده با این نظر آقایان باین خلاصه گی موافق نیستم تصدیق میکنم که نباید برویم دوسیه های ۴۰، ۵۰، ۵۰ ساله را رسیدگی بکنیم ما باید ببینیم چه دعوی کرده ایم و آنها چه جوابهایی داده اند دعوی ما یک صورتی دارد و تمام این مطالبی که فرمودید و تأیید شد در آن صورت هست اینهم نظری است ممکن است یک ماده ای بنظر من مهم بیاید و یک ماده بنظر جنابعالی بنابراین من استدعا میکنم که صورت آن دعوی ابتدا بیرون بیاید و قرائت و مطالعه بشود. آقای مکی تذکر دادند: اطلاعی بنده پیدا کرده ام و آن اینست که نفت و

بمزین مصرف آذربایجان را از عراق عرب میآورند به حیدرآباد و این عمل درسال يك ميليون و نیم بملت ایران ضرر وارد میآورد.

آقای دکتر هدایتی اظهار داشتند: بنده ضمن اینکه فرمایشات جناب آقای دکتر مصدق را تأیید میکنم استفاده هم کردم این مطلبی که میفرمائید روی احاطه است که خود حضرت تعالی روی این نکات دارید میخواستم عرض بکنم خلیها هستند که اطلاعات حضرت تعالی را ندارند و معتقدم که پرونده ها را هم نمیشود تمام خواند تقاضا میکنم در ظرف امروز یا فردا اجازه داده بشود که دو سه نفر بنشینند و اینها را بخوانند و یا اینکه به بنده شخصاً اجازه داده بشود مطالعه کنم.

آقای دکتر پیرنیا اظهار داشتند: بنده برای استحضار جناب آقای دکتر مصدق و آقایان عرض میکنم چون من وارد هستم باین سوابق این موضوعها تمام بهم مرتبط است، این قراردادها نتیجه يك سلسله سوابق و مذاکرات است يك موضوع دیگر که خیلی مهم بود بعرض برسانم این بود که این کمیسیون که تشکیل شد بنده خیلی خوشحال شدم برای اینکه دیدم موقعی رسیده که یکمده از پیشوایان این مملکت وارد این دقایق مسائل بشوند و بنده با اینکه ممکن است وقت آقایان را بگیرد میل دارم که یکمده از پیشوایان که اینجا هستند کاملاً وضع ما را ببینند که چه رفتاری بما شده است، عملاً وقتی شروع فرمودید بمطالعه ماده ۱۰ توجه خواهید فرمود که تمام این پروندهها و سوابق را لازم میشود که مطالعه بفرمائید؛ صورت را بنده تقدیم میکنم و جهد میکنم که آنچه در اختیارمان هست در اختیار آقایان بگذارم بنده خودم هم اینجا هستم و اطلاعات لازم را توضیح میدهم و بنظر بنده همان صورت دعوی خوانده بشود بهتر است.

آقای پالیزی اظهار داشتند: در دوره ۱۵ مجلس شورای ملی يك قانون خاصی

گذرانده که استیفای منافع ایران بشود البته دولت ها هم رفته اند و صحبت هم کرده اند بنده الان که اینجا نشسته ام بدولت ها بدین هستم برای اینکه آنها بوظائف خودشان عمل نکرده اند آن ۲۶ ماده خوانده بشود تا ببینیم که اقدامات دولت چه بوده است یا مورد تأیید آقایان قرار میگیرد و یا نمیگیرد.

آقای دکتر پیرنیا اظهار داشتند: بنده خواستم آنچه که از لحاظ تاریخ و کابینهها اطلاع دارم بعرض آقایان برسانم که چه اقدامی شده این امتیاز نامه وقتی که در سال ۱۹۳۳ داده شده در سال بعدش اختلاف تعمیر هائی پیش آمد بین دولت و شرکت نفت که از سابق هم وجود داشت و وزارت دارائی مطالبه میکرد و ختی قبل از اینکه این قانون از مجلس بگذرد مطالعاتی که شد اینطور نتیجه گرفته شد که آنطور که باید و شاید این قرارداد حقوق ملت ایران را تأمین نمیکند و از همانوقت يك دعوی تهیه شد بعد از اینکه این قانون گذشت در زمان کابینه قوام بود و بعد از مدتی این کابینه سقوط کرد در همان دوره يك مذاکرانی جریان داشت راجع بماده ۱۶ قرارداد که دولت مطمئن بود که کمیانی تخطی کرده است بمجرد اینکه این ماده از قانون گذشت این موضوع بشدت بیشتری تعقیب شد و منتهی شد باینکه يك یادداشتی راجع بماده ۱۶ در زمان کابینه آقای قوام السلطنه و وزارت دارائی مرحوم هژیر بشرکت نفت داده شد در ضمن دادن این یادداشت مرحوم هژیر گفت يك قانونی هم از مجلس گذشته راجع باسناد قرارداد و استیفای حقوق ملت ایران بعد از اینکه این یادداشت اولی مربوط بماده ۱۶ و نظریات دولت بشرکت نفت داده شد در کابینه جناب آقای حکیمی که مدتش خیلی کوتاه بود وزیر دارائی مطالعاتی میکرد راجع بجریان نفت و مطالعات متخصصین قتی هم ادامه داشت تا اینکه این اطلاعات تمام شد و يك

خلاصه ادعا نامه‌های تهیه شد که در اینجا هست بعد از آن یادداشت مفصلی که در زمان کابینه مرحوم هژبر تهیه شد و يك كميسيونى تحت رياست آقاى وارسته راجع باین دعاوى مأمور مذاكره بانمارتبه‌شركت نفت شد كه بعد از چند جلسه مذاكره نماينده شركت نفت اظهار داشته كه ما حالا اطلاع پيدا كرديم از دعاوى دولت ايران و ميرويم صحبت ميكنيم و نتيجه را ميگوئيم سه هفته راجع باین جريان مذاكره شد كه آنهم در اين پرونده ها هست.

در اين موقع عين يادداشت دولت ايران و صورت ۲۶ ماده دعاوى ايران از شركت نفت قرائت شد و آقاى دكتور پيرنيا در اطراف هريك از مواد توضيحاتي دادند.

آقاى اللهيار صالح سؤال كردند: اين يادداشتى كه تهیه شده آقاى هژبر تهیه کرده اند؟ آقاى دكتور پيرنيا جواب دادند بلى.

آقاى جمال امامى توضيح دادند: شركت به دولت اعلام کرده چه نظريه‌يائى دارند بدهيد بما و دولت اينصورت دعاوى را تهیه كرد و نماينده شركت آنها را برد بلندن كه مذاكره بكنند.

آقاى اللهيار صالح سؤال كردند: مرحوم هژبر كه اين را تهیه کرده پس چرا وزارت دارائى اينرا منتشر نكرده؟

آقاى مكى جواب دادند: در مجلس خواننده شده است آقاى گلشائيان اين نامه را كه آوردند در مجلس خواندند اينشان بلند شدند و برخلاف مصالح مملكت گفتند كه آقاى زيدل گفته‌اند كه اگر مادر اينمورد بحكميت ببريم اين امتحار است و ما از بين ميرويم (آقاى جمال امامى گفتند بنده هم در حضور هيئت دولت اعتراض كردم گفتند من در جواب بيانات آقاى تقى زاده عصبانى شدم و گفتم اينرا) و يكى در مورد صرف طلا است و اين

موضوع را گویا آقاى دكتور پيرنيا اطلاع داشته باشند كه ما در بانك بين الملى يك سهمى داريم و الان كه بما حساب ميكنند ۲۴۸ شيلينگ بوده كه شايد در بازار آزادش ۵۰ شيلينگ بيشتتر حساب ميكنند و مسالى چند بن مليون ليره از اينكه يك سهمى در صندوق بين الملى داريم ضرر ميكنيم.

آقاى دكتور پيرنيا گفتند: اين يك پرونده مفصلى دارد و تفاوت قيمت طلايكى از مطالب مهم اين پرونده است.

آقاى دكتور مصدق اظهار داشتند: كه اين دعاوى ماشين بشود و براى ما هر كدام يك نسخه داده بشود و گزارش پرفسور زيدل هم ترجمه بشود كه مامطالعہ بكنيم و عقیده مان را بگوئيم.

آقاى دكتور پيرنيا اظهار داشتند: هنوز گزارش پروفيسور زيدل ترجمه نشده است ولى ترجمه خلاصه را من دارم اگر مایل باشند من بدهم ترجمه بشود ولى ترجمه اش خيلى طول ميكشد.

در خاتمه قرار شد كه از طرف وزارت دارائى خلاصه ترجمه پرفسور زيدل و صورت دعاوى و همچنين مواد قرارداد الحاقى ماشين و براى هريك از آقاى بان اعضاء كميسيون يك نسخه جهت مطالعه داده بشود.

جلسه ظهر ختم و جلسه بعد بروز چهارشنبه دوازدهم مهر ماه ۲۹ دو ساعت و نيم قبل از ظهر موكول گرديد. رئيس كميسيون مخصوص نفت - دكتور محمد مصدق

جلسه ششم

ششمين جلسه كميسيون مخصوص نفت دو ساعت قبل از ظهر روز چهارشنبه دوازدهم

مهر ماه ۱۳۲۹ بریاست آقای دکتر مصدق و با حضور آقای دکتر بیرنیا و اکثریت آقایان بشرح ذیل :

آقایان : جمال امامی - ناصر ذوالفقاری - دکتر هدایتی - بهبهانی - جواد عامری - فقیه زاده - مکی - حائری زاده - اللهیار صالح - سرتیب زاده - دکتر علوی - گنجهای - پالیزی تشکیل گردید .

بدو صورت جلسات چهارم و پنجم کمیسیون قرائت ویس از تذکر آقای عامری راجع باینکه صورت جلسات مختصر و اهم مطالب نوشته شود و همچنین تذکر آقای مکی دائر باینکه شیفرهائی که گفته شده کاملاً وفق نیست صورت مجالس بتصویب رسید .
آقای عامری اظهار داشتند: بطوریکه در جلسه قبل هم صحبت شد بک نتیجه گرفته شد که ما روی چند مسئله مهم استناد بکنیم و بگوئیم بطور کلی این سه چهار چیز از جمله قرارداد بحری با انگلستان و راجع بمالیات و دیگر راجع بماده ۱۰ قرارداد و چند مسئله مهم دیگر منافع ما را تأمین نمیکند اگر در این مسئله تردیدی نیست و موافق هستید که ما وارد این کار بشویم . در این موقع نامه هائی که بین وزارت دارائی و کمیسیون مبادله شده بود قرائت گردید .

آقای اللهیار صالح اظهار داشتند: بنده بیک تذکری دارم راجع باینکه آقایان هنوز بمحتویات این پرونده ها وارد نشده اند ولی بک قسمت مؤثرش را خوانده اند از این اوراقی که فرستاده شده علاوه بر این بک سلسله مذاکراتی در دوره ۱۵ راجع به نفت شد که کم و بیش بر آقایان روشن است و تصور می کنم در مجلس شورای ملی و یا از آقایان این کمیسیون کسی نباشد که عقیده داشته باشند این قرارداد الحاقی بنفع ایران باشد حالا که آقایان مطلع شدند و عقیده دارند دیگر صلاح نیست که

این موضوع ها در کمیسیون بماند آخرین نامه ای که آقای نخست وزیر بکمیسیون نوشته اند که کمیسیون مشغول مطالعه و بررسی است پس وقتی که مسلم است که این کمیسیون با این لایحه الحاقی موافق نیست و معتقد است که این منافع ایران را تأمین نمیکند و بک مسائل اساسی هم هست که ما میتوانیم بآن مسائل هم استناد بکنیم پس بنابراین بنده پیشنهاد می کنم که آقایان قناعت بکنند باین تحقیقات و مطالعاتی که شده است و سعی بکنیم که امروز بک نظریه نهائی بدهیم و نظر من اینست که بیش از این از طرف ما که نمایندگان مجلس هستیم این موضوع بتأخیر نیفتد تا بهانه بدست دولت بیفتند و بگویند که چون موضوع در کمیسیون مطرح است من مذاکره نمیکنم .

آقای جمال امامی اظهار داشتند: بنده با نظریه جنابعالی کاملاً موافقم اما آقایانی هستند آنروز هم فرمودند که بعضی از مواد لایحه را میخواهند مطالعه بفرمایند ۵ ماده است بنظر بنده که باید در بیاوریم و رویش بحث بکنیم راجع باین مواد هم که پرفسور ژبندل نظریه داده است مطالعه بکنیم ما که مطالعه کرده ایم نظریه مان ثابت است و آنهائی که مطالعه نکرده اند مطالعه بکنند و از آقای دکتر بیرنیا توضیحات بخواهند آقای عامری پیشنهادی کرده اند که من هم موافقم اگر بخواهیم راه احتیاط را پیش بگیریم قبل از اینکه نظریه مان را بمجلس تقدیم کنیم نظریه مان را بدولت می گوئیم که اگر دولت وارد بحث شده باشد جلوی او را نگیریم .

آقای گنجهای اظهار داشتند: عقیده ام اینست که مطلبی باین مهمی که دو سه جلسه بیشتر صحبت نکرده ایم نمیتوان با این مطالعات مختصر خاتمه بدهیم بنده تقاضایم این بود که بک نسخه دیگر خوانا تر از این رونوشتی که فرستاده شده

برای ما فرستاده بشود که بتوانیم مطالعه بکنیم. مطلب دیگر که اینجا صحبت شد این خواندن نامه های متبادله بین وزارت دارائی و کمیسیون است که من نفهمیدم غرض چه بوده است اگر مطلبی بوده است که بفرمائید ما روشن بشویم (آقای دکتر مصدق جواب دادند مقصود ارسال مدارک مؤثر بوده) دیگر راجع بگزارشهای مربوط به آقای نظام امامی است که اینهم يك معمائی شده است برای اینکه وزارت دارائی خودش نمیفرستد و تلگراف با آقای امامی کرده است اگر آمده باشد در وزارت دارائی و از بین رفته باشد این خودش يك مطلب مهمی است راجع باظهار نظر نهائی بنده فکر میکنم که حالا نمیتوانیم نظر نهائی بدهیم مگر اینکه آن صورت دعای خوانده بشود و جواب هائی که داده شده آنها با دقت مطالعه بکنیم آنوقت نظریه داده شود مقصود اینست که کمیسیون روی این موضوع با اتفاق رأی بدهد نه با قلیت و اکثریت البته همه بطور اختصار اطلاع داریم که فلان ماده چه شده است ولی ما باید کاملاً بجزئیات مطالب وارد بشویم يك موضوعی است راجع به ۶۵ میلیون تومانی که ضرر کمپانی شده از نظر مالیات هائی که مابسته این کمپانی ادعا داشت و آقای نجم الملک آورد بمجلس که در این ماده الحاقیه از او صرف نظر کرده اند. بنده معتقدم که قبل از هر چیز و بدون فوت وقت شروع بکنیم بخواندن آنها.

آقای دکتر هدایتی اظهار کردند: عرض بنده راجع بمطلبی است که آقای صالح عنوان کردند و آقای کنگه ای جواب دادند میتوانم فرمایشات آقایان را تصدیق بکنم و این صحبت هائی که میکنم برای جمع نظر نظریه آقایان است دولت یرونده ها را فرستاده و هر چقدر عقب بیفتد مسئولیتش متوجه ما است و در قسمت بیانات آقای کنگه ای که فرمودند منهم معتقدم که باید یرونده ها را مطالعه بکنیم و مطالعه نکرده

مانباید نظر بدهیم. بنابراین بنده پیشنهاد میکنم که از همین امروز بنشینیم و مطالعه بکنیم که هم مطالعه کرده باشیم و هم کار زودتر خاتمه پیدا بکند.

آقای دکتر علوی اظهار داشتند: بنده در تأیید فرمایشات جناب آقای کنگه ای و همچنین جناب آقای دکتر هدایتی عرض میکنم که اساساً در عرف تجارت هیچوقت هیچ قرار داد با هیچ لایحه ای وجود نداشته و نخواهد داشت که از هر حیث ایده آل باشد بنابراین هر لایحه ای که بیاید ممکن است نقاط ضعفی داشته باشد. قراردادی که ما میخواهیم منعقد بکنیم باید رعایت حقوق طرفین را بکنیم و بازار دنیا در نظر بگیریم و بهیچوجه من الوجوه با قضاوت جناب آقای صالح موافقت ندارم که بروم روی يك ماده این قرارداد و بگوئیم این عیب دارد. بنابراین باید کلیه مواد درست مطالعه کرد آنروز ۲۵ ماده قرائت شد که ما هیچگونه توضیح کافی نشنیدیم ما باید اینجا بحث بکنیم و قضاوت بکنیم و رأی بدهیم که آیا این ماده ای که اینجا گنجانده شده درست هست یا نیست بنده موافقم که این دعای دولت که خوانده شد روی هر يك از این مواد وارد بحث بشویم و موشکافی بکنیم و اگر هم لازم شد متخصصین را اینجا بخواهیم تا بتوانیم نظریه درست بدهیم زیرا مجلس شورای ملی ما را مأمور و قاضی برای اینکار کرده است.

آقای حائری زاده اظهار داشتند: بنده بانظریات آقای صالح موافق هستم بجهاتی یکی اینکه من تشخیص دادم که هیچ ایرانی نیست که طرفدار تضییع حق ایران بنفع کمپانی نفت باشد این عقیده را من دارم کشمکش های ما تمام روی اینست که يك منافع بیشتری عایدمان بشود طرف مذاکره با شرکت نفت دولت ما هست دولت اگر با کمپانی مذاکره میکند بکند ما نظرمان يك دفعه گفتیم و مجلس باید تکلیف

این کار را معین بکنند ما اینجا برای چانه زدن هم باشد مصلحت اینست که زودتر دست دولت را باز بگذاریم که برود مذاکره بکنند که این قطع و فصلی که کرده اید برفع مانعست من مخالف سیاست دفع الوقت هستم و این بصلاح ملت ایران نیست چون ما مأمور مذاکره با کمپانی نیستیم اگر آقای دکتر پیرنیا از طرف دولت با کمپانی مأمور مذاکره شد باید اول ایشان مطالعه بکنند که بتوانند جواب بدهند ما که مأمور اینکار نیستیم ما وقتی دیدیم که یک جهتی دارد این قرارداد الحاقی که منافع ایران را تأمین نمیکند ما ردش میکنیم من سهم خودم چون قرار داد ۱۹۳۳ را نمیتوانم برسمیت بشناسم دولت باید برود مشغول مذاکره بشود مابک کارچین ساده ای داریم و معتقد هستم که هر چه زودتر تصمیم بگیریم بفرماندگان باشد.

در اینموقع پیشنهاد آقای جمال امامی بشرح ذیل قرائت گردید:

بنده پیشنهاد میکنم مواد دعاوی دولت بیک بیک خوانده شده و نظریه پرفسور ژیدل هم راجع بآن مواد خوانده شود.

آقای جمال امامی توضیح دادند: اولاً ما دو قانون داریم که پایه تشکیل این کمیسیون است یکی قانون دوره ۱۵ که دولت را مکلف میکند برود استیفای حقوق ایران را بکند در آن قانون هم بنده تصریح ندیدم که راجع به امتیاز نفت صحبت کرده باشد یکی هم قانونی است که در دوره ۱۶ گذشت و این کمیسیون را معین کرد برای اینکه این لایحه الحاقیه را تحت دقت و مطالعه قرار بدهد اصل امتیاز را بما اجازه ندادند بنا بر این ما بماهیت امر کاری نداریم یک عده از آقایان هستند که اکثریت این کمیسیون را تشکیل میدهند تقاضا دارند که این مواد قرائت بشود و نظریه پرفسور ژیدل هم قرائت و مورد بحث قرار گرفته آنوقت رأی گرفته بشود.

آقای حائری زاده در جواب تذکر دادند: که تمام مذاکره آنیکه مرحوم هژیر با دولت های دیگر با کمپانی نموده اند و همچنین مطالعات آقای ژیدل روی قرارداد ۱۹۳۳ است که آن ماده اش را ما چکارش بکنیم بهتر است در صورتیکه ما به اساس او مخالف هستیم ما باید از این موقعیت فعلی استفاده کنیم و دست دولت را باز بگذاریم که دولت زبان داشته باشد و لایحه ای که در کابینه آقای ساعد آورده اند در مجلس ۱۶ رد شود.

آقای دکتر پیرنیا اظهار کردند: این موضوعی که راجع بر رویه کمیسیون اتخاذ میشود بنده می بینم که بعضی از آقایان میگویند که کمیسیون نظریات نهائی را بدون مطالعه بدهد و بعضی ها میگویند با مطالعه بنده حرفی ندارم ولی بنظر بنده شایسته کمیسیون اینست که پس از مطالعه اظهار نظر بکنند راجع بنظریه حقوق ایران در این مدت یک علت عمده اش اینست که مردم اطلاع کافی راجع بحقوق خودشان نداشتند و جریان نفت بیک صورت سرموزی بود و هیچکس صحبت نمیکرد حالا یک وسیله ای پیدا شده و بنده سعی دارم که اطلاعات کافی بنظر مردم برسد وقتی ملت ایران حقوق خودش را بنحوا کامل خواهد گرفت که اکثریت مردم بنحوا کامل بحقوقشان واقف باشند راجع بگزارشات آقای امامی که آقای گنجه ای مطالبی فرمودند هیچگونه سوء نیتی در بین نیست ایشان راجع بتمام این قسمتها گزارشات داده اند که صورت گزارشات که برای این کمیسیون مفید است از ایشان خواسته شده که مستقیماً به کمیسیون بفرستند و معاماتی در بین نیست.

آقای دکتر مصدق اظهار داشتند: اگر دولت این لایحه را قبول کرده بود مانعی نمیدیدم که با حضور نماینده دولت بحث بکنیم آنوقت نماینده دولت میآید و بحث می کردیم و ممکن بود مأموریت بدیم بآن نماینده دولت که برود مذاکره هم بکند بنابراین من داخل شدن در جزئیاتش را وارد نمیدانم.

آقای ناصر ذوالفقاری اظهار داشتند: بنده میبینم متأسفانه که کمیسیون يك عملیاتی میکند بر خلاف میل اکثریت و شاید اقلیت و آن موضوع استیضاح است دیروز يك استیضاحی داده شده راجع به نفت بنام کمیسیون در صورتی که ما روحان خبر ندارد بنده اعتراض دارم برای اینکه این استیضاح باید قبلاً در کمیسیون مطرح بشود در قسمت دوم جناب آقای صالح فرمایشاتی فرمودند که باین موضوع خاتمه داده و رأی نهائی گرفته بشود در صورتی که ما هنوز مطالعه کامل نکرده ایم و نمیتوانیم عجولانه نسبت باین موضوع مهم قضاوت بکنیم قرار بود که اشخاص متخصص بیانند اینجا و ما از آنها استفاده بکنیم يك مأموریتی مجلس شورای ملی بماداده و باند ما هم درست عمل بکنیم حالا راجع باین استیضاح با متن آن را عوض کنید و یا پس بگردید.

آقای دکتر مصدق در جواب اظهار داشتند: در جلسه اسبق تصمیم گرفته شد که اگر دولت تا ده روز نظریه خودش را راجع بنفت بکمیسیون نگوید استیضاح شود و همه آقایان حاضرین اعضاء کرده اند علت اینکه ما این اقدام را کردیم این بود که از طرف جناب آقای امامی دولت روی مسئله نفت استیضاح شد و ما فکر کردیم که اگر ما این استیضاح را ندهیم در خارج محل بر این می کنند که ما از تصمیم خود بر کشته ایم البته در اصل آن که همه موافق بودند حالا برای اصلاح عبارتی آقایان بهر فرمی که میخواهند عبارتش را تهیه بفرمایند و يك متن صحیحی که آقایان تهیه فرمودید و خوب بود ما آن را پس میگیریم و این را میدهیم.

آقای ذوالفقاری در جواب گفتند: که بنده خودم پیشنهاد دهنده بودم راجع باین موضوع ولی الان فکر می کنم که این استیضاحی که شده بشفع شرکت نفت است چون فردا محققاً دولت اکثریت خواهد داشت در آن نامه نوشته شده که تصمیم گرفته

شد بقسمی باید همگی بنشینیم در کمیسیون و متن استیضاح را تهیه بکنیم.

آقای صالح توضیح دادند: این موضوع استیضاح خیلی واضح است ما مطالب خودمان را آنچه در نظرمان میرسد میگوئیم منتها اختلاف سلیقه است اینجا استیضاح باسم کمیسیون نشد باسم بکمیسیون از آقایان اعضاء کمیسیون نفت شد این يك تصمیم از طرف کمیسیون نشده است هر کدام از آقایان اعضاء کمیسیون میتوانند استیضاح بکنند و مقصود این بوده که کمیسیون خواسته است يك نظری بدهد برخلاف نظریات سایر آقایان راجع بمطالبی که بنده عرض کردم و آقایان حمله کردند من قصدی نداشتم مقصود این بود که کمیسیون وظیفه اش چه چیز است ما وظیفه مان صحبت باشرکت نفت نیست بما گفته اند که این لایحه قابل قبول هست یا نیست وقتی همه معتقدیم که این لایحه منافع مملکت ما را تأمین نمیکند پس بیش از این نگاهداشتن این موضوع در کمیسیون مصلحت نیست.

آقای امامی اظهار داشتند: جناب آقای دکتر مصدق يك مطلبی فرمودند فرمودند که ما با دولت طرف نیستیم و دولت هم نیامده بنا بر این ما نمیتوانیم وارد جزئیات بشویم ما که با دولت طرف نیستیم مجلس يك کمیسیونی را معین کرده؛ دولت يك تکلیفی داشته و به تکلیفش عمل نکرده ولی کمیسیون خودش يك تکلیفی دارد باید پرونده ها را مطالعه بکنند.

آقای مکی در جواب اعتراض آقای ذوالفقاری گفتند: بنده خیال می کنم وقتی نوشته شد اعضاء کمیسیون نفت تصمیم گرفته اند که استیضاح بکنند دیگر اگر بگوئیم که تصمیم يك لغت و معنی کشداری دارد که بنده حرفی ندارم تصمیم یعنی آدم يك کاری که کرد روی کارش بایستد و انجام بدهد این تصمیم است.

ما اینجا تصمیمی گرفتیم و خوشبختانه روی تصمیممان هم امضاء کرده ایم و گزارش هم من که مخبر هستم در مجلس خوانده ام و نوشته ام امضاء کنندگان ذیل چون ده روز موعده مقرر تمام شده دولت را استیضاح میکنیم.

آقای ذوالفقاری گفتند: بنده عرض کردم مخالف استیضاح نیستم اگر آقایان يك تصمیمی دارند باید آن تصمیم بیاید در کمیسیون و همه رویش امضاء بکنند و هر چه بخواهید صحبت کنید بنده قانع نمیشوم.

آقای فقیه زاده گفتند: بنده دو مطلب دارم یکی در قسمت بیانات جناب صالح و دیگری روی این استیضاح بعد از آنکه جناب آقای صالح رأی دادند که این پرونده ها را از وزارت دارائی بخواهند و گزارشات طبع و بین آقایان توزیع کردید این دیگر مورد ندارد که ما مطالعه نکنیم بنده پیشنهاد اینست که بعد از قرائت و مطالعه پرونده ها اظهار نظر بکنیم و اما راجع با استیضاح آقای مکی آوردند که من امضاء بکنم استدعا کردم که این را نگهدارید و فردا که جلسه کمیسیون تشکیل میشود بیاورید که همه مطلع بشوند.

در این موقع به پیشنهاد آقای جمال امامی مبنی بر مطالعات لازم در اطراف صورت مواد دعوی و نظریات پر فورژ بدل رأی گرفته شد و با کثرت تصویب گردید.
آقای ذوالفقاری تقاضا کردند: اگر منع قانونی نداشته باشد آن صورت جلسات کابینه آقای ساعد را راجع بمذاکرات نفت بیاورند اینجا که ببینیم.
آقای دکتر پیرنیا تذکره دادند: این ضمن پرونده های ارسالی هست.
آقای دکتر علوی تقاضا کردند: پرونده حمل نفت با ذریعگان از طریق عراق تا این تاریخ فرستاده بشود.

آقای دکتر پیرنیا گفتند: بسیار خوب فرستاده میشود.

آقای جمال امامی تذکره دادند: در جلسه اول بنا پیشنهاد بنده و تصویب آقایان قرار بود که ماسه نفر را بخواهیم برای ادای توضیحات و آقایان دکتر پیرنیا و جهانگیر و فرمائیان تعیین شدند خوبست مجدداً از آنها دعوت بشود.

آقای مکی در جواب گفتند: اگر از لحاظ توضیح است که آقای دکتر پیرنیا مدتها رئیس امتیازات بوده اند و در تنظیم این لایحه شرکت داشته اند و در مذاکرات کس و ساعد هم شرکت داشته اند که بعد ایشان را کنار میگذارند ما بوزارت دارائی طرف هستیم ما میگوییم وزارت دارائی نماینده اش را بفرستد هر کس را میخواهد بفرستد.

در این موقع ساعت ۱۲ (ظهر) جلسه ختم و مقرر گردید جلسات هفته ای سه روز روز های شنبه و دوشنبه و چهارشنبه از ساعت هشت صبح تشکیل و پرونده ها مورد مطالعه قرار گیرد و چون روز شنبه مصادف با افتتاح مجلس سنا بود لذا جلسه آن شبه بروز دوشنبه موکول گردید که جلسه تا عصر ادامه داشته باشد.

رئیس کمیسیون مخصوص نفت - دکتر محمد مصدق
جلسه هفتم

هفتمین جلسه کمیسیون مخصوص نفت دو ساعت و نیم قبل از ظهر روز دوشنبه هفدهم مهر ماه ۱۳۲۹. بریاست آقای دکتر محمد مصدق و با حضور آقای دکتر پیرنیا معاون وزارت دارائی و اکثریت آقایان اعضاء بشرح ذیل:

آقایان: کهنه ای - بهبهانی - مکی - دکتر علوی - ناصر ذوالفقاری - فقیه زاده - اللهیار صالح - جمال امامی - حائری زاده - جواد عامری - دکتر هدایتی - یالیزی - دکتر کاسمی - فرامرزی - سر تیب زاده تشکیل گردید.

بدو صورت جلسه قبل قرائت و پس از تذکر آقای جمال امامی نسبت بمذاکرات کمیسیون که بایستی در خود کمیسیون بماند و اینکه بعد از آنکه در جلسه قبل تصمیم گرفته شد که آقای مکی که مخبر کمیسیون هستند يك مجموع از گزارشات تهیه بکنند و بنظر کمیسیون برسانند که اگر صلاح باشد بروزنامه ها داده بشود همانروز که این تصمیم گرفته شد بنسده دیدم در روزنامه اطلاعات تمام مطالب نوشته بود میخواستم بینم این اخبار را چه کسی میدهد بروزنامه ها.

آقای مکی گفتند: اگر اینطور باشد و بخواهند بماحله بکنند پس ما هم از امروز مطالب را در روزنامه های خود برای دفاع مینویسیم و آقای جمال امامی تذکر دادند اگر بنا بشود از امروز اخبار این کمیسیون بخارج داده شود من دیگر نمیآیم در نتیجه قرار شد از اداره اطلاعات این موضوع کسب اطلاع بشود صورت جلسه قبل تصویب شد.

آقای بهبهانی اظهار داشتند: ما درست از وضعیت پرونده ها مسبوق نیستیم قرارداد اولیه را بخوانیم که کاملاً همه متوجه بشویم بعد اعتراضاتی که شده بانظریات پروفیسور ژیدل خوانده بشود و با اینکه اگر آقایان اطلاع دارند خلاصه اش را بگویند.

آقای مکی در جواب گفتند: اکثر باین طرز پیش برویم تا آخر دوره هم نمیشود همه را خوانند و آنها هم از خدا میخواهند که اینطور بشود وظیفه ما اینست که قرارداد الحاقی را بخوانیم و نظریه بدهیم ما روی قرارداد داری و قرارداد ۱۹۳۳ نمیتوانیم مطالعه بکنم و طبق اظهار آقای تقی زاده آنها مردود هستند و ارزشی ندارد.

آقای دکتر پیرنیا اظهار داشتند: رویه ای که بنده انتخاب برای توضیح دادن پیدا کردم اینست که آن چیزهایی که لازم است خوانده میشود و بنده توضیح میدهم.

آقای فقیه زاده گفتند: بنده میخواستم فرمایشات آقای مکی را تأیید بکنم و چون وقت کمیسیون ضیق است من بیشتر حرف نمی زنم.

در این موقع قرار شد که صورت دعوی دولت خوانده شود و آقای دکتر پیرنیا توضیحات بدهند.

آقای دکتر پیرنیا ماده اول دعوی دولت راجع به تفاوت طلا و نظریات شرکت و همچنین نظریات پرفیسور ژیدل را قرائت و در اطراف قسمت های مختلفه آن توضیحات مشروحي دادند و نسبت به پرسشهای آقایان اعضاء کمیسیون پاسخ گفتند در جواب آقای دکتر علوی مبنی بر اینکه شرکت می گوید روی هر لیتزر نفتی که در داخله ایران مصرف میشود چهار شاهی ضرر میکنیم و آیا حقیقت دارد یا خیر اظهار داشتند: که این جریان بخش داخلی يك ماده مخصوص دارد که بآن ماده که رسیدیم توضیح خواهم داد.

آقای حائری زاده گفتند: امتیازی که انگلیس جنس میآورد اینجا واسعار نمیدهد چه هست بایستی دولت صادرات نفتش را بگیرد و ما باید اینرا حساب بکنیم و حقوق کمربك واردات و صادراتش را بگیریم يك اشکال دیگر در کار کمیانی هست که سابقاً يك مخارجاتی در ایران داشته برای تأسیسات امروزه تأسیساتش را می برد بسایر ممالک و این پولی که باید اینجا خرج بشود خرج نمیشود و در سایر ممالک دیگر خرج می شود این خودش يك بلای عظیمی است.

آقای فرامرزی در جواب گفتند: من یکوقتی با بعضی از همین ها تماس گرفتم و این مطلب را گفتم گفتند نقطه ای که دولت ایران پیدا کرده همین است ولی شما میخواهید معامله بکنید بانه معامله گر باید فکر صرفه اش هم باشد.

آقای دکتر علوی توضیح دادند: اساساً موضوع صنعت نفت خیلی پیچیده است و اینطور ساده نیست، نفت يك صنعتی است که با رقابت بین المللی مواجه است و قیمت نفت هم روز بروز فرق میکند حالا صحبت بجائی رسیده که تا ژوئیه ۱۹۴۷ مفاصا حساب شده است بنا بر این میماند از وسط ژوئیه ۱۹۴۷ تا با امروز که سه سال میشود آنها می گویند که شما می گوئید ۲۴۸ شیلینگ بهای يك انس طلای حقیقی نیست ممکن است که در زمان جنگ اینطور بوده ولی بعد از جنگ تا بحال تفاوت خیلی نیست در خود انگلیس ۲۴۸ شیلینگ قیمت يك انس طلا است (آقای دکتر پیرنیا گفتند خیر سیصد و خورده است در بازار آزاد) در بازار آزاد طلا وجود ندارد اساساً نرخ رسمی طلا را کی معین می کند؟ دولت افریقای جنوبی و بانک بین المللی و فدرال باهم توافق پیدا می کنند بنا بر این اگر در امریکا ۲۴۸ شیلینگ است این توافق از لحاظ بین المللی است بنابراین تفاوت این چقدر است.

آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند: وقتی که طلا مبدأ ممیزی عمومی قیمت ما نیست بنابراین ما راجع به چقدر شدن آن وارد صحبت نمیشویم وارد اصل مطلب میشویم و می گوئیم که این تضمینی که در بند الف داده شده منافع ما را تأمین نمیکند راجع بوازرات شرکت نفت این دو قسمت است يك قسمت برای مصرف کارمندان خودشان است ۷۰ هزار نفر کارمند مستقیم دارند کمر کی آن را شرکت نفت میپردازد آن چیزیکه کمرک نمی پردازد ماشین آلات است که اینها میگویند که در آخر امتیاز آنها را مجاناً بشما تحویل می دهیم پس بنابراین این مال خود دولت ایرانست اگر وارد بکنیم بضرر خودمان است.

آقای عامری اظهار داشتند: بنده توضیحی میخواهم یکی راجع بابشکه میگویند

این تأسیساتی که می کنیم اینجا اینها را مجانی میدهند در صورتی که آنها يك مبلغ زیادی بابت استهلاك این ماشین آلات بحساب دولت ایران می گذارند و یکی هم راجع باین صادرات است ما فقط ۲۰ میلیون بر ایمان باقی میماند ۸۰ میلیون خرج است اگر ما نظارت دقیقی داشتیم صحیح بود و باید ترتیبی داده بشود که ما نظارت داشته باشیم.

آقای مکی تذکر دادند: الان از سرمایه شرکت نفت انگلیس شرکت هائی از جمله شرکت رویال دوچ تأسیس شده که سی درصد یا چهل در صد از سهمیه شان گرفته اند و آنجا تأسیسات درست میکنند.

آقای دکتر علوی اظهار داشتند: جناب آقای دکتر پیرنیا فرمودند از ۱۹۳۳ نظر باینکه قیمت نفت از قیمت مبنای طلا خیلی ترقی کرده دیگر ما آن قیمت طلا را مأخذ قرار نمیدهیم در سال ۱۹۳۳ قیمت نفت خیلی پائین بود بولی هم که بابت حق امتیاز بما تعلق می گرفت ۳۵ درصد عواید شرکت بود بنابراین اگر ما روی مبدأ طلا ادامه بدهیم آیا بشفع ما هست یا خیر؟

آقای دکتر پیرنیا در جواب توضیح دادند: اینها موضوعی است که همه بآن توجه دارند و حل خواهد شد مثلاً دولت و نزوئلا گفته چون شما مالک آن هستید اعم از اینکه يك تن یا چند تن استخراج بکنند شما باید این مبلغ طلا را بدهید این راجع بحق الامتیار است اینها يك فورمولهای فنی است که مطالعه شده ولی متأسفانه در خاور میانه اول این قرارداد بسته شده و بعد تمام این قراردادها روی آن منعقد گردیده و اما توضیحات جناب آقای عامری راجع باستهلاك تا ۲۰ در صد بیانات جنابعالی صحیح است و یکی از دعاوی ما اینست که ۲۰ در صد از ذخیره استهلاك را

بما بدهند و اما راجع بنظارت متأسفانه شرکت میگوید این امتیاز نامه این حق را
بما نداده است و بمطلبش که رسیدیم توضیح خواهم داد.

در این موقع پیشنهاد کفایت مذاکرات در ماده اول شد و آقای ذوالفقاری
توضیح دادند که بعقیده بنده مذاکرات در ماده اول کافی است ولی میخواستم که
آقای دکتر پیرنیا نظر خودشان را در این ماده بگویند.

آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند: در اینکه ما در این مورد حق داریم تردیدی
نیست و حتی شرکت نفت هم تصدیق دارد و در اینکه آیا قرارداد الحاقی تاحدودی که
تفاوت طلارا میدهد و این را میرساند در اینهم شکی نیست ولی تنها دعاوی ما منحصر
باین ماده که نیست مواد دیگری هم دارد که باید مطالعه و بعد نظر داده شود.

آقای مکی سؤال کردند: شرکت نفت يك مؤسسه‌ای از سرمایه ایران در سایر
ممالک دیگر کرده است آیا این ۲۰ درصد از آن تأسیسات هم میدهند یا نه؟

آقای دکتر پیرنیا جواب دادند: البته در آمد آن شرکتها را هم مثل در آمد
خودشان حساب میکنند و طبق اصول عمل میکنند و ترازنامه‌اش هم میآید.

آقای دکتر کاسمی اظهار داشتند: در موضوع ماده اول بنده عرضی داشتم از
بیان همکار محترم آقای ذوالفقاری اینطور استنباط کردم که بعد از هر ماده‌ای که گفته
شد و بحث کردیم منحصراً نظر خودش را بگوید.

آقای دکتر پیرنیا جواب دادند: روی يك ماده نمیشود راجع بتأمین منافع
قضاوت کرد بایستی تمام جریان خوانده بشود و بنده در هر ماده‌ای ارتباطش را با مواد
الحاقی عرض بکنم.

در این موقع یکساعت بعد از ظهر جلسه برای صرف ناهار تعطیل و مجدداً در
ساعت يك و سه ربع ساعت بعد از ظهر جلسه بریاست آقای دکتر مصدق تشکیل گردید.
آقای دکتر پیرنیا اظهار داشتند: تصور میکنم توضیحات کافی راجع به تفاوت
بهای طلا عرض کرده باشم.

آقای ذوالفقاری گفتند: بنده میخواستم آقای دکتر پیرنیا اگر اطلاع دارند
راجع بقرارداد بحری نفت انگلستان توضیحی بدهند که موضوعش چیست.

آقای گنجه‌ای سؤال کردند: میزان کل فروش نفت که در بازارهای دنیا بفروش
میرسد قیمتش چقدر است.

آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند: متأسفانه این مبلغ در ترازنامه کاملاً
مشخص نشده در ترازنامه ۱۹۴۷ تا ۱۹۴۸ ممکن است باشد و بنده مطالعه میکنم و دفعه
آینده خدمتتان عرض میکنم در تراز نامه‌های قبل از ۴۸ این موضوع نبود ولی در سال
۴۸ دولت انگلیس يك قانونی گذراند و شرکتها را مکلف کرد که در تراز نامه‌هایشان
يك اطلاعات بیشتری بدهند.

آقای رئیس اظهار داشتند: حالا بکفایت مذاکرات در ماده اول رأی گرفته
میشود.

آقای جمال امامی مخالف بودند و تذکر دادند: که آقای دکتر پیرنیا توضیح
دادند اگر این لایحه مختصر باین ماده بود ما میتوانستیم رأی بدهیم که این تأمین منافع
ایران شده است یا نشده است ولی چون کلیه دعاوی ما را متمرکز کرده اند روی این
ماده و يك منافی برای ما تأمین کردند علیهذا نمیشود رأی گرفت.

آقای رئیس اظهار داشتند: ۲۵ ماده است يك موادی هست که حرف درش نداریم
و بماضی رنخورده است و يك موادی هست که حرف درش داریم و بماضی رنخورده است.

آقای مکی توضیح دادند: همانطور که آقای امامی فرمودند بعضی مواد دیگر بر میگردد روی همین ماده اول که میگوید در ماده اول تأمین شده است. **آقای فقیه زاده** گفتند: يك قسمتهائی بود که چون مانع تخصص نداریم خوبست متخصصین را از جمله آقای مهندس حسینی و... را بیآورند اینجا.

آقای جمال امامی تذکر دادند: اشخاص خارج از کادر دولت صلاح نیست که در کمیسیون بیایند.

آقای مکی گفتند: الان کمیسیون نفت که دارد اظهار عقیده میکند بعقیده من روزی که ما خواستیم تصمیم نهائی بگیریم اعلامیه بدهیم که هر کس نظری دارد راجع بموضوع نفت نظر خودش را بکمیسیون بفرستد شاید ممکن است اشخاصی باشند که موشکافی بکنند و نظریه آنها نافع و مفید باشد.

آقای دکتر پیرنیا اظهار داشتند: راجع بانکه نظر متخصصین دیگر جلب بشود این بسیار خوب است ولی این وقتی خوب است که آقایان محترم احاطه پیدا کرده باشند بموضوع که بتوانند بغوی توضیحات متخصصین را وارد بشوند و مفید واقع شود در این موقع ماده دوم دعوی بانظریات شرکت و همچنین نظریات پرفسور ژیدل قرائت و آقای دکتر پیرنیا قسمت بقسمت توضیحات مفصلی بیان کردند.

آقای عامری تقاضا داشتند: قبل از نظر پرفسور ژیدل آن ماده که بمامیگوید سود را از روی چه میزان میدهند آن را بخوانند.

آقای دکتر پیرنیا جواب دادند: آن ماده یکمرتبه خوانده شد جزء ماده ۱۰ قسمت يك بند ب است.

آقای جمال امامی اظهار داشتند: راجع باین موضوع بحث زیاد شده قرارداد

اینطور است که ملاحظه میفرمائید بدبختانه این قرارداد ۱۹۳۳ بهر ماده آنی که میرسید می بینید ما را چهار میخه کرده است ولی کمیانی حق ندارد این حرف را بزند باید بکمیانی گفت که شما نمیتوانید هر مبلغ بدولت انگلستان بدهید اما بعد از وضع صد بیست.

آقای مکی گفتند: بنده اینجا توجه آقایان را بترانامه ۱۹۴۸ جلب میکنم و حساب سود و زیان ترانامه را برای اطلاع کمیسیون قرائت کردند.

پس از قرائت نظریه پرفسور ژیدل در مورد ماده دوم و توضیحات آقای دکتر پیرنیا آقای عامری سؤال کردند این مالیاتیکه دولت انگلستان میگیرد از صاحبان سهام میگیرد یا از شرکت؟

آقای دکتر پیرنیا جواب دادند: دولت انگلیس هم از صاحبان سهام وهم از شرکت مالیات میگیرد.

اینجاموضوع مالیاتی است که از سود خود شرکت گرفته میشود که در قرارداد الحاقی آمده اند این را اینطور درست کرده اند که يك حقی از مالیات دولت انگلیس بما بدهند و این حق را عوض اینکه از سود بدهند این را منتقل کرده اند بذخیره.

آقای دکتر مصلوق راجع بوجه ذخیره توضیحی خواستند و آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند وجه ذخیره دو قسمت میشود ذخیره عمومی که توزیع میشود بین صاحبان سهام و يك تنخواه گردان مالی است در اختیار شرکت نفت برای اینکه از آن بدینوسیله تعهدات مالی خودشان را راجع بساختمانها وغیره انجام بدهد یکدفعه هم ذخیره را تقسیم نکرده اند بصاحبان سهام یعنی کاپیتالیزه کردند.

آقای دکتر علوی سؤال کردند: که بحصه ما که مالیات تعلق نمیگیرد.

(گفته شد خیر).

آقای عامری اظهار داشتند: روی اصول محاسبه شرکت اول باید تعهدات و مخارج پرداخته بشود و هر چه باقی میماند آن منافع میشود هر شرکتی که تشکیل شد ابتدا يك مخارجی دارد و آن مخارج آخر سال کم میشود و هر چه باقی میماند آن سودش میشود اینجا ترتیبی اتخاذ کرده اند که این مبالغی که بما تعلق میگردد معلوم نیست واقعا روی چیست. در این موقع ساعت دو و سه ربع ساعت بعد از ظهر نیم ساعت تنفس داده شد و مجدداً جلسه در ساعت سه و ربع ساعت بعد از ظهر برپاست آقای دکتر مصدق تشکیل گردید.

آقای دکتر پیرنیا در جواب پرسش آقای عامری اظهار داشتند: که در قرارداد جدید شرکت نفت که حاضر شده بجای مالیاتیکه بدولت انگلیس میدهد از محل ذخیره با حسابی که خواهد کرد حق دولت ایران را تأمین میکنند.

آقای عامری گفتند: من میخواهم بگویم آنچه که بمامیدهند جزء تعهدات حساب میکنند.

آقای پالیزی از آقای دکتر پیرنیا راجع به مالیاتیکه از ذخیره میخواهند بما پس بدهند توضیح خواستند و ایشان جواب دادند فرض بفرمائید ده میلیون لیره از بابت ذخیره هست اگر شرکت این ده میلیون را خرج بکنند که چیزی عاید ما نمیشود و اگر بماند در آخر قرارداد بیست درصد بما میدهند قرارداد الحاقی اینست که اول این دو میلیون لیره را که ضرب در دو میکنند و چهار میلیون میشود اول سال بما میدهند ولی این عیب را دارد که اگر نخواستند چیزی بحساب ذخیره بگذارند چیزی عاید ما نمیشود این البته نسبت به قرارداد ۱۹۳۳ يك مزایائی قائل شده ولی

بستگی دارد باینکه چه مقدار شرکت بذخیره بگذارد. در اینموقع آقای دکتر پیرنیا ماده سوم را قرائت و پس از ادای توضیحات گفتند: در این باب شرکت حاضر شده است حق دولت ایران را بپردازد. ماده چهارم قرائت و پس از بیان توضیحات از طرف آقای دکتر پیرنیا ایشان توضیح دادند که راجع بفروش نفت بقسمت بحری انگلستان میگوید حق شما طبق امتیاز ۱۹۳۳ از بیست درصد سودی است که بین صاحبان سهام توزیع میشود حالا سیاست بازرگانی من ایجاب میکند که يك چیزی را ارزانتر و يك چیزی را گرانتر بفروشیم این جزء سیاست بازرگانی من است و ربطی بدولت ایران ندارد و راجع باین قرارداد با بحریه انگلیس در چهل سال پیش که ما این قرارداد را بستیم در آن موقع نفت اینقدر مورد احتیاج نبود ما رفتیم و دولت انگلیس را پیدا کردیم و قرارداد طویل المده ای با آنها بستیم.

آقای دکتر علوی اظهار داشتند: بنده فکر میکنم سوء تفاهم راجع باین ماده یعنی قرارداد با بحریه انگلیس خیلی زیاد است اولاً سهمی که بما میرسد طبق قرارداد الحاقی چهار خمس آن روی من آژ نفعی است که از ایران همه ساله صادر میشود هر چقدر صادرات ما بیشتر باشد حق ما از خمس بیشتر است و يك خمس آن بابت مشارکت است یعنی سود سهام و ذخیره عمومی شرکت میگوید که شما هر چقدر صادر بکنید سهم شما بیشتر میشود چهارده شیلینگ و سه پنس بابت هر تنی است که صادر میشود عاید ما میگردد با در نظر گرفتن تنزل لیره و بابت سهم مشارکت سه شیلینگ و سه پنس بما میرسد (آقای اللهیار صالح گفتند: در صورتیکه ما بدانیم چقدر صادر میشود) بنابراین از لحاظ چهار خمس که بمامیرسد چهارده شیلینگ و سه پنس است.

آنها میگویند يك قرارداد طويل المدة که با بحری انگلیس آنها نفت سیاه مازوت بستمیم اگر یکقدری با آنها ارزانتر بدهیم بنفع شرکت و بنفع ایران است .
آقای مکی گفتند: در موقعیکه چرچیل وزیر دربارداری انگلستان بود در حدود ۵۴ درصد از تقریباً سهام شرکت نفت انگلیس منتقل می کنند بدولت انگلستان آلان مجموع سهامی که شرکت نفت انگلستان دارد در حدود ۵۴٪ است یعنی نصف بعلاوه يك مال دولت انگلستان است و اینجا بنده يك سئوالی کردم از آقای گلشائیان که شما بما جواب بدهید که ما باید مؤسسه تجارتي طرف هستم و با بایک دولت خود مختاری و آخر هم جواب ندادند يك قراردادی با بحریه انگلستان بسته میشود که این قرارداد نا با امروز سکره است .

اینکه پیش بینی شده که قرارداد طويل المدة بشود اینها فکر می کردند که هزینه زندگی روز بروز ترقی میکند آمدند این را قیمتش فیکسه کردند اگر این يك موضوعی بود که بنفع دولت ایران بود لاف دولت ایران را در جریان می گذاشتند که این قیمتش اینست نه دولت ایران میداند نه نماینده ما کمیسر ایران در لندن میداند . فرض بفرمائید که ما آلان يك پورسانی بابت چهار شیلینگ طلا میگیریم و يك منافع نسبت بيك خس میگیریم و این قیمت ارزانی که بحریه انگلستان داده شده ضرر ما هست .

آقای سرتیب زاده تذکر دادند: آن را که آقای دکتر میفرمایند مشتری ندارد (نفت سیاه) برخلاف است از بنزین و نفت بیشتر مصرف دارد تمام کارخانجات از همین مازوتها کار میکنند .

آقای ذوالفقاری گفتند: راجع به تن آژ که آقای دکتر علوی گفتند کاملاً

صحیح است ولی جنابعالی میفرمائید که خریدار ندارد خریدار خود دولت انگلستان است .
آقای فرامرزی گفتند: من تصور میکنم مواد مصنوعی و مواد استخراجی وقتی جنگ نباشد ارزانتر میشود نه گرانتر این جنگ است که این مواد را گران کرده است .

آقای دکتر پیرفیا اظهار داشتند: راجع باین قرارداد طويل المدة با انگلیس باید تاریخش را در نظر گرفت در آن موقع زیاد بضرر شرکت نبوده و در آن موقع مازوت اینهمه اهمیتی که حالاً دارد نداشته است و فعلاً اهمیت مازوت فعلاً بیشتر است ولی شرکت حرفی که میزند میگوید این قرارداد امتیازداری بسته شده و امتیازداری برای این ازین رفت و امتیاز جدید برای این روی کار آمد راجع بقرارداد طويل المدة ما ایرادی که گرفتیم اینست که راجع بقراردادهای طويل المدة مینویسند مثلاً چند درصد از قیمت روز کمتر نه اینکه يك قیمت فیکسی روی آن بگذارند .

در این موقع ساعت چهار بعد از ظهر جلسه ختم و جلسه آینده بروز چهارشنبه نوزدهم مهر ماه سه ساعت قبل از ظهر موکول گردید .

از طرف رئیس کمیسیون مخصوص نفت - علی الموسوی بهبهانی

جلسه هشتم

هشتمین جلسه کمیسیون مخصوص نفت روز چهارشنبه نوزدهم مهر ماه ۲۹ دو ساعت قبل از ظهر بریاست آقای سیدعلی بهبهانی نایب رئیس و با حضور آقای دکتر پیرنیا معاون وزارت دارائی و اکثریت آقایان اعضاء کمیسیون بشرح زیر:

آقایان: جمال امامی - جواد عامری - فقیه زاده - جابری زاده - اللهیار صالح - مکی - دکتر علوی - سرتیب زاده - ناصر ذوالفقاری - دکتر هدایتی - دکتر کاسمی -

پالیزی تشکیل گردید.

آقای بهبهانی اظهار داشتند: که جناب آقای دکتر مصدق بواسطه کسالت عذر خواسته اند پس از قرائت صورت جلسه قبل و تصویب آن آقای پالیزی اظهار داشتند این پرونده های نفت آمده است بکمسیون و اعضای این کمسیون دولت را استیضاح کرده است آیا این عمل صحیح است؟

آقای اللهیار صالح جواب دادند: کمسیون نفت استیضاح نکرده است دولت را در چند جلسه قبل تصمیم گرفته شد که اگر دولت نظر خودش را راجع بقرارداد الحاقی نکوید امضاء کنندگان آن نامه دولت را استیضاح بکنند و بکمسیون مربوط نیست چند نفر از اعضاء مجلس شورای ملی استیضاح کرده اند و در آن ناهه هم نوشته شده که اعضاء به کمسیون: در این موقع آقای دکتر پیرنیا نظریات پرفسور ژیدل را در ماده ۴ دعاوی دولت قرائت و نسبت بقسمتهای مختلفه آن توضیحات دادند.

آقای جمال امامی راجع بمصرف نفت بحری انگلیس سئوالی کردند و آقای مکی جواب دادند آمده اند روی حساب تقریب یک حسابی کرده اند بدین معنی که سالی که منافعتان کمتر بوده و سالی که منافعتان بیشتر بوده آمده اند و یک حسابی کرده اند.

آقای دکتر پیرنیا اظهار داشتند: این یک حسابی است که آقای مهندس حسینی کرده است.

آقای جمال امامی گفتند: شما یک راهی دارید که تخمین بزاید اطلاعات کافی دارید که فروش نفت انگلیس و ایران در سایر ممالک چقدر است اگر این را کشف بکنید و مجموع آن را حساب بکنید هر چقدر باقی بماند میشود حساب کرد که مال بحریه انگلیس چقدر میشود.

آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند: بطور رسمی اطلاعی ندارم و اینکه بخواهیم محاسبه بوسیله غیر مستقیم بدست بیاوریم هنوز مطالعه ای نکرده ایم ولی باین تذکری که فرمودید شروع می کنیم از هفته آینده که پیدا بکنیم شاید بتوانیم روی تن آزر کشتی ها که آنهم محرمانه است ولی با تخمین روی آن شاید بتوانیم یک حسابی بدست بیاوریم.

آقای سرتیپ زاده سئوال کردند: از ایرانیان هم کسی در شرکت نفت سهم دارد یا خیر؟

آقای دکتر پیرنیا جواب دادند: ۵۰ هزار سهم از امتیاز استخراج اولیه متعلق بدولت است و کسان دیگری هم سهامی دارند.

آقای دکتر کاسمی سئوال کردند: آن سهامیکه از اشخاص خریده اند الان مال وزارت دارائی است؟ (گفته شد بلی).

آقای ذوالفقاری سئوال کردند: اشخاصی که در اینجا سهم دارند مالیات میدهند یا نه؟

آقای دکتر پیرنیا جواب دادند: باید تحقیق کرد.

آقای پالیزی گفتند: پس نتیجه نظریه پرفسور ژیدل در این ماده این شد که ما برویم بحکمیت.

در این موقع ماده پنجم دعاوی دولت از بابت حقوق ایران از بابت مواد نفتی که در عملیات شرکت مصرف شده و پرداخت نشده است قرائت همچنین توضیحاتی که در پرونده مربوطه از طرف دولت داده شده بود قرائت و آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند پیشنهادیکه بشرکت داده شده بود این بود که بجای اینکه از صادرات فروش

گرفته بشود از میزان استخراج که از چاه خارج میشود حق امتیاز گرفته بشود میگویند از نفتی که از چاه خارج میشود دیگر از دستگاه تصفیه و فروش نفعی نمبرند در صورتیکه دولت ایران از دستگاه تصفیه و فروش استفاده میرسد تفاوت استخراج با صادرات اینست که در موقع استخراج روی چاه درجه میگذارند و هر قدر استخراج شد حق امتیاز میبرند ما علت اینکه از صادرات حق امتیاز میگیریم برای اینست که شرکت نفت یک قسمت عمده منافعی از تصفیه خانه و فروش هست در سایر کشورها بیشتر از استخراج حق امتیاز میگیرند ولی نمایندگان شرکت نفت این را یک مزیتی برای ایران میدانند و میگویند آنها فقط یک چاهی کنند و دیگر دستگاه تصفیه و تأسیسات دیگر ندارند که بتوانند از لحاظ کارمند و کارگر از آن استفاده بکنند.

آقای ذوالفقاری گفتند: آنطوریکه بنده اطلاع دارم و در مجله گاز انداویل کمیانی نشان میدهد در اغلب ممالکی که نفت دارند نشان میدهد که حق امتیاز از کل استخراج گرفته میشود در سال ۱۹۴۹ ۲۸/۵ میلیون تن استخراج بوده در صورتی که تن آثر صادرات آن ۲۵/۵ میلیون بوده است حالا میخواستم ببینم این تفاوت سه میلیون را شرکت داده است یا نه؟

آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند: یکمقدار ضایعات هست که حق امتیاز نمیدهند گازها را که میسوزانند حق امتیاز نمیدهند یکمقداری که بچاه بر میگردد آنهم نمیدهند این معایب این قسمت و اما مزایایی که صادرات دارد اینست که هم تصفیه خانه و هم دستگاه و تأسیسات و کارمند و کارگر داریم حالا باید جهد بکنیم که هر دو قسمت را داشته باشیم.

آقای مکی اظهار داشتند: این قسمتی را که آقای دکتر پیرنیا از روی موارد مورد اختلاف دولت خواندند این صحیح نیست زیرا خود شرکت نفت که ترانزنامه داده سه میلیون و نیم تفاوت استخراج و صادراتش بوده است در صورتیکه این گازها که شرکت میسوزاند نمیتوانستیم بوسیله لوله کشی از آنها استفاده بکنیم بنابراین این آماری که خوانده شد یک میلیون و نیم نوشته شده بود این غیر از این گازهاست.

آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند: آمار مزبور تفاوت بین استخراج و صادرات فروش نیست این تفاوت چند قسمت میشود یکقسمت اینست که در عملیات شرکت مصرف میشود فقط آن قسمتش را من نوشتم یک قسمت مربوط بضایعات است و یک قسمت بچاه بر میگردد و یک قسمت هم مربوط بگازهاست که میسوزانند اینها مربوط باین موضوع نیست.

آقای بهبهانی سؤال کردند: در قرارداد الحاقی چه کار کردید و آقای دکتر پیرنیا جواب دادند نوشته شده از صادرات فروش و در اساس امتیازنامه تغییری داده نشده.

آقای دکتر علوی سؤال کردند: آیا همه کشورها نفت تصفیه شده را اجازه ورود میدهند یا اینکه کشورهایی هستند که فقط نفت خام میگیرند بنده از این نقطه نظر این سؤال را میکنم برای اینکه عرایضی که میکنم بعنوان استفسار و پرسش است و میل دارم که در اطراف آن مذاکره بشود بنده میپرسم که قسمت اعظم از کشورها امروزه سعی دارند که تصفیه را در کشور خودشان بگذارند وقتی بعضی از کشورها مثل اسپانی و سوئد قوانین وضع کردند که فقط نفت خام وارد بکنند و این تصفیه خانه آبادان بزرگترین تصفیه خانه دنیا است و نمیدانم تعداد کارمندان و کارگران

آن چقدر میباشد (آقای جمال امامی گفتند: ۷۰ هزار نفر) اساساً قسمت اعظم از عمالک امروزه باین عقیده افتاده اند که اگر نفت هم میخواهند وارد بکنند نفت خام وارد بکنند برای اینکه کمک به صنعت نفت میشود و دستگاه تصفیه آن مخارجی خواهد داشت که طبیعتاً صرف همان مملکت میشود.

آقای دکتر پیرنیا گفتند: این ارتباطی بکار ما ندارد و آقای دکتر علوی گفتند بنده از نظر پرسش و اطلاع عرض کردم.

آقای پالیزی سؤال کردند: در این امتیازی که شرکت داده شده شرکت مکلف است نفت تصفیه شده ببرد یا خام؟

آقای دکتر پیرنیا گفتند: اینهم جزء موارد اختلاف است و جزء ۲۵ ماده است که مورد دعاوی دولت ایران است دولت ایران گفته است که چون باید منافع ما تأمین بشود از این جهت باید نفت تصفیه شده خارج بشود ولی شرکت میگوید پیش بینی نشده و ما میگوئیم که از ماده ۲۱ آن میشود همچنین استنباطی را کرد.

در این موقع ربع ساعت بظهر تنفس داده شد و چون اکثریت حاصل نشد جلسه ساعت ۱۲ ظهر ختم و جلسه آتیه بروز شنبه سه ساعت قبل از ظهر موکول گردید.

رئیس کمیسیون مخصوص نفت - دکتر محمد مصدق

جلسه نهم

نهمین جلسه کمیسیون مخصوص نفت دو ساعت قبل از ظهر روز شنبه بیست و دوم مهرماه ۱۳۲۹ بریاست آقای دکتر مصدق وبا حضور آقای دکتر پیرنیا معاون وزارت دارائی و اکثریت آقایان اعضاء بشرح زیر:

آقایان: جمال امامی - حائری زاده - ذوالفقاری - گنجه ای - عامری - فقیه زاده -

سرتیب زاده - اللهیار صالح - دکتر هدایتی - دکتر علوی - مکی - دکتر کاسمی تشکیل گردید.

بدو صورت جلسه قرائت و تصویب گردید.

آقای جمال امامی سپس تذکر دادند: در این مواد ۲۵ گانه دعاوی دولت يك موادی هست که اهمیتش بیشتر است اگر اجازه بفرمائید آن موادرا که آقای دکتر پیرنیا اطلاع دارند بیاورند و بحث کنیم تا کار ما زود تر خاتمه پیدا کند.

آقای دکتر پیرنیا جواب دادند: اتفاقاً يك ماده مهمی امروز مطرح است و

آن ماده شش است راجع ببازرسی مالی و نظارت در اجرای بند الف از ماده ۲۱ و ۱۶

امتیازنامه است راجع باشکة طرفین تصدیق و قبول دارند که اصلی که مدار اجرای

این قرارداد میباشد است که در منافع طرفین حفظ حداعلائی منتج بودن و صرفه جوئی

در اداره و عملیات کمپانی در ایران ضرورت عالی دارد و همچنین در ماده ۲۱ میگوید

که طرفین متعاهدین اعلام میدارند که اجرای این قرارداد مبنی بر اصول متقابل

حسن نیت و صداقت و تفسیر معقول و متناسب این قرارداد باشد حالا شرکت میگوید

چنین حقی را امتیازنامه معین ننموده است و جریان کار را از دو قسمت بنده عرض میکنم

یکی از لحاظ حقوقی و یکی از لحاظ جریان عمل و وضعی که در سایر کشورها و

امتیازنامه ها است.

از لحاظ حقوقی این امتیازنامه چون يك اختلافات خیلی زیادی همیشه روی

امتیاز داری بین شرکت و دولت وجود داشت این بود که عاقدین قرارداد سعی کردند

که حتی المقدور کاری بحساب نداشته باشند و حقوق دولت را یاروی تن اثر معین

کردند و یا زوی سودی که بصاحبان سهام میپردازند و موردی که بما حق داده شده

در مورد قسمت چهار ماده ۱۰ است یعنی رسیدگی بحساب مقدار نفتی که از ایران صادر میشود و با در ایران بفروش میرسد و بهمین جهت هم بود که از ابتدای امتیازنامه دولت در آن موقع تقاضائی برای رسیدگی بحسابها نکرده بود و برای اینکه وضعیت روشن بشود روی تن و آژ فروش بود و بعد مطالعاتی شد که بلکه بتوانیم بوسیله تلفیق مواد این حق را برای دولت ایران تحصیل بکنیم اما امتیازنامه طوری تهیه شده که حقوق ما یا روی صادرات تن آژ فروش است و یا روی سود صاحبان سهام منتها ما آمدیم بمواد مختلفه رسیدگی کردیم که ببینیم چگونه میشود این حق را برای ایران تحصیل نمائیم این مواد یکی ماده ۱۶ بند الف است که قبلاً قرائت شد و امتیازنامه گفته است که برای حفظ حقوق و منافع ما حد اعلائی منتج بودن و صرفه جوئی در اداره عملیات کمپانی در ایران ضرورت عالی دارد و یکی در ماده ۲۱ است که ما استناد کردیم و گفتیم چطور میتوانیم اطمینان پیدا بکنیم که شرکت این عملیات را نکرده است ولی از همه مهمتر اینست که ما در ذخایر شرکت سهام هستیم و اینجا در بند الف از قسمت سه ماده ۱۰ مینویسد: از تفاضل بین مبالغ کل ذخایری (ژنرال رزرو) که کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود در تاریخ انقضاء و با ترک امتیاز موجود خواهد داشت و مبالغ ذخایری که کمپانی مذکور در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۲ موجود داشته است.

حالا ملاحظه میفرمائید در متن امتیازنامه نوشته کل ذخایر آنوقت در پراوتر ذخایر را تفسیر کرده و ژنرال رزرو نموده است اختلافی که بین ما حاصل شده اینست که ما بایست ذخیره عمومی را بگیریم یا کل ذخایر را بگیریم شرکت میگوید شما سهام هستیم در ژنرال رزرو (ذخیره عمومی) یعنی ذخیره اینکه مصرف خاصی ندارد

و مثل منفعت است و قابل توزیع بین صاحبان سهام است نه از ذخیره اینکه مصرف خاصی دارد.

ما میگوئیم از ذخیره بطور کلی و دلیلی که میآوریم اینست که چون يك ماده ایست که تمام اموال شرکت پس از خاتمه قرارداد مجازاً بدولت ایران واگذار میشود و يك مطلبی هم آقای عامری در جلسه قبل راجع باستهلاك فرمودند بنابر این بیست درصد آن ذخایر بماتعلق پیدا میکند در قرارداد الحاقی موضوع ذخیره را کنار گذاشته اند پس موضوع سایر ذخایر هنوز تکلیفش بموجب قرارداد الحاقی معلوم نشده است و این يك اختلافی است اعم از اینکه قرارداد الحاقی تصویب بشود یا نشود این همینطور باقیست فعلاً چیزی بیکه مورد استفاده ماهست اینست که چون مادر ذخایر بنظر خودمان و یا در ذخیره عمومی بنظر شرکت سهام هستیم بنابر این باید از نحوه این ذخایر اطلاع پیدا بکنیم و این امر هم مستلزم اینست که ما از دفاتر و صورتهای شرکت استفاده کنیم.

آقای فقیهزاده سؤال کردند: اینکه راجع به ذخایر فرمودید که دولت میگوید ما در تمام ذخایر سهام هستیم و شرکت میگوید خیر در ذخایر عمومی شرکت دارید آیا در قرارداد الحاقی دولت اعتراضی کرده است یا خیر؟

آقای دکتر پیرلیما جواب دادند: موضوع اینست که دولت گفته است در کلیه ذخایر در قرارداد الحاقی فقط ذخیره عمومی را نوشته اند و سایر ذخایر اختلاف بین طرفین موجود است. در این موقع نظریات پرفسور ژیدل قرائت و گفتند پرفسور ژیدل در این مورد نظر دولت را تأیید میکند و اما راجع بجوابهایی که شرکت میدهد يك قسمت توضیحاتی است که عرض میکنم البته بنده وقتیکه نظر شرکت را توضیح میدهم

مقصود از دفاع آن نظر نیست بلکه جنبه توضیح دارد اساس حرف اینست که مایک حقوق مالی داریم برای این حقوق مالی باید بدفاتر رسیدگی کنیم شرکت میگوید حقوق مالی شما تردید نیست ولسی بطور کلی صحیح نیست ببینید حقوق مالی شما چیست؟ گفتیم اول تن آزا استخراج است که شرکت میگوید در امتیازنامه نوشته شده است دوم سودی است که بین صاحبان سهام توزیع میشود که آنهم میگوید من اعلان میکنم بتمام دنیا ویکى هم ذخیره عمومی است که هر ساله اعلان میشود راجع بسایر ذخایر هم از قبیل اکت و غیره میگوید اول شما ثابت بکنید که سهم هستیم بعد برویم رسیدگی بحسابش بکنیم و آن نظارتی که شما میخواهید در خود امتیازنامه ذکر کرده و علاوه بر این راجع باستهلاك میگویند ما این حق را برای شما قائل نیستیم و باید ثابت بکنید که سهم هستیم بعد رسیدگی بحسابش بکنید.

نحوه عمل اینست که راجع بقسمت حقوقی که دولت میگوید من باید نظارت مالی داشته باشم آنها میگویند حقوق شما در امتیازنامه مقرر است و نظارت شما هم باید متناسب با این امتیازنامه باشد و آنهم اساسش برایتان معین است.

آقای دکتر هدایتی اظهار داشتند: راجع ببازرسی که فرمودید جوابهاییکه داده شده از طرف دولت همه آنها صحیح است بنده خودم اعتقاد بر اینست که باید نظارت داشته باشیم اما يك سئوالی داشتم راجع بماده ۱۰ قسمت چهارم که دولت حق خواهد داشت که محاسبات مربوط بجزو (الف) را که متنها تا ۲۸ فوریه هر سال بابت سال گذشته فرستاده میشود تفتیش و رسیدگی نماید. این که میثوبسند رسیدگی بکنند آیا معنیش این نیست که رسیدگی بحساب کل ذخایر بشود؟ شرکت میگوید آن چیزیکه حق شما معلوم شده که رسیدگی بکنید این رسیدگی نیست اینجا مربوط

به تن آزا است که رسیدگی بکنند ما میگوئیم شما نوشته اید که باید صرفه جوئی بشود در عملیات چه جور میشود فهمید که صرفه جوئی شده باید بفهمیم که آنها چه کرده اند چه خریده اند.

آقای دکتر پیرنیا گفتند: البته ما يك دلایل خیلی دوزی را توانسته ایم بزحمت پیدا بکنیم و اقامه نمائیم.

آقای عامری اظهار داشتند: هیچیک از اینها جواب آن اعتراض یرفسور ژبدل را نمیدهد راجع باستهلاك که مینویسد يك ماده است که در آخر مدت مجازاً تأسیسات شرکت بدولت ایران واگذار میشود میگوید يك مبلغ زیادی بابت استهلاك بر میدارید اگر نباشد که در آخر مدت تمام قیمت آنها را برداشته باشند دیگر مجازاً موضوع ندارد.

آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند: این موضوعی که میفرمائید راجع بذخائر است راجع بحساب نیست این را که میفرمائید از ذخیره بیست درصد ما سهم هستیم این درست است و موقعش که رسید توضیح میدهم حالا راجع بحساب است آنها میگویند شما اگر در ذخیره استهلاك سهم شدید آنوقت حسابش را هم بکنید.

آقای عامری اظهار داشتند: که من میگویم بموجب يك ماده ای بعد از انقضای مدت قرارداد تمام مؤسسات شرکت متعلق بما میشود اگر بنا بشود که شرکت بیاید بابت استهلاك هر ساله يك مبلغی بردارد این دیگر تا آخر مدت مثل اینست که تمام پولش را برداشته و مجازاً دیگر مفهومی ندارد.

آقای دکتر کاسمی ماده ۲۱ امتیازنامه را قرائت و گفتند: این اقدام بهیچ عملی و با خورداری از هیچ عملی نکند این چه وقت معلوم میشود؟ موقعی است که

ما خودمان نظارت داشته باشیم تا وقتی ما نظارت نداشته باشیم که نمیتوانیم بفهمیم آن اعمالی که شرکت میکنند بضرر است یا برفع بنا بر این موضوع محاسبه نیست این ماده برای دولت ایران يك حق فوق العاده وسیعی قائل میشود و موضوع محاسبه نیست مثلاً در مناقصه اینکه گذاشته میشود از فروش و خرید آنها ما باید بدانیم چند پیشنهاد شده و کدام برفع ایران بوده است.

آقای دکتر پیرنیا اظهار داشتند: دولت هم استناد کرده است بماده ۲۱ ولی شرکت میگوید آنجائیکه ممکن است بضرر شما باشد موارد معینی است یعنی حقی که شما میدهیم روی سه قسمت است يك تن آژ استخراج دیگر سودی است که بین صاحبان سهام توزیع میشود و یکی هم ذخیره عمومی است در این سه مورد من وسائل نظارت شما را فراهم کردم یکی هم در عملیات شرکت است که آنها در ماده ۴ حق نظارت را بدولت داده است.

آقای جمال امامی اظهار داشتند: ما راجع باین موضوع در روز بحث کردیم دلیل اینهم که دو روز بحث کردیم و موردش اینجا هست استدلال پرفسور ژیدل است که روی این ماده کرده استدلال ما این بود که صرف نظر از اینکه ما در ذخائر عمومی ذینفع هستیم یا نیستیم آنها میگویند شما بیائید ثابت بکنید که شما در ذخائر عمومی ذینفع هستید یا نه آنوقت بیائید در حسابش شرکت بکنید این موضوع لا ینحل مانده است ما میگوئیم هر شرکت تجاری يك مبنای حقوقی دارد استهلاکش باید در يك مدت معین انجام بگیرد اگر شما بیائید بدولت انگلستان ۹۹ درصد از منافع کل شرکت بدهید بعنوان مالیات پس ما اینجا چکاره هستیم و تمام دارائی شرکت میرود بعنوان مالیات بانگلستان اینهم مثل اینست که اگر بگویند ما ۵۰ میلیون لیره قیمت

کشتی هابمان هست و این را میخواهیم در دو سال مستهلك بکنیم آخر اینکه باقواعد تجارنی وفق نمیدهد و این لطمه بعواید ما میزند یعنی مانع میشود که يك ذخائری برود در ذخائر عمومی صحبت ما اینجا هست شرکت میگوید همچنین ادعائی که شما میکنید نیست من خلاف عرف عملی نکردم ما میگوئیم بدلیل اینکه چیزی که باید در ۲۰ سال مستهلك بکنید در چهار سال مستهلك کردید و این بعواید مالطمه زده آید.

آقای دکتر پیرنیا جواب دادند: این مربوط برسیدگی بحساب نیست و آقای جمال امامی جواب دادند اگر نبود پرفسور ژیدل در ماده ۱۰ استدلال نمیکرد.

آقای گنجه ای اظهار داشتند: بعقیده بنده مهمترین ماده این قرارداد همین است؛ این موضوع استهلاک يك عرفی دارد مثلاً يك کمیانی دارای يك مستغلاتی است این عرف معین کرده که استهلاک صدی چند است ولی اگر همان کمیانی دارای اتومبیل هم باشد آن استهلاکش غیر از مستقل است البته این يك فرمی دارد و باید این مطلب بهتر تریبی است حل شود و آنطوری که در این قرارداد است این استخوان لای زخم است این جایش در همین قرارداد الحاقی است که حل بشود و تکلیف طرفین معلوم گردد.

آقای عامری اظهار داشتند: اگر مثل همین قرارداد يك جائی گذاشته بشود که مدار قرارداد مبنی بر حسن صداقت و متناسب با قرارداد باشد اگر یکی از طرفین قرارداد در حسن نیت دیگری تردید پیدا کرد چه وسیله ای هست برای اثبات آن بعقیده من هیچ راهی از برای اثبات حسن نیت و صداقت بهتر از این نیست که محاسباتش را بیاورد و بگذارد در دسترس طرف دیگر.

آقای دکتر پیرنیا جواب دادند: البته نظریه جنابعالی را ما گفتیم ولی جوابی که آنها میگویند اینست که میگویند حسن نیت این نیست که هر عمل تجارنی را

مورد بازرسی قرارداد. باید ببینید در اجرای این قرارداد کجا بش حسن نیت نبوده
ایرادی که دولت کرده اینست که در غالب کشورهای این حق برای دولتهاست که
رسیدگی بکنند بحسابها این يك رويه عمومی است در عراق هم هست و چطور است
که در ایران نیست آنها میگویند يك مزایائی امتیازنامه آنها دارد که شما ندارید و
بالعکس که قابل تطبیق نیست جواب دیگر اینکه میگویند وضع عملیات شرکت
نفت انگلیس و ایران با سایر شرکتهای دیگر شباهت ندارد برای اینکه عراق يك
شرکتی است که نفت استخراج میکند و نفت خامش را میفروشد عراق اگر نظارتی
میکند مربوط بعملیات در خود عراق است تاریخ نفت اینست که مادو شرکت بزرگ
یعنی شرکتهای استاندارد و دج داشتیم اینها اول يك شرکتهای بزرگ دنیائی بودند
بعد از دولت و نزول امتیازنامه گرفتند شرکت نفت ایران غیر از اینهاست اول يك
شرکت بختیاری بوده است. آنها میگویند که درست است سایر ممالک نظارت دارند
ولی نظارت آنها در قسمت عملیات خود آن مملکت است.

در اینموقع ماده هفتم از دعاوی دولت راجع بصادرات نفت خام بانظرات پرفسور
ژبدل قرائت گردید.

آقای جمال امامی اظهار داشتند: این قضیه خیلی بحث شد تا اندازه ای حق
بایرفسور ژبدل است از نظر منافع ما چون اگر ما شرکت را مکلف بکنیم که نفت
خام نبرد شرکت میگوید ما تصفیه خانه هائیکه در ایران داریم گنجایش يك نفت
محدودی دارد و اگر این اختیار را شما بگیرد نفت کمتر استخراج میشود در
قبال این ما چه گفتیم گفتیم که صحیح است شما حداقل را معین بکنید مثلاً ۲۵ میلیون
تن که استخراج است اینقدر تنش را برای تصفیه خانه ایران تخصیص بدهید. من

در دولت پیشنهاد کردم که درست است ما نمیتوانیم شرکت را مکلف بکنیم که تمام
نفتی که استخراج میکنند در ایران تصفیه بکنند این را ماحل کردیم که يك حد اقلی
قابل بشویم و اگر این حداقل را معین نکنیم پنج سال دیگر می بینیم که هیچ در اینجا
تصفیه نمیشود و اگر این از بین برود دوبرابر حق الامتیاز ما از بین رفته است.

آقای مکی در تعقیب فرمایشات جناب آقای امامی گفتند: شرکت نفت تا سال
۲۵ يك تاسیساتی در ایران شروع کرده بود ولی از سال ۲۵ با بنظر آنهار را متوقف
کرده مثل ساختمان تصفیه خانه بندر معشور که همینطور متوقف مانده و از قراریکه
شنیدم عین این تاسیسات را در آنطرف خلیج شروع کرده و دولت باید متوجه بشود و
شاید تا دو سال دیگر تصفیه خانه شان را بردند آنطرف خلیج.

آقای دکتر کاسمی سؤال کردند: طبق این قرارداد و مکاتباتیکه شده یا هیچ
امری یا دلیلی هست که این شرکت ملزم باشد که تاسیسات خودش را در ایران
بسازد یا نیست؟

آقای دکتر پیرنیا جواب دادند: این توضیحات را باید بدو قسمت کرد یکی
از لحاظ حقوقی و دیگری از لحاظ فنی از لحاظ فنی نفت خام وقتی صادر بشود
حق الامتیاز بیشتری گرفته میشود برای اینکه قیمت نفت خام کمتر از بنزین هواپیمائی
است پس آن سه میلیون تن ضایعاتی که ماحق الامتیاز نمیگیریم اگر نفت خام باشد از آنهم
حق الامتیاز میگیریم دوم اینکه فروش يك مقدار زیادی نفت آسانتر است برای اینکه ممکن
است تقاضاهائی در بازار باشد که ایجاب بکنند يك مقدار نفت بفروش برسد اگر ایران نفت
خام صادر بکنند و نفت تصفیه خانه صادر نکنند از مقدار صادرات و فروش ایران کاسته میشود
حالا ضرری که دارد همین موضوع استخدام کارگر و بکعهده افراد ایرانی در ایران است و داشتن

تصفیه خانه یعنی کابینتالهایی که (سرمایه هائیکه) بصورت ماشین آلات از خارج میآید این برای بکار گماشتن افراد ایرانی خیلی مؤثر است. در هر صورت همانطور که جناب آقای امامی فرمودند نظر فنی باید این بشود که يك حدودی قائل بشویم که هم تصفیه خانه وجود داشته باشد و هم استخراج نفت عملی باشد و از لحاظ حقوقی همانطور که پرفسور ژیدل گفته تنها مورد استنادمان بماده ۲۱ است که شرکت باید منافع ایران را در نظر داشته باشد البته این استدلال چندان قوی نیست بخصوص که در ماده ۱ به شرکت آزادی داده شده که هر طور که بخواهد عمل بکند ما استناد کردیم که چون تصفیه خانه از بین می رود بنا بر این بضرر ما هست آنها میگویند خیر بضرر شما نیست و نفع شماست.

نسبت بسؤال آقای دکتر کاسمی عرض میکنم که جز در مورد نفت کرمانشاه جای دیگری نوشته نشده است و منحصر است بنفت کرمانشاه.

(آقای مکی گفتند: بهمین مناسبت هم کرمانشاه نفتی استخراج نمیکند)
سالی صد هزار تن گویا استخراج میشود راجع بتصفیه خانه بندر معشور که آقای مکی سؤال فرمودند البته در سال ۱۹ نوشته بودند که در بندر معشور تصفیه خانه درست بشود و تا بحال هم دولت این را تعقیب کرده است ولی شرکت جواب میدهد قبل از جنگ همچنین خیالی داشتیم ولی جنگ که شروع شد گفتند بجای اینکه بندر معشور را بسازیم همان تصفیه خانه آبادان را توسعه دادیم.

آقای دکتر علوی گفتند: کشورهایی هستند که اجازه صدور نفت خام را نمیدهند من فکر میکنم که اگر اجازه صدور نفت خام ندهیم بازار نفتمان را از دست میدهیم و گمان می کنم بازار نفت ما در اروپای باختری باشد همانطور که آقای امامی

فرمودند اگر ما قائل بشویم که نفت خام خارج بشود بصرفه ما است و حق الامتیاز ما بیشتر میشود.

آقای دکتر پیرنیا اظهار داشتند: اشکال کار اینست که شرکت هنوز حاضر نشده است که هیچ نوع محدودیتی قابل بشود.

آقای دکتر هدایتی اظهار نمودند: استدلال کمپانی را آقای دکتر فرمودند باینکه اگر نفت خام را صادر بکنیم امتیاز دولت ایران بیشتر است.

بند می خواهم بگویم این حرفی که کمپانی میزند این چه جور قابل رسیدگی و دقت است کمپانی میگوید نفع شما آن پولی است که میگیرید ما میگوئیم نفع ما از این جهت است که شما اگر در ایران تصفیه خانه درست بکنید کارگران ما بیشتر استفاده می کنند و بکار مشغول میشوند آیا این نفع معنوی که آلان صدی پنجاه از مردمان ما بیکار هستند و بکار مشغول میشوند بهتر است یا که کلیه نفتمان که اینجا استخراج میشود و این ثابت است کمپانی چه جواب میدهد.

آقای دکتر پیرنیا جواب دادند: کمپانی میگوید شما این پولی را که میگیرید صرف ایجاد کار بکنید.

آقای دکتر کاسمی اظهار داشتند: این موضوع دو قسمت دارد يك قسمت عبارت از اینست که شرکت نفت میگوید آن دارای حق الامتیاز زیادتری است و يك قسمتهم دولت میگوید کارگران بکار گماشته میشوند و آن تصفیه خانه و تأسیساتی هم که ایجاد می کنند مال ایران میشود.

آقای دکتر پیرنیا گفتند: دیگر تصفیه خانه ایجاد نمی کنند برای اینکه دنیا میگوید که ما نفت خام وارد میکنیم.

آقای مکی اظهار کردند: این سفته است برای اینکه يك کارگر ایرانی شش برابر از يك کارگر سوئدی و با پنج برابر از يك کارگر فرانسوی ضررش کمتر است آنها که در فرانسه و سوئد تصفیه خانه دارند باید کارگر بکار بگمارند بنابراین اگر ما تصفیه خانه در اینجا داشته باشیم از لحاظ کارگر برای شرکت خیلی ارزاتر تمام میشود خاصه که شرکت نفت هم آن سه میلیون و نیمی که میسوزاند و ازین میرود بما چیزی نمیدهد و اگر نظر تجارتي داشته باشد این بشفیع شرکت است مقصود اینها اینست که شانه خالی نکنند از اینکه بكمقدار ارزی در ایران مصرف بشود اینهاشن و آجر و سنگ را از عراق وارد می کنند برای اینکه در ایران خرج نکنند.

آقای دکتر پیرنیا جواب دادند: دلیل شرکت که میگوید ما برای منافع ایران اقدام می کنیم همین است که آقای مکی گفتند چیز بکه هست آن اجاره نمیدهند کشورها که نفت تصفیه شده را وارد میکنند قانون گذارندند و الانفع تجاری من که توأم است با همین تصفیه نفت در ایران.

آقای گنجی اظهار داشتند: بنده بر خلاف ماده ۶ باین ماده چندان اهمیت نمیدهم اگر بکروزی مثلاً فرض کنند که در هیچ جای دنیا اجازه ندهند که نفت تصفیه شده برود آنوقت وضعیت ما چه خواهد شد نظر اینست که تا حدی که آن هست با يك پورسانتاز عادلانه ای تعیین بشود که این دستگاه که حالا هست اقلاً رو بتوسعه برود و بکروزی نکویند که ما این تصفیه را هم نمی کنیم و ما بمانیم با ۷۰ ۸۰ هزار نفر کارگر بیکار.

آقای دکتر پیرنیا جواب دادند: این ماده هم اتفاقاً اینقدر هم کم اهمیت نیست و نظر شخصی من اینست دولت که قراردادهای تجارتيش با خارج است این را دولت

از لحاظ بین المللی مورد مطالعه قرار بدهد. **آقای حائری زاده** اظهار داشتند: جاهای فعلی ما هر چه کمبانی کمتر استخراج میکند به نفع ما هست فقط آن تأسیساتی که برای ما میماند طبق آن ماده هر چه از پول ایران کمبانی در خارج خرج میکند در آخر کار يك شاهیش را بحساب ما نمیگذارد و باید يك حدی برای اینکه تصفیه خانه کار بکنند اگر خدای نخواسته خواستیم معامله بکنیم قائل بشویم.

آقای دکتر پیرنیا گفتند: اگر ما بخواهیم میزان استخراجمان زیاد بشود چون تصفیه محدود میکند باید اجازه بدهیم که نفت خام زیادتیر صادر بشود متخصصین میگویند که اگر از این ماده زیاد مصرف نشود ممکن است فردا يك مواد دیگری تولید بشود که ارزش نفت را از بین ببرد دولت عراق میگوید چرا کم استخراج میکنید اینجا يك پای مسئله مبهم است و آن مسئله اکتشافات و اختراعات علمی است البته نظر اساسی باید این باشد که از این ارزش نفت استخراج شده صادر شده يك سهم عادلانه ای بماند.

آقای دکتر علوی اظهار کردند: عطف بفرمایش جناب آقای حائری زاده که فرمودند اگر استخراج حالا خیلی زیاد باشد ممکن است بالمآل ضرر ما باشد و منابع ما رو بکاهش میرود البته همانطور که در گذشته عوایدمان را صرف کردیم اگر دوی اصل کلی تجارتي برویم و عوایدمان را صرف کالاهای تولیدی بکنیم بنده عقیده دارم که استخراجمان را هر چه بیشتر زیادتیر بکنیم و عوایدمان را بیشتر بکنیم و از آن عواید دست بکار های اساسی بزنیم.

ماده هشتم تأسیسات خارج از ایران قرائت شد و

آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند: حرف ما این بود که شما آلان يك بر نامه‌ای راجع بتأسیسات مهم در خارج دارید شما که سرمایه زیادی تحصیل نکردید، قرضی که نکردید تمام آنها از فروش نفت ما است و بنا بر این ما در خارج در تأسیسات شما سهام هستیم و باید مبلغی بما بپردازند آنها میگویند ما در خارج این تأسیساتی که کردیم اولاً استهلاکش را منظور کردیم و ثانیاً ما باید شرکتهای فرعی سهام هستیم و این شرکتهای سوئدی آمده نفتش را بمردم گران تر فروخته و منافع خودش را خرج آن تأسیسات کرده است.

آقای حائری زاده جواب دادند: آن قراردادی که بیشتر داشتیم با اوضاع و احوالی که در نظر میگیریم این حرف درست نیست این کمپانی ۸۰۷ سال بعد از آنکه داری امتیاز را گرفته بجز این افتاده تشکیل شده امتیاز داری ماده ۱۵ آن میگوید این شرکتی که برای استخراج نفت تأسیس شده همینطور که منافعش را بما میدهد همانطور هم بعد از انقضاء قرارداد تأسیساتش بما واگذار بشود بعد اختلاف شد که آن شرکتهای فرعی تکلیفش چه میشود قرار شد آن کمپانیها مطیع این شرکت باشند دو این قرارداد آخری که در دوره اعلیحضرت جنت مکان بستند آنجا آمده اند کلمه مطلقش را برداشته و فقط منحصرش کردند با ایران من معتقدم دولت برود روی اصل کلی حرف بزنند این ماده یکی از ام‌الموادی است که باید خیلی رویش بحث کنیم این حرفش حسابی نیست که بگوید من رفتم بولی از ایران برداشتم و در انگلستان خرج کردم.

آقای دکتر پیرنیا جواب دادند: ما سابق داری را هم بی‌رفسور ژبدل دادیم و تمام گزارشانی که در موقع الغای امتیاز داری و تجدید امتیاز جریان داشت همه را

در اختیار ایشان گذاشتیم.
آقای دکتر علوی اظهار داشتند: بنده فکر میکنم که ما خودمان خیلی کوتاه آمدیم یعنی عوایدی که داشتیم بمصرف حقیقی نرساندیم از ابتدای امتیاز تا ۱۹۵۰/۴/۲۸۷ میلیون تن استخراج کردیم و نود میلیون و پانصد هزار لیره عایدمان شده است از این مبلغ مافقط یازده میلیون و چهارصد هزار لیره صرف عمرانی کردیم اگر بتوانید راه آهن را اسم عمران بگذارید.

(آقای حائری زاده گفتند: خیر اسلحه خریده شد و بیهوده تلف کردید)
ما خودمان آمدیم این نود میلیون لیره را بعقیده بنده بهدر خرج کردیم بمصرف کار تولیدی نرساندیم ولی دیگران از حصه خودشان این پول را بمصارف تولیدی رساندند آنها عاقل بودند ما قسم اشیاء لوکس و تجملی خریدیم و کاری را انجام ندادیم و خودشان میگویند در خارجه تأسیساتی کردند گویا ۲۷۰،۲۸۰ مؤسسه در خارج دارند و بعضی از آنها هم با اشتراك دول خارجی باید باشد و مضافاً اینها رفته اند از بورس لندن قرضه هائی گرفته اند ما هم اگر این پولها نیکه بمارسیده بود بمصارف کارهای تولیدی و مولد ثروت رسانیده بودیم مسلماً آن چیزیکه از ذخائر ما کم شده امروز در مقابل آن يك چیزهائی داشتیم (در این موقع ربع ساعت بعد از ظهر تنفس داده شد و مجدداً پس از يك ربع ساعت تنفس جلسه نیمساعت بعد از ظهر بریاست آقای دکتر مصدق تشکیل گردید) و ماده نهم دعوی دولت راجع به قیمت مواد نفتی و همچنین ماده ۱۹ امتیاز نامه نیز قرائت گردید و

آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند: که جریان کار قیمت‌های داخلی ایران این بوده که قیمت بکسال را در خلیج مکزیک و رومانی میگرفتند و ۲۵ درصد برای خریدهای

دولت و ده درصد برای خرید های مردم تخصیص میدادند.

ایرانی که ما گرفتیم اینست اول ماده نوشته شده برای احتیاجات خرید یعنی ایران و برای هر نوع ماده نفتی نوشته شده شرکت میگوید مربوط باین سه ماده است بنزین و نفت و گاز و وسایل مواد نیست میگوید قیر، نفتالین و غیره نیست ما میگوئیم این صحیح نیست. دوم اینکه اینجا نوشته شده قیمت رومانی و خلیج مکزیک هر کدام کمتر باشد او باید اساس قرار گرفته بشود بعد در جنگ بین المللی نازمانیکه آلمانها رومانی را اشغال نکرده بودند ما قیمت هارا داشتیم قیمت های خلیج مکزیک هم تا قبل از جنگ تثبیت شد و قیمت های خلیج مکزیک قبل از جنگ خیلی کمتر از رومانی بود در دوره جنگ همین وضعیت پیش آمد و ما صدایمان در نیامد چون قیمت های رومانی خیلی زیاد شده بود قیمت های مکزیک تثبیت شده بود بعد از جنگ قیمت های خلیج مکزیک بالا رفته بود آنها میگفتند چون مال رومانی در دسترس نیست و حساب نمیشود کرد بایستی قیمت خلیج مکزیک را بگیریم ما گفتیم چون قیمت بکیش از بین رفته اساس ماده ۱۹ از بین رفته است لذا ما قیمت روی يك اطلاعاتی که آن اطلاعات خیلی ناقص بود و روی يك اطلاعاتی نوشتیم که قیمت های خلیج رومانی اینست و گفتیم اگر بخواهید بالا ببرید برخلاف امتیاز نامه است و سه چهار سال روی حسابی که ما کردیم بمیزان سابق حساب کردند این يك اختلاف دیگر اینکه ما معتقدیم که شرکت موظف است تأسیسات بخش نفت بکند برای فروش نفت شرکت میگوید که من تعهد اینست که مواد نفتی را باین قیمت ها بفروشیم ولی تعهد این نیست که بروم خورده فروشی و توزیع نفت بکنم راجع باینکه حالا رومانی وجود ندارد و خلیج مکزیک هم قیمتش بالا رفته آنها يك موافقتی کردند و در قرار داد الحاقی قید شده است که چه مردم و

چه بدولت ۲۵ درصد از قیمت مکزیک تخفیف بدهند آن موقع که نرخ بالا بود قیمت های دلاری را تبدیل کردیم برینال و گفتیم ۵۰ درصد از قیمت نفت و بنزین ولی قیمت خلیج مکزیک را هم همیشه حساب میکنیم با تخفیف ۲۵ درصد دولت گفت ما این قرارداد را می بندیم بشرطیکه شرکت از دعایش صرف نظر بکند که در حدود ۷۶ میلیون تومان میشود و راجع باینکه متعهد باشند که در ایران تأسیسات بکنند توافق نگردید.

آقای حائری زاده گفتند: مسافری که بمصرف رفته بود میگفت طیاره هائیکه بآنجا هامرود صرفه ندارد که از ایران بنزین گیری بکند زیرا در ایران کمپانی کراتر می فروشد (آقای جمال امامی گفتند کراتر می فروشد یا مالیات میگیرند).

آقای دکتر پیرنیا جواب دادند: راجع به بخش نفت موقعیکه رسیدیم عرض میکنم قیمت نفت نصفش مالیات است و رو بهمرفته آن قیمت تصفیه خانه است و ما مافدا کرده ای که با شرکت میکنیم روی قیمت های اساسی و تصفیه خانه است. ماده دهم دعاوی دولت موضوع تأسیسات بخش نفت بانظریات شرکت و بر فسول ژیدل قرائت کردید.

آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند: شرکت میگوید که بخش نفت را خود دولت بعهده بگیرد و خود دولت هم که پذیرفته است ولی بهرحال الان تقاضای ملت ایران اینست که میگوید امروز وسائل بخش نفت در دسترس مردم نیست مثلاً کرمان - بلوچستان - بندرعباس و آذربایجان از همه جا بدتر است، آذربایجان دو چیز لازم دارد یکی راه کرمانشاه بآذربایجان است که ساخته نشده و از همین جهت مواد نفتی که به آذربایجان میرود میآید باهواز و تهران و باید دور بزنند. تا برود بآنجا در صورتیکه راه مهم آذربایجان همین راه کرمانشاه است که از وسط کردستان میرود بآذربایجان، دوم

راجع بکرمان هم اساسش ساختمان اسکله در بندر عباس و تأسیس پخش نفت در کرمانشاه و بلوچستان است که بشرکت فشار آوردیم و شرکت میگوید که مطالعاتشان برای ساختمان اسکله در بندر عباس تمام نشده است و چون یک کار فنی و مهمی است هنوز نقشه قطعی این را تهیه نکرده اند آقای نظام الدین امنای راجع باین موضوع یک گزارش جامعی داده اند.

ایشان معتقدند که شرکت برای ساختمانهای تصفیه خانه و غیره در سایر ممالک دنیا یک تمهیدات مهمی دارد بخصوص در انگلیس، فرانسه، مکزیک و سایر جاها و این تمهیدات باندازه ایست که اجازه نمیدهند و بیشتر منافع مالیشان را صرف این تأسیسات میکنند و بهمین جهت حاضر نیستند که از آن منافع صرف ایران بکنند بخصوص که فکرشان این بوده که این عمل داخلی ایران است بنده از لحاظ شخصی نظرم اینست که این پخش نفت یک موضوع حیاتی مملکتی است و بایستی یک شرکت ملی مملکتی اینکار را بکند و اینکه اگر بگوئیم که ما توانائی اینکار را نداریم این فکر صحیح نیست و هیچوقت کاری نمیتوانیم بکنیم.

آقای مکی گفتند: بنده خیال میکنم راجع باین ماده بخصوص درست نتوانسته اند توضیحات کافی بدهند و ادعای مردم ایران را خوب توضیح بدهند مثلاً در کرمان چون ذخیره ندارد نفت خالص نمی فروشند و بایست میفروشد یک بیتی که یکقران قیمتش هست ۲۲ قران پول آن را حساب می کنند و اگر اشخاصی پیدا بشوند که بیابند بوسیله تانکیه بطور خالص بخرند و ببرند بکرمان این در هر لیتری بکتومان کمتر میشود ولی شرکت نفت قدغن کرده به تانکهاییکه نفت را میبرند بکرمان بفروشد سابقاً هم بوسیله کرجی های بادی میگرفتند و حمل میکردند به بندر عباس

و کرمان این راهم شرکت قدغن کرده است اینجا باید دولت بشرکت بگوید که نظر شما از این تصدیقات اینست که میخواهی یک قسمت از مملکت را رو بخرابی بدی بچه مناسبت این دستگاههای پخش را در این نقاط تأسیس نمیکنی و با این ترتیب جنوب ایران را غروب به نگاهداشته و نمیگذارد که فروش نفت در آنجا عملی بشود.

آقای دکتر پیرنیا اظهار داشتند: که جریان اینست که توضیح میدهم که نظریات طرفین چه بوده است حالا موضوع این نیست که بخواهیم دفاعی از کار دولت بکنیم و بگوئیم که کی خاطی و مقصر بوده است و آن یک موضوع علیحده ایست ولی برای استحضار آقایان عرض میکنم و تصور نمیکنم بین این توضیحی که بنده دادم و توضیحی که شما دادید فرقی باشد بنده گفتم که تأسیسات نفت در کرمان و بلوچستان نبوده و باید باشد. آنها چیزیکه برایشان مهم است قیمت در تصفیه خانه است بنزین یک قیمت معینی در تصفیه خانه دارد در کرمانشاه و قوچان یک قیمت میفروشد اینطوریکه میفرمائید بضرر کرمان و یا خراسان بوده نیست برای اینکه این تفاوت قیمت در هزینه اش حاصل میشود و طبق بند - شرکت حق ندارد کوچکترین نفعی در توزیع پخش نفت ببرد و این را یک مزیتی برای ما قائل شده اند منتها بیان جنابعالی یک قسمتش صحیح است و آنهم در مورد تأسیسات پخش نفت در کرمان و بلوچستان است که نفت را بدون طرف بفروشد ولی میگویند که معلوم نیست که نفت را بدون طرف بفروشد ارزاتر تمام بشود زیرا حساب کرده اند که از قم مثلاً تا کرمان یک تانک که بخواهد نفت ببرد قیمت عمده ای مصرف سوخت حمل آن میشود فرض بفرمائید مصرف بنزین کرمان روزی پنجاه هزار لیتر باشد اگر ما بخواهیم در میلیون ریال خرج

بکنیم و بعد آن رامستهلك بکنیم این مخارجش بیشتر است .
آقای ذوالفقاری سؤال کردند : نفت آذربایجان از چه طریق حمل میشود ؟
آقای دکتر پیرنیا جواب دادند : تا آن حدی که راه آهن توانائی حمل داشته
 برآه آهن حل میشده و آن قسمتی که توانائی نداشته از راه عراق حمل میشود .
 در این موقع یکساعت بعد از ظهر جلسه برای صرف ناهار تعطیل و مجدداً دو
 ساعت بعد از ظهر جلسه برپاست آقای دکتر مصدق تشکیل گردید .

آقای حائری زاده اظهار داشتند : این موضوع کار بخش نفت يك موضوع
 سیاسی و اساسی است که باین سادگی نیست اینهمه تجاری که بیکار هستند در این
 مملکت از خدا میخواهند که این کار را بکنند در تهران عمل شد و خوب هم عمل
 کردند يك شرکت نفت مین بود که عمل می کرد نفت را از شرکت میگرفت و
 توزیع می کرد و خیلی هم خوب کار می کرد با اینکه حسن تفاهم بین این شرکت و
 شرکت نفت بود انگلیس ها ترسیدند که رفته رفته نظایر پیدا بکنند و این شرکت
 را منحل کردند و مستقیماً خودشان عمل کردند از روزی که این منحل شده پنجاه
 نفر بیشتر آمدند پیش من که یکی از این قسمت های توزیع را واگذار بکنند این
 کار سرفعلی دارد این کمیانی اشکال تراشی می کند می میگوبند بیائید بکنید در
 صورتی که نمونه اش در تهران درست شد و خودشان بهم زدند امریکائی ها بعد از جنگ
 بین الملل دوم يك پل بود بین راه اهواز و آبادان میخواستند این را بفروشد کمیانی
 گران تر از همه خرید و جمع کرد که نباشد این پل این کمیانی برای اینکه ایرانی
 روی پای خودشان بایستد ، نان نداشته باشد ، حیات نداشته باشد مخالف است باین بخش
 شرکت نفت زیرا حیات مملکت است این کاغذهایی که بشما مینویسند دروغ مینویسند

با این ترتیبی که حالا هست این هر وقت بخواهد میتواند نانوائی ها و یا حمام ها و
 سایر قسمت های مختلفه حیاتی ما را تعطیل بکند ما باید بهر قیمتی است این را دست
 شرکت های ایرانی بدهیم .

آقای دکتر پیرنیا اظهار داشتند : يك قسمت از بیاناتی که آقای حائری زاده
 فرمودند جنبه سیاسی دارد که بنده اظهار نظر در آن نمیکم ولی جنبه فنی و جریبان
 کار اینست که آن چیزیکه ما اطلاع داریم این دستگاه بخش نفت را شرکت اصرار
 داشت در آن مذاکرات که دولت بمعده بگیرد خودش بخش بکند (آقای فقیه زاده
 گفتند خلاف عرض کردند) و حالا هم هر آن که دولت تصمیم بگیرد شرکت حاضر
 است که بگذارد در اختیار دولت ولی نظر من شخصاً اینست که باین مرتبى اداره
 نشود ولی از لحاظ مصالح البته بهتر است که دولت خودش اداره بکند در آن موقع
 دولت جواب صریحی نداد و تردید داشت حالا اگر مجلس و این کمیسیون نظر داشته
 باشند که این دستگاه علیحده بشود بنده خیال میکنم هم تهیه وسائلش کار مشکلی
 نباشد و هم شرکت هم حاضر باشد که تحویل بدهد .

آقای دکتر هدایتی اظهار داشتند : بنده از تلفیق چند ماده اینطور استنباط
 می کنم که فروشنده کمیانی است و خریدار يك جا دولت است و بمصرف کننده با
 تخفیف صدی ده میفرود پس شرکت متصدی حمل و نقل و توزیع کننده اش هم هست
 در شق ج ماده ۱۹ امتیاز نامه می گوید : کمیانی حق دارد که بقیمت های اساسی
 هد کوز در جزء (الف) مخارج حقیقی حمل و نقل و توزیع و فروش و همچنین مالیات
 و عوارض موضوعه بر محصولات مزبور را بیفزاید . در اینجا صریحاً معین میکند که خود
 کمیانی بدست مصرف کننده میدهد اما در ماده يك که می گوید دولت چه چیزهایی

را واگذار می‌کند میگوید دولت در تمام وسعت خاک ایران بکمپانی حق غیر انحصاری نفت میدهد یعنی دیگران میتوانند حمل و نقل بکنند کمپانی هم میتواند بکند اینطور که بنده استنباط می‌کنم تکلیفی در بین نیست.

آقای دکتر پیرنیا اظهار کردند: شرکت حاضر است حتی از آن حق غیر انحصاری هم صرف نظر بشود.

آقای رئیس اظهار داشتند: آن در خود تهران پنجاه شصت شعبه دارد ممکن نیست صرف نظر بکند و آقای دکتر پیرنیا جواب دادند آنها را می‌دهد بما.

آقای دکتر کاسمی اظهار نمودند: اینجا که مصرف کننده می‌بوسد مصرف کننده دو قسمت ممکن است باشد یکی عمده و دیگری جزئی سئوالی که من داشتم اینست که آیا این شعبی که شرکت نفت در تهران و یا در ولایات تأسیس کرده این را خود شرکت تأسیس نموده و یا طبق قرارداد با وزارت دارائی است؟

آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند: که تاحال شرکت جاهائی را که صلاح دانسته خودش شعبه ایجاد کرده و بعضی جاهائی هم که وزارت دارائی لازم دانسته شرکت فشار آورده که تأسیس بکنند آنها می‌گویند اگر يك جائی که هیچ مصرف ندارد چون ما باید بقیمت مواد نفتی اضافه بکنیم ممکن است مصرف کننده بما ایراد بگیرد والا چون حق غیر انحصاری دارد هیچ مانعی ندارد که افراد تلمبه بیاورند و بروند از شرکت بخرند و در آن تلمبه‌ها بفروشند والا هیچ مانعی ندارد که خود جنابعالی يك پمپ بنزین فروشی درست بکنید و هر چه قدر میخواهید بنزین بخرید و بفروشید.

آقای دکتر هدایتی گفتند: این يك کار را شما برای ما انجام بدهید.

آقای دکتر پیرنیا جواب دادند: شما بدولت اجازه بدهید مافوری انجام میدهیم خود من هم خیلی اصرار کردم که این دستگاه بخش نفت را ما تحویل بگیریم و استفاده بکنیم.

آقای ذوالفقاری گفتند: دولت هائی که آمدند و رفتند حاضر نیستند این موضوع را عملی بکنند چه دولت های قبلی و چه دولت فعلی اما عرضی که داشتم راجع بموضوع بخش آذربایجان است از قراریکه بنده اطلاع دارم این بخش از راه عراق میرود بآذربایجان این را دولت در نظر دارد یا ندارد؟

آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند: جریان کار اینست که ما مواجه شدیم باینکه ظرفیت راه آهن خیلی تقلیل پیدا کرده بود این بود که از جنوب باید حمل بشود از اینجهت توافق شد که بکمقدار از راه عراق برود که آذربایجان بدون بنزین نماند ولی بقراریکه اطلاع حاصل شده این نقیصه دیگر از بین رفته است.

آقای فقیه زاده اظهار کردند: يك فرمایشاتی آقای مکی راجع بکرمان و حلب فرمودند اگر نظرتان باشد سابق برای این وقتی ما مسافرت میکردیم در راهها میدیدیم که شوفرها بنزین را خالی میکردند و حلب آنها دور می‌انداختند چطور شد که حالا حلب ۲۲ ریال شده است این را توضیح بفرمائید.

دوم اینکه فرمودید اینها حاضرند فروش نفت را بدهند بما این را من تصور نمیکنم برای اینکه يك قسمت از حیات ما دست ایشها است ملاحظه بفرمائید سابق بر این خبازها با خار نان می‌بختند حالا يك وسائلی برانگیخته اند که تمام کارهای ما با نفت و گاز و تیل انجام میشود برای اینکه حیات ما دست آنها باشد من پیشنهاد

میکنم که این را بما واگذار بکنند که اقلاً ما همیشه برای يك سالمان مواد نفتی ذخیره داشته باشیم.

آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند: راجع به قیمت حلبی تفاوت نفت با حلب و بی حلب فقط موضوع قیمت حلب نیست قیمت نفت با حلب از لحاظ حساب فنی است که در وزارت دارائی معین میشود تفاوتش هم فقط از لحاظ حلب تنها نیست نفت در حلبی بوسیله کامیون های عادی حمل میشود و علاوه بر این ضایعات نفت با حلب بیشتر است و بهمین جهت است این ۲۲ ریال تفاوت تماماً قیمت حلب نیست يك قسمتش تفاوت توزیع نفت با ظرف و بی ظرف است. قیمت حلب هم يك وقتی بجائی رسیده بود که حلبی های نفت و بنزین را میگرداند و بعد سوراخ میگردند و نفتش را خالی میگردند و در بازار میفروختند که وزارت دارائی مجبور شد قیمت حلبی را ببرد بالا قیمت حلبی در قدیم خیلی کم بود بعد از اینکه مردم متوجه شدند که از این حلبها میشود برای پیت و پوشاندن سقف استفاده بکنند از این لحاظ قیمتش رفته است بالا و راجع باینکه فرمودند شرکت حاضر نیست این کار را بکنند بنده در مذاکرات شرکت داشتم و حاضر است. (آقای ذوالفقاری گفتند دولت جدید حاضر نیست اینکار را بکند)

آقای مکی اظهار کردند: بنده خیال میکنم اگر راجع به پخش نفت زیادتر صحبت بکنیم بهتر است بدلیل اینکه یکی از آقایان گفتند مصرف سوخت اتومبیل برای حمل نفت و بنزین بکرمان بیش از ظرفیت آن است در صورتیکه اینطور نیست اگر بخواهیم ما حساب دقیق بکنیم اتومبیلی که ۱۲ تن ظرفیتش هست وقتی که بخواهد برود مسلماً سوخت زیاد تری مصرف میکند ولی در برگشتن چون خالی است نصف آنهم مصرف نمیکند پس بنا بر این يك تانکی که بیش از ده تن ظرفیتش باشد ما

میتوانیم ۱۳ هزار لیتر بر بکنیم چون يك لیتر بنزین از يك کیلو وزنش کمتر است چطور در راه خراسان تمام جاهایش يك انبار هست در صورتیکه راه کرمان هیچ نیست با اینکه راهشان هم تفاوتی ندارد بنده خیال میکنم يك ظلم فاحشی است نسبت بمملکت ایران و نفوس جنوب ایران الان يك حلب نفت در کرمان ۱۴۰ ریال است چطور شرکت نفت میگوید کمتر اتچی ها باید حتماً عراقی باشند يك کارخانه در کرمان نمیتوانند دایر بکنند برای خاطر سوختش يك چاه آب نمیتوانند بزنند همه بدبختی ها برای اینست که ما يك هیئت حاکمه مقتدری نداریم که بزند توی دهن شرکت و حق ملت ایران را بگیرد.

آقای دکتر پیرنیا اظهار داشتند: بنده راجع باساس بیان جنابعالی حرفی ندارم اگر شرکت يك علل سیاسی و یا علل محرمانه ای در کارش دارد بنده نمیتوانم توضیحی بدهم و باید استنباط کرد که اگر حقیقت داشته باشد البته دولت باید اعتراض بکند و جلوش را بگیرد ولی چند قسمت فنی بود که میخواستم توضیح بدهم یکی راجع به قیمت نفت در حلب بود که میخواهم عرض کنم قیمت نفت در حلب همه جا یکسان است منتها چیزی که هست همانطور که فرمودید باید در کرمان خیلی گران تر از کرمانشاه و خوزستان باشد برای اینکه در آنجا ضایعات خیلی دارد و این تفاوت قیمت روی اصل ضایعاتش هست و گویا این حلب هم ۲۲ ریال نباشد و ۱۲ ریال باشد در هر حال این راجع به نفت در حلب است و راجع به نفت در مپ هم موقعش که رسید بعرض میرسانم راجع بخراسان دو قسمت دارد بر نامه توزیع نفت يك حوزه هائی دارد توزیع نفت با ظرف باوضع فعلی که نفت را بیاورند ببندر عباس و از آنجا ببرند بکرمان



و بمیور برسانند چون مصرف نفت خیلی کم است ارزاتر تمام میشود تا اینکه نفت را باره آهن بیارند بقم و از آنجا بکرمان ببرند بایستی در بندر عباس يك اسكه بسازند كه نفت بی طرف در آنجا وارد كنند و قیمتش ارزاتر بشود (آقای مکی گفتند چرا باشخاص اجازه نمیدهند كه خودشان نفت را ببرند بكرمان) بنده اطلاعی ندارم كه همچو چیزی باشد كه بكنفر خواسته باشد نفت از آبادان بخرد و ببرد به بندر عباس و اجازه نداده باشند.

ماده ۱۱ تقلیل مستخدمین خارجی بانظر به دولت و نظریات پروفورژیدل قرائت شد و آقای دکتر میرنیا تذکر دادند: توضیحات راجع باین ماده مفصل میشود و پس از قرائت ماده ۱۶ امتیاز نامه توضیح دادند این طرح عمومی اول دفعه در زمان مرحوم داور در سال ۱۳۱۵ تدوین شد كه در این پرونده های ارسالی موجود است این طرح اینست كه شركت يك تعهداتی کرده راجع بوسائل تقلیل مستخدمین خارجی و شركت میگوید انجام این منظور مستلزم اینست كه كارگر متخصص ایرانی باشد و اگر نباشد ما نمیتوانیم و برای ایجاد اینها تعلیمات لازم است، تعلیمات ابتدائی و متوسطه و این تعلیمات از وظایف دولت است، دوات ایران میگوید خیر شما موظف هستید وسایل آموزش حرفه ای را بخرج خودتان ایجاد بكنید و بتدریج اینها بیایند و جانشین آنها بشوند این اساس كار است ولی اختلاف تعمیری در ماده ۳ پیش آمده است ما میگوئیم مستخدمین غیر ایرانی كه باید تقلیل بكنند آن دو هزار نفری هستند كه در موقع انعقاد آن قرار داد بوده اند و مرتباً تقلیل پیدا بكنند شركت میگوید كه این تقلیل باید طبق يك طرحی باشد كه با موافقت طرفین باشد و باید يك طرحی تهیه بكنیم كه منطبق با امتیاز نامه باشد اینها میگویند ما توسعه داده ایم عملیاتمان و



بر حسب توسعه عملیات اینها دو برابر شدند حرف آنها اینست كه مستخدمین خارجی ما باید بتناسب مستخدمین ایرانی تقلیل پیدا بكنند و روی این جریان يك موافقتی مرحوم داور کرده در آن زمان كه آن ماده ۸ ماده دارد كه ماده های اولیه اش زیاد مهم نیست و ماده ۸ آن مهم است ماده هشتم اصل تناسب را پذیرفته یعنی آن چیزی كه باید تغییر پیدا بكنند دوهزار نفر كارمندی كه آنوقت بوده نیست و نسبت آنرا گرفته اند بكارمندان آن زمان ۱۸ درصدی كه آنزمان بوده تنزل پیدا کرده به ۱۳/۶۷ این ماده ۸ اصل تناسب را قبول کرده در يك كلمه (آقای اللهیار صالح سؤال كردند چرا بفرانسه نوشته شده) برای اینکه این قرارداد هائی كه بسته میشود اصلش بفرانسه است و این در سال ۱۹۴۳ خانمه پیدا میکند در سال ۱۹۴۳ ما خواستیم وارد مذاكره شویم و چون موقع جنگ بود دولت صلاح ندانست كه مذاكره بكنند بجزر دایشكه جنگ تمام شد ما از شركت نماینده خواستیم كه بیاید و راجع بطرح عمومی مذاكره بكنند و اولین یادداشتی كه دادیم یادداشت ماده ۱۶ است كه در زمان مرحوم هژیر داده شده است و یادداشت مزبور قرائت گردید.

آقای دکتر هدایتی اظهار داشتند: بنده از جناب آقای رئیس استدعا میکنم كه این گزارش را چاپ بكنند و بتمام اعضاء كمیسیون داده بشود دوم اینکه بنده نمیتوانم خودداری بكنم از اظهار تشكر از جناب آقای دکتر پیرنیا و نمیشود گفت كه بكنفر معاون وزارتخانه این اطلاعات را داشته باشد و این تخصصی است كه ایشان دارند.

دیگر اینکه میخواستم عرض بكنم كه كار را نباید اساس تجاری قرار داد اساس بین المللی كار امروزه باید وضع كار گران و سلامتی افراد بشر را مورد نظر



قرارداد و بهمین نظر هم هست که تمام دولی که امروز جزء انجمن بین المللی کار هستند این را قبول کرده اند هیچ تردیدی نیست که نفت يك مال التجاره بین المللی است و يك قیمت واحد دارد تقریباً با اختلافات خیلی کم که در این زمینه دولت چه اقدامی کرده است.

آقای دکتر پیرنیا اظهار داشتند: از این بیانی که جنابعالی کردید خیلی متشکرم البته در تهیه این خیلی مطالعه شده و در وزارت دارائی رفقائی داشتیم که خیلی کمک کردند بنده باید عرض بکنم که يك مقداری از این کار را تحسین می کنیم از آن وزیری که شهامت داشت و این را بعنوان یادداشت رسمی دولت بشرکت داد و شرکت شروع کرد بیک برنامه خیلی عظیمی از لحاظ خانه سازی و اجرای این برنامه ای که ما در چهار سال پیش نوشتیم حالا جواب این یادداشت را هفته آینده میآورم اینجا.

آقای ذوالفقاری گفتند: پیشنهادی دارم و آن اینست با این گزارشی که خواننده شد مثل آقای حائری زاده معتقد شدم که دیگر لازم نیست وارد در مواد دیگر بشویم و نظرمان را بگوئیم.

آقای فقیه زاده پیشنهاد کفایت مذاکرات دادند و گفتند: من عقیده مندم چون قرارداد الحاقی منافع ایران را تأمین نمی کند گزارشی در این زمینه تهیه و تقدیم مجلس شود.

آقای دکتر هدایتی مخالف بودند و اظهار کردند: این گزارش واقماً در کتاب است، تأثیر آور است و آقای ذوالفقاری هم تحت تأثیر همین کار واقع شدند ولی شأن

مانندت از آقای ذوالفقاری و آقای فقیه زاده که پیشنهاد داده اند خواهش می کنم که پیشنهاد خود را پس بگیرند و ما مطالعاتمان را با آخر برسانیم.

آقای فقیه زاده اظهار کردند: بر حسب اظهار آقای رئیس و تقاضای بعضی از آقایان پیشنهاد خود را مسترد میکنم. در این موقع ساعت چهار بعد از ظهر جلسه ختم و جلسه آینده بر روز دوشنبه ۲۴ مهر ماه ۱۳۲۹ سه ساعت قبل از ظهر موکول گردید.

جلسه ۵۵م

دومین جلسه کمیسیون مخصوص نفت روز دوشنبه ۲۴ مهر ماه ۲۹ یک ساعت و يك ربع قبل از ظهر بریاست آقای دکتر مصدق و با حضور آقای پیرنیا معاون وزارت دارائی و آقایان اعضاء مشروحه زیر:

آقایان: بهبهانی - اللهیار صالح - دکتر هدایتی - ناصر ذوالفقاری - دکتر علوی - حائری زاده - مکی - پالیزی - عامری - فقیه زاده - دکتر کاسمی - فرامرزی تشکیل گردید.

آقای رئیس اظهار داشتند: چون صورت جلسه قبل خیلی مفصل بوده و هنوز تمام نشده لذا بحث در مواد دعاری دولت شروع میشود.

آقای دکتر پیرنیا اظهار داشتند: قبل از اینکه وارد ادامه توضیحات جلسه گذشته بشویم يك نامه ای از جناب آقای نظام الدین امامی رسیده است که تقدیم جناب آقای دکتر مصدق میکنم که باطلاع کمیسیون برسند.

در این موقع نامه مزبور بشماره ۲۹۱۷/۲۴ وزارت دارائی بانضمام رونوشت نامه شماره ۲۰۴۴/۲۹۷۱۳ آقای نظام الدین امامی قرائت گردید.

آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند: که در جلسه گذشته بحث در ماده ۱۱ راجع بتقلیل مستخدمین خارجی و جریان آن را تا اواخر سال ۱۹۴۷ خدمت آقایان عرض کردم و بعد از آن این مذاکرات جریان پیدا کرد و يك نماينده‌ای از طرف شرکت معین شد که رئیس کل شرکت بود در آبادان و از طرف دارائی هم بنده معین شدم که يك طرح عمومی تهیه بکنیم البته اختلاف نظر بین دارائی و شرکت زیاد بود و چون دیدیم که بجائی نرسیم قرار شد که مذاکرات عمومی راجع باسناد امتیاز نامه شروع بشود و این ماده ۱۶ هم در همان مذاکرات مطرح بشود.

در کابینه آقای ساعد که آقای گلشائیان مأمور مذاکره بودند و این مذاکرات راجع بقرارداد الحاقی بود در این مذاکرات این موضوع هم مطرح شده ولی در خود قرارداد الحاقی ماده‌ای راجع با این موضوع وجود ندارد بخصوص که ملاحظه خواهیم فرمود دولت يك طرحی داده بود راجع با این ماده ۱۶ و فکر دولت این بود که این ماده ۱۶ باین شکل که هست برای دولت ایران یکی از بهترین مواد امتیاز نامه است و کوشش کرد که در این ماده تغییری داده نشود این جریان وجود داشته بعد از آن يك کمیسیون مأمور شد که با شرکت نفت مذاکره بکند بریاست آقای گلشائیان و عضویت بنده و آقای نظام‌الدین امامی و بعد از اینکه کمیسیون گزارش خودش را داد دیگر آن کمیسیون مأمور مذاکره نشد و مذاکرات بین آقای گلشائیان و شرکت نفت ادامه پیدا کرد با اطلاع دولت و تصویب نامه‌های دولت که ملاحظه می‌فرمائید راجع بماده ۱۶ يك نامه‌هاییست که مبادله شده و نوشته شده تکلیف طرح عمومی مستخدمین را سه ماه بعد از تصویب قرارداد الحاقی وارد مذاکره بشوند و اگر قانع نشدند ظرفین بحکمیت رجوع شود که گویا ضمن امتیاز نامه فقط اختلاف ترتیب پورسانت‌ها بحکمیت

می‌رود و طرحی که تهیه میشود اینست که روی نسبت کارمندان ایرانی بخارجی است بنا بر این این جنبه قانونی ندارد و بمجلس این موضوع مراجعه نشده است چون در امتیاز نامه نوشته شده که طرفین طرح را قبول بکنند پس راجع بمستخدمین خارجی همانطور که در ماده ۱۶ پیش‌بینی شده همین طور مانده است و بحث راجع با این ماده تا تکلیف قرارداد الحاقی در مجلس وارد نیست (در اینموقع نامه آقای گلشائیان قرائت کردید).

آقای صالح اظهار داشتند: در مورد این نامه وقتی نگرانی پیدا میکند که این طرح در مجلس قبول بشود.

آقای دکتر پیرنیا جواب دادند: صرف نظر از قرارداد الحاقی چون مدت سه ماه گذشته و تصویب هیئت وزیران نرسیده قرارداد الحاقی هم بتصویب برسد فکر نمیکنم این نامه دیگر معتبر باشد.

آقای عامری اظهار داشتند: این نامه خیلی سریع و روشن است چون اصل پایه موضوع را قبول کرده اگر بتصویب مجلس رسید اصل پورسانت‌ها قبول شده است.

آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند: که اصل پورسانت‌ها مخالفت با متن قانون دارد و دولت هیچوقت يك نامه‌ای نمیتواند بنویسد که با قانون مخالف باشد دوم اینکه خودش هم نوشته در عرض سه ماه مواردی را که طرفین توافق نکردند یعنی در هر موقع توافق نکرده باشند این قابل ارجاع بحکمیت است بنده فکر میکنم اگر قرارداد هم تصویب بشود فکر نمیکنم شرکت قبول بکند که اصل پورسانت‌ها قانونی باشد.

آقای دکتر هدایتی توضیح دادند: راجع با این موضوع دو دلیل هست که قانونی

نیست یکی اینکه آقایان فرمودند روابط بین کمپانی و دولت ایران بموجب قانون ۱۳۲۳.

دوم اینکه طرفین قرارداد عبارت بودند از شرکت نفت و دولت ایران وزارت دارائی غیر از دولت ایران است مگر اینکه این حق خودش را دولت ایران در بعضی موارد معین اختیار داده باشد. وزارت دارائی که این کار را بکنند از بیانات آقای دکتر پیرنیا من اینطور استنباط کردم که در این مورد خاص دولت اختیاری آقای گلشائیان نداده است و بیخود نوشته است بموجب تصویبنامه آقای گلشائیان مأمورینا آکره شد با شرکت نتیجه ای که بخواهیم بگیریم اینست که در اینمورد خاص اصولاً آقای گلشائیان حق هیچچنین نامه و تهنیدی از طرف دولت ایران نداشته است.

آقای دکتر پیرنیا در جواب توضیح دادند: نکته اولی که فرمودید راجع بقانونی نبودن کاملاً صحیح است و نکته دوم راجع آقای گلشائیان ایشان بر حسب تصویبنامه دولت نماینده تام الاختیار بوده اند (آقای دکتر هدایتی گفتند: راجع به چه چیز) و نکته سومی اینست که بهر حال اگر نماینده تام الاختیار هم نبود اینجا نوشته شده اگر سه ماه بامضای دولت نرسد میرود بحکمیت و چون سه ماه گذشته پس میرود بحکمیت.

آقای مکی گفتند: اجازه بفرمائید یک قسمت از جواب آقای گلشائیان را که در مجلس گفته ام بخوانم.

آقای رئیس اظهار داشتند: چون اینموضوع ندارد تضييع وقت ميشود.

آقای دکتر کاسمی سؤال کردند: آیا وزیر دارائی وقت راجع به نامه هائی که بشرکت مینویسد باید از دولت اجازه بگیرد یا نه؟ (دکتر پیرنیا جواب دادند: بلی)

آقای فراه‌رزی گفتند: بنده يك عرضی بیشتر ندارم و آن اینست که ما میخواهیم نتیجه برسیم یا فقط وقت بگذرد در اینکه وزیر دارائی چه اختیاری دارد یا ندارد اینمورد بحث ما نیست اگر باید اجازه بگیرد یا نکیرد این بحث علیحده است من استدعا میکنم که آقایان اینموضوعی که مطرح و متن است رویش صحبت بکنید و ثوی حاشیه نرویم.

آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند: راجع باینکه فرمودید وزارت دارائی چه اختیاراتی دارد اینها تمام روی قرارداد و قانون معین شده فرق از داد یک چیز هائی را بوزیر دارائی و یک چیز هائی را به هیئت دولت اجازه داده است و در هر قسمتش تشریح شده است و اختیارات دولت معین است البته هیچ نامه ای که مباحثت با اصل قرارداد داشته باشد این سندیت ندارد پس بنا بر این نمیتوانند باین نامه مزبور هم که یک وزیر یا دولتی تصویبنامه بگذارند که متباین با قرارداد باشد بهیچوجه سندیت ندارد.

آقای دکتر کاسمی سؤال کردند: اگر یک وزیر غیر مأذون برداشت یک نامه ای بشرکت نوشت سندیت دارد یا نه؟

آقای رئیس جواب دادند: اینطور مسائل را وزیر مأذون نیست بنویسد و سندیت ندارد.

آقای اللهیار صالح تذکر دادند: البته طرف از این قبیل مسائل ممکن است بخواهد از امضاء وزیر استفاده بکنند ولی در هر حال اگر مجلس یا دولت اجازه ندهد سندیت ندارد.

آقای دکتر پیرنیا دنباله توضیحات خود را اینطور بیان کردند: که اساس موضوع این بود که در جلسه گذشته قرار شد که در ابتدای این جلسه اولاً جوابی که شرکت

بآن یادداشت ما داده بود بیاروم و دوم اینکه تحولانی که از آن تاریخ تا بحال حاصل شده بصورت آمار بیاروم که ملاحظه بفرمائید ماده ۱۶ چه هست ولی همانطور که عرض کردم قبلا اطلاع دادم آن اطلاعات بواسطه کمی وقت حاضر نشد و تقاضا کردم که این اطلاعات را دفعه دیگر بیاروم.

آقای ذوالفقاری سؤال کردند: بنده میخواستم ببینم راجع باخراج کارمندان از شرکت نفت آیا شرکت از دولت مشورت میکند و آیا در اینخصوص ما مقرراتی داریم یا نه؟

آقای دکتر پیرنیا: اینموضوع مربوط بقانون کار است آن چیزی که مربوط بکارگران است تابع مقررات قانون کار میباشد و آن چیزی که مربوط بکارمندان است نه تنها راجع بکارمندان نفت در شرکت های دیگر هم هنوز قانونی وضع نشده است که امنیتی بآن داده بشود البته در این زمینه اگر کسانی شکایت بکنند وزارت دارائی بشکایتشان رسیدگی میکند این ماده ۱۶ تمام نمیشود مگر اینکه آن جریان بعد از سال ۱۹۴۷ را بیاروم.

ماده ۱۲ جلوگیری از تلف شدن گاز بانضمام نظریه شرکت و ماده ۱۲ امتیازنامه قرائت گردید.

آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند: در خود مراکز عملیات شرکت و سایر مراکز از مصرف گاز استفاده می کنند و یکی اینکه آنها را بچاه بر میگردانند اما اساس کار در امریکا اینست که يك صنایعی دارند و وسائلی دارند که میروند گاز را میخرند و برای مصرف سوختشان استفاده مینمایند، شرکت هائی که الکتریکسته مصرف می کنند خودشان کارخانه ایجاد می کنند و بعد برای سوختشان میروند این گازها را میخرند. شرکت نفت می گوید ایجاد این صنایع از وظایف دولت و برنامه های

اقتصادی است که این صنایع را ایجاد بکنند و ما مجاباً این گازها را در اختیارشان بگذاریم و راجع بر گرداندن چاه هم می گوید وضع فنی چاههای ایران ایجاد نمیکند و فشار گاز در این چاهها خیلی زیاد و فوران آن زیاد است و موردی در اینجا ندارد و نتیجه معکوس می دهد البته بایستی دولت يك برنامه ای برای استفاده از گازها تهیه بکند یا بوسیله لوله کشی یا بوسیله سوختن و تبدیل کردن ببرق.

آقای رئیس تذکر دادند: اگر بخواهیم زیاد حرف بزنیم از آن نتیجه اصلی باز میگردیم اگر عقیده خودتان را بیان کنید بهتر است و کار دولت را آسانتر می کنید.

آقای دکتر علوی اظهار داشتند: بنده نظرم تأمین شد با این فرمایشی که فرمودند ما باید صنایعی ایجاد کنیم و حسن استفاده بکنیم از این گازها ما باید خودمان آنها را بمصرف برسانیم ولی آیا اگر ما صنایعی در خوزستان ایجاد بکنیم آنها حرفی دارند یا ندارند.

آقای ذوالفقاری جواب دادند: بلی حرف دارند آنها می گویند اول بروید فولاد و لوله کشی نان را تهیه بکنید بعد ما موافقت می کنیم بنده در صورت مذاکرات آقایان دیدم جوابی را که شرکت داده است.

آقای دکتر پیرنیا جواب دادند: آن موقع راجع بلوله های آغاچاری بود و گفتیم که چرا تا بحال لوله کشی نشده و آنها گفتند که چون جنگ بود ما نتوانستیم لوله تهیه بکنیم (آقای ذوالفقاری گفتند: خیر اینطور نیست).

ماده ۱۳ مطالعه کاران خارجی با نظریه شرکت قرائت و آقای دکتر پیرنیا گفتند: که شرکت حاضر است تریبی بدهد پس بنا بر این دیگر احتیاجی بتوضیح نیست.

ماده ۱۴ بیمه کارگران قرائت شد و
آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند: در قرارداد چیزی نیست ولی ما گفتم مؤسسات بیمه را در نزد ما بیمه کنند که اگر اینکار میشد خیلی بمنفع ما بود شرکت حاضر نشد چون خطرات این شرکت ها زیاد است شرکت حاضر نیست بیمه کند.

آقای مکی راجع به بیمه گفتند: بنده این موضوع را در مجلس مطرح کردم و بکس جوابی خودم دادم که ایست: بیمه سه قسمت است یکی بیمه مؤسسات در خارج و یکی در داخل و بیمه صادرات و واردات است. بیمه صادرات و واردات این مسلماً وقتی که میخواهد یک سفارشی بدهد باید بیمه نامه اش هم همراه باشد که آن بانک مجاز بتواند حل بکند برای صادرات هم همینطور بیمه مؤسسات من نمیدانم داده یا نداده اگر شرکت بگوید که سرمایه شرکت ها در خارج و داخل بحدی زیاد است که اگر یکی از آنها از بین برود شرکت باید بیشتر سرمایه خودش را بدهد این صحیح نیست و اعتراض دولت ایران اینست که واردات و صادراتش را باید به بیمه ایران بدهد و این را باید دولت ها پافشاری بکنند و نکرده اند.

آقای دکتر پیرنیا جواب دادند: واردات و صادرات هم گویا بیمه نمیکنند و پیش خودشان بیمه میکنند.

ماده ۱۵ مدت امتیاز با نظریات پرفسور زیدل و شرکت قرائت شد و
آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند: شرکت بگوید در مقایسه ۱۹۳۳ با داری شما فقط مدت را میکویید ولی در مقابله وسعت امتیاز نامه بیک ثابت تقلیل داده شده دوم از همه مهمتر اینست که قدیم در تمام جنوب ایران امتیاز لوله کشی با شرکت بوده در

صورتیکه این انحصار از بین رفته و تبدیل بحق غیر انحصاری شده و از این يك نلت هم هر کس میتواند لوله کشی بکند و این موضوع خیلی ارزش داد بوقت سایر نقاط ایران و سبب شد که نفت سایر جاهای ما قیمت پیدا بکند.

آقای اللهیار صالح سؤال کردند: آیا بعد از نطق آقای تقی زاده شرکت کاغذی نوشته که اظهارات ایشانرا تکذیب بکند؟ (آقای دکتر پیرنیا جواب دادند خیر).

آقای دکتر هدایتی اظهار کردند: موادی که خواندیم امروز همانطور که آقای دکتر پیرنیا گفتند اساسش میبود روی موضوع غبن و بحکمیت هم صلاح نیست طبق نظر پرفسور زیدل اگر غبن ثابت شد و یا فرض بکنید که قرارداد ۱۹۳۳ با داری برای ما ضرر آور بوده اگر ما ثابت بکنیم و کمیسیون عقیده داشته باشد که قرارداد ۱۹۳۳ را میشود رد کرد آنوقت دیگر قرارداد الحاقی موضوعی ندارد.

آقای رئیس اظهار داشتند: بعد از ۱۹۶۱ تمام عایدات این شرکت مال دولت است و بر فرض توسعه امتیاز ۱۶ در صد را میدهد بدولت و ۸۴ در صدش را خودش میبرد ولی طبق قرارداد جدید ۳۱ سال دیگر آنرا تمدید کردند یعنی ۳۱ سال دیگر دولت ایران را محروم کرده اند و در این قرارداد ۱۹۳۳ آمدند بن آژرا مأخذ قرار دادند که ما چهار شیلینگ بگیریم اما ۲۰ درصد هم مال ما هست و باید از عایدات بدهند.

آقای دکتر هدایتی اظهار کردند: سی سال اضافه کردند بمدت عایداتی که بما می رسد ۱۶ در صد بما می رسد در صورتیکه باید همه اش بما برسد و این ضرر ما است ولی نظر من اینست که ما بچه دلائلی برویم بجلو برای لغو قرارداد ۱۹۳۳ و چه استدلال حقوقی بکنیم.

آقای رئیس پاسخ دادند: اوضاع و احوال طوری بوده که در آنوقت نمیتوانستند بگویند.

آقای دکتر هدایتی گفتند: ممکن است سؤال بکنم در این مذاکراتی که شده کلیانکیان چه سمتی داشته است.

آقای دکتر پیرنیا جواب دادند: آتاشه اقتصادی دولت بودند و ایشان یکی از متخصصین کارهای نفت هستند.

در این موقع یکساعت بعد از ظهر جلسه برای صرف ناهار تعطیل و مجدداً دو ساعت بعد از ظهر بریاست آقای دکتر مصدق تشکیل گردید و ماده ۱۶ مبنای حق الامتياز از دعای دولت با نظریات شرکت و پرفسور ژیدل قرائت گردید.

آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند: اصول حرف شرکت اینست که ما در يك منطقه نفت خیزی هستیم و امتیازاتی که در این منطقه بدولت می پردازند از لحاظ حقوقی باید شبیه بهم باشند که بتوانند رقابت بکنند بخصوص که مقدار استخراج ما فوق العاده از مقدار استخراج سایر این ممالک مثل عراق و عربستان سعودی بیشتر است در دنیا دو منطقه امتیازی نفت و فولیدکننده است بعد از خود امریکائی ها که دیگر امتیاز خارجی وجود ندارد امریکای شمالی که خودشان استخراج میکنند و امتیازی در بین نیست و فقط صاحبان زمینها هستند که $\frac{1}{4}$ نفت خام میگیرند بنابراین باید مقایسه بکنیم با امتیازات ونزوئلا و خاورمیانه در مورد امتیاز با ونزوئلا آنها معتقدند که وضع خاورمیانه را نمیشود با ونزولا مقایسه کرد برای اینکه آنها بجا يك شرکت مادری است و شرکت نفت انگلیس و ایران و يك شرکت کل است که دستگاه فروش و توزیع در تمام دنیا دارد که بهیچوجه قابل مقایسه نیست بنابراین باید امتیازی که در ایران عمل میشود

مشابه باشد با سایر امتیازاتی که در خاورمیانه موجود است برای اینکه بتواند رقابت بکند. امتیازات قدیم که فعلاً موجود است امتیازات عراق، کویت، بحرین و عربستان سعودی است وضع این امتیازات نسبت به ۱۹۳۳ قبل از قرارداد الحاقی خیلی بهتر از ایران بود ولی در همان ضمنی که ما داشتیم صحبت میکردیم درخصوص تجدید نظر آنها هم راجع بامتیازنامه خودشان وارد صحبت شدند وقتی ما قرارداد الحاقی را تصویب کردیم وضع ما بهتر شد از خاورمیانه ولی آنها هم ساکت نشستند و يك امتیازاتی گرفتند مثل بحرین و عراق، عراق جدیداً يك امتیازی منعقد کردند که شرایط آن امتیاز در حدود این قرارداد الحاقی ما است یعنی همان شش شیلینگ است منتها ما ۲۰ در صد سهم هستیم در سود شرکت که آنها سهم نیستند در این قسمت وضع عراق فعلاً تقریباً همان چیزی است که ایران میگیرد با تفاوت يك شیلینگ در هر تن که آنها زیادتر میگیرند بعد از او راجع بکویت و عربستان سعودی است که هنوز ما خبری نداریم که در امتیازی که داشتند تفاوتی حاصل شده باشد اینها چهار شیلینگ طلا می گرفتند که حالا هم میگیرند امتیازات جدیدی که حالا دارند هنوز اصل آن امتیازات در دسترس ما قرار نگرفته است امریکائی ها جدیداً دو امتیاز گرفته اند از کویت و عربستان سعودی و هر دو این امتیازات با امتیازاتی که فعلاً دارند خیلی متفاوت است ایراد ما با خاورمیانه از این لحاظ است که دولت ایران يك دولتی است که نمیشود با حکومت کویت و با عربستان سعودی مقایسه اش کرد ما یکدستگاه ملی داریم و خرج از خزانه مملکت میشود در صورتی که آنجا بشود داده میشود و این قابل قبول نیست دوم اینکه می گوئیم سابقه ما خیلی بیشتر است، این شرکت هائی که رفته اند و امتیاز گرفته اند يك ریسک فوق العاده ای کرده اند و از

همین جهت حق امتیازی که میدادند خیلی کم است بعلمت سوابق چهل ساله‌ای که ما داریم مدعی هستیم که مقایسه ما با امتیازات سابقه که در این منطقه داده شده ما این را صحیح نمیدانیم تقاضای ما این بود که رفتاری که با ما میشود مثل رفتاری باشد که با ونزوئلا میشود، میگوید بشرطی باشما مثل ونزوئلا رفتار می‌کنیم که همان شرایطی که در ونزوئلا هست در اینجا برای ما فراهم بکنید یعنی عملیات نفتی ما را مجزی بکنید، البته در خاور میانه یک امتیازات دیگری هم مثل امتیاز بصره و دو امتیاز جدید امریکائی هست که آنها هم شرایطشان بهتر است.

آقای رئیس اظهار داشتند: آیا شرکت حاضر است که ۵۰ درصدش مثل ونزوئلا نفت خام را بدهد یا ایران؟

آقای دکتر پیرنیا جواب دادند: در ونزوئلا پنجاه درصد منافعش را میدهد و فقط خام نیست.

آقای صالح سؤال کردند: این امتیازات خاور میانه از حیث مدت کدامشان قابل مقایسه با ایران است؟

آقای دکتر پیرنیا جواب دادند: بنده این را مطالعه دقیقی نکردم و برای دفعه آینده حضور آقایان عرض می‌کنم.

آقای مکی درباره تجدید امتیازات و تجدید نظر در آنها توضیحاتی دادند و گفتند: در عراق برای هر ده سال یکمرتبه حق تجدید امتیاز و تجدید نظر هست و دیگر اینکه بیست درصد مواد خام را عراقی‌ها از شرکت می‌گیرند.

آقای دکتر پیرنیا اظهار داشتند: خوشبختانه در امتیاز ایران هم موقع تجدید

نظرش می‌رسد در ماده ۱۱ مربوط بهمین است که آن ماده خیلی مهم است و آن موقعی است که سی سال اول که تمام میشود یکروز قبل از او دولت ایران حق دارد که تجدید نظر بکند این حق در قرارداد الحاقی هم محفوظ است.

ماده ۱۷ دعاوی دولت با نظریات شرکت و پرفسور ژیدل قرائت شد.

آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند: معافیهائی که در امتیاز نامه ذکر شده یکی راجع به ماده ۱۱ مربوط به مالیات بر درآمد است در ۱۳۱۲ این مبلغی که نوشته اند بابت مالیات در مقابل این معافیت مالیات بر درآمد را از روی منافع معین نکرده بلکه از روی تن آژ معین شده برای هر تن ۲ شیلینگ مالیات بر درآمد میشود اگر سی میلیون تن استخراج بکنند سی میلیون تومان باید عاید دولت بشود راجع به معافیهائی حقوق کمرکی دو قسمت است یکی مصرف کارمندان و کارگران از قبیل لباس - انومبیل - قند - گندم - مشروب - سیگار - شکلات که برای مصرف کارگران و کارمندان وارد میشود تمام اینها کمرکش را میپردازند و گویا در حدود سه چهار میلیون تومان میشود دو میلیون لیره گویا حقوق و عوارض کمرکی است که از این بابت عاید کمرک میشود دوم از ماشین آلانی است که برای عملیاتشان لازم است مثل تصفیه خانه و غیره اینها را عواید کمرکی نمیپردازند و فلسفه‌ای که میگوید اینست که آنها در آخر امتیاز نامه مجاناً بدولت واگذار میشود و از اینجهت است که گفته یکمقدار زیادی سرمایه وارد میشود بنفع ایران است.

آقای دکتر کاسمی سؤال کردند: این اثاثیه‌ای که شرکت وارد میکند تشخیص اینکه کدام در عملیات مورد لزوم و کدام ها نیست با کیست؟

آقای دکتر پیرنیا جواب دادند: اینها از وظایف کمرک است و مأمور نظارت

در ماده ۶ کمرک میباشد.

آقای اللهیار صالح اظهار داشتند: متأسفانه عملاً كمرك خانه تحت نفوذ شركت است.

ماده ۱۸ سهام شركت با نظریات شركت ویرفوسورژ بدل قرائت شد و

آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند: جریان اینکار این بود که شركت همیشه يك ذخیره عمومی داشت از این ذخیره عمومی گاهی سود سهام توزیع میکنند و گاهی هم بعنوان عین سهام بصاحبان سهام میدهد و بجای اینکه صاحبان سهام پول بگیرند سهام شركت را میگیرند و این پول بعنوان سرمایه شركت ذخیره میشود برای ازدیاد سرمایه شركت يكمترتبه در سال ۱۳۱۵ اینکار را کرد و يكمقدار از ذخیره را كاپیتالیزه کردند نظر ما این بود چون ذخیره عمومی شركت خیلی زیاد بود فكر كردیم که حتماً این را تقسیم خواهند کرد بین صاحبان سهام بعنوان سهم گفتیم بجای اینکه سهم ما را از ذخیره لیره بدهید سهم بماندهید آنها گفتند که ما تصمیم نداریم که ذخیره عمومی را كاپیتالیزه کنیم علاوه بر این يك سهامی خود شركت خواست اضافه بکند و برای ۵۰ درصد این سهامی که اضافه میکنند حق تقدم را بدهد باتباع ایران یعنی اول در تهران دفترش را باز بکند اگر کسانی بودند و خریدند که خیلی خوب در حال این موضوع موادی نشد که در امتیاز نامه گنجانده بشود در امتیاز نامه فقط نوشته شد اگر شركت خواست سهامی در انگلستان بفروش برساند در تهران هم دفترش را باز بکند.

در این موقع ماده ۱۹ دعوی دولت راجع باسعار قرائت شد و آقای دکتر پیرنیا گفتند این توضیحی ندارد و موضوع اینست که قابل ارجاع بحکمت نیست.

ماده ۲۰ فروش نفت قرائت و

آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند: که شركت يك مواد نفتی را در ایران میفروشد ولی بطوری که در ماده ۱۹ ملاحظه کردید این مواد بيك قيمتهای مخصوصی

فروخته میشود و هیچکس حق صدور ندارد ما بشرکت گفتیم اگر اتباع ایران بخواهند نفت بخرند و خارج بکنند بچه ترتیب است آنها گفتند يك قرارداد کلی نمیشود نوشت مواردش را بگوئید ما جهد می‌کنیم که اقدام بکنیم.

ماده ۲۱ نفت شاه قرائت شد و

آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند: يك معدن زیرزمینی طوری است که در يك مرز مالکیت میگذرد حالا باید طرز استخراج از نفت شاه و نفت خانه طوری باشد که نفتی که از نفت خانه استخراج میشود نفت شاه را نکشد و بالعکس و باید از لحاظ فنی طوری باشد که مصادرات غیر مرئی نداشته باشیم البته در نفت خانه استخراج بیش از نفت شاه است ولی روی اصول فنی میگویند قسمت اعظم نفت ما در نفت خانه است این موضوع در امریکا خیلی مهم است و دعوی که بین شركت ها می‌شود روی همین اصول است مثلاً در يك محوطه‌ای مثل این اطاق ممکن است چهار گوشه‌اش چهار چاه نفت باشد. وزارت معادن امریکا يك مقرراتی از لحاظ فنی وضع کرده که نفت این چاه بآن چاه سرانبر نشود راجع باین موضوع شركت نظر داده است که تدابیر لازم اتخاذ خواهد شد.

آقای دکتر هدایتی اظهار داشتند: ظاهر آنست که در حوزه نفت ایران وانگلیس است و بهمین جهت هم در ماده نهم شركت متعهد شده است که مقدمات استخراج نفت آنرا فراهم نماید و بطوری که آقای دکتر پیرنیا گفتند در آنطرف مرز شركت نفت خانه هم مشغول استخراج است و این دو نفت هم از زیر زمین باهم مربوط هستند آیا دولت تدابیری اتخاذ کرده است که قبل از تمام شدن این حوزه نفت در نفت خانه نفت شاه استخراج شود.

آقای دکتر پیرنیا جواب دادند: این را میشود رسیدگی کرد اگر يك همچو وضعی باشد مقدار نفتی که خارج میشود يك رابطه ای دارد با فشار چاهها اگر فشار چاه نشان داد که بهمان اندازه کم شدن معلوم میشود که صادرات غیر مرئی نداریم و اگر فشار چاه کم شد معلوم میشود که صادرات غیر مرئی وجود دارد و در هر صورت این موضوع از روی اصول فنی و فشارسنج معلوم میشود.

آقای دکتر علوی سؤال کردند: آیا نظارت در این عملیاتی که میفرمائید با وزارت دارائی است؟

آقای دکتر پیرنیا جواب دادند: بلی.

ماده ۲۲ از دعاوی دولت با نظریات شرکت و همچنین نظریات پروفیسور ژیدل قرائت گردید و

آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند: که جریان کار اینست که در امتیاز نامه شرکت نفت را تعریف کرده شرکت نفت و شرکتهای تابعه بنا بر این ماسکالی در کمپانیهای تابعه نداریم ولی نظر ما از شرکت های غیر تابعه است تابعه آنهاست هستند که بیش از پنجاه درصد سهام مال آنها باشد ولی غیر تابعه آنها میگویند که این شرکتها شرکتهائی هستند که عملیاتشان هیچ ارتباطی با کار ایران ندارد مثل شرکتهای شیمیائی و بهر صورت سهام شرکت در هر کجا که باشد سودی که از این سهام حاصل میشود جزء سود عمومی منظور میگردد.

ماده ۲۳ تغییرات اساسنامه قرائت شد و **آقای دکتر پیرنیا** توضیح دادند: ما يك تجربه تلخی پیدا کردیم از سابقه که مارا و ادار کرد اینطور بنویسیم، اینجا نوشته

ما این اختیار را داریم بشرکت سهامی نفت انگلیس و ایران و شرکت منبور نباید يك وضعی بخودش بدهد که از شکل اولیه خارج شود.

آقای مکی گفتند: یکی از مواد مهم قرارداد همین است زیرا اگر يكسال مانده باشد بانقض قرارداد شرکت آمد و يك تغییر کلی در اساسنامه اش داد این یکی از مواد مهم ۱۹۳۳ و قرارداد الحاقی است که بهر ترتیبی است باید از بین برود که شرکت بتواند اینکار را بکند.

آقای عامری سؤال کردند: شما چقدر سهم از شرکت نفت دارید؟

آقای دکتر پیرنیا جواب دادند: هیچ سهم نداریم بنا بر این تکرانی که آقایان میفرمایند کاملاً وارد است.

ماده ۲۵ حدود هوائی قرائت شد.

آقای رئیس اظهار داشتند: من عقیده دارم امروز تصمیم خودمان را بگیریم و بنا بر این خوب است آقایان: گنجهای - سر تیمزاده - فرامرزی - پالیزی - بهبهانی - امامی همین الآن (ساعت سه و نیم بعد از ظهر) تلفن بشود که تشریف بیاورند و عقیده خودشان را اظهار نمایند.

(در این موقع آقایان مشروح فوق تلفن شد ولی جز آقای جمال امامی که در منزل بودند و حضور پیدا کردند بسایر آقایان دسترسی پیدا نشد)

آقای دکتر پیرنیا گفتند: اجازه بفرمائید مالیات مواد نفتی و ذخائر را در روز چهارشنبه (جلسه آینده) توضیح بدهم چون هم بایستی مطالعه بشود و هم باید بروم سو ابقش را بیاورم.

آقای ذوالفقاری گفتند: بنده استدعا می کنم چون همه آقایان نیستند برای

اینکه اختلافی پیش نیاید اعلام بشود که همه آقایان برای جلسه بعد حاضر بشوند. در این موقع ساعت چهار بعد از ظهر جلسه تعطیل و جلسه بعد بروز چهارشنبه ۲۶ مهر ماه ۱۳۲۹ دو ساعت قبل از ظهر موکول گردید.

رئیس کمیسیون مخصوص نفت - دکتر محمد مصدق
جلسه یازدهم

بازدهمین جلسه کمیسیون مخصوص نفت دو ساعت قبل از ظهر روز چهارشنبه ۲۶ مهر ماه ۱۳۲۹ بریاست آقای دکتر محمد مصدق و با حضور آقای دکتر پیرنیا معاون وزارت دارائی و اکثریت آقایان اعضاء بشرح زیر:

آقایان: گنجه ای - بهبهانی - مکی - دکتر علوی - ناصر ذوالفقاری - فقیه زاده - اللهیار صالح - جمال امامی - جواد عامری - حائری زاده - دکتر هدایتی - پالیزی - فرامرزی - دکتر کاسمی تشکیل گردید.

ابتدا صورت جلسه نهم روز شنبه ۲۲ مهر ماه ۱۳۲۹ قرائت و تصویب گردید. سپس آقای جمال امامی اظهار داشتند: بنده قبل از ورود در دستور دو موضوع را عرض میکنم: یکی اینست که بنده خیلی متأثر و متأسفم و تصمیم هم داشتم این موضوع را در کمیسیون بگویم ولی می ترسم که عواقبش وخیم باشد و تا اندازه ای در پرده می گویم از یک منبع موثقی اطلاع پیدا کردم که جریانات کمیسیون حتی بعضی از منابع خارجی داده شده و مطمئن هستم که این از طرف اعضاء کمیسیون نبوده ما اعضاء یک خانواده ای هستیم ممکن است افراد یک دشمنی باهم داشته باشند ولی این دشمنی بخارج نمیکشد اینست که باید آقایان اعضاء کمیسیون مواظب باشند که باطراف و نزدیکانشان هم جریان کار کمیسیون را نفرمایند.

دوم اینکه اگر ما اختلاف نظر سیاسی داریم این نباید بکدورت و کینه ورزی بکشد. ممکن است که من باجناب آقای دکتر مصدق اختلاف نظر سیاسی داشته باشیم ولی این نظر نباید منجر بکینه ورزی بشود و من کاملاً نسبت بایشان احترام میگذارم ما اینجا آمدیم یک پرونده هائی مطرح کردیم و بنده هم جریان این پرونده ها و تاریخچه اش را گفتم و آقایان هم ببینند اطمینان دارند این پرونده ها را مرحوم هژیر تشکیل داد این صلاح نیست که آقای مکی در مجلس بگویند خیر و ارسته نوشته این را میخواستم بگویم که آقایان اگر اختلاف نظر سیاسی باهم داشته باشند این نباید منجر بکینه ورزی حتی نسبت بر مرده هم بشود.

آقای رئیس در جواب اظهار داشتند: در موضوع اول که آقای جمال امامی فرمودند امیدوارم که امروز کار کمیسیون تمام بشود و این موضوع منتفی بشود و در قسمت دوم هم البته همانطور که فرمودید اختلاف نظر سیاسی نیایستی منجر به کینه و دشمنی بشود حالا شروع می کنیم بقرائت چند موادی که باقی مانده است.

آقای دکتر پیرنیا گفتند: در آن جلسه ای که آنروز تمام شد قرار شد تحولاتی که در شرکت شده و جوابی که شرکت داده بعرض آقایان برسانم و آنها حالا حاضر است اگر اجازه بفرمائید قرائت شود.

نامه شرکت در جواب یادداشت دولت قرائت شد و آقایان اعضاء در ضمن سئوالاتی کردند که ذیلاً توضیح داده میشود:

آقای صالح در قسمت مقاطعه کاری ساختمان اظهار کردند: آیا مقصود شرکت اینست که مقاطعه کاران ایرانی حاضر نیستند بروند آنجا؟

آقای دکتر پیرنیا جواب دادند: باقیمت های آنها حاضر نیستند و جریان

اینست که قیمت هائی که بآنها داده میشود و کنترل های دقیقی که برای جلوگیری از سوء استفاده میشود برای آنها صرف نمیکند و حاضر نیستند البته اینطور به بنده گفته اند.

آقای فرامرزی گفتند: مقاطعه کار باید صرفه اثن بکند تا کار بکند (صحیح است) مقاطعه کار را که نمیشود مجبور کرد بنده يك مقاطعه کار میگیرم و او يك نرخ کمتری از من میگردولی از شرکت قبول نمیکند برای اینکه من نمیتوانم رسیدگی بکنم از لحاظ فنی ولی شرکت میتواند کاملاً کنترل بکند اما آنچه که من تصور میکنم آن وسعت نقشه ای که آنها دارند باید يك شرکتهای قوی مقاطعه کار باشند که بتوانند نقشه آنها را اجرا بکنند.

آقای دکتر پیرنیا گفتند: بنظر بنده مقدار سودی که مقاطعه کاران ایرانی انتظار دارند که ببرند بیش از آن سودی است که شرکت میدهد (آقای اللهیار صالح گفتند: چطور برای خارجی ها تأمین میشود) باین درجه سود خارجیها نمیبزنند.

آقای ذوالفقاری گفتند: مقاطعه دهنده شرکت نفت است ماهم کنترلی که نداریم بینیم آن چیزی که باتباع خارجی میدهند بایرانی هم میدهند.

آقای دکتر کاسمی گفتند: اینها دو قسمت است یکی اینکه آنها معتقد به متد مناقصه ای که ما داریم نیستند خودشان يك قسمتهائی معین میکنند و در دفترچه مشخصات کنترل فوق العاده دقیق میکنند باین طریق برای مقاطعه کاران ایرانی صرفه نمیکند (آقای صالح گفتند: چطور برای خارجیها صرفه میکند) سود سرمایه در خارجه سه یا چهار در صد است و در ایران بیشتر است. **آقای فرامرزی** گفتند: همانطوری که در آنجا وضع زندگی و کارگری

امریکا را در نظر می گیرند و مزد میدهند اینجاست باید وضع کارگری ایران را در نظر بگیرند و مزد بدهند با این بهانه حق ندارد شرکت اینکار را بکند.

آقای اللهیار صالح سؤال کردند: آیا تا بحال در مقابل این حرف شرکت که میگوید مقاطعه کار ایرانی متوقع است و صرفه نمیکند این را رسیدگی کرده اند که ببینند ایرانی ها چه جور پیشنهادی کردند و دیگران چه جور و با چه شرایطی بوده اند؟

آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند: کارهای مقاطعه کاری شرکت چند قسمت است یکی اینکه برای سرپرستی عمومی ساختمانهایشان یکدستگاهی است که بطور امانی عمل میکند و بعد آن دستگاه به مقاطعه کارهای جزء میدهد مثل شن ریزی و خاک برداری و از قبیل اینها بوسیله مقاطعه کاران ایرانی انجام میشود پس این جریان که شرکت بمنافسه گذاشته باشد و یا کسی مراجعه کرده باشد وجود ندارد آن چیزیکه بنده شنیدم از مقاطعه کاران ایرانی می گفتند که قیمت های آنها برای ما صرفی نمیکرد.

آقای جمال امامی گفتند: اخیراً هم چند نفر بما مراجعه کرده اند و شکایت کرده اند و میگویند قیمت های آنها برای ما صرفه ندارد.

آقای فرامرزی گفتند: جناب آقای امامی يك چیزی فرمودند راجع باخبار کمیسیون آن روز قرار بود که مطلقاً در روزنامه چیزی نوشته نشود و ماهم چیزی نفوشتم گویا در روزنامه اطلاعات جریان را نوشته بودند.

آقای مکی گفتند: آنروز که قرار شد از بنده سؤال کردند و گفتم تا ماده ۱۰ قرائت شده است.

آقای اللهیار صالح راجع بر رفتار شرکت با ایرانیها اظهار داشتند: که رفتار شرکت نفت با ایرانیها بحدی توهین آوراست که من اشخاصی را میشناسم که با اینکه دو هزار تومان یا بیشتر در شرکت حقوق داشتند حاضر شدند که ببینند تهران و با حقوق خیلی کمتری کار بکنند آیا راجع باین موضوع دولت اقدامی کرده است؟

آقای فرامرزی گفتند: مایک مرجعی نداریم که اگر یک کارمندی که از شرکت خارج شد بآن مرجع رجوع کند دیگر اینکه اشخاصی که از شرکت بیرون رفته اند آیا آنها شکایت کرده اند یا نه و آیا بشکایتشان رسیدگی شده که ببینیم حق با آنها هست یا نیست این دو موضوع را من خواستم بفرمایم.

آقای دکتر پیرنیا جواب دادند: برای کارمندان شرکتهای خصوصی وضع کار آنها که از کار فرمایان شکایت داشته باشند نه قانون و مقرراتی در ایران وجود دارد و نه مرجعی ولی برای کارگران همانطوریکه در جلسه قبل عرض کردم طبق قانون کار با آنها رفتار می شود دوم راجع باین آقایانی که آمده اند بیرون البته شرکت خیلی بندرت اینها را بیرون میکند مگر اینکه یک تخلف خیلی بین وزیادی مرتکب شده باشند که بیرون کرده باشند معمولاً آنهاائی که بیرون می آیند یا کسانی هستند که خودشان می خواهند بیرون بیایند و یا شرکت میخواهد اگر شرکت بخواهد که اوضاع و احوال را طوری فراهم میکند که خودشان استعفاء بدهند اینها بعضی اوقات شکایتهائی کرده اند بوزارت دارائی و اغلب مشاهده شده که مواردی وجود ندارد که بشود رویش اعتراض کرد ولی چیزیکه ما بآن استناد کردیم و از لحاظ استدلال خیلی مهم است اینست که وقتی یک چیزی جنبه عمومیت پیدا کرد یعنی وقتی یک اکثریتی از یک دستگاه خارج شدند این دلیل اینست که دستگاه یک عیبی دارد و

ما استناد کردیم باین و آنها جواب دادند که خیر اینطور نیست و عیب از آنها است.

آقای فرامرزی گفتند: چیزی که من میخواستم بگویم خود جنابعالی در قسمت دومش فرمودید حقیقتاً اینطور است که بیشتر اینها مربوط بمسائل سیاسی است و ربطی بطرز کار ندارد و از این نقطه نظر است که در شرکت وقتی یک اشخاصی ظنن شدند آنها را بیک وسایلی خارج میکنند و بیشتر در ایام جنگ این موضوع زیاد بود مثلاً یک ایرانی دارای همان کمالاتی است که یک هندی دارد در صورتیکه بآن هندی دو برابر حقوق می دهند.

آقای دکتر پیرنیا تذکر دادند: در اینمورد من تقاضا دارم که هیچوقت نباید کارمندان ایرانی را با هندی مقایسه کرد وضع کارمندان ایرانی از هندی خیلی بهتر است و ما هیچوقت وارد این مطلب نمیشویم ایرادها اینست که باید مثل انگلیسی هائی که دارای همان شرایط هستند باید باشد برای اینکه اینجا آب و خاک ما هست و اساس حرف ما اینست.

آقای صالح اظهار داشتند: طرز عمل اینست اگر یک کسی شکایتی بکند مرجعش اینست که کاغذ می آید برای امتیازات و آن میفرستد بشرکت نفت و شرکت نفت یک جوابی میدهد و کار تمام میشود. یک نفر ایرانی که در دانشگاه انگلیس تحصیل کرده وقتی که بآب و خاک خودش آمد چرا باید فرق داشته باشد با آن انگلیسی که در همان دانشگاه تحصیل کرده است و البته حق با آنها هست این محصلینی که در آنجا تحصیل کرده اند وقتی آمدند اینجا می بینید که با چه وضعی با آنها رفتار میکنند که غیر قابل تحمل است و بیرون می آیند و آن عده ای هم که باقی ماندند آنها اشخاصی هستند که تحصیلشان کم است و این از لاعلاجی است نه اینکه واقعاً رفتار با آنها خوب است.

آقای دکتر پیرنیا در جواب اظهار داشتند: البته این حقیقت باید گفته بشود که این وضعیتی که جناب آقای صالح میفرمایند در سابق خیلی شدیدتر بوده حالا نمیشود گفت که نیست انگلیسهائی که آنجا هستند برای خودشان يك موقعیت ممتازی قائل هستند ولی این وضعیت در ده سال پیش غیر قابل تحمل بود و حالا خفیفتر شده است.

آقای ذوالفقاری گفتند: بنده يك نمونه ای را عرض میکنم يك آقای ترابی هست که آقای دکتر پیرنیا او را می شناسند این شخصی است که شاید در قسمت نفت در ایران نانی نداشته باشد تحصیلاتش در امریکا کرده و الان در اداره امتیازات با ۴۵۰ تومان دارد زندگی میکند این شخص را بخواهید و ببینید چکار بسر آنها میآورند ضمناً از فرصت استفاده نموده و نظر آقای دکتر پیرنیا را جلب می کنم که این شخص با اینکه ماهی ۱۸۰۰ تومان حقوق داشته حالا چگونه میتواند با ماهی چهارصد باپانصد تومان زندگی کند و بایستی توجهی باو بشود امثال آنها از جمله آقای بهلول و غیره زیاد هستند بنابراین جوابی که شرکت داده است میخواست است سمبل بکند.

آقای فرامرزی گفتند: فرمودید که ما مرجعی نداریم بنده میخواهم بگویم فرق است بین مؤسسات داخلی که خودمان داریم تا يك شرکتی که با او طرف هستیم من اصلاً مخالفم که يك مؤسسه ای تشکیل بدهیم که بین مثلاً زید و عمرو اختلاف بشود و ما بخواهیم رسیدگی بکنیم اما قضیه شرکت غیر از اینست و حتماً باید يك مرجعی باشد دولت باید بشرکت تحمیل بکند که يك مرجعی برای رسیدگی باشد.

آقای دکتر پیرنیا جواب دادند: چون در امتیاز نامه مقررات خاصی برای

اینکار نیست از اینجهت برای راه حل اینکار مطالعه شد که همانطور که در مورد کارگرها عملی شده يك قانونی برای کارمندانی که در دستگاههای خصوصی کار میکنند وضع بشود که وضع آنها و آتیه آنها روشن بشود.

آقای دکتر علوی راجع بدیپلمه هائی که در انگلستان بخرج شرکت تحصیل کرده اند تذکر دادند: که اینها با اینکه بخرج شرکت تحصیل میکردند با اینحال موظف نبودند که بیابند در شرکت کار بکنند مخصوصاً طبیب هایشان که من سراغ دارم بخرج شرکت رفته اند تحصیل کردند و آمده اند آزاد برای خودشان کار میکنند و این دوسه نفری که بنده می شناسم حاضر نبودند که بهیچ قیمتی از لحاظ بدی آب و هوا بروند و در خوزستان کار بکنند سابق بر این میرفتند و بخرج شرکت تحصیل میکردند و هیچگونه تعهدی نمی سپردند و مجاز بودند بنده درسه سال پیش برای اولین مرتبه مسافرتی بخوزستان نمودم برای اینکه از بیمارستان آبادان يك بازدیدی بکنم دیدم بیمارستان وضع بهداشتیشان مرتب بود و روز بروز توسعه میدادند يك مدرسه پرستاری هم شروع کرده بودند بساختنش که اخیراً تمام شده است. بر نامه شرکت راجع بماده ۱۶ تا چند سال پیش بد بود ولی فکر میکنم که این چهار پنج ساله جنبیدند و يك کار هائی کرده اند و خیلی خیلی بهتر شده است، توسعه های خیلی بیشتری داده اند در دو هفته پیش بود که یکمده پرستار فرستادند بجنوب برای اولین بار فرستادند باآبادان که آنجا دیپلمه بشوند و وزارت فرهنگ هم دیپلم آنها را برسمیت شناخته است در سال ۱۹۴۰ بود که ۱۲۰ هزار لیره بدانشگاه داده اند (آقای جمال امامی گفتند هر سال يك چیز هائی میدهند) و حقوق خود پرستاران آهوزشگاه عالی را هم شرکت میدهد در قسمت مهندسی هم در دانشکده فنی و بنگاههای فنی

گویا لایبراتور در اختیار گذاشته اند تمام این اقدامات در این سنوات اخیر بوده و فکر میکنم در نتیجه این اعتراضاتی بوده که دولت کرده و امید میرود که دولت پافشاری بکند و نسبت بکارمندان ایرانی تسهیلات بیشتری فراهم بشود.

آقای دکتر کاسمی تذکر دادند: البته این آموزشگاه اشرف پهلوی را که ساختم یک بودجه سنگینی دارد مابک قراردادی داریم که ۸ نفر سرپرستار انگلیسی را بخرج خودشان بدهند بعدها این جور وانمود کرده بودند که این آموزشگاه را شرکت نفت اداره میکند این موضوع در هیئت مدیره مطرح شد و آقایان پیشنهاد کردند که این کمکی که میشود نکنند و ما نمیخواهیم البته مرحوم هژیر مأمور صحبت شد و قرار شد که دیگر در این خصوص پروپاگاندا نکنند مقصودم این بود که یک عده از کسانی بودند که بخرج شرکت نفت هم نرفتند تحصیل بکنند و در شرکت بودند و از آنجا آمدند بیرون همانطور که آقای دکتر علوی گفتند ابتدا وضع خیلی ناگوار بود ولی حالا بهتر شده است.

آقای عامری اظهار کردند: پارسال گذشته یک طبیب ایرانی است که تحصیلات عالی در پاریس دارد آمد بایران و دوسه تا کشکورد داد بعد از شرکت نفت او را خواستند و از من خواست که یک سفارش بکنم من هم او را معرفی کردم رفت آنجا و پس از سی چهل روز برگشت گفتم چرا برگشتی گفت من تبعیضاتی دیدم که چشمم بر نمیدارد و گفت اصولاً دوائی را که میدادند وطرز معالجه ایرانی با اتباع خودشان این مرا ناراحت کرده بود.

آقای دکتر علوی گفتند: صحبت سر کارمندان بود و آقای دکتر پیرنیا نتیجه گرفتند که مادام که قوانین و مقررات برای کلیه بنگاههای غیر دولتی وضع نشده

نمیشود کاری کرد اینجا مطلبی که بیش میآید اینست که الان برای کارمندان دولتی یک مقرراتی هست آمدیم یک مقرراتی برای شرکتها درست کردیم آیا شرکت نفت میتواند این را قبول بکند بانه و تا آنجائیکه من اطلاع دارم شرکت یک تمهیداتی برای کارمندانش دارد (ماده ۲۱ امتیازنامه قرائت شد) آنچه که بنده میفهمم دولت ایران حق ندارد بوسیله آئین نامه در اصل قرارداد داخل بشود و لغو بکند سایر قوانین ایران را شرکت باید مراعات بکند پریروز راجع به بیمه صحبت شد آقای مکی فرمودند قانونی ماداریم که تمام شرکتها و مؤسساتی که ما داریم باید در نزدها بیمه بشوند میخواستم برای ما توضیح بدهند.

آقای دکتر پیرنیا جواب دادند: بنظر بنده طبق مطالعاتی که شده قسمت آخری که جنابعالی فرمودید صحیح است یعنی قوانینی که معارض با آن حقوق مختصه ای که در این امتیاز نامه نوشته شده نباشد شرکت موظف است اجرا بکند باین جهت قانون کار هم که گذشت شرکت خودش را موظف دانست که اجراء بکند راجع بکارمندان هم اگر قانونی گذشت البته شرکت باید اجراء بکند چون مغایر امتیاز نامه نیست راجع به بیمه قانونی نیست که موظف بکند تمام مؤسسات نزد شرکت بیمه ایران بیمه شوند.

آقای فقیه زاده تذکر دادند: بعد از الغای کابیتولاسیون مجبور هستند که تابعیت از قوانین ما بکنند.

آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند: این جوابی بود که شرکت داده ولی یک یادداشت هائی بود که مبادله شده بود و حقیقت امر اینست که آن موقعی که ما یادداشت دادیم اوضاع خیلی بد بود، بعد از جنگ بود و جنگ اوضاع را خیلی خراب کرده بود

و نتوانستند وسایل کارمندان را در آن موقع تهیه بکنند جناب آقای دکتر طباطبائی در آن موقع تشریف داشتند و از این وضع نامناسبی که بود شکایت داشتند ولی از آن وقت تا بحال همانطور بیکه آقای علوی گفتند اصلاح و پیشرفت شده که بعضی ارقام آن خیلی قابل ملاحظه است.

راجع بکارمندان خارجی در قدیم کارمندی که بودند درجه تحصیلات و سوابقشان خیلی پایین بود ولی از بعد از جنگ تا بحال جهد کردند که از خارج هم که میآوردند یک کارمندان تحصیل کرده ای بیاورند که بهتر بتوانند با محیط جدید ایران که سطح فرهنگشان بالا رفته بتوانند زندگی بکنند دیگر آنکه آن وضع غیر قابل تحملی که در ده سال پیش وجود داشت از لحاظ مقایسه با انگلیسی ها خیلی تعدیل شده و نسبت کارمندان خارجی بکارمندان ایرانی که در موقع عقد قرارداد (امتیازنامه) هیچده درصد بود حالا به نه و نیم درصد تقلیل پیدا کرده البته کارمندان ایرانی زیاد شده و کارمندان خارجی کم شده اند از همه مهمتر این دستگاه آموزشی است که شرکت تهیه کرده بعد از جنگ که کارمندان ایرانی تربیت بشود بعد از اینکه این یادداشت داده شد و در قسمت طرح عمومی بجائی نرسیدیم گفتیم که ویزا بکارمندان خارجی داده نشود و این یک اقدام خیلی مؤثری بود و از آن تاریخ اول دفعه شرکت احتیاجات خودش را از لحاظ کارمندان خارجی باید بیاید بوزارت دارائی بگوید و وزارت دارائی تحقیق بکنند که آیا کارمند ایرانی هست یا نیست و بعد برای آنها ویزا صادر بکنند و این در زمان مرحوم هژیر بود. الان در انگلستان چهل و شش نفر در دستگاههای آموزشی مشغول تحصیل هستند این بولی هم که میگیریم سابق نصف میدادند بشاگردان دانشگاه و نصف میدادند بکارآموزی و ما گفتیم که بدهند بدانشگاه و قبول هم شد در قسمت مهندسی در ایران ۱۱۴ نفر در

آبادان مشغول تحصیل هستند و در دوره کارآموزی ۳۱ نفر دوره های متوسطه فنی و نجاری ۵۰۰ نفر دوره چاه کنی که وجود نداشته و ماتاقاضا کردیم ۳۷ نفر درس میخوانند کارمندان دفتری چون بیشتر هندی ها منشی هستند ۱۵۰ نفر مشغول تحصیل هستند کسانی که دارای گواهی شش ساله ابتدائی هستند و میخواهند کارگر فنی بشوند ۶۲۰ نفر مشغول تحصیل هستند.

برای کسانی که از شش ابتدائی کمتر تحصیل دارند ۱۴۱۰ نفر هستند در کلاس کارآموزی اکابر ۵۴۰ نفر هستند که کارهای فنی یاد میگیرند و مدرسه پرستاری ۴۵ نفر دانشجو دارد. بطور کلی امروزه در دستگاه آموزشی شرکت ۳۶۰۰ نفر دانشجو از یائین تا بالا هستند و در این دستگاه الان ۳۵۵ نفر معلم ایرانی و ۸۵ نفر معلم خارجی مشغول تدریس هستند البته این قسمت سریعتر از قسمت های دیگر پیشرفت کرده است در امور ساختمان در آخر جنگ ۱۲۲۰۰ ساختمان بوده و ۳۵۰۰ تا ایجاد کرده اند که جمع میشود ۱۵۷۰۰ تا بوزارت دارائی نوشته اند ۲۷ هزار تا برنامه شرکت است مرغیخانه ها در آخر جنگ تعداد تختخوابش ۴۶۰ تا بوده حالا ۸۰۰ تا تختخواب دارد کلینیک ۷ تا بوده حالا ۱۲ تا شده در کل مراکز شرکت ۳۰ تا دبستان ساخته شده و دو دبیرستان و قبول کرده اند که برای ده هزار محصل مدرسه ابتدائی بسازند. کمکی که به محصلین و آموزگاران وزارت فرهنگ میشود سالی ۷۰ هزار لیره که میشود ۷۰۰ هزار تومان در سال کمک بدانشگاه تهران تا حالا ۱۸۰ هزار لیره استخدام معلم برای مدرسه پرستاری تهران ۱۰ هزار لیره. در وضع کارمندان اصلاحاتی که شده یکی تصویب طرح تقاعدشان است این اقدام خیلی مهمی است برای اینکه تا اندازه ای آتیه آنها تأمین شده است.

در تمام مراکز شرکت استخرهای شنا و باشگاه درست شده برای کارگراها که سابقاً وجود نداشته است.

این اصلاحاتی است که در وضع عمومی شرکت شده و هر کس هم وضع ده سال پیش را دیده باشد و حالا ببیند این وضع محسوس و مشهود است ولی انتظارات ما بیش از این بوده است.

در این موقع سه ربع ساعت بعد از ظهر جلسه برای صرف ناهار ختم و مجدداً يك ساعت ونیم بعد از ظهر بریاست آقای دکتر مصدق تشکیل گردید.

آقای پالیزی اظهار داشتند: در آخر دوره ۱۵ موقعی که دولت مشغول مذاکره در نفت بود بنده یادم هست که از مجلس يك شرحی نوشته شد بوزیر دارائی راجع بنفت کرمانشاه، با اینکه تمام منافع ما را میبرند و کرمانشاه يك منطقه وسیع و مستعد آبادی است با اینحال يك قدمی برای ما برنداشته اند. آقای گلشائیان گفتند: که ما صحبت کردیم و آنها قبول کرده اند که کمک بکنند. از وقتی که این پالشگاه تأسیس شد تمام دهات اطراف خراب شد کارگراها دست از زراعت کشیدند و با روزی دو سه تومان رفته اند در شرکت کار می کنند شما باور بفرمائید در کرمانشاه اینها يك قرائت خرج نکرده اند دولت باید در این قسمت اقدامی بکند.

آقای دکتر پیرنیا گفتند: صحیح است ما همه اینها را گفتیم با آنها اساس گرفتاری ما اینست که روابط ما با شرکت روی امتیاز نامه است و وقتی چنین صحبتی میکنیم میگویند روی چه ماده ای هست و ما میگوئیم مثلاً ماده ۲۱ آنها میگویند اختلاف تعبیر داریم ولی البته قضیه کرمانشاه را من دومرتبه تعقیب میکنم حالا دو ماده

از آن ۲۵ ماده دعاوی دولت مانده است.

ماده ۲۴ ذخایر شرکت با نظریات پرفسور ژیدل قرائت شد و **آقای دکتر پیرنیا** توضیح دادند: شرکت دو نوع ذخیره دارد ولی يك اشکالی که پرفسور ژیدل هم در نامه سابقش تذکر داده اینست که طرز تنظیم ترازنامه و حساب سود و زیان در تمام سنوات يك جور نبوده در بعضی سال ها يك ارقامی آمده که در سالهای دیگر وجود نداشته و این چیزی که بنده عرض میکنم راجع به ترازنامه و حساب سود و زیان در زمان جنگ است در سال های جنگ برای اموالی که در اروپا وجود داشت و از دست شرکت خارج شده بود و بعد معلوم نبود که بچه صورت تحویل شرکت بدهد ولی اساس اختلاف نظرمان راجع بخود ماده امتیاز نامه است که یکجا میگوید کل ذخایر (و ذخیره عمومی) آنوقت این کلمه کل ذخایر را در تمام موارد بکار برده بدون اینکه بنویسد ذخیره عمومی بجز در يك جا، سایر ذخایر ذخایری هستند که مصرف خاص دارد و بنا بر این ذخیره بمعنی حقیقی این کلمه نمیشود گفت حالا فرض کنید که ما قبول کردیم ذخیره عمومی را، اختلاف ما در اینست که آیا ذخیره عمومی آن چیزی است که شما بحساب میبرید و یا آن چیزی است که حقیقتاً ذخیره عمومی است، میبرسند تفاوتش چیست؟ می گوئیم فرض کنید ذخیره اُفت که شما حساب کردید مثلاً فرض بفرمائید یک دستگاہی که باید ۲۰ ساله مستهلک بکنید آمدید ده ساله حساب کردید و بنا بر این یکمقدار از ذخایر با د جزء ذخیره عمومی باشد که شما برده اید جزء ذخیره استهلاک. ذخائر غیر مرئی آرید که باید اینها را بحساب وارد کرده باشید آنها می گویند بفرض که این کار را کرده باشیم بعد از اینکه ما در آخر کار این را میگذاریم جزء ذخیره عمومی و این دیگر

نگرانی نسدارد (آقای پالیزی گفتند: اگر این معامله سرراستی است چرا کار را میخواهند باین طریق بکنند که اسباب حرف بشود) آنها می گویند شما فرض می کنید که ما این کار را می کنیم، حسابمان درست است راجع باین اختلاف ذخیره ما خیلی صحبت کردیم و ماده ای را که پیشنهاد کردند این بود که شرکت تعهدات خودش را راجع بماده ۱۰ انجام داده ولی چون این اختلاف پیش آمد ماده ۹ را عوض کردند حالا راجع بنوع ذخایری که شرکت دارد البته مهمتر از همه ذخیره انکسار و استهلاك است و بلك ذخیره ای هست که باسم ذخیره سهام ممتازه گفته میشود این ذخیره ۶ میلیون لیره است در ترازنامه شرکت شرکت یکمقداری سهام ممتازه خریده اند بنام (ابلیکاسیون) و شرکت باید تا آخر امتیاز قیمتش را بصاحبان سهام پس بدهد (آقای عامری گفتند ممتازه غلط است و از نقطه نظر ابلیکاسیون نمیتوانیم هیچ حرفی بزنیم) و یکی هم ذخیره عمومی است این ذخایری است که در اینجا حساب سود و زیان آنها نوشته شده ولی دلیل نمیشود که بعضی ذخایر مخفی نوشته شده باشد.

آقای عامری گفتند: من میخواهم بگویم چرا راجع به ابلیکاسیون ذخیره میگویند. ابلیکاسیون آنست که يك مبلغی قرض می کنند و پس از مدتی مستهلك میکنند این جزء دیون شرکت است و ذخیره استهلاك نمیشود گفت.

آقای دکتر پیرنیا گفتند: اینرا همه ساله يك مبلغی ذخیره میکنند برای این موضوع که قروض خودش را بپردازد.

و **آقای عامری** جواب دادند: ابلیکاسیون چیزی نیست که غیر معین باشد.

آقای رئیس اظهار داشتند: این را ممتازه برای این میگویند که ریسک دیریل

Risque ei péril بآن تعلق نمیگیرد.

آقای دکتر پیرنیا گفتند: این ذخیره استهلاكی نیست سهام ممتازه ۸ درصدش هفت میلیون و دو بیست و پنجاه هزار لیره و سهام ممتازه نه درصدش پنج میلیون و نیم لیره است که در حدود سیزده میلیون لیره این سهام است حالا نه اینست که اینها ابلیکاسیون است و خود سهام را هم بعد باید بپردازد اینست که هر ساله يك مبلغی از منافعشان کنار میگذارند که قرضشان را بپردازند ما میگوئیم که وقتی شما میتوانید که مثلاً پول تهیه بکنید و باریج چهار درصد و پنج درصد بپردازید چرا اینکار را نمیکنید آنها میگویند که این در اساسنامه شرکت معین شده چون در ابتدای شرکت این سهام ممتازه تعیین شده و باید تا آخر شرکت باقی بماند.

آقای عامری گفتند: بنظر بنده در ابتدای تأسیس شرکت احتیاج به پول داشته و دو قسمت خرج کردند منتها قرارشان این بوده که تا وقتی که شرکت این ابلیکاسیون باشد این قبول ولی باید حسابشان بکنید که تا آخر شرکت چند سال است و ما باید حساب بکنیم و هر سال يك میزان ثابتی بگذاریم کنار.

آقای دکتر پیرنیا گفتند: ۱۳ میلیون سهام دارند و ۶ میلیون ذخیره برای پرداخت این سهام هست و همینطور تقریباً عمل شده است ولی بهر حال ما حق داریم که اگر دیدیم زیادی برای سهام ممتازه کنار گذاشتند اعتراض بکنیم و اینکار را هم کرده ایم آنها گفتند البته ما اینکار را کرده ایم که برای اینکه ممکن است شاید سالهای آتی بنده ما نتوانیم بدهیم.

آقای رئیس سؤال کردند: در سال ۱۹۴۸ بنده ۱۷ میلیون ذخیره دیدم آیا باهر سال در حساب شرکت میآید یا همان یکسال بوده است.

آقای دکتر پیرنیا جواب دادند: این فقط در سالهای ۱۹۴۸ و ۱۹۴۹ بوده و این ذخیره عمومی يك روبه عادی تجاری دارد که برای شرکت سالی يك میلیون و نیم

کافیت ولی علش اینست که دولت انگلیس گفت شما حق ندارید سودتان را بین صاحبان سهام تقسیم بکنید باید این را اختصاص بدهید بتوسعه عملیات و تجدید ماشین آلات چون نتوانستند سود را تقسیم بکنند این را گذاشتند به ذخیره و بهمین جهت است که تا سال ۱۹۵۰ در حدود سی میلیون لیره ذخیره ایجاد شده که سرمایه شرکت ۲۲ میلیون لیره است از این سی میلیون لیره ۱۴ میلیون حاضر شدند که به دولت ایران بدهند.

آقای جمال امامی اظهار داشتند: یکی از مواردی که اگر انسان درست مطالعه بکند همین مورد است که شرکت بیش از تمام موارد سفسطه کرده است زیرا ما بهیچوجه بحسابهای شرکت دسترسی نداریم و این یک سوء ظن عجیبی در ما ایجاد کرده که حتماً هم باید ایجاد شود چون در حسابهایشان ماشیه داریم سوء ظن ایجاد شده آمده اند در مقابل دعاوی مراجع بذخائر همان بیانی که آقای دکتر پیرنیا فرمودند که میگویند برای شماچه تفاوت دارد که ما زودتر مستهلك بکنیم و بعد از اینکه مستهلك شد عوائد شما بیشتر میشود ولی اینطور نیست زیرا اینها از این رزروها استفاده میکنند برای شرکت در شرکتهای دیگر شرکتهائی که تشکیل شده با خودشان تشکیل داده اند از این شرکتها ماسهمی نخواهیم داشت آنها میگویند که شما ذبسم هستید ولی ما نمیدانیم که آنها کجا هست کدامش را قبول دارند که از عواید ما تشکیل شده آنها را باید بما بگویند یک قسمت از ذخائر ما را بطور غیر مرئی استفاده میکنند برای مؤسسات خارجیشان که در آخر هم بما نخواهند داد.

آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند: البته ما اینجا نوشتیم حق بررسی در بکار بردن این ذخائر و تقسیم این ذخایر بین اموال موجوده در ایران و خارج ایران. آنها مدعی

هستند علاوه بر اینکه سوء استفاده نمی کنند حسن استفاده هم می کنند می گویند ما که نمایم پول و سرمایه مان را در یک جائی بگذاریم که برایمان ضرر داشته باشد در یک جائی می گذاریم که نفع داشته باشد و یک سودی ببریم و آن سود می آید جزء ذخیره و بیست درصد هم بشما سود میدیم ولی همانطور که می فرمائید تا زمانی که بحسابهایشان نرسیم ما نمیتوانیم باور کنیم. رزرو دیگری که هست و بعنوان رزرو میگذارند برای مالیات است ولی سالی که ترازنامه می بندند همانوقت که مالیات نمیدهند و سه ماه بعد میدهند و یک مقداری میگذارند برای رزرو مالیاتی.

آقای عامری گفتند: بنده یک سئوالی دارم اینکه میگوئیم الان بیلان بسته شده و یک مبلغی رزرو میگذارند بابت مالیات اگر مالیات متغیر بود که درست ولی الان که میبینم باید صدی بیست یا صدی سی مالیات بدهیم دیگر این رزرو ندارد. **آقای دکتر پیرنیا** جواب دادند: روزی که ترازنامه را بستند میفهمیم که مالیات چه اندازه شده است ولی چون آن روز نمیبردازند این را بحساب رزرو مالیاتی می گذارند و تأثیری ندارد. در هر صورت اعم از اینکه قرارداد الحاقی تصویب بشود یا نشود این موضوع اختلافی است و حق ما از بین نرفته است.

در این موقع چون جلسه از اکثریت افتاد (دو ساعت و یک ربع بعد از ظهر) جلسه ختم و جلسه آتیه بروز شنبه ششم آبان ماه ۲۹ دو ساعت قبل از ظهر موکول گردید. رئیس کمیسیون مخصوص نفت - دکتر محمد مصدق

جلسه دوازدهم

دوازدهمین جلسه کمیسیون نفت روز شنبه ششم آبان ماه ۱۳۲۹ دو ساعت قبل از ظهر بریاست آقای دکتر محمد مصدق و با حضور آقایان فروهر وزیر دارائی

دکتر پیرنیا معاون وزارت دارائی، فرمانفرمائیان رئیس اداره امتیازات وزارت دارائی و اکثریت آقایان اعضاء کمیسیون بشرح زیر:

آقایان فقیه زاده - فرامرزی - اللهیار صالح - جمال امامی - سیدعلی بهبهانی - پالیزی - کنجهای - حائری زاده - مکی - سرتیب زاده - دکتر علوی - ناصر ذوالفقاری تشکیل گردید.

آقای رئیس اظهار داشتند: صورت جلسات قبل قرائت میشود.

صورت جلسات دهم و یازدهم مورخ ۲۴ و ۲۶ مهرماه ۱۳۲۹ قرائت و تصویب گردید.

نامه ای از طرف آقای محمد باقر سخائی و عده دیگر که امضاء کرده بودند در خصوص شکایت از شرکت نفت که بعنوان ریاست کمیسیون مخصوص نفت بود قرائت و مقرر گردید که عین نامه برای اقدام مقتضی با اداره امتیازات وزارت دارائی فرستاده شود.

آقای جمال امامی اظهار داشتند: بنده میخواستم يك عرضی بکنم اگر آقای وزیر دارائی تشریف آورده اند و اظهاری دارند اول ایشان صحبتشان را بفرمایند. اگر بعنوان نماینده دولت تشریف آورده اند در کمیسیون بفرمایند.

آقای وزیر دارائی اظهار داشتند: بنده روز سه شنبه ساعت ۱۱ صبح حضور اعلیحضرت همایونی شرفیاب شدم روز چهارشنبه هم گرفتار مجلس سنا بودم و بعد ختم مرحوم آیت الله بنا بر این در ظرف این دو روز که مانده بود یعنی فقط روز پنجشنبه توانستم با جناب آقای دکتر پیرنیا و امروز هم نیمساعت با جناب آقای فرمانفرمائیان در خصوص جریان موضوع نفت مذاکره بکنم قبلاً هم راجع باین جریانات اطلاعی

نداشتم چون نه کار من بود و نه در کابینه ساعدت داشتم. بنا بر این بنده اطلاعی ندارم و اطلاعات من چیز هائیت است که در جرائد و در مجلس گفته شده در هر حال بنده میخواستم عرض کنم که الآن مسئول این کار بنده هستم و هر نوع نظری بدم متکی به هیچگونه مطالعه و سوابق نیست و این توضیحاتی که آقای دکتر پیرنیا داده اند ظاهراً مربوط به ۲۵ ماده دعوی دولت بوده و تا حدی که من میبینم راجع باصل قرارداد الحاقی که مورد بحث است مذاکره ای نشده است برای اینکه از روی سوابق در اواخر خرداد ماه امسال بر حسب پیشنهاد آقایان مجلس تصمیم گرفت که این کمیسیون تشکیل بشود و این کمیسیون گویا باید راجع بقرارداد الحاقی صحبت بکند و چون راجع بان قرارداد باید بالاخره از طرف بنده اظهار نظری بشود و با همکاران بنده اگر نظری بدهند باید نظر بنده را منعکس بکنند اینست که بنده میخواستم از جناب آقای دکتر مصدق و آقایان اعضاء کمیسیون استدعا بکنم که تجدید جلسه بکنند آنوقت تا آن جلسه آینده مجال این باشد که بنده مطالعه بکنم البته این فرصت خیلی طول نمیکشد بین ۵ تا ۶ روز حداکثر است زیرا بنده اول کارم هست در وزارت دارائی از باب رجوع هست به هیئت وزیران باید بروم مجلس سنا و مجلس شورای ملی هم هست، امور جاری اداری هم با خوب یا بد باید اقدام بشود حداعلاش پنج تا شش روز ببنده فرصت داده بشود و از آن تاریخ بعد هر آن بفرمائید بنده در خدمت کمیسیون هستم.

آقای جمال امامی اظهار داشتند: در دو جلسه پیش اگر بمقادیر صورت جلسات توجه فرموده باشید در يك جلسه آقای رئیس پیشنهاد فرمودند که ما کارمان تمام شده و تصمیم بگیریم چون بکعبه از آقایان تشریف نداشتند عملی نشد در جلسه پیش هم

این پیشنهاد شد و بنده بعضی از آقایان عرض کردم چون دولت آمده است در مجلس سنا اظهار کرده که از لایحه دفاع میکند بهتر است که دولت بیاید و در مجلس شورای ملی این اظهار را هم بکند بهتر میشود و کار کمیسیون سبکتر میشود حالا اگر جناب عالی آمده اید از این لایحه دفاع بفرمائید که این صحیح است ولی اگر تشریف آورده اید چون استناد کردید بتوضیحات آقای دکتر بیرنیا حضور ایشان از طرف کمیسیون تقاضا شده بود که بیایند اینجا و دولت هم ایشانرا مأمور مدافع این لایحه نکرده بود و از نظر فنی توضیحات فنی دادند بنا بر این ما تا کنون در کمیسیون نماینده دولت نداشتیم که از لایحه دفاع بکنند و بهمین دلیل هم لایحه الحاقی هنوز طرح نشده حالا اگر جناب عالی بعنوان نماینده دولت و مدافع لایحه تشریف آورده اید که حرف آقای صحیح است و کمیسیون نمیتواند رد بکند ولی اگر بعنوان توضیحات تشریف آورده اید صحیح نیست.

آقای فرامرزی اظهار کردند: عریضی که من میخواستم بکنم جناب آقای امامی فرمودند. آقای وزیر دارائی فرمودند ما هنوز وارد قرارداد الحاقی نشدیم و نسبت به ۲۵ ماده دعوی دولت مذاکره شده است این طبیعی است وقتی که مایک امری بخواهیم بفهمیم تمام چیزهایی که کمک می کند باصل موضوع باید مطالعه کرد راجع بتجدید جلسه که فرمودید البته بنظر آقایان است و من هم قبول می کنم اما حقیقت اینست که کمیسیون فعلی بر حسب تقاضای این دولت تشکیل نشده و حتی این دولت و دولت پیش که تقاضا کرده بود و اسماً طفره می رفتند از اینکه مسئولیت رد یا قبول این لایحه را بگردن نگیرند دولت فعلی هم در مجلس شورای ملی هنوز قبول نکرده که آیا این لایحه را من قبول دارم یا ندارم پس این مطالعات ما بر حسب مأموریتی

است که مجلس داده است اگر هم دولت نبود ما این مطالعاتمان را میکردیم و گزارش بمجلس می دادیم حالا هم که دولت هست باز ما اینکار را خواهیم کرد و تصور میکنم مانعی ندارد که ما این جلسه مان را ادامه بدهیم و کارمان را بکنیم و بعد جناب عالی در جلسه دیگر تشریف بیاورید در عین حال من شخصاً میخواهم بدانم که آیا دولت این قرارداد الحاقی را قبول دارد و مدافعی هست یا نیست و تصور میکنم همه همکاران ما دلشان بخواهد این را بدانند دولت در مجلس سنا در اثر فشاری که وارد آورده بودند این حرف را زده است ولی هنوز رسماً نگفته است. دیگر اینکه آیا این دولت مشغول بک مذاکرات جدیدی هم روی این قرارداد الحاقی هست یا نیست البته شما وزیر دارائی نبودید ولی عضو دولت بوده اید چون بعضی از مواد این قرارداد است که من تصور میکنم که این کمیسیون بهش رأی بدهد یکی از آنها این تنفیذ مدت است در دوره ۱۵ من گفتم این کلمه را اگر بردارید من رأی میدهم و دفاع هم میکنم در اینجا بک ماده هست که آن مدتی که در قرارداد ۱۹۳۳ تمدید شده با آن موافقت بکنیم این آواتازهایی که شرکت نفت بما میدهد یا در مقابل قبول این مدت است و با اینکه خودش مطالعه می کند و می بیند که ما مردم فقیر و بیچاره ای هستیم و دلش رحم آمده است اگر این معامله است یعنی در مقابل قبول آن مدت است این را من وجداناً نمیتوانم قبول بکنم برای اینکه من می بینم آنچه حدس میزنم آن روزی که قرارداد ۱۹۳۳ با اینصورت تصویب شد ما تمامان خوشحال بودیم خیال میکردیم بما کم میدادند و حالا زیاد میدهند و من از کسانی بودم که خوشحال بودم این مدت مجلس سابق رأیی که داده یا قاطع است و ما حرفی درش ندریم که بسیار خواب اگر نافذ است و بین دو دولت توافق شده و هر دو امضاء کرده اند و ما حق نداریم حرف بزنیم چرا این را آوردند که از ما قول بگیرند و اگر خیر این قیمتی دارد این قول من تصور میکنم

که با این قیمت ها ارزشی برای ما ندارد الآن این کلمه را بردارید من سفید مهر میدهم و در مجلس هم دفاع می کنم و تصور می کنم غالب اعضاء کمیسیون هم نظر مرا داشته باشند خواستم ببینم که دولت باب يك مذاکرات جدید که اگر کمیسیون این را قبول نکرد باز کرده با خیر؟

آقای مکی اظهار کردند: بنده يك قسمت از عرایض تأیید فرمایش آقای فرامرزی و همچنین آقای جمال امامی است راجع بمدت زیرا روزی که ما این کمیسیون را تشکیل دادیم صحبت از این نبود که دولت در اینجا نماینده داشته باشد یا نداشته باشد آقای دکتر پیرنیا را هم خود کمیسیون دعوت کرده است چون آقای نخست وزیر در مجلس سنا گفته اند که ما نماینده فرستادیم در صورتی که ایشان بعنوان يك فرد مطلع به کمیسیون تشریف آورده اند بنده خیال می کنم شرکت نفت هم مایل است که این موضوع بدفع الوقت بگذرد و مجلس در سراسیمگی بیفتد ما يك کمیسیونی بودیم و از مجلس شورای ملی مأموریت پیدا کردیم برای مذاکره و مطالعات خودمان را کرده ایم حتی از طرف جناب آقای فقیه زاده هم در دو جلسه قبل پیشنهاد کفایت مذاکرات داده شد که رأی بکفایت مذاکرات گرفته بشود و دلیل آنهم این بود که ضمن ۲۵ ماده ای که خوانده شد يك ماده اش احساسات آقایان را برانگیخت و گفتند اگر يك ماده از این قرار داد هم منافع ایران را تأمین نکند همان کافیست. درست است که هنوز قرارداد الحاقی را مطالعه نکردیم ولی همان مواد ۲۵ گانه را ما تطبیق کردیم با مواد قرارداد الحاقی حالا اگر ما بخواهیم بدفع الوقت این کمیسیون را بگذرانیم و وقت تلف بکنیم این امری است علیحده اگر جناب آقای وزیر دارائی معتقد هستند بتوضیحات آقای دکتر پیرنیا که بسیار خوب و صورت مذاکرات گلشائیان و گس

هم در اینجا هست و میتوانند مطالعه بکنند خاصه که آقای دکتر پیرنیا هم هستند و توضیح می دهند بنابراین چرا ما وقت خودمان و مملکت را تلف بکنیم پیشنهاد آقای فقیه زاده هم همین بود که چون این لایحه منافع ایران را تأمین نمیکند بنابراین تصمیم گرفته بشود و گزارش آن بمجلس تقدیم گردد بنابراین ما مطالعاتی کردیم و امروز هم ادامه میدهیم و مطالعاتمان را تمام میکنیم و نمیشود جلسه مان را خاتمه شده تلقی بکنیم زیرا وقت مملکت گرانیهست.

آقای صالح اظهار کردند: در قسمت تجدید وقت که آقای وزیر دارائی اظهار کردند بنده يك نکته ای را میخواهم بگویم و آن اینست که نظر آقای وزیر دارائی از تجدید وقت دو چیز است یکی لایحه الحاقی است که مورد مطالعه قرار بگیرد و دیگری مطالعه خودشان است. ظاهراً نسبت بمطالعه قرارداد الحاقی ماضن آن ۲۵ ماده دعای دولت و نظریات پرفسور ژیدل مطالعه کرده ایم و اگر هم بخواهیم مطالعه بکنیم چه مانعی دارد همین امروز مطالعه بکنیم و جناب آقای فروهر جلسه دیگر تشریف بیاورند و عقیده خودشان را اظهار بدارند.

آقای ذوالفقاری اظهار داشتند: جناب آقای مکی میدانند که بنده از اشخاصی بودم که خودم در دو جلسه قبل تقاضای ختم مذاکرات کردم امروز آقای مکی چیزی فرمودند که مجبورم عرایضی بکنم این موضوع دفع الوقت که فرمودید اینجا این موضوع نبود وزیر جدید تقاضا میکند راجع باینکه وقت داشته باشد و بتواند در اطراف این قرارداد جدید مطالعاتی بکند و خیال میکنم بادامه دادن بکفته هیچ چیزی نشود گرچه خود من تصمیم داشتم این پیشنهاد را بکنم ولی چه مانعی دارد مانظریات خودمان را میگوئیم.

آقای فقیه زاده اظهار نمودند: يك قسمت اظهارات بنده را جناب آقای ذوالفقاری فرمودند و همانطور که جناب آقای مکی فرمودند بنده يك کسی بودم که پیشنهاد کردم که مذاکرات کافی است و نظرمان را بدهیم ولی آن روز کسی از طرف دولت نیامده بود و امروز جناب آقای وزیر دارائی تشریف آورده اند میخواهند اظهار عقیده بکنند و مهلت هم جایز است بنظر بنده موافقت بفرمائید که این تجدید وقت بشود که ایشان با مطالعه نظر خودشان را بدهند.

آقای حائری زاده اظهار داشتند: این معمای نفت چیزی نیست که بر کسی پوشیده نباشد بر صغیر و کبیر این مملکت واضح است در اینکه چند سال اضافه شده بقرارداد نردیدی نیست اگر چه آقای وزیر مالیه احتمال می دهند که مطالعه میکنند خودشان لایحه را پس بگیرند در این نردیدی نیست اگر بخواهید مطالعه بکنید که پس نگیرید روز اول کمیسیون من کفتم این را رد بکنید ما مطالعات فنی را نمیخواهیم و يك کلیاتی داریم که بر هیچکس پوشیده نیست اگر بخواهید پس بگیرید که ما دوسه هفته مهلت می دهیم و اگر باید خودمان نظر بدهیم که هر چه زودتر باید نظرمان را بگوئیم.

آقای فرامرزی گفتند: که يك هفته مهلت عیبی ندارد و ما ادامه بدهیم بکارمان و ایشان چهارشنبه تشریف بیاورند.

آقای وزیر دارائی اظهار داشتند: هر کاری بالاخره يك اصولی دارد جناب آقای حائری زاده فرمودند که معما و غوغای نفت چیزی نیست که بر کسی مکتوم باشد بنده میخواهم از ایشان سؤال بکنم قبل از این ده، دوازده جلسه که اینجا تشکیل شده است اطلاعات ایشان در همین حدود بوده است؟

(آقای حائری زاده گفتند: اصلش همان بوده) آن ۲۵ ماده اعتراضیه وزارت دارائی بنده سال گذشته که موضوع نفت مطرح بود و بیانات آقای مکی بنده آن را دیده ام و این صورتمجلس مذاکراتی که میفرمائید بنده ندیده ام پس از اینقرار این معما با آن ترتیبی که میگوئید برای بنده فقط کلیاتش معلوم است ولی روی کلیات آنهم يك مسئله باین مهمی نمیشود اظهار نظر کرد و آقایان تلویحاً تصدیق فرمودند که ببنده يك مهلتی داده بشود قسمت دیگر هم راجع بطرز کمیسیون و حضور آقای دکتر پیرنیا این منظور نبود که بنده بخواهم برای کمیسیون تعیین تکلیف بکنم بنده صلاحیت این را ندارم تشکیل این کمیسیون بر حسب تقاضای دولت بوده است آقای منصور الملک تقاضا کردند در تعقیب این تقاضا عده ای از آقایان تقاضا کردند و این کمیسیون تشکیل شده است پس در حقیقت این يك کمیسیون خاصی است و مطابق معمول کمیسیونها اگر بخواهند اظهار نظر بکنند و یا گزارشی عملیاتشان بمجلس بدهند باید نظر وزیر را جلب بکنند بنده سراغ ندارم که گزارش داده شده باشد که بگویند کمیسیون تشکیل شد بدون حضور وزیر.

پس این کمیسیون یکی از این سه کار را خواهد کرد، یا میگوید این اصلاً برود پی کارش، یا قبول میکند و یا میگوید در این موارد این معایب را دارد و دولت برود مذاکره بکند، اینست که بنده بدون اینکه بخواهم کار را عقب بیندازم و اصولاً بنده این اخلاق را ندارم که کار را بتعویق بیندازم شرکت نفت هم هر نظری دارد بنده صراحتاً با آقای مکی عرض میکنم که بنده مربوط نیست بنده نوکر ملت و دولت ایران هستم و با کمال صراحت عرض میکنم و تکرارش را هم صلاح نمیدانم و حتی تا امروز بنده با شرکت نفت تماس نکرختم امروز ساعت ۱۱ قرار بود که آقای نور تکرار رئیس شرکت بیاید با من تماس بگیرد چون کمیسیون بود عقب انداختم

پس مجدداً تقاضایم را عرض میکنم و هیچگونه تعال و مسامحه ای هم تا امروز در کار نبوده و نخواهد بود در چند ماه پیش بود که کمیسیون شرحی نوشته بود بوزارت دارائی که پرونده‌ها را بفرستند بنده وزیر مالیه نبودم ولی چون کارهای مجلسی نخست وزیر را میگردم جناب آقای دکتر پیرنیا گفتند چکار بکنیم گفتیم فوری بلادرنگ بفرستید البته اوقات مملکت خیلی ذقیمت است ولی هر چه قدر ذقیمت باشد برای چهار پنج روزی برای استفاده بیشتری میشود بتأخیر انداخت. اینکه فرمودید میخواهند مجلس را درسراشویی بیندازند اینطور نیست و حالا تازه ابتدای مجلس است عمر مجلس ۲۴ ماه است و ۸ ماه بیشتر نگذشته است و ۱۶ ماه دیگر باقی مانده است، در هر صورت واسطه بین دولت و کمیسیون سه نفر خواهند بود شخص بنده، جناب آقای دکتر پیرنیا و آقای منوچهر فرمانفرمائیان رئیس امتیازات و بعد از این دو سه روز مهلت مرتباً در اختیار آقایان اعضاء کمیسیون خواهیم بود.

آقای فرامرزی گفتند: جناب آقای وزیر دارائی فرمودند که این کمیسیون خودش تشکیل نشده و بر حسب تقاضای دولت بوده است، يك حقیقتی را می خواهم عرض بکنم فشار مجلس دولت ها را مجبور کرده که این کار را بکنند دولتی داوطلب حل این قضیه نبوده که لایحه ای بدهد و مطابق معمول بمجلس بیاید بدولتی فشار آوردند که آقا قانون گذشته که حق ملت ایران را از شرکت نفت استیفاء بکنید چرا نمیکنید دولت خواسته پهلوی پهلوی بازی بکنند یعنی نه بکنند و نه نکنند آخرش گفتند يك کمیسویی درست بکنید و خودتان بروید عمل بکنید اصلاً این عادی نبوده است و جناب آقای دکتر مصدق هم گفتند دولت باید بگوید این لایحه را قبول دارد یا ندارد پس دولت ناچار شده يك کاری برای دفع شر بکنند و مجلس هم این کمیسیون

را انتخاب کرده نه از لحاظ تقاضای دولت بلکه از لحاظ مأموریت مجلس تشکیل شده يك ماه آنهم که گذشت ما اینجا مذاکره کردیم که حق ادامه کارمان داریم یا نداریم بعد گفتیم چون مجلس ما را مأمور کرده پس مأموریت ما استمرار دارد تا اینکه مجلس سلب مأموریت بکنند حالا شما بفرمائید که دولت مأموریت داده اگر دولت نخواست بعد از این این کار را بکنند ما باید کارمان را بکنیم کما اینکه دولت باشد یا نباشد و اینکه تا بحال شما مطالعه فرمودید وزیرى در جلسه حاضر نشده و ما خودمان این کار را کردیم گناه ما نبوده است گناه آن وزیرى بوده که حاضر نشده پرونده هم ما اول خواستیم و ندادند و آقای دکتر پیرنیا را بطور غیر رسمی معرفی کردند پس محققاً دولت ها ظفره میرقند و میخواستند بیندازند کردن مجلس و خودشان آلوده نشوند راجع بعقب افتادن این موضوع بنظر من صلاح نیست از برای اینکه میگویند يك قسمت از تشنج وضع مملکت ما بواسطه نفت است پس باید اینکار را زودتر تمام کرد تا مجلس امروز درسراشویی هم بیفتد دیگر اینکار نمیشود ما ۵۰ سال گرسنگی خوردیم و حالا هم اگر آخر مجلس باشد يك رأی بیخودی نمیدهیم پس درسراشویی هم مسلماً مجلس رأی نمیدهد در ثانی مجلس ۱۵ رأی را راجع بقرارداد داده است این مجلس هم با انتخاب جناب آقای دکتر مصدق و آقایان مکی، حائری زاده، صالح و یکی دو سه نفر دیگر پیدا است که مجلس هم خواسته باین آسانی تصویب نشود.

آقای وزیر دارائی جواب دادند: اینکه فرمودید که مجلس دولت را وادار کرده اگر نظر تان باشد در دوره ۱۵ من يك روزی عرض کردم که مجلس باید دولت را مجبور بحرف زدن بکنند ولی در حال خوب نظر دارم که جناب آقای دکتر مصدق با آقای منصور فرمودند میخواهید زرتگی بکنید حالا آن دولت چه کار کرده من نمیدانم وزیر دارائی قبل هم بنده نمیدانم و اینکه میفرمائید دولت تعویق کرده است

اینهم اینطور نیست دوروز پیش تغییراتی در کابینه داده شد بنده هنوز بمجلس شورای ملی معرفی نشده ام و بمجلس سنا معرفی شده ام پس بگذارید این تشریفات درست بشود این دولت هم باشتر سواری دولادولا مخالف است و نمیخواهد دست بدست بکند و بنده اگر اینطور بود شخصاً حاضر بودم فقط بنده يك مهلت چهار پنج روزه میخواهم.

آقای جمال امامی اظهار داشتند: بدبختانه میبینم باز منحرف شدیم این قضیه نفت خوشبختانه یا بدبختانه در مملکت مامثل سایر قضایا در يك محیط آرامی مطرح نشد یا بدست داخلی و یا خارجی يك هو و جنجالی ایجاد کردیم که از محور خودش خارج شد و حالا هر کدام هم میآیند روی این قرار داد الحاقی اظهار نظر میکنند میترسند. هر دولتی يك تکلیفی دارد اگر برود خوب باید انجام بدهد این دلیل خیانت او نیست من آن دولتهائی که کار نمیکنند آنها را خائن میدانم حالا شما هم رفتید بحواشی من از جنابعالی يك سؤالی کردم که اگر جواب مرا داده بودید این صحبتها پیش نمیآمد عرض کردم آیا شما آید مدافع لایحه هستید یا نه؟ اگر جواب داده بودید تقاضای شما قبول شده بود باید بگوئید من مدافع لایحه هستم ولی اگر بعنوان مشاور بخواهید تشریف بیاورید که نمیشود و ما کار خودمان را ادامه میدهم.

آقای فروهر در جواب اظهار داشتند: وزیر دولت نمیشود مشاور باشد من خودم باید مشاور داشته باشم بنده هنوز بمجلس شورای ملی معرفی نشده ام امروز هم اینجا آمده ام خدمتتان برای اینکه تصور و توهم ایجاد نشود که دولت خیال عقب انداختن کار را دارد و عرض کردم پس از معرفی بمجلس هر روزی که تعیین میفرمائید مرتب حاضر میشوم بنده فردا بمجلس معرفی میشوم در روز چهارشنبه

در کمیسیون حاضر میشوم و میگویم سرکار این فرمایشی را که میفرمائید اگر نظر دولت را میفرمائید که نخست وزیر در مجلس شورا و سنا گفته است (آقای جمال امامی گفتند بمانگفته است) بنده فرستادم و اوراق مذاکرات مجلس را آوردند و خواندم. **آقای مکی** گفتند: بنده خیال میکنم که در مجلس شورای ملی آن نطقی را که چاپ کردند آن قسمتش را نخوانده است.

آقای جمال امامی خطاب با آقای وزیر دارائی گفتند: جنابعالی میفرمائید آقای نخست وزیر در مجلس سنا و در مجلس شورا هم نظرشان گفته اند اگر اینطور باشد که بنده همین را قبول دارم.

آقای دکتر پیرنیا اظهار کردند: بنده از لحاظ ادامه آن توضیحات میخواهم عرض بکنم از آن صورت مواد يك ماده اش باقی مانده است که در صورت لزوم توضیح داده بشود.

آقای سنجه ای اظهار کردند: اگر موافقت بفرمائید آن جلسه ای که آقای وزیر میفرمائید بگذاریم برای روز چهارشنبه و جلسه خودمان روز دو شنبه باشد و آن صورت جلسات قبل هم چون قسمت های انترسانی دارد مجدداً خوانده بشود با این ترتیب موافقت شد و آقای وزیر دارائی در خاتمه جلسه اظهار داشت این را باتمام صراحت عرض میکنم که هیچ خیال تعویق کار در بین نیست و من هنوز بمجلس معرفی نشده ام.

در این موقع نیم ساعت بعد از ظهر جلسه ختم و جلسه آتیه بروز دوشنبه هشتم آبان ماه ۲۹ هو کول گردید.

رئیس کمیسیون مخصوص نفت - دکتر محمد مصدق

سیزدهمین جلسه کمیسیون مخصوص نفت روز دوشنبه یکساعت ونیم قبل از ظهر (هشتم آبان ۲۹) بریاست آقای دکتر محمد مصدق و با حضور آقای پیرنیا معاون وزارت دارائی و آقای فرمانفرمایان رئیس اداره امتیازات و اکثریت آقایان اعضاء بشرح زیر:

آقایان: گنجه‌ای - حائری‌زاده - اللهیار صالح - فقیه زاده - سیدعلی بهبهانی - جمال‌امامی - دکتر هدایتی - دکتر کاسمی - مکی - دکتر علوی - سرنیب زاده - پالیزی تشکیل گردید.

آقای رئیس اعلام داشتند: صورت جلسه قبل قرائت میشود.

صورت جلسه دوازدهم ششم آبانماه قرائت گردید و آقای مکی تذکر دادند راجع بصورت جلسه آنروز بنده عرض کردم در صورت مذاکرات مجلس آقای نخست‌وزیر راجع بقرارداد الحاقی نفت اظهار موافقتی نکردند و مطلقاً در مجلس ایشان صحبتی نکردند و در نطق چاپی شان خارج از مجلس داده اند بروز نامه ها چاپ کرده اند این را در صورت جلسه بنویسید.

آقای رئیس اظهار داشتند: دیگر اعتراضی نسبت بصورت جلسه نیست (گفته شد خیر) بنابراین صورت جلسه قبل بانذکر آقای مکی تصویب میشود.

آقای دکتر پیرنیا اظهار داشتند: يك ماده دیگر از آن مواد دعای دولت باقی مانده است و بعد هم قرارداد الحاقی است که با اجازه آقایان توضیحات عرض میکنم که آقایان برای روز چهارشنبه آماده باشند.

جریان این ماده ۲۶ ادعای ما از شرکت نفت راجع بمالیات مواد نفتی است که نیروهای متفقین در ایران مصرف کرده اند (آقای دکتر کاسمی گفتند این ماده ایست

که ژبدل تهیه کرده است؟) خیر ما خودمان تهیه کرده ایم البته مبلغش خیلی زیاد است ۵۷ میلیون تومان میشود جریان کار اینطور شد بعد از اینکه قوای متفقین وارد ایران شدند آماری که برای مواد نفتی بخش کردند خیلی تنزل پیدا کرد ولی مالیاتی که بما میدادند آمارش زیاد شد گفتیم علتش چیست گفتند در زمانیکه متفقین اینجا بودند يك مقدار زیادی برای حمل و نقل مصرف کردند و ما اینها را فروختیم و مالیات آنها را کسر نکردیم (آقای جمال امامی سؤال کردند مقدارش چقدر بود) در حدود يك میلیون و هفتصد هزار تن بوده است. بعد ما شرکت نفت گفتیم شما طبق ماده ۱۹ امتیاز نامه بایستی مالیات این مواد نفتی را که بنیروی متفقین فروخته‌اید بما بدهید شرکت جوابی نداد و گفتند این مربوط بدولت انگلیس است. مالیاتی است که دول متفقین در ایران مصرف کردند و يك نامه‌ای هم از سفارت انگلیس بوزارت امور خارجه رسید که نوشته شده بود شما مالیات خواسته‌اید ما گفتیم مطالعه‌ای که شده نظر مشاور فنی اینست که چون تعهد کرده‌اید که عوارض را اضافه نکنید بنا بر این متعهد بوده‌اید بهر قیمتی که بهمه میفروشید به نیروی متفقین هم بفروشید و مالیات آنرا بما بدهید بعد مراجعه کردیم بقراردادی که برای ورود نیروی متفقین بسته شده بود دیدیم چنین چیزی وجود ندارد شرکت نفت میگوید شرکت تعهدی ندارد و باید دولت انگلیس بپردازد و چون دولت بدولت مالیات نمیدارد از اینجهت معاف است. دولت ایران میگوید بموجب امتیاز نامه شرکت نفت موظف بوده این مواد نفتی را بهمین قیمت به نیروی متفقین بفروشد و مالیات آنرا بدولت ایران بدهد (آقای مکی سؤال کردند نمی‌چقدر عوارض شهرداری و چقدر مالیات است) اینها بر حسب سنوات مختلفه فرق کرده است و باید مطالعه شود (آقای گنجه‌ای سؤال کردند حالا چقدر

است) حالا بنزین ۱/۲۵ ریال عوارض شهرداری در يك لیتر است (آقای مکی گفتند در حدود دو ریال است).

در این موقع نظریات پرفسور ژیدل قرائت شد و

آقای دکتر پیرنیا گفتند: ایراد دیگری که آنها میکنند استنادشان بفرس ماژور است میگویند ما يك شركتی هستیم وقوائی نداریم بایستی که از دولت انگلیس وصول بکنیم وشما هم اگر طلبی از ما داشته باشید این محظور فرس ماژور را دارد واین يك دولتی است که بما نمیدهد وخودتان با او وارد مذاکره بشوید يك یادداشتهایی هم بما رسیده است که ما جواب داده ایم و گفته ایم این يك شركتی است وتعهد دارد باید بپردازد.

آقای دکتر کاسمی اظهار داشتند: میخواستیم عرض بکنم دولت ایران يك مطالباتی از متفقین داشت راجع باین قسمت آیا از دولت انگلستان مطالباتی کرده است یا نه؟

آقای دکتر پیرنیا جواب دادند: ماصلاح ندانستیم که طرف خودمان رادولت انگلیس قرار بدهیم و دولت انگلیس خودش پیش قدم شد و توش از شركت نفت خبر میدهند که شما يك چنین مطالبه ای کرده اید وصحیح نیست برای اینکه من مصرف کننده هستم وما جواب دادیم که طرف ما شركت نفت است.

آقای دکتر هدایتی اظهار کردند: با این صراحتی که بندج از ماده ۱۹ دارد کمپانی را موظف کرده است اعم از اینکه این مالیات را از متفقین گرفته باشد یا نگرفته باشد در مقابل دولت ایران مکلف است که بپردازد این عقیده بنده است دیگر اینکه يك سئوالی داشتم اگر شركت نگرفته باشد که این مالیات را بپردازد

میخواستیم بینم هیچ تحقیقی فرمودند که کمپانی این مالیات را نگرفته باشد یا اینکه گرفته ومیخواهد ندهد متفقین ماعبارت بودند از انگلستان و امریکا و روسیه در مورد انگلستان يك دولتی بوده است که شركت تبعه اش هست آیا از امریکا و روسیه مطالبه شده است یا نه؟

آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند: آنطوریکه ما تحقیق کردیم اینست که اینها برای فروش مواد نفتی بقوای متفقین يك قرارداد های خاصی داشته اند با امریکا و با روسها گویا يك قراردادهای تهارتی دارند که مثلاً دولت انگلیس يك مقدار نفت بدهد بقوای امریکا ودولت امریکا در مقابل يك مقداری نفت بدهند بقوای انگلیس در امریکا البته روی قرارداد هایی که باشركت نفت خودشان بسته اند باشوروی ها هم گویا همین قرارداد تهارتی بسته اند شركت می گوید که شما این را فروش در ایران تلقی نکنید صادرات حساب نکنید آنها میگویند ما بدولت انگلیس خیلی نفت می فروشیم از این نفتی که میفروشیم شما که مالیات نمیگیرید واین مقدار نفتی که فروخته ایم این بحساب فروش داخلی نیست و تفسیر میکنند که فروش داخلی منظور فروش برای مردم ایران است ، بالاخره از لحاظ مالیات اساس قضائیش اینست که شركت يك تعهدی کرده که هرچه در ایران میفروشد مالیات آنرا بپردازد.

آقای مکی گفتند: این موضوع بعقیده بنده يك توضیحی دارد بعقیده مطلعین ومتمحصین این شیفری را که آقای دکتر دادند این حداقل است در صورتیکه بیش از این مقدار است واگروسطش را بگیرند ۶۲ میلیون تومان است از این گذشته این بیانی که میفرمائید سفسطه ای بیش نیست فرض کنید قوای متفقین که در ایران بودند در تهران می رفتند يك میوه ای میخریدند این میوه ای که میخریدند يك عوارضی دارد بنابر این

وقتی می‌آید میوه یا چیز دیگری بخرد میگفت چون دولت بدولت مالیات نمیدهد بنابراین عوارضش را نباید بدهد این صحیح نیست. پمپ‌های بنزین که در شهرها هست آنها یکمقداری از آنها می‌گرفتند و هر پمپ یک عوارضی دارد که باید اعتبارش صرف آبادی آن شهرها بشود از اینجهت دولت انگلستان نمیتواند بگوید مالیات دولت بدولت است برای اینکه این مخصوص هر شهر بوده اینها از جاده‌های ایران استفاده کرده‌اند و باید از هر لیتری یک مبلغی گرفته باشند و این جواب شرکت نفت بادولت انگلیس بهم‌چوجه قابل قبول نیست.

آقای جمال امامی اظهار کردند: فرمودند که اینها اینطور استدلال کردند که این بنزینی که فروخته شده بعنوان داخلی فروخته نشده آیا این حق‌السهم ما را داده‌اند؟

آقای دکتر پیرنیا جواب دادند: بلی حق‌السهم فروش صادرانشان را داده‌اند بمانم که می‌فروشند حق‌الامتیازش را میدهند.

آقای دکتر هدایتی گفتند: این قوای متفقین فقط در ایران نبود که یک مملکت صاحب نفت است در سایر ممالک هم بودند در عراق هم بودند آیا در مورد عراق و یا این قبیل ممالک که صاحب نفت باشند مالیاتشان را داده‌اند یا نه؟ و باهمینطور می‌گویند اینموضوع را دولت تحقیق کرده‌است یا نه؟

آقای دکتر پیرنیا در پاسخ اظهار کردند: که این قسمت را ما خودمان توجه کردیم و یک سؤال هائی کردیم و جواب هائی که آمده طرق متعدده بوده است یک مقدار زیادی از مصرف مواد نفتی قشون را خود دولتها داده‌اند مثلاً دولت مصر داده‌است یا خود دولتها تهیه کرده‌اند مثلاً خود دولت فرانسه در پاریس یک مقدار

نفت با امریکائی‌ها داده‌اند در عراق هم درست خاطر م نیست که چکار کرده‌اند و البته این موضوع ارتباطی با قرارداد الحاقی ندارد.

آقای سرتیب زاده گفتند: تنها بنزین و نفت نبوده است مواد دیگری هم مثل سیکار و سایر اجناس که اینجا خریداری مینموده‌اند بوده‌است.

آقای دکتر پیرنیا گفتند: البته اجناس بقیمت عادی فروخته میشود.

بنده معتقد نیستم که از این لحاظ صحیح و یا صلاح باشد که ما مالیات را از عوارض شهرداری جدا کنیم و این یکی از امور داخلی ما است هر دو مالیات داخلی است که شرکت نفت موظف بوده وصول بکند.

آقای مکی گفتند: بنده عوارض شهرداری را بطور مثال عرض کردم.

در این موقع مقدمه قرارداد الحاقی قرائت و آقای مکی در مورد جمله ای که نوشته شده: «بملاحظه تغییراتی که در نتیجه جنگ جهانی ۱۹۳۹-۱۹۴۵ در اوضاع اقتصادی حادث شده مزایای مالی که طبق قرارداد اصلی بدولت تعلق میگردد بایستی بعیزان و ترتیب آتی الذکر افزایش یابد» گفتند این مفهوم مخالف اینست که در دنیا یک تغییرات محسوسی در قسمت مصنوعات ایجاد شده که در حقیقت با گنج‌نابیدن این جمله در مقدمه این قرارداد می‌خواهد از مایک تصفیه حسابی بگیرد که ما نکوئیم بعد از جنگ دوم قیمت همه چیز بالا رفته و قیمت نفت ما هم بالا رفته‌است و این جمله در مقدمه این قرارداد می‌خواهد تصفیه حساب از ما بگیرد.

آقای دکتر کاسمی سؤال کردند: جناب‌عالی از جریان این طرح اطلاع دارید معنی دولت ایران تهیه کرده یا متقابله بوده‌است.

آقای دکتر پیرنیا جواب دادند: پرونده‌ای که جریان را کاملاً منعکس میکند

اینجا هست و عقیده دارم آقایان مطالعه بفرمایند این طرح پیشنهادی شرکت نفت است بعد از يك مذاکرانی که شد و بابك تغییرات جزئی که فقط در قسمت ماده ۹ داده شده و بعداً نماینده نام‌الاختیار دولت قبول کرد و کمیسیونی که مأمور مذاکره بود این طرح را قبول نکرده بود گزارش نهائیش در این پرونده‌ها هست بعد مذاکرات ادامه پیدا کرد و کمیسیونی که مأمور مذاکره شده بود این پیشنهاداتی که در این طرح بود او را قبول نکرد و این کمیسیون عبارت بودند از آقایان گلشائیان و وزیر دارائی، نظام‌الدین امامی، جهانگیر و بنده.

آقای جمال امامی اظهار داشتند: این کمیسیون همینطور بود و يك مذاکرانی هم کردند یعنی ادعای دولت ایران همان ۲۵ ماده بود که آن را بردند در لندن و مذاکره کردند و يك کنت پروژه‌ای دادند و این آقایان به ۱۶ شیلینگ قبل از نترز لیره توافق حاصل کردند و این کمیسیون هم توافق کرده بود دولت هم متقاعد شد بعد آنها قبول نکردند و این کمیسیون بهم خورد بعد در دولت اختلاف پیدا شد و منشاء اختلاف هم بنده بودم و گفتم ما حد اقل حاضر شدیم و آنها قبول نکردند و در دفعه دوم آنها آمدند بین خودشان قرار گذاشتند که اشل بوبیل را نظریه آخر خودشان را قبول بکنند وقتی او را آوردند در دولت بنده اعتراض کردم و دونفر از آقایان هم در آن جلسه با من اظهار کردند که امضاء نمی‌کنیم ولی باید عرض بکنم که انصافاً آقای گلشائیان هم در آن کمیسیون شدیداً دفاع کرد حالا چطور شد که آمد و امضاء کرد و وارد بحث آن نمیشوم. روی حسابهایی که کردند اشل بوبیل را دولت قبول کرد و من امضاء نکردم و برای ایام تعطیلات به کرمانشاه رفتم آن شبی که من نبودم جلسه فوق‌العاده دولت را خبر کرده بودند و آن دونفر آقایان هم امضاء کرده بودند

بنده که بر گشتم دادند بمن که امضاء بکنم دیدم آن دو نفر هم امضاء کرده‌اند یکی با اعتراض و دیگری بدون اعتراض بنده با آنها پرخاش کردم و گفتند که ما را متقاعد کرده‌اند، آقای ساعد بمن گفت امضاء بکن گفتیم نمیکنم، گلشائیان هم گفت گفتم امضاء نمیکنم و استعفا میدهم گفتند پس این موضوع بهلوی خودتان باشد و نگویید تا وقتی که گلشائیان آمد و در مجلس گفت که وزراء در اظهار نظر آزادند آنوقت هم بر فرور ژبدل و هم متخصصین دیگر بما کنسه دادند که ۱۶ شیلینگ را قبول بکنید و این نرخ عادلانه است منتها ما راجع بدعاوی گذشته‌مان حرف‌هایی داشتیم خود وزیر دارائی هم اعتماد داشت که این ۱۶ شیلینگ درست میشود بعداً نفهمیدم چطور شد آقای دکتر پیرنیا میداند.

آقای دکتر پیرنیا اظهار داشتند: این جریاناتی که آقای امامی فرمودند جریاناتی بوده که در دولت واقع شده و بنده بی اطلاع هستم و این جریانات سیاسی بوده است بنده برای توضیح بعضی از مواد آمده‌ام و حقیقتاً اطلاعی ندارم حالا جریان کار اینست که دولت يك نظریاتی داشت و پیشنهاداتی داده بود شرکت نفت گفت شما از ما چه میخواهید آن چیزی که من اطلاع دارم دیدم آنها از پیشنهادی که داده‌اند عدول نمیکنند و تغییری نمیدهند و ما هر چه پائین آمدیم بدان برخی که آنها تعیین کرده‌اند نمیرسیم و انگهی شاید ممکن بود اختلافات مالی هم حل شود ولی اختلافات دیگری بود که حس کردیم حل اختلاف ممکن نیست در نتیجه همین موضوع را بدولت گزارش دادیم برای اینکه کمیسیون حس کرد زمینه توافق موجود نیست.

آقای مکی تذکر دادند: آقای گلشائیان می‌گفتند آنها حاضر نیستند حتی يك کلمه پس و پیش کنند.

آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند: پرفسور ژیدل در مورد قیمت اظهار نظر نمیکرد و این موضوع را بک عمل فنی میدانست فقط اظهار نظر او در موارد حقوقی بود. **آقای امامی** سؤال کردند: قیمت نفت چند است ظن قوی میرفت قیمت تقلیل پیدا کند با این اشل حق السهم ایران چند است.

آقای دکتر پیرنیا جواب دادند: خیال میکردند قیمت تنزل پیدا میکند ولی کمی بالا رفت.

آقای مکی خاطر نشان کردند: شصت درصد نفت دنیا را امریکا مصرف میکند و بقیه را که چهل در صد میشود بمصرف سایر ممالک میرسد بنابراین امریکا مقداری نفت هم بکشورش وارد مینماید. برای تعیین قیمت باید چند قیمت را بگیریم و با هم تطبیق کنیم تا نتیجه بدست آید و با وضع فعلی قیمت نفت خلیج مکزیک هم روبروئی است. **آقای فرمانفرمائیان** توضیح دادند: قیمت خط عبور کانال سوئز ۱۵ شلینگ است و شرکت مصر آن را دریافت میکند.

آقای امامی خاطر نشان ساختند: مسئله نفت بی نهایت پیچیده است و هر روز پیچیده تر میشود و شصت درصد اختلافات ملل روی این موضوع است.

آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند: پیچیدگی برای آنست که حق الامتياز نفت مبنای ثابتی دارد که توافق با تغییر قیمتتها نمیکند.

آقای مکی تذکر دادند: مصرف تن آژ ما روز بروز زیادتر میشود و ممکن است یکروز سه میلیون تن برسد باید با این موضوع توجه شود و در اطراف احتیاجات ربالی و ارز خارجی توضیحاتی دادند و اضافه کردند اگر برنامه ۷ ساله عملی بشود یعنی بخواهیم کشاورزی ریمان را موتوری بکنیم با توسعه شهرها از یک میلیون تن به سه

میلیون تن افزایش پیدا خواهد شد در مصرف داخلی ایران. **آقای فرمانفرمائیان** گفتند: بک مبالغی را در ایران بعنوان خلیج مکزیک وصول میکنند و بکمقدار برای پخش است ولی قیمتی که برای خلیج مکزیک مقرر شد خیلی کمتر از پخش است شما اگر بتوانید مخارج پخش خودتان را تنزل بدهید این بک نکته عمده ایست که میتوانید جلو ربالی خودتان را بگیرید. در این موقع دو فقره صورت جلسه نهائی مذاکرات با شرکت نفت که از طرف آقای گلشائیان صورت مجلس آن تهیه شده بود قرائت و آقای دکتر پیرنیا در اطراف آن توضیحات مختصری دادند و.

آقای جمال امامی تذکر دادند: این گزارش را دولت دعوت کرد از آقایان نمایندگان وزارت امور خارجه و در جلسه خواندند آقایان نمایندگان بالاتفاق گفتند که صلاح نیست بحکمیت برود شما مذاکره بکنید که حد وسط را بگیرید.

آقای پالیزی اظهار کردند: بنده آنجا بودم حد وسط گفته نشد آقای گلشائیان توضیحاتی دادند و نمایندگانی که در آنجا بودند گفتند بالاخره باید حق ایران تأمین بشود.

در این موقع جلسه بکساعت بعد از ظهر ختم و جلسه آئینه بروز چهارشنبه دو ساعت قبل از ظهر موکول گردید. رئیس کمیسیون مخصوص نفت - دکتر محمد مصدق
جلسه چهاردهم

چهاردهمین جلسه کمیسیون مخصوص نفت روز چهارشنبه دو ساعت قبل از ظهر (دهم آبان ماه ۱۳۲۹) بریاست آقای دکتر مصدق و با حضور آقای فروهر وزیر دارائی و آقای دکتر پیرنیا معاون وزارت دارائی و آقای فرمانفرمائیان رئیس اداره امتیازات و اکثریت آقایان اعضاء بشرح زیر:

آقایان: کنجهای - بهبهانی - مکی - دکتر علوی - ناصر ذوالفقاری - سرتیبزاده - فقیهزاده - اللهیار صالح - جمال امامی - جواد عامری - جابریزاده - دکتر هدایتی - پالیزی - دکتر کاسمی تشکیل گردید و صورت جلسه قبل قرائت شد و آقای دکتر پیرنیا گفتند: بنده در صورت جلسه قبل يك توضیحی داده ام یکی راجع باینکه قرارداد مالی تبدیل لیره بدلولر تأثیری در حقوق دولت نسبت بامتیاز نفت ندارد طبق نامه ای که نوشته شده در همان موقع بسفارت انگلیس و مورد قبول دولت انگلیس هم واقع شده نوشته شده است مسلم است که ترتیبات فوق بهیچوجه من الوجوه خللی بحقوق و امتیازات دولت ایران که در امتیازنامه شرکت نفت ایران و انگلیس مورخ ۲۹ آوریل ۱۹۳۳ مصرح است وارد نخواهد ساخت بنابراین قرارداد مالی فعلی که ما داریم یعنی تبدیل لیره بدلولر که بعد از قرارداد سابق که تغییر لیره بدلولر بود منعقد شده بهیچوجه ارتباطی با حقوق ما طبق امتیازنامه ندارد.

دوم راجع بحسابی که در حق الامتیاز عراق کردند که ۸ شیلینگ و ۸ پنس است در آنجا اختلافی هست و هنوز حق الامتیاز لیره ای نفت عراق کاملاً مشخص نشده برای اینکه اختلافی برسر قیمت های طلا بین دولت عراق و شرکت های نفت موجود است که قرار شده بداد گسهای انگلیسی مراجعه شود و معلوم نیست بچه قیمتی حق الامتیاز آن سالها اضافه بشود.

آقای ذوالفقاری اظهار داشتند: اعتراض بنده در صورت جلسه راجع بفرمایش اخیر آقای جمال امامی بود که اینجا فرمودند و کلائی که در آن جلسه بودند نظر دادند که بحکمیت برود و اینطور نبود برای اینکه من آنجا بودم و دو نفر از آقایان فقط اظهار نظر کردند یکی از آقایان موافق بودند که بحکمیت برود و یکی هم مخالفت

کرد که روی هر دو قسمت هو و جنجال شد و دیگر در آن جلسه صحبتی نشد.
آقای رئیس اظهار داشتند: دیگر بصورت جلسه اعتراضی نیست؟ (گفته شد خیر) بنا بر این صورت جلسه قبل تصویب میشود.

آقای جمال امامی تذکر دادند: عرضی که میکنم يك دفعه دیگر معروض داشته ام يك وقتی است که ما بعنوان يك نماینده در مجلس اظهار عقیده میکنیم راجع بيك موضوعاتی مخصوصاً موضوعاتی که تماس با خارجها دارد آنجا ما آزاد هستیم و اظهار عقیده مان را فرداً میکنیم و ایرادی بما نیست ولی يك وقتی مجلس ما را معین کرده است که بیائیم و این قضیه را حل بکنیم اینجا نظریه شخصی کافی نیست و باید نظریه مجلس و حتی دولت را تلقیق بکنیم که نتیجه برسیم اگر ما بنشینیم و سوء ظن داشته باشیم که کاری از پیش نمیرود در تمام مجالس چه اقلیت و چه اکثریت می نشینند و با دولت استشاره میکنند و راه حل معقولی در نظر میگیرند و توافق میکنند و الزام آور نیست که اگر دولت ها بخواهند و نظرشان این باشد که منافع ما را تأمین بکنند از خارجها این را دولت متظاهر بشود باید ما هم مشورت بکنیم با آنها و دولت را دخالت بدهیم که هم از جنبه سیاسی و هم از جنبه فنی در موضوع اظهار نظر بکنند این را که من عرض کردم برای این بود که بنده قبل از تشکیل جلسه خدمت آقای رئیس عرض کردم آقای رزم آراء در مجلس سنا باید باشند اجازه بفرمائید ایشان بیایند و اظهار نظر بکنند چون اینطوریکه بنده اطلاع پیدا کردم گویا ایشان با شرکت يك صحبتی کرده اند این را بیایند و بگویند و ممکن است ما را کمک بکنند ایشان فرمودند که ممکن است بیایند نفیاً یا اثباتاً اظهار نظر بکنند و زحمات ما بهتر برود اگر قبول بکنید که می آیند دلائلشان را میگویند و ما را روشن تر میکنند و

یا ممکن است يك راه حلی پیدا بکنند که ما قبول بکنیم این نظریه بنده است که در این امور هر چه دولت را دخالت بدهیم مفید است و زودتر بنتیجه میرسیم و اگر بخواهیم دولت را دخالت بدهیم پس آمدن آقای وزیر دارائی هم لازم نیست.

آقای مکی اظهار کردند: بنده میخواستم يك مطلب دیگری را عرض بکنم ولی بیانی که جناب آقای امامی فرمودند لازم میدانم توضیح مختصری برای روشن شدن ذهن ایشان که فرمودند دولتها نباید مورد سوء ظن قرار بگیرند بدهم در صورت جلسه قبل که فرمودید خود گلشائیان با تمام قوا میکوشید که حق ایران تأمین بشود ولی بعد نفهمیدم چه شد اما وقتی صورت جلسات و مذاکرات را میخوانم میبینم که دولتها جز سستی وضع چیز دیگری از خود نشان نداده اند پس سوء ظن نیست و می بینیم که اینها تصور کرده اند پرونده ها هم اینجا هست و جهة سیاسیش در پرونده موجود است با این ترتیب برای ما معلوم است که بعضی از وزراء برای حفظ مقام خودشان قدری تسلیم میشوند و از این جهات مانعیتوانیم سوء ظن نداشته باشیم.

آقای رئیس اظهار داشتند: فرمایشی که آقای امامی فرمودند موضوعی نداشت که مطرح بشود زیرا مجلس يك کمیسیون ۱۸ نفری را معین کرده که رسیدگی باین موضوع بکنند و اینکار کمیسیون است. اما راجع بآمدن آقای نخست وزیر ما که منع نکردیم آقای وزیر دارائی اگر نمیتوانند توضیح بدهند خودشان تشریف بیاورند در سازمان برنامه دوست میلیون تومان دولتها گرفتند و بیهوده خرج کردند و ازین بردند خواهش میکنم که دفاع از این دولتها نفرمائید.

مجلس ما را مأمور کرد که مطالعه بکنیم و عقیده خودمان را نقیماً یا اثباتاً بمجلس

بگوئیم ما یکماه و نیم وقت صرف کردیم، مطالعه کردیم باید گزارش خودمان را روی قرارداد الحاقی بدهیم.

آقای سر تیب زاده اظهار داشتند: بنده عقیده ام اینست که عملیات ما این را نمیساند که از دولت سوء ظن داریم زیرا آنچه که ممکن بود از مأمورین دولت استفاده کردیم و از اول هم ما اصرار داشتیم که نمایندگان دولت تشریف بیاورند و نظر بان نشان را بدهند و دولت هم حالا آمده است.

این لایحه ای که در زمان آقای گلشائیان تهیه شده این را میخواهیم قضاوت بکنیم که منافع ایران را تأمین میکند یا نمیکند اگر نمیکند که ما ردش میکنیم و تمام میشود.

آقای جمال امامی در جواب آقای رئیس اظهار داشتند: فرمودید مجلس بما مأموریتی داده که بنشینیم راجع باین لایحه اظهار نظری بکنیم این صحیح است اگر بنا بود تنها کمیسیون اظهار نظر بکند ما نمیدانیم آمدن آقای وزیر دارائی برای چه بود اگر بنا بتوضیحات بود که آقای دکتر پیرنیا آمدند و توضیح دادند بنده هم که از اول گفتم شخصاً احتیاجی برای مطالعه این پرونده ها ندارم ولی بعد این قضیه بيك شکل دیگری در آمد دولت در مجلس سنا اظهار عقیده کرد و جناب عالی هم وادار کردید که دولت اظهار عقیده بکند و دولت هم آمد و تلویحاً اظهار عقیده کرد و امروز هم صریحاً اظهار نظر خواهد کرد.

اما موضوعی که آقای مکی گفتند بنده تصدیق دارم که دولت های ماضی ضعیف هستند اینکه من میگویم دولتها بیایند بنشینند اینجا برای اینست که ضعیف نباشند و اگر بیایند اینجا و عقیده ما را بدانند دیگر نمیتوانند که اظهار ضعف بکنند

و علتش این بوده که ما در مقابل خارجیها دولتها را قوی نکردیم؛ دیگر اینکه اینگونه امور نظری است گلشائیان نظرش این بود که این لایحه برای ما بهتر از سابق است، در هر صورت این نظر بنده است که اگر بخواهیم قضیه نفت بجائی برسد بهتر است حالا که دولت آمده بادولت همکاری بکنیم اگر هم دولت ما را متقاعد نکرد ردش میکنیم و اگر هم مقصودتان اینست که کمیسیون خودش کارش را بکند دولت را بگوئید بروند. دولت میگوید من مدافع لایحه هستم و باید مثل يك کمیسیون عادی تشریفاتش انجام بشود.

آقای وزیر دارائی اظهار داشتند: اول باید مواضع قضایا را روشن بکنیم ما در آن خم و پیچ کوچه قرار گرفتیم اول بنده از کمیسیون تقاضا میکنم که صلاحیت خودش را تشریح بکند این تحویبانی که آقای دکتر مصدق فرمودند حاکی از این بود که چه دولتی باشد و چه نباشد پس وجود ما زائد است البته این حقی است که بدولتها داده شده که هر وقت بخواهد در کمیسیونهای مجلس حاضر میشود آقایان تشخیص میفرمائید بنده وقتی اینجا میآیم برای توضیحات میآیم این قسمت اول دیگر اینکه بفرمائید صورت مجلس اواخر خرداد ماه دوره ۱۵ که در اینموضوع صحبت شده بیاورند آیا این کمیسیون يك کمیسیونی است خارج از تمام کمیسیونهای مجلس و آن چیزی که در آئین نامه پیش بینی شده که باید وزراء در کمیسیون بنشینند و لوایحی که مربوط بدولت است با حضور نماینده دولت طرح بشود و بدون حضور نماینده دولت اصلاً اظهار نظری نمیشود بنده می بینم فرع زائد بر اصل میشود. قسمت دوم اینکه البته آقایان کاملاً آزاد هستند در بیانان شان ولی اگر صحبت

خیانت باشد بنده آنها را يك نوع مرعوب کردن افکار فکر میکنم با تمام صراحت عرض میکنم وحشتمی هم ندارم ولی بنظر من افکار را مرعوب کردن مصلحت نباشد بنده اگر مورد اعتماد رئیس دولت نبودم نه او بنده را مأمور میکرد و نه من قبول میکردم (آقای دکتر مصدق اظهار کردند مفهوم مخالفتش اینست که شما مورد اعتماد دولت هستید) بنده الساعه تقاضا میکنم که اول کمیسیون صلاحیتش را تعیین بکند.

آقای فقیه زاده گفتند: آقای سرتیب زاده بیانی فرمودند که من توضیح عرض میکنم، همه آقایان اطلاع دارند که بنده چهار، پنج جلسه قبل از این پیشنهادی دادم که چون قرارداد الحاقی تأمین منافع ایران را نمیکند کمیسیون گزارشی تهیه بکند و بدهد بمجلس که دولت در ظرف دو ماه با شرکت وارد مذاکره بشود ولی آنروز که بنده این عرض را کردم برای این بود که از طرف دولت هیچکس نمیآید جلو ولی الآن که آقای وزیر دارائی جلسه قبل آمدند و تقاضا کردند بمن مهلت بدهید که بعد از مطالعه بیام در کمیسیون و اظهار نظر بکنم امروز روزی است که مهلت تمام شده و قبل از اظهار نظر آقای وزیر دارائی این صحبتها مورد ندارد.

آقای وزیر دارائی تقاضا داشتند: که صلاحیت کمیسیون را تشریح بفرمائید. **آقای رئیس اظهار داشتند:** کمیسیونی بر حسب رأی مجلس شورای ملی تشکیل شد و بنده اینجا کاملاً موافق هستم که ببینید صلاحیت کمیسیون چه هست برای اینکه ما برخلاف و امر مجلس کوچکترین قدمی بر نمیذاریم این صلاحیت کمیسیون است از نظر اینکه کمیسیون تشکیل شده که قرارداد الحاقی را اظهار نظر بکند و دولت باید در اینجا حاضر بشود و توضیحات و نظریات خودش را بر صلاح مملکت بگوید بالبنکار هم هیچکس مخالف نیست حالا آقای نخست وزیر خودشان میخواهند تشریف

بیاورند، بیاورند، وزیر دارائی هم میخواید بیاید، بیاید بمانر بوط نیست در کمیسیون باز است و ما بهیچوجه نمیخواهیم از مقررات مجلس سرپیچی نکنیم دستور کمیسیون این بود که امروز این قرارداد الحاقی را بخوانیم و جناب آقای وزیر دارائی هم مطالعاتی کرده باشند و توضیحاتی بفرمایند و این حرفها خارج از موضوع بود بنسبه استدعا میکنم این ماده قانونی که برای صلاحیت کمیسیون هست قرائت بشود (در این موقع طرح مزبور و پرونده امر راجع بصلاحیت کمیسیون در اختیار آقای وزیر دارائی گذاشته شد).

آقای جمال امامی متذکر شدند: هر عضو کمیسیونی وقتی در کمیسیون هست حق دارد برای ادای توضیحات پیشنهاد بکند که فلان شخص را احضار بکنید برای اینکه من توضیحات میخواهم کمیسیون مختار است قبول بکند یا نکند من می گویم آقای فرمانفرمائیان را پیشنهاد کردم که بیایند توضیحات بدهند ایشان را میشود دعوت کرد و آقای نخست وزیر را نمیشود؟

آقای گنجهای اظهار داشتند: اینجا يك سوء تفاهمی شده این کمیسیون مدت ها است که منتظر بود دولت وزیر دارائی پیدا بکند که یا بیاید مدافعه بکند و یا پس بگیرد حالا آقای وزیر دارائی برای امروز وعده داده بودند که بیایند اینجا وضعیت خودشان را روشن بکنند یعنی وضعیت دولت در مقابل این لایحه قرارداد الحاقی و این موضوع صلاحیت هم که آقای وزیر دارائی پیش کشیدند موضوعی ندارد من خواهش میکنم اظهار نظر خودشان را بفرمایند.

آقای دکتر کاسمی تذکر دادند: طبق صورت جلساتی که اینجا هست اگر نظر مبارك آقایان باشد اول کسی که در همان جلسه اول ابراز کرد که باید نظر دولت نسبت

بلا یحه تقدیمی معلوم بشود بنده بودم و آنهم مسبق بيك سابقه ای بود که در مجلس شورای ملی جناب آقای دکتر مصدق از آقای نخست وزیر (منصور) نظر دولت را در مورد این قرارداد الحاقی خواستند؛ بعد کمیسیون گفت لزومی ندارد و خودمان مشغول میشویم از ابتداء هم که آقای دکتر بیرنیا آمدند برای اداری توضیحات هر جا که موضوع سیاسی پیش میآید آقای دکتر اظهار نظری نمیکنند و میگفتند که من برای توضیح آمده ام حالا رسیدیم بقرارداد الحاقی با بیانی که آقای نخست وزیر کرده اند بنده اینطور می فهمم که این قرارداد باید در کمیسیون يك مدافعی داشته باشد و باید ما وارد در بحث قرارداد بشویم و ایشان هم در هر موادی دفاع بفرمایند و بدیهی است که تصمیم نهائی با کمیسیون است.

آقای دکتر هدايتی اظهار داشتند: آآن متجاوز از يك ماه و نیم است که ما زحمت کشیدیم هفته ای سه روز کمیسیون تشکیل دادیم و مطالعه و بحث کردیم و حالا که آمدیم تصمیم بگیریم يك صحبت هائی شده که در ابتدای جلسه نبود و آقای امامی روی عقیده ای که دارند يك مطلبی پیش آوردند در هر صورت ما تا بحال اینجا برادر وار نشسته ایم برای اینکه يك قضیه ای را حل بکنیم. اینکه آقای وزیر دارائی صلاحیت کمیسیون را سؤال فرمودید صلاحیت ما روشن است و تا بحال صحبتی رویش نبود و همانطور که خودتان اشاره فرمودید حق دولت ها است که در کمیسیون ها حضور بهم رسانند و بهمین جهت هم خواهش کردیم و علاقه داشتیم که حضرت تعالی تشریف بیاورید و تقصیه ای که موجود بود هم برای کمیسیون و هم برای مجلس این بود که ما نظر این دولت را بدانیم و آآن هم خیلی خوشوقت هستیم از آمدن جناب عالی و امروز نشسته ایم برای استماع نظر جناب عالی.

آقای فروهر اظهار داشتند: بنده وقتی گفتم صلاحیت کمیسیون باید معین بشود جناب آقای دکتر مصدق هم تصدیق کردند عرایض بنده را و اختلافی هم در بین نمی بینم وقتی من آمدم آقای امامی صحبت می فرمودند.

آقای عامری اظهار داشتند: خوشبختانه اختلافی بنده نمی بینم آقای رئیس هم فرمودند که آقای رئیس دولت هم میخواهند بیابند و معلوم شد که آقای جمال امامی پیشنهادی کرده اند که رئیس دولت را دعوت بکنیم و جناب آقای دکتر مصدق هم فرمودند چرا دعوت بکنیم اینجا کمیسیون هست و خودشان تشریف می آورند و این هیچ شکمی نیست که همه آقایان منافع مملکت را میخواهند آقای دکتر که اینهمه خودشان را با حال تبار بزرحمت میاندازند برای اینست که منافع مملکت را میخواهند. جایی که این نظر هست دیگر اختلافی نیست نظر آقای امامی هم این بوده که آقای وزیر دارائی تازه آمده اند و آقای نخست وزیر اگر يك مذاکره کرده اند بد نیست که ما بدانیم.

آقای دکتر مصدق توضیح دادند: بنده عرض کردم که آقای نخست وزیر آقای وزیر مالیه را طرف اعتمادشان قرار داده و آمده اند اینجا ما باید در این قبیل موارد با دولت محرمانه توافق داشته باشیم و دولت يك قضایای مشکل را برود فشار بیاورد و حقوق ملت ایران را بگیرد.

آقای بهبهانی پیشنهاد کردند: که خود آقای وزیر دارائی اطلاع بدهند با آقای نخست وزیر که بیابند.

آقای دکتر هدایتی مخالف بودند: و گفتند قرار بوده که خود وزیر مالیه بیابند شخصاً نظرشان را بگویند.

آقای صالح متذکر شدند: این مطلب ساده دارد توسعه پیدا میکند آقای

جمال امامی يك پیشنهادی کردند و آقای رئیس نظرشان این بود که چون وزیر مالیه اینجا هست احتیاجی بایشان نیست اگر خودشان میخواهند بیابند تشریف بیاورند و اگر لازم باشد که آقای نخست وزیر تشریف بیاورند خود آقای وزیر مالیه اطلاع بدهند.

آقای جمال امامی گفتند: من يك توضیحاتی از آقای نخست وزیر میخواهم پیشنهاد بنده را بگیرد.

در این موقع پیشنهاد آقای جمال امامی بشرح زیر قرائت گردید:
پیشنهاد میکنم از آقای نخست وزیر دعوت شود در کمیسیون حضور یابند.
جمال امامی

آقای فقیه زاده گفتند: از جناب آقای امامی استدعا میکنم که این پیشنهادشان را پس بگیرند و آقای وزیر دارائی که در کمیسیون تشریف دارند اظهار عقیده شان را بفرمایند اگر قانع شدید فبها و اگر قانع نشدید بعد آقای نخست وزیر را دعوت بکنید (و باین ترتیب آقای امامی پیشنهاد خودشان را مسترد داشتند).

آقای وزیر دارائی اظهار داشتند: مطابق قانونی که در ۲۹ یا شب پنجشنبه ۳۰ مهر ماه ۱۳۲۶ از تصویب مجلس شورای ملی گذشته دولت مکلف بوده برای استیفای حق ملت و دولت ایران در مواردی که تصور می شود این حق تضییع شده اقدامات لازمی که لازم میدانند بکنند در این قانون نوشته شده بالاخص نقت جنوب مطابق سوابقی که از نظر آقایان گذشته و شاید بیشتر از بنده وارد باشید دولت جناب آقای ساعد در ۲۶ تیرماه ۱۳۲۸ قراردادی امضاء کرده است با شرکت نفت ایران و انگلیس که بصورت قرارداد الحاقی تقدیم مجلس شورای ملی شده است این

قرارداد از طرف دولت مسترد نشده است و همانطوری که جناب آقای نخست‌وزیر در مجلس شورای ملی و مجلس سنا صراحتاً فرمودند که دولت موافق قرارداد است، امروز هم بنده با اسم وزیر دارائی باستحضار کمیسیون میرسانم که دولت تمام تلاش خود را مطابق قانون مهر ۲۶ کرده است و باین نتیجه رسیده است و امروز از کمیسیون استدعا میشود که قرارداد الحاقی را ماده ب ماده طرح بفرمایند و دولت هم دفاع میکند البته نظر و تصمیم نهائی با کمیسیون است که هر طور تصمیم بگیرند خیر آنرا بمجلس شورای ملی تقدیم دارند (اغلب از آقایان اعضاء - اجسنت).

آقای مکی گفتند: یعنی دولت آقای رزم‌آراء میگوید این قرارداد الحاقی منافع ایران را تأمین میکند؟

آقای وزیر دارائی جواب دادند: بنده توضیحات خود را عرض کردم.

آقای جمال امامی اظهار داشتند: جناب آقای وزیر دارائی این توضیحاتی که دادند بنده راجع باین قسمت توضیحات نمیخواستم و مجدداً پیشنهاد میکنم که از آقای نخست‌وزیر دعوت بشود.

آقای پالیزی متذکر شدند: البته دولت مسئولیت مشترک دارد آقای وزیر دارائی که برای دفاع تشریف آورده اند دیگر آقای نخست‌وزیر برای چیست؟

آقای رئیس اظهار داشتند: بعقیده بنده قرارداد الحاقی که مطرح شد و آقای وزیر دارائی توضیحاتشان دادند در آخر اگر توضیحات ایشان کافی نبود ایشان تشریف بیاورند.

آقای مکی گفتند: من نمیدانم ایشان چه توضیحی میخواهند. در اینموقع نسبت به پیشنهاد آقای جمال امامی دایر بحضور جناب آقای

نخست‌وزیر در کمیسیون رأی گرفته شد و تصویب گردید و مقرر شد که جناب آقای وزیر دارائی با اطلاع ایشان برسانند که در جلسه روز شنبه سیزدهم آبان ماه ۲۹ در کمیسیون حضور بهم رسانند.

ماده اول قرارداد الحاقی قرائت گردید و

آقای مکی اینطور توضیح دادند: که در آنجا میگوید: جزء لاینفک قرارداد ۱۹۳۳ و در همین جا میخواهند ریشه ۳۳ سال تمدید مدت را تصویب بکنند و این بضر ملت ایران است در همه جا میخواهند قرارداد غیر نافذ اصلی را در مجلس شورای ملی تنفیذ نمایند یعنی میخواهند بخیال خودشان از تصویب مجلس شورای ملی که ظاهراً در دوره دمکراسی و در محیط آزاد بوجود آمده دمرتبه بتصویب برسانند.

آقای حائری زاده بیان داشتند: این موضوع در چندین جلسه و حتی ضمن استیضاح گفته شده این قولی است که جلگی بر آنند ما اصلش را نتوانستیم قبول بکنیم تا فرعی من بعقیده خودم مضار کمپانی را مثل مضار کمپانی هند میدانم این کمپانی رشته حیات اقتصادی ایران را در دست گرفته خوشبختانه قرارداد داری بدست خود آنها لغو شد که اگر آن بود ماده سال دیگر از این کمپانی خلاص میشدیم این قرارداد جدید با اظهاراتی که خود انگلستان پس از وقایع شهریور در رادیو خودشان و نطق های رسمیشان کردند کرده و اجبار را همه تصدیق کرده اند و هر قاضی بی طرفی اگر مطالعه بکند این صورت يك التزام نامه ای دارد که ملت ایران منابع نفتی خودشان را تحت اختیار آنها بگذارد و حق تفتیش هم نداشته باشد اینست که هیچ مرضیه ملت ایران نبوده و نمیتوانیم موافقت با آن اصل داشته باشیم.

آقای صالح متذکر شدند: برای طرز عمل بنده يك پیشنهادی میکنم آیا

لازم است که دوباره شروع بکنیم بهمین مطالب که چند ماه در این کمیسیون صحبت شد یا اینکه مواد خوانده شود و هر کدام آقایان ابهامی دارند بفرمایند و اگر ابهامی نیست دیگر این مطالبی که گفته شده تکرار نشود پیشنهاد میکنم که ماده بماده خوانده بشود اگر آقایان توضیحی میخواهند آنرا جناب آقای وزیر دارائی توضیح میدهند.

آقای وزیر دارائی اظهار کردند: در آن مجلس ۱۵ چکار کردند باین کمیسیون مربوط نیست مطابق همین صورت مجلس و تصمیم قانونی که ببنده لطف کردند نظر بنده تأمین شد (آقای مکی گفتند بنده اتخاذ سند میکنم) عرض کردم آنچه که در دوره ۱۵ گفته شده باین کمیسیون مربوط نیست يك کمیسیون اختصاصی بر حسب تصمیم قانونی مجلس تعیین شده است که باین کار نفت رسیدگی بکنند تا امروز این کمیسیون باین لایحه رسیدگی نکرده طرز رسیدگی به لوایح يك آیین نامه ای دارد (آقای صالح تذکر دادند در این کمیسیون صحبت شده) بنده که نبودم و شما فرمودید که آقای دکتر پیرنیا بعنوان توضیحات آمده اند و نمایندگی دولت نداشته اند و بنده اتخاذ سند میکنم.

آقای مکی در جواب متذکر شدند: که آقای وزیر دارائی گفتند این لایحه مربوط بدوره ۱۵ نیست و يك موضوع دیگری هم که فرمودند این بود که این موضوع ماده بماده خوانده بشود و اینطور فرمودند که راجع بقرارداد الحاقی ماصحبتی نکردیم اگر ایشان اینجا نبودند چطور فهمیدند ما آن ۲۵ ماده دعاوی دولت را تطبیق کردیم باین مواد الحاقیه ماده بماده تطبیق میکردیم و وقتی مذاکره میشد باین مواد الحاقیه تطبیق میکردیم و همین صورت مذاکرات کمیسیون هست هر کجا ادعای ماده دولت را

خوانده ایم برگشته ایم روی قرارداد الحاقی. چطور نخوانده ایم و روشن نیستیم؟
آقای وزیر دارائی جواب دادند: بنده عرض نکردم که کمیسیون روشن نیست بنده عرض کردم یا باید این را دنباله عملیات دوره ۱۵ بگیرد که در آنجا صحبتهائی شده و بالاخره لایحه مسکوت عنه مانده است و یا مجلس يك کمیسیون خاصی را معین کرده و باید رسیدگی بشود لایحه را میگذاریم جلومان و ماده بماده صحبت میکنیم و نظر میدهیم مثل تمام لوایح اما آن قسمتی که آقای حائری زاده و آقای مکی فرمودند خواستم عرض کنم که این بحث جدا گانه است و مربوط باین لایحه نیست بهیچوجه دولت مأموریت نداشته است که این قرارداد ۱۹۳۳ را لغو بکنند روز ۲۹ مهر ماه مجلس بدولت مأموریت داد که برود استیفای حق بکنند، استیفای حق یعنی لغو قرارداد؟ پس قضیه ۱۹۳۳ اصلاً این مطرح نیست حتی مجلس در ضمن لوایحی که تصویب کرده است بعوائد حاصله از نفت جنوب اشاره و تصویب کرده است قانون برنامه را تصویب کرده است، پیشنهاد آقای دکتر معظمی را که تمام عایدات حاصله از نفت بدرآمد عمومی برنامه منظور شود را تصویب کرده است (آقای صالح گفتند پس بریزند بدر یا؟) دولتهای سابق تلاش کرده است و آقای نخست وزیر هم در مجلسین گفته اند من بلایحه الحاقی موافقم حالا اگر آن قرارداد ۱۹۳۳ باید لغو بشود بنده نمیدانم.

آقای صالح اظهار داشتند: بنده يك توضیحی میخواستم عرض بکنم که مخاطب بنده در صحبت اولیه آقای وزیر دارائی نبودند، همکاران بودند و از اینجهت عرض کردم که چون مدتی است ما روی این قضیه صحبت میکنیم اگر موافقتی که ماده بماده خوانده بشود در صورتی که کسی توضیح بخواهد گفته بشود. نکته دیگر راجع

بمدت قرارداد بود که ایراد گرفتند که آیا کمیسیون صلاحیت وارد شدن این موضوع را دارد یا نه. بنده میخوام عرض کنم که جناب آقای وزیر مالیه صلاحیت این را ندارند که ما در چه موادی داخل بشویم یا نشویم اگر چنانچه يك و کیلی عقیده اش این باشد که یکی از مواد استیفای حقوق ایران این باشد که آن ماده را از بین ببرند این میتواند و آزاد خواهد بود در اظهار عقیده اش راجع بمدت.

آقای حائری زاده متذکر شدند: که بحاشیه میرویم و وقتمان تلف میشود جناب آقای وزیر دارائی تازه تشریف آورده اند و تقصیری ندارند ما ها هم مدتی وقت صرف کردیم و تقصیری نداریم برای اینک که ما روشن هستیم آمدیم روی تصمیم نهائی، آن فرمایشی که آقای وزیر دارائی فرمودند که آن جای خودش مسلم است و بدیهی است هر عوایدی که باشد در بودجه منظور میشود، تصویب کردن در بودجه مملکتی دلیل صحت عمل کمپانی در هیچ محکمه ای نخواهد بود يك قرارداد داری داشتیم که اگر با موافقت کمپانی لغو نشده بود ده سال دیگر لغو میشد و کمتر ضرر ایران بود، بفرمایش بعضی از آقایان که می گفتند در این قرارداد جدید که میگویند مساعدت شده غیر از يك کلاه کاغذی چیز دیگری نبوده و هیچ برای ملت ایران که حقوق خودش را پیش بینی میکنند اصل و فرعی پیش بینی نشده است و پیش ما روشن است این قرارداد الحاقی متمم و جزء لاینجزای قرارداد ۱۹۳۳ است و ما باید برویم روی آن پایه و می بینیم که در آن موقع روی فشار دولت انگلیس و اوضاع و احوال آنروز ایجاد این وضعیت و این قرارداد شده است و باید آن قانونی که در ۳۰ مهر ۲۶ گذشته و دولت مکلف شده حداکثر استفاده را از حق ایران بکند میگوئیم این حداکثر استفاده نیست و این يك اصلی است که پیش ما روشن شده است، دولت اگر با ما

هم عقیده است که حقوق ایران تضییع شده و توانسته حقوق ایران را بگیرد که باید لایحه اش را پس بگیرد و با ما موافقت بکند ما آن اصل کلی مان که حل شد قضیه حل است.

آقای امامی بیان داشتند: بدبختانه در تمام موضوعات وقتی ما وارد بحث میشویم در اصل قضیه همیشه منحرف میشویم يك قانونی از مجلس شورای ملی گذشته که استیفای حقوق ایران بشود منظور قانونگذار هم صحیح بوده و لغو امتیاز نامه نبوده است اگر اینطور بود مجلس خودش میکرد و احتیاجی هم بدولت نبود، ایرادی که ما داریم اینست که چرا این دو ماده را گذاشته اند در این قرارداد الحاقیه که ما توانیم بآن رأی بدهیم اگر آنها قرارداد ۱۹۳۳ را سندیت برایش قائل هستند که چرا ما بآن رأی بدهیم اینست که غالب اعضای کمیسیون باین دو ماده يك و ده اعتراض دارند ما نمیگوئیم دولت چرا این را لغو نکرده ولی میگوئیم چرا اینکار را کردند و اعتراض ما اینست که آقایان متذکر بشوند که نظریات چیست و یا مذاکرانی که میکنند نظریات کمیسیون را بگویند اینطور نیست؟ (آقای دکتر مصدق گفتند خیر.) از گنجاندن این دو ماده من نفهمیدم منظور کمپانی و دولت چه بوده است اگر از من بپرسند من میگویم این دو ماده را حذف بکنند.

آقای وزیر دارائی توضیح دادند: يك قسمت از عرایض بنده را آقای امامی فرمودند این ماده ای که مجلس تصویب کرده است میخوانم * دولت مکلف است در کلیه مواردی که حقوق ملت ایران نسبت بمنابع ثروت کشور اعم از منابع زیرزمینی و غیر آن مورد تضییع واقع شده است بخصوص راجع بنفت جنوب بمنظور استیفای حقوق ملی مذاکرات و اقدامات لازمه را بعمل آورده و مجلس شورای ملی را از نتیجه

آن مطلع سازد. « بنده بفهم قاصر خودم این ماده را لغو قرارداد ۱۹۳۳ نمیدانم بنده میخواهم صحبت‌های آقای امامی را بیشتر توضیح بدهم لواطی که دولت بمجلس تقدیم میکند از دو صورت خارج نیست بنده فرضاً يك لایحه ای میدهم این میآید در کمیسیون های مربوطه مجلس و يك اصلاحاتی میکنند وزیر مربوطه یا میپذیرد یا نمیپذیرد بالاخره يك صورتی پیدا میکند و بایک لواطی است که مضمون تصویب يك قرارداد هائی است کمیسیونها البته ممکن است در ضمن مذاکره با دولتها بگویند این ماده اش را مثلاً اصلاح بکن مثل قراردادی است که ما با دولت شوروی بسته ایم آن ماده ۶ را کمیسیون مجلس نخواست تصویب بکند و گفت برو با دولت شوروی صحبت بکن آنهم رفت و مذاکره کرد و گفتند که منظور از ماده ۶ این قرارداد اینست و آمد در مجلس خواند و تصویب شد.

الآن دولت يك لایحه را آورده با عین این را تصویب میکنند و دولت هم دفاع میکند و یارد میکنند و یا که میگویند نو که دولت هستی در این موارد بتو این مأموریت را میدهم که مذاکره بکنید و نتیجه اش را بگوئید. راجع بالقاه و عدم الغای قرارداد بنده و هر دولتی تابع امر مجلسین شورای ملی و سنا هستیم اگر شما تصمیم بگیرند که قرارداد الغاء بشود بنده که وزیر مالیه هستم فوری اجرا میکنم ما مجری نظر قوانین مجلسین هستیم.

آقای حائری زاده گفتند: بنده توضیح مختصری دارم آن قانونی که در ۲۹ مهر ۲۶ تصویب شده است آن قرارداد شرکت روسها و قوام السلطنه را کن لم بکن دانسته قسمت الف آن ماده قرائت میشود:

« نظر باینکه آقای نخست وزیر با حسن نیت و در نتیجه استنباط از مفاد ماده

دوم قانون بازدهم آخر ماه ۲۳ اقدام بمذاکره و تنظیم موافقتنامه مورخ پانزدهم فروردین ماه ۲۵ در باب ایجاد شرکت مختلط نفت ایران و شوروی نموده‌اند و نظر باینکه مجلس شورای ملی ایران استنباط مزبور را منطبق با مدلول و مفهوم واقعی قانون سابق الذکر تشخیص نمیدهد مذاکرات و موافقتنامه فوق را بلااثر و کان لم یکن میدانند. ماده سوم ابلاغیه مورخه ۱۵ فروردین ۱۳۲۵ نیز کان لم یکن میباشد. اینجا کل ایران است و استثناء نکرده است بعد هم میگوید واگذاری هر گونه امتیاز استخراج نفت کشور و مشتقات آن بخارجی ها و ایجاد هر نوع شرکت برای این منظور که خارجی ها در آن بوجهی از وجوه سهام باشند مطلقاً ممنوع است.

قسمت اخیرش دو قسمت شده نوشته شده دولت مکلف است در کلیه موارد بیکه حقوق ملت ایران نسبت بمنابع ثروت کشور اعم از زیرزمینی و غیر آن مورد تضییع واقع شده است بخصوص راجع بنفت جنوب بمنظور استیفای حقوق ملی مذاکرات و اقدامات لازمه بعمل آورده و مجلس شورای ملی را از نتیجه آن مطلع سازد. مجلس عقیده اش اینست که يك قراردادی بملت ایران تحمیل شده من اینطور می فهمم که مجلس معتقد بوده است که حقوق ملت ایران تضییع شده و بایه تضییع آن همان قرارداد ۱۹۳۳ است حالا این متمم و مکمل و الحاقی اوست ما باید اینموضوع کلی را حل بکنیم و گزارشمان را بمجلس تقدیم نمائیم.

آقای وزیر دارائی در جواب اظهار داشتند: این بحثی که آقای حائری زاده فرمودند و بنده باطلاع قضائی ایشان حد اعلای ایمان را دارم این بحث تفسیر قانون است و تفسیر قانون جزء مختصات مجلس شورای ملی است و جزء مختصات این کمیسیون

نیست و در حینی که مجلس گفته است که تضییع حق شده دولت هم امر مجلس را قبول کرده .

آقای رئیس اظهار داشتند: در اینگونه مسائل بنده که عقیده ام اینست که هر ایرانی باید قانون را بشنود و وجداناً تفسیر بکند و وظیفه يك ایرانی خصوصاً آقای وزیر دارائی که باید از حق ما دفاع بکند این نیست که در استیفای منافع ملی نظریات خودش را محدود بیک چیزهایی که قابل توجه نیست معطوف بکند این قانون در موقعی گذشت که دولت شوروی امتیازی گرفته بود که اگر حساب بکنید نصف از عایدات آن شرکت را دولت ایران بعنوان ۴۹ درصد میرسد پس وقتی که بمجلس آمد آن قرارداد را نقض کرد دولت ایران نمیتواند برود در مقابل يك چنین همسایه قوی بگوید که ما از شرکت انگلیس چهار میلیون لیره اضافه گرفتیم و قرار دادی بستیم بنده عرض می کنم همین قرار داد ۱۹۳۳ در سال گذشته بشما ۷ میلیون لیره رسیده در صورتی که اگر ما مطابق قرارداد داری حقمان را از شرکت می خواستیم به ۱۳ ، ۱۴ میلیون میرسید بجهت اینکه قرارداد داری ۱۶ درصد عایدات را بایران میداد عایدات کمپانی در سال ۱۹۴۸ ، ۷۹ میلیون بود ، ۱۷ میلیون مخارج بهره برداری باقی ۶۲ میلیون میشود ۱۶ درصد آن قریب ۱۰ میلیون میشود آنوقت این قرار داد ۱۹۳۳ بملت ایران ده میلیون داده بنده هیچ انتظار ندارم يك کسی مثل جنابعالی که معلومات داشته باشد يك چنین بیانی بفرمائید شما حساب بفرمائید که این قرار داد ۱۹۳۳ که اینقدر افتاء میکنید ببینید چه بنا میدهد مجلس گفته بروید حقوق ملت ایران را تأمین بکنید حقوق ملت ایران اینست که آن اندازه ای انصاف و عدالت حکم می کند بدهند چه کرده اید اگر ما قرارداد داری را داشتیم

ده میلیون و دوست هزار لیره از کمپانی می گرفتیم حال بنده عرض نمیکنم بحریه انگلیس چقدر از این استفاده کرده وقتی آنها رفتند در جامعه ملل و دفاع بکنند داور گفت این صورتی است که من آوردم اینقدر شلینگ و پانس میدهد گفتند از کجا آوردید داور گفت ما حسابش را کرده ایم حالا ما حسابی نداریم اگر برای بحریه انگلیس این در سال ۳۰ میلیون استفاده نکند هرگز او خودش را بد نام نمیکنند حالا شما تشریف برده اید چهار میلیون بگیری و هر روز میگوئید اگر نگیری این از دستمان میرود آقایان فقط معتقد هستند که بنشینند و کوچکترین خدمتی نکنند و از خودشان سلب مسئولیت بکنند این وضع وطن پرستی نیست ما انتظار داریم که وزرای ما بکفوری فکر بکنند و از این مسائل جاه طلبی يك چندی بگذرند و برای ما کار بکنند شما میخواهید قرار داد الحاقی را بکنند اگر قرار داد الحاقی خوب بود اکثریت نمایندگان مجلس دوره ۱۵ تصویب می کردند و دیدید که نخواستند موافقت بکنند .

آقای وزیر دارائی اظهار داشتند: بنده بهیچوجه یا بند هیچ مقام و هیچ نفعی نبودم و این مسئولیت هائی که قبول کرده ام برای خدمت به مملکت بوده است منتها هر کس طبق عقیده خودش و اما راجع باینکه فرمودند بنده چه جور باید تفسیر بکنم وزیر حق تفسیر قانون را ندارد و اگر مجلس شورای ملی میخواست قرارداد ۱۳۱۲ را لغو بکند چه چیزی جلوی مجلس را میگرفت که لغو نکنند این طرحی بود که از طرف و کلا بمجلس داده شد این قانون مهر ۲۶ را دولت گزارش عملیات خودش را آورد بمجلس داد و آقایان و کلا يك طرحی دادند میفرمائید مجلس می ترسید این حرف را بزند بنده که نه عضو مجلس بودم و نه اطلاعی ندارم . اینجا هر وقت صحبت

نفت میآید همگی خائن هستند، وطن پرستی بهیچوجه من الوجوه انحصار يك طبقه معنی که نیست يك لایحه ای است که آورده شده حالا با قبول و یا ردش میفرمائید (آقای الهیار صالح گفتند هر رائی که مجلس بدهد این تفسیر قانون خواهد بود) عرض کردم هر رائی که بدهد مطاع است آقایان فشار آوردید بدولت که بیا اظهار نظر بکن بنده هیچوقت ندیدم که بفرمائید لغو بکنید تازه دیروز من فهمیدم که يك اشاره ای کردید دولت هم البته تابع نظر مجلس است. بنده صراحتاً عرض می کنم که من يك دیناری در این مملکت ندارم و میفرمائید که برای نفت آمده ام اینجا خیر. بنده برای دو هزار تومان حقوق امرار معاش آمده ام و همین آقا که هم فراکسیون شما هست بجناب عالی توضیح می دهد منتها ما در مکتب مثبت بودن تربیت شده ایم.

آقای مکی اظهار کردند: خیلی تعجب میکنم که اینجا میخواهید و انمود بکنید که در يك مسائل سیاسی و حیاتی مملکتی اقلیت و اکثریتی وجود دارد بنده میگویم اقلیت و اکثریتی وجود ندارد اما اینجا صحبت منفی بافی بیش آمد آدم میرود بهلوی طیب میگوید فلان دوا را بخورم می گویند نه فلان چیز را بخورم میگوید نه بداست پس این را میشود منفی بافی گفت بنده روزی که راجع بقضیه نفت در مجلس از حقوق ایران دفاع کردم شما بوسیله آقای بیات پیغام دادید و بمن تبریک گفتید حالا چطور شده که نظرتان برگشته است (وزیر دارائی - برای لجاجتی بود که کردید) (آقای صالح اظهار داشتند لجاجت که تبریک ندارد) .

آقای حائری زاده گفتند: اصلاً من نمیدانم مسائل مهم که بیش میآید چرا محیط متشنج میشود در صورتی که من یقین دارم در این مملکت هیچکس طرفدار این نیست که يك عده ای بیابند و مملکت را غارت بکنند شاه سابق رفت قرارداد داری را

لغو کرد؛ شاه سابق احساسات وطن پرستی هم داشت در آن موقع محظور داشت و انگلستان در آن موقع فرمانفرمای جهان بود و از روی اجبار این کار کرده است. دولت شما هنوز وارد این مذاکرات نشده و صحبت دولتهای سابق بوده که رفته اند این قرارداد را بسته اند و گفته اند که بیشتر حاضر نشدند اطلاعاتی که بنده دارم اینست که کمپانی حاضر است که بیش از این بعباید یعنی یکمقداری از حق غصب شده را بماند بکنند من معتقدم اگر نفت ما آتش بگیرد و شر این کمپانی را بکنیم بهتر است برای اینکه هر فسادى که در این مملکت میشود بواسطه این کمپانی است. این دولت های ما باید یکقدری رشادت بکنند حقیقتاً جناب آقای دکتر مصدق از روی تأثر این بیانات را فرمودند.

آقای سرتیپ زاده بیان داشتند: بنده يك خواهشی دارم که این مواد خوانده بشود و این صحبت ها نشود.

آقای جمال امامی تذکر دادند: اگر در يك محیط متشنج بخواهیم ما يك عملی بکنیم و بنتیجه برسیم حتماً منجر بنتیجه نخواهد شد راجع بماده اول صحبت کردیم نمیدانم چرا منحرف شدیم آقای وزیر دارائی که نگفتند ما حقوقمان را از شرکت نفت استیفا کردیم چنین حرفی نزدند این ماده اول عجلتاً مورد بحث ما است آقای وزیر دارائی و يك عده مثل بنده عقیده شان اینست که آن ماده ای که گذشته ناظر بقض امتیاز بوده عقیده شخص من اینست که این ماده باید از این قرارداد حذف بشود و این پیشنهاد را در موقع خودش خواهم کرد خلاصه راجع بسایر مواد صحبت بکنیم.

آقای وزیر دارائی اظهار کردند: اگر بخواهید این را حذف بفرمائید

دولت را مأمور بفرمائید که برود صحبت کند.

آقای گنجه‌ای اظهار داشتند: حالا مقرر شد این ۱۱ ماده را بخوانیم و بحث هم میکنیم چون قبلاً هم اذهان روشن شده است بنا براین موافقت بفرمائید آن مواد خوانده بشود راجع باین ماده اگر دیگر توضیح لازم نیست تا ماده دیگری قرائت بشود و بدیهی است که تصمیم نهائی باخود کمیسیون است.

آقای حائری زاده توضیح دادند: قانونی که از مجلس میگردد يك قوانین مملکتی است که يك تکالیفی دارد يك چیز هائیت که ما طرف داریم اینطور تصویبش اینست که ما نظرمان را که گفتیم میروود بدولت و دولت باید اجرا بکند مثلاً ماده‌ای از مجلس میگردد که باین اصلاحات مجلس موافقت ندارد و دولت میروود مذاکره میکند.

آقای وزیر دارائی سؤال کردند: که آقایان تصمیم گرفتند که آقای نخست وزیر بیایند یا نه؟ (گفته شد بلی).

آقای دکتر کاسمی توضیح دادند: بنده از همین ماده‌ای که مجلس شورای ملی اختیار داده بدولت برای استیفای حقوق ایران برخلاف عقیده جنابعالی اینطور می‌فهمم که لغو قرارداد ۱۹۳۳ هم جزء همین اختیار هست برای اینکه اگر فکر میکنیم که يك دولتی پیدا شد و رشادت پیدا کرد و گفت که من نحوه منافع ایران را این میدانم که قرارداد ۱۹۳۳ لغو بشود بنده اینطور می‌فهمم.

آقای وزیر دارائی گفتند: جنابعالی اینطور می‌فهمید بنده طور دیگری می‌فهمم. ماده دوم قرارداد الحاقی قرائت کردید.

آقای مکی گفتند: باز در این ماده هم متکی میکند بآن قرارداد قلابی اصلی و اینموردی است که مورد ایراد کمیسیون است.

آقای امامی گفتند: یعنی قرارداد ۱۹۳۳ را اصلی ننویسند.

آقای مکی گفتند: بلی، باینطریق میخواهد قرارداد ۱۹۳۳ را تنفیذ بکنند و ما نه قرارداد ۱۹۳۳ و نه قرارداد داریسی هیچ کدام را قبول نداریم.

آقای حائری زاده توضیح دادند: سابق در قرارداد داریسی يك اصلی برای اختلاف و حکمیت پیش بینی شده بود در ۱۹۳۳ يك دیوان داریسی بود که او منحل شده و در اینجا يك محکمه‌ای را آمده پیش بینی کرده که جای او بگذارد، چه لزوم دارد که ما برویم خودمان را اسیر آن محکمه بکنیم. سابق تعهد کرده بودند که بآن عمل بکنیم و حالا موضوع آن محکمه از بین رفته آن محکمه صالحی که آن روزها متعهد بودیم و موضوعش از بین رفت جهة ندارد ما خودمان را مقید بیک محکمه جدیدی بکنیم این یکی از اشکالات است که در این ماده هست و این را تکیه داده بهمان اصطلاحات و اصول قرارداد ۱۹۳۳ که ما اصلاً او را وارد نمیدانیم.

آقای فروهر وزیر دارائی توضیح دادند: در قرارداد اردی بهشت ۱۲ برای هر يك از این کلمات يك کلمه خاصی پیش بینی کرده مثلاً نوشته که کمپانی یعنی چه يك همچنین تشریفاتى هست و در اینجا این را عطف بآن کرده است مثلاً نفت پرس را در سال ۱۳۱۳ تبدیل بایران کردیم راجع بدیوان داریسی بین المللی کنفرانسی در لاهه درست شد در سال ۱۹۰۷ دو تا کنفرانس داشتیم این تاریخچه‌اش هست که در نتیجه او آن دیوان داری در دست شد و بعد شد دیوان دادگستری بین المللی که جزو سازمان ملل متفق است حالا اگر بآن سازمان ملل متفق که عضو آن هم هستیم متکی هستید یا نیستید هر چه بفرمائید بنده حرفی ندارم دولت متکی بآن سازمان است و نائید میکند.

در این موقع قسمت الف از ماده دوم قرار داد الحاقی قرائت شد و آقای مکی گفتند: بنده اعتراض دارم مذاکرات مفصلی که در مجلس و حتی در کمیسیون شد اینها در حدود سالی سه میلیون تن گاز و نفت میسوزانند در ایران و از بین می‌برند وقتی که ما اینجا میگوئیم برای هر مقدار تن صادرات اینها آن را استثناء کرده اند چون در این مورد دارد تأیید میکنند آن مقداری را که میسوزانند و این بضرر ملت ایران است.

آقای حائری زاده متذکر شدند: همین تکیه دادن بقرارداد سابق من کراراً گفته‌ام اگر کمپانی سوء نیتی نداشت میگفت و با مینوشت بدولت ایران که از فلان تاریخ ماهی مثلاً ۶ شیلینگ میدهیم و دولت ایران هم اظهار تشکر میکرد این میخواهد آن قرارداد ۳۳ را تحکیم بکنند ما باید این را رد کنیم.

آقای دکتر هدایتی تذکره دادند: قرارداد که این بحث را نکنیم و یکی یکی صحبت بکنیم در جلسات کمیسیون دو مطلب اساس مذاکرات بود که آقای دکتر پیرنیا توضیحات دادند و آن نکات اصلی این قرارداد و هر قراردادی که بسته میشود میباشد. یکی اینکه نفع ما در اینست که از حق امتیاز صادرات فروش در ایران گرفته بشود و فورمول استخراج آن در نظر گرفته بشود علت مخالفت من اینست که حق دولت ایران برود روی استخراج و یکی هم آلمان اشاره شده که ۴ شیلینگ ۶ شیلینگ بشود وقتی لیره باشد با این ترتیب ماده سال دیگر هم نمیدانیم وضعمان چه خواهد شد.

آقای وزیر دارائی توضیح دادند: شرکت از سه منبع عایدات میدهد یکی از فروش تن آژ که با مصرف و با صادر میشود یکی بعنوان حق امتیاز و یکی هم یک مالیات هائی میدهد که منشاء و مأخذش تن آژ است و یکی يك بیست درصد از عوایدی است که توزیع میکنند دو قلم از آنها مطابق ماده ۱۰ قرارداد تضمین شده بطلا است

یعنی اگر قیمت لیره نسبت بطلا نازل هائی پیدا کرد بهمان تناسب بر میزان لیره اضافه بشود آن ۲۰ درصد مطابق قرارداد ۱۹۳۳ تضمین شده بطلا نیست در همین ماده قرارداد مینویسد این چهار شیلینگی که نوشته شده تبدیل به شش شیلینگ شده است.

آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند: يك تفاوتی هست بین حق امتیاز بطلا که عین طلا باید بدهند و حق امتیازی که ارزشش لیره کاغذ است منتها تغییر پیدا میکند قیمتش با طلا مثل امتیاز هائی که در عراق و عربستان سعودی هست.

آقای وزیر دارائی گفتند: قرارداد نفت بمعین طلا و شمش نمیدهد تطبیق میکند باقیمت طلا (آقای مکی گفتند صحیح نیست) بنده کاری ندارم که صحیح باشد یا نه در اطراف آن توضیح میدهم همانطور که آن ۴ شیلینگ تضمین شده بطلا است این ۶ شیلینگ هم تضمین شده بطلا است.

آقای دکتر هدایتی گفتند: همانطور که آقای وزیر دارائی توضیح دادند اینجا طلا نیست لیره تضمین شده بطلا است من میگویم لیره تضمین شده بطلا هم نمیخواهیم دو مطلب است یکی اینکه حق امتیاز ما برود بروی استخراج دوم اینکه هر چه بما تعلق میگردد طلا باشد نه لیره تضمین شده بطلا.

آقای دکتر کاسمی اظهار داشتند: از تلفیق بیانات آقای دکتر هدایتی و آقای مکی چند نکته برای ما محرز شده است یکی موضوع حق امتیاز است که باید از هر تن نفت بگیریم برای هر تن نفتی که از چاههای ایران استخراج میشود نه اینکه برای مصرف داخلی ایران بفروش برود و صادر بشود.

آقای مکی گفتند: بنده يك توضیحی عرض میکنم، در اینجا با این ماده تا سال ۱۹۴۸ را تصفیه حساب کرده و راجع بطلا این محاسبه ای که فرمودید این يك

کلاه کاغذی است بفرمایش جناب آقای دکتر مصدق الآن نرخ هراتس طلا در بازار آزاد در حدود ۳۵۰ شیلینگ است در صورتیکه ۲۴۸ شیلینگ قیمتی است که بما حساب میکنند ملاحظه بفرمائید تفاوتش چقدر است. الآن روی این اسکناسهای صدریالی نوشته يك بهلوی ولی آیا يك بهلوی طلا میدهند نرخ رسمی میگویند مطابق نرخي است که آنها معین کرده اند من توضیح دادم که این سعود چون در بانک بین المللی عضویت ندارد حق خود را عین طلا میگیرد پس اینها میخواهند کلاه سر ملت ایران بگذارند بنابراین قیمت حقیقی طلا در حدود ۳۵۰ شیلینگ است که يك نلت قیمت بضرر ماست و از اینجهت این ماده هم مورد قبول ملت ایران نیست. در اینموقع پیشنهاد ختم جلسه شد و موافقت شد.

آقای وزیر دارائی تذکر دادند: باینکه در کمیسیون تصمیم گرفته شده که مذاکره کمیسیون نفت در خارج منتشر نشود ولی بنده روز شنبه در روزنامه باختبر دیدم که تمام مذاکرات در آن روزنامه درج شده است.

در این موقع یکساعت و یکربع بعد از ظهر جلسه ختم و مقرر شد جلسه آنیه بروز شنبه سیزدهم آبان ماه ۲۹ دوساعت قبل از ظهر موکول گردد و آقای وزیر دارائی هم باطلاع آقای نخست وزیر برسانند که حضور بهم رسانند.

رئیس کمیسیون مخصوص نفت - دکتر محمد مصدق

جلسه پانزدهم

پانزدهمین جلسه کمیسیون مخصوص نفت یکساعت و نیم قبل از ظهر روز شنبه سیزدهم آبانماه ۲۹ بریاست آقای دکتر مصدق و با حضور جناب آقای نخست وزیر و آقایان وزیر دارائی و دکتر بیرنیا معاون وزارت دارائی و فرمانفرمایان رئیس امتیازات

و اکثریت آقایان اعضاء کمیسیون بشرح زیر: آقایان: گنجی ای - بهبهانی - مکی - دکتر علوی - ذوالفقاری - سر تیبزاده - اللهیار صالح - جمال امامی - عامری - حائری زاده - دکتر هدایتی - یالیزی - دکتر کسبی تشکیل گردید.

آقای رئیس اظهار داشتند: صورت جلسه قبل قرائت میشود.

صورت جلسه روز چهارشنبه دهم آبان ماه ۲۹ قرائت و **آقای ذوالفقاری** تذکر دادند: چون این صورت جلسات خیلی مطول است وقت کمیسیون را میگیرد خواستم. استدعا کنم که قبلا این صورت جلسه باطلاع آقایان برسد که وقت کمیسیون را نکیرد. (آقای گنجی ای اظهار داشتند چون فاصله کمیسیون ها یکروز در میان است این کار نمیشود کرد و آقایان نمیرسند که بخوانند) در این موقع چون اعتراضی نسبت بصورت جلسه نبود. **آقای رئیس** اظهار داشتند: که صورت جلسه قبل تصویب میشود و دستور جلسه مان مطابق قرارداد قبلی قرائت مواد قرارداد الحاقی است ولی چون آقای جمال امامی قبلا توضیحاتی از جناب آقای نخست وزیر میخواهند ایشان صحبتشان را بفرمایند.

آقای جمال امامی خطاب بجناب آقای نخست وزیر اظهار داشتند: بنده تقاضا کردم که حضرتعالی تشریف بیاورید برای اینکه ما خلاصه جریان کمیسیون را که در این مدت عملی شده باطلاعتان برسانیم و ضمناً جنابعالی هم اگر اطلاعاتی دارید بفرمائید که کار ماسهل بشود. در این یکماه و نیم که کمیسیون تشکیل بود آنطوریکه بنده استنباط کردم هیچکس از افراد این کمیسیون موافق تصویب این لایحه نیست و اگر هم باشند نگفته اند يك عده ای از آقایان جبهه ملی هستند نمیدانم همه هستند یا آقای

حائری زاده تنها در این کار یافشاری میفرمایند این آقایان موافق لغو امتیاز ۱۹۳۳ هستند (آقای دکتر مصدق گفتند قرارداد ۱۹۳۳ باطل است و محتاج بآلغاء نیست) حالا میخواهند اینکار را بفرمایند یا نفرمایند در هر صورت ما بک استفاده بیشتری می کنیم این موضوع علیحده است بقیه اعضاء کمیسیون عاجلاً این را صلاح نمیدانند که آن امتیاز را لغو بکنند و از طرفی این لایحه را هم کافی نمیدانند و میگویند که دولت برود یافشاری بکند و یک قرارداد منصفانه تری بمجلس پیشنهاد بکند ضمناً هم موافق نیستند باین یکی دو ماده ای که در این لایحه گنجانده شده (ماده ۱۰ و ۱۱) راست هم می گویند و دلیلشان اینست که اگر آن امتیاز در سابق بتصویب رسیده و بآن رأی داده شده چرا مجدداً در این لایحه میخواهند بتصویب برسانند. یقیناً جنابعالی این قرارداد را مطالعه فرموده اید و موارد اعتراضی دولت ایران را هم مطالعه فرموده اید من نمیدانم از خارج شنیدم که شخص جنابعالی با شرکت نفت یک مذاکره فرموده اید چون فکر میکردم که آقای وزیر دارائی از این مذاکره که جنابعالی فرموده اید اطلاعی نداشته باشند و اطلاعات جنابعالی مفید بحال این کمیسیون باشد این بود که خواهش کردم تشریف بیاورید و نظریات خودتان را بفرمایید.

آقای گنجه ای اظهار داشتند: بنده عرایض را بعد از توضیحات جناب آقای نخست وزیر عرض میکنم.

آقای نخست وزیر اظهار داشتند: آقایان سئوالانشان را بفرمایند بعد بنده عرض میکنم بهتر است.

آقای مکی گفتند: ممکن است بیان جنابعالی طوری باشد که بنده رامستغنی بکند.

آقای نخست وزیر اظهار کردند: حتماً مستغنی میکند؟
آقای دکتر هدایتی اظهار داشتند: موضوعی را که جناب آقای امامی راجع به نظریات کمیسیون اظهار داشتند البته یک نظریاتی بود که خودشان استنباط کرده بودند و راجع به تصمیم نهائی بنده میخواستم عرض بکنم که تا بحال ما نمایندگان اظهار نظری نکرده ایم. دیگر اینکه همانطور که آقای امامی تقاضا کردند تقاضای ما این بود که اگر مذاکره ای با کمپانی شده ما را مستحضر بفرمائید. سوم راجع به اینکه این تأییدی که آقای فروهر وزیر دارائی فرمودند که مسئولیت مشترک در کار است آقای نخست وزیر هم بفرمایند چون اینجا صحبت شد که این قرارداد الحاقی را مدافعت کنند اینجا صریحاً بفرمائید.

آقای نخست وزیر اظهار کردند: بنده خیلی مفتخر هستم که امروز آقایان احضار فرمودند که حاضر بشوم و توضیحاتی که راجع بنفت بنظرم میرسد بعرض آقایان برسانم. در چهار ماه قبل آنوقتی که بنده آمدم و دولت جدید را تشکیل دادم یکی از مسائل قابل توجه در دولت همین موضوع مسئله نفت بود که از روز اول با آن اشخاصی که در اینکار مداخله داشتند و هم با کمپانی مشغول مذاکره شدیم چون هر وطن پرست و هر ایرانی که هر شغلی گمارده میشود یکی از وظایف مهمش اینست که برای مصالح و منافع مملکتش اقدام بکند بنده همینقدر عرض میکنم آنچه که در قدرتم بوده با آنها صحبت کردم و حتی برای اینکه این صحبت بجای بهتری برسد تصمیم گرفته شد که آقای دکتر نصر برود صحبت بکند. (آقای دکتر هدایتی سؤال کردند مأموریتشان رسمی بوده یا غیر رسمی) رسمی بوده ولی بطوریکه اطلاع دارید روزنامه ها حملاتی بایشان وارد آوردند و بجای اینکه مأموریتشان را انجام بدهند از

پاریس رفتند به آمریکا (آقای صالح گفتند بدکاری کردند) بنابراین دولت بهیچوجه از روز اول مذاکرات خودش را با کمپانی قطع نکرده و حالیه هم هنوز قطع نکرده است. (آقای گنجه‌ای سؤال کردند: آقای دکتر نظر گزارشی هم داده‌اند یاخیر؟) خیر يك دانه گزارش هم ندادند حتی بكمقدار مكاتباتی هم كه آقایان دچار درد سر میافتند و مربوط بیانك بین المللی و مكاتبات و پیشنهادهائی است كه داده‌اند اینها را ایشان با خودشان برده‌اند پس راجع به نفت دولت مذاكراتش را قطع نكرده و عقیده دولت اینست كه هر كاری را اگر روی اصول صحیح و مبنای واقعی گذاشته شود میشود بنتیجه برسیم ولی اگر چنانچه غیر از این باشد آن مذاكرات واقعی بنتیجه نخواهد رسید. البته آقایان يك قسم مسؤلیت دارند و ما هم يك قسم مسؤلیت داریم چون آن عملی را كه ما انجام میدهم غیر از عملی است كه آقایان انجام میدهند. آقایان مثل يك و کیلی باید در هر قبیل موارد حمله بكنند و البته حقتان حمله كردن است و ما هم خوشوقت میشویم برای اینکه گاهی حملات شما برای عمل ما مؤثر است بشرط اینکه منظور حقیقی ما برای استیفای حقوق ملت ایران باشد بدون اینکه رشته را پاره بكنیم و روی يك بحث هائی برویم كه باعث تكدر همه باشد. دولت سابق يك لایحه ای تقدیم مجلس كرده و این يك لایحه خیلی ساده نبوده است بعضی لوایحی هست كه وضعش با این قبیل لوایح فرق دارد، این لایحه يك قرارداد دو طرفه بوده بین كمپانی و دولت ایران پس يك لایحه عادی نیست و نسبت بآن يك توجه بیشتری لازم است. راجع به نفت يك قرارداد ۱۹۳۳ داریم كه چهار شیلینگ بوده بعد از مذاكراتی كه جناب آقای ساعد كردند و آنطور كه پرونده ها نشان میدهد

بنده هم مثل آقایان وارد این كار نبودم ولی وظیفه ایجاب كرد كه بروم پرونده ها را مطالعه بكنم آنها هم بوظیفه خودشان رفته‌اند و این قرارداد را آورده‌اند، مجلس يك مأموریتی بدولت داده‌است این بود كه در مجلس سنا گفتم كه وظیفه دولت اینست كه بگوید من با این لایحه موافقم و باید طرح بشود و موافق است باین لایحه برای اینکه نماینده اش را معرفی كرد در مرحله اول جناب آقای دکتر پیرنیا را معرفی كردم ولی آقایان اگر بخواهند بعنوان مشاور فرض بفرمائید این امری است علیحده ما پرونده ها را فرستادیم، آقایان میفرمایند روی همه اش اعتراض داریم، باید این مواد یکی یکی طرح بشود و وزیر مسؤل و كارمندان مسؤل آنها حاضر میشوند و دفاع میکنند تا در نتیجه يك نتیجه ای برسیم. اینجا راجع به نفت هم بنده گاهی میشنوم كه میگویند رد كردند پس آن جریان عادی چه میشود؟ البته آنچه كه مجلس میگوید ما باید اجراء بكنیم و وظیفه دار هستیم كه در مقابل آن چیزی كه میخواهند عمل بكنیم الان این قضیه نفت هم باینجا كشيده كه این قرارداد الحاقی آمده اینجا و باید روی ماده بماده آن بحث بشود و ما دفاع بكنیم، البته آن آقایانی كه روی این مسائل كار کرده‌اند باید یکی یکی این مسائل را برای شما تشریح بكنند و وقتی تشریح كردند قطعاً بيك نتیجه ای خواهید رسید و عوض اینکه بگوئید استیفای حقوق نشده میگوئید كه جای آن استیفای حقوق نشده‌است. البته آقایان مستحضرنند این موضوع برای مملكت ما بسیار مهم است ملاحظه بفرمائید از يك سمت دست ما بطرف كشور هادراز است برای اینکه كمك بگیریم و استعانت بطلبیم و از طرف دیگر باید چهل، پنجاه میلیون لیره مادر جای دیگر بیفایده بماند. بنده بطور کلی بعرض آقایان میرسانم كه دولت عمل خودش را از روی

يك متد صحیحی شروع کرده و ادامه هم میدهم، برخورداریم بكار كميسيون و
 وظیفه دار بودیم که از این لایحه دفاع بکنیم. دوم وظیفه ما اینست که در كميسيون
 این لایحه خوانده بشود و آقایان استنباط خارجی و اطلاعات خودشان و اعتراضاتی
 که دارند میفرمایند و دولت هم اطلاعاتی که دارد تشریح و توضیح میدهد و آن
 یوان هائی که میگویند استیفای حق نشده بما نشان میدهند و وقتی که گزارش آقایان
 بمجلس میآید البته مجلس يك تکلیفی برای دولت معین میکند و آن روز کار دولت
 آسان تر خواهد شد. یکی از آقایان راجع بابطال قرارداد ۱۹۳۳ سؤالی کردند، بنده
 درست قانون دان نیستم و این چندماهه بنده را مجبور کرده که وارد بشوم و آنچه که
 من حس میکنم ابطال هیچ قراردادی بادولت نیست و با مجلس است. و تازه شما باید
 اگر لازم میدانستید در دوره ۱۵ در همان روز که آن قانون گذشت قرارداد را ابطال
 بکنید، پس قانونی که در ۲۶ وضع شده من تصور نمیکنم که ابطال قرارداد ۱۹۳۳ باشد
 در هر حال بنده چون قانون دان نیستم وارد در بحث آن نمیشوم. پس مذاکراتی که
 دولت کرده ادامه هم داده و میدهد (آقای دکتر هدایتی گفتند مضمونش را نمیتوانید
 بفرمائید؟) خیر نمیتوانم دیگر اینکه وظیفه دولت این بوده که روی اصول کلی با
 این لایحه مثل هر لایحه ای که میدهد موافقت و دفاع بکند سوم وظیفه ما اینست که
 از این لایحه در كميسيون دفاع بکنیم یعنی بامدار کی که داریم این مجموعه آن چیزی
 است که باید نسبت بنفت بعرض برسانم. در خاتمه این مطلب را تجدید میکنم همانطور
 که آقایان بیان فرمودند مسئله نفت بسیار موضوع حساسی است برای کشور ولی این
 موضوع حساس را باید با زبردستی و مهارت شروع کرد که بنتیجه برسیم این را از
 روی بدبینی نباید فکر کرد آقایان قوه مقننه هستند در مجلس و ما قوه مجریه هستیم

و باید بین این دو قوه همکاری صمیمانه موجود باشد برای اینکه اگر خدای نخواست
 يك بدبختی برای این مملکت پیش بیاید گردنگیر همه ما میشود در خاتمه تقاضایم
 اینست که حسن دفاع و بیانات آقایان همه مورد تقدیر و تقدیس و تقویت ما است ولی
 چیزی که هست اینست که نباید این رشته را پاره بکنید که نشود آن را گره زد این
 عریض مختصر من بود در مقابل دو سؤال آقای جمال امامی.

آقای جمال امامی اظهار داشتند: اجازه بفرمائید دو دقیقه يك مقدمه ای
 عرض بکنم شخص بنده همانطور که در مجلس چه تلویحاً و چه تصریحاً عرض کردم
 من به این روشی که در ایران معمول است ارزش قائل نیستم تنها منبع عایداتمان همین
 نفت است و از روز اول هم من معتقد بودم که اگر ما بتوانیم از این قسمت حداکثر
 استفاده بکنیم خیلی از دردهایمان درمان پذیر است و اگر استفاده نکنیم رو بفرزونی
 میرود بنده این موضوع را تا بحال نگفتم، مرحوم هژیر از من برای شرکت در کابینه
 دعوت کرد و من ابتدا نپذیرفتم و پس از چند جلسه ملاقات بالاخره بعنوان وزیر
 مشاور حاضر شدم که در کابینه شرکت کنم بیک شرط که قضیه نفت را صحبت کنند
 و ایشانهم بمن قول دادند که اینکار را بکنند و ایشان رفتند و این ۲۵ ماده را تنظیم
 کرد مقصود من از این مقدمه این بود که تا این قضیه حل نشود ما هیچ جایی نمیرسیم.
 حالا فرمودید که من نماینده فرستادم ماه اولیه را تصدیق می فرمائید که كميسيون
 بهیچوجه بدولت فشار نیاورد برای اینکه آقایان فرض می کردند که دولت با کمپانی
 مشغول صحبت است تا وقتی که آقای نصر رفت و دیدیم که دولت پزسیون مثبتی
 نگرفته و دیدیم این چند ماهی که دولت جنابعالی هم آمده مثل سایر دولت ها این
 قضیه را بعقب میاندازد بنا پیشنهاد بنده گفتیم بیائیم دولت را مجبور بکنیم که جواب

بدهد و از طرف دولت آقای پیرنیا بعنوان نماینده رسمی نیامدند و ایشان بمجلس معرفی نشده بودند و مأمور مسئول دولت در مقابل مجلس نبودند دولت هم چنین ننوشته بود خودشان هم چندین مرتبه توضیحات دادند که من برای توضیحات آمده‌ام نه برای دفاع و حتی اگر نظریات خودشان را میخواستیم می‌گفتند که از من توضیحات سیاسی نخواهید بنا بر این اینکه مأمور رسمی نمیشود برای اینکه این يك كميسيون سياسي است و ایشان را بعنوان نماینده رسمی دولت قبول نکردیم تا اینکه جنابعالی در مجلس سنا يك اظهاری فرمودید و همان روز کمیسیون میخواست اظهار نظر خودش را بدهد بعد بنا بقضای بنده گفتیم حالا که دولت آمده و اظهاری کرده خوب است فعلاً تصمیم نگیریم و دولت بیاید در مجلس شورای ملی هم نظر بدهد در جلسه بعد هم دوسه مرتبه این تصمیم را داشتند و بنده عرض کردم که آقای نخست وزیر آمده‌اند و اینطور در مجلس سنا صحبت کرده‌اند و خوبست بنشینیم با دولت يك نظریه معقولی بگیریم که کشمکش ایجاد نشود ولی مشروط بر اینکه دولت هم يك نظریه ثابتی بدهد که ما ببنشینیم میتوانیم تطبیق بکنیم یا نه؟ و این را هم که فرمودید کمیسیون وارد در مواد نشده این درست نیست (آقای نخست وزیر اظهار کردند: عرض نکردم بمواد عرض کردم بمداخلات نمایندگان دولت) آقای دکتر پیرنیا تشریف دارند و آن مواد را ما خواندیم و ایشان توضیحات داده‌اند ولی تا کنون ما بر نخورده‌ایم بیک ماده‌ای که دولت اعتراض کرده باشد و کمپانی قبول کرده باشد. وغالب این آقایان در این موضوع حتی از غالب آقایان وزیران شما وارد تر هستند، این را هم که من عرض کردم که نظریه کمیسیون این هست این را بنده اینطور استنباط کردم. حالا شخص من و گمان میکنم آقایان هم موافق باشند که جنابعالی نه بعنوان نخست وزیر

و نه بعنوان يك مأمور مسئول خیال کنید که عضواً این کمیسیون هستید و ما هم البته مسئولیت دولت و جنابعالی را در نظر می‌گیریم و این را هم تشخیص می‌دهیم که دولت يك وظایفی دارد و مجلس هم يك وظیفه ولی نظر خودتان را هم بفرمائید که من هم قبول دارم که این مواد یا درست تنظیم شده و استیفای منافع ما میکند و یا نمی‌کند که ما بتوانیم نظر به دولت را با نظریه کمیسیون مطابقت بکنیم.

آقای مکی اظهار داشتند: بنده خیلی خوشوقت هستم از اینکه جناب آقای نخست وزیر ضمن بیان مختصر یا مفصلی که فرمودند تصدیق فرمودند باینکه مجلس شورای ملی و کمیسیون نفت حداًاعالی کوشش خودش را بکند تا دولت بتواند اظهارات نمایندگان را منعکس بکند و بگوید که مجلس و ملت ایران عقیده‌اش اینست که این لایحه استیفای منافع ایران را نمیکند و این بیانی را که ایشان با يك روح سربازی فرمودند عقیده‌شان اینست که این لایحه منافع ایران را تأمین نمیکند اما اینکه فرمودند مطالعه نشده ما جزء بجزء مورد رسیدگی و مطالعه قرار دادیم و برابمان روشن شده که حساب کمپانی با ملت ایران چگونه تصفیه شده. فرمودید که مشغول مذاکره با کمپانی هستید و ممکن است تا چهارماه دیگر ادامه پیدا بکند ولی موضوع نفت يك مسئله حیاتی است که باید هر چه زودتر تکلیفش معین بشود و ما این موضوع را بیک سیاست دفع الوقت تلقی میکنیم قانونی که از مجلس گذشته هیچگونه وظیفه‌ای برای ما معین نکرده که خارج از مواد الحاقیه بدولت نظر بدهیم در این قانونی که از مجلس گذشته بجا اجازه داده نشده است که شما يك کنتر پروژهای هم بدولت بدهید که دولت برود روی آن کنتر پروژها و مذاکره بکند و اگر مجلس چنین تصمیمی داشته باشد باید مجدداً يك قانونی بگذرد دو ماه است که روی این لایحه بحث میکنیم و در مجلس هم صحبت‌هایی شده است، دوسه مرتبه هم تا بحال

مذاکرات بیک جائی رسید و همانطور که آقای امامی گفتند قرار بود تصمیم گرفته بشود، آقای دکتر پیرنیا هم از نقطه نظریک فرد ایرانی آمده اند اینجا و هر ماده‌ای که مطرح بوده توضیحات داده اند و ایشان بیک متخصص فنی بوده اند و نظریاتی هم از متخصصین فنی که بایران آمده اند مثل پرفسور ژیدل و گلبنانکیان و وانز و لند و غیره در پرونده منعکس است گزارشی هم که وزیر دارائی آقای ساعد بمجلس داده مبنای مذاکراتش غیر از این بوده و آقای امامی هم توضیحات دادند در اینجا هم نظر دولت معلوم بوده و هم نظر مجلس و بطوریکه بعضی از آقایان می گویند نظریه فیکسی گرفته نشد و مبنای مذاکراتی که شده بود روی ۱۶ شیلینگ آن روز بوده که با تنزل لیره که حساب کنیم در حدود ۲۴ شیلینگ میشود و آقای امامی که عضو دولت بودند در اینجا توضیحاتی دادند که چطور شد دولت قبول کرد ملاحظاتهای که با سفیر انگلیس شده در پرونده منعکس است و حتی خود گلشائیان و آقای ساعد هم که با این قرارداد موافقت کردند قبلاً موافق نبوده اند و حتی در سه ماه قبل از قرارداد هم در مجلس گفته است که «هیچ ایرانی شرافتمندی باین ماده ۱۶ تن در نخواهد داد» ولی بعد از سه ماه خود ایشان امضاء کرده اند. وظیفه ما رسیدگی باین قرارداد الحاقیه است که آیا این قرارداد الحاقیه منافع ایران را تأمین میکند یا نه ما دو ماه است مطالعه کردیم و بایستی بمجلس گزارش بدهیم که این قرارداد الحاقی تأمین منافع ما را میکند یا نمیکند این بیک موضوعی است. (آقای دکتر کاسمی گفتند: حتی دلائلش هم نمیتوانید بگوئید؟) بیک موضوع دیگری که فرمودند الان لیره‌های ما در لندن بلو که است من تصدیق می کنم ولی از جناب عالی استفسار می کنم تا کثون آنچه که از نفت بابت حق الامتیاز گرفته شده و صرف بر نامه

شده آیا رو به مرفته این لیره‌هایی که گرفته شده در راه حفظ و تولید ثروت و عمران و آبادی مملکت شده است و بسا صرف هوی و هوس؟ خود جناب عالی حالا یا اینجا بفرمائید و با فرمائید بهتر میدانید ولی بطور کلی اگر بیائیم بیک راهی باز بکنیم که این پول صرف عمران و آبادی بشود ده روز دیرتر بشود این بهتر نیست؟ بیک موضوعی هم آقای امامی فرمودند راجع بجهه ملی بود. جبهه ملی تصمیم خودشان را گرفته اند آنها معتقدند که قرارداد ۱۹۳۳ طبق توضیحی که آقای تقی زاده در مجلس شورای ملی دادند باطل است و در بیک جلسه خصوصی دیگر آقای تقی زاده بمن اینطور اظهار داشتند که «روزی که قرارداد با امضاء رسید قلمی که نماینده دولت ایران با آن امضاء کرده بود برای یاد بود نماینده شرکت داده شد و قلمی هم که نماینده شرکت امضاء کرده بود این را آوردند توی قاب طلا برای من و من قبول نکردم و گفتم بپرید خدمت رضاشاه که در حقیقت امضاء کننده واقعی بودند» این بیان بیک نماینده دولت ایران که امروز هم رئیس بیک مجلس سنا است که نمیشود انکار کرد بنابراین چطور جبهه ملی و افراد ملت میتوانند قبول بکنند و با خود جناب عالی که عرق ملی دارید چطور میتوانید این را قبول بفرمائید که این قرارداد صحیح است و حتی بیک روز آقای فرامرزی گفتند که اشکال این قرارداد همین در این بیک ماده است که مانعیتوانیم این کره و اجبار را قبول بکنیم و مانعیتوانیم بگوئیم این قرارداد ۱۹۳۳ را قابل قبول میدانیم اینست که میخواهم عرض بکنم که امضاء جبهه ملی آن قرارداد را باطل شده میدانند و بیانی که آقای امامی فرمودند همین بود که اگر این بقوت خودش باقیست و ملت ایران اجباری نداشته است دیگر این لازم نبود و میخواهند بیک قرارداد لغو و

متزلزلی را از ما امضاء بگیرند در مجلس هم بعرضتان رساندم که ما معتقدیم که این باید ناسیونالیزه (ملی) بشود. حالا بشود یا نشود بنده که عقیده ام را گرفته ام که این نفت باید بالاخره ملی بشود حالا ماه روزی که بتوانیم باین عملیات شرکت نفت خانمه بدهیم آن روز روز سعادت و نیکبختی ملت ایران است البته هر دولتی که بخواهد در راه منویات ملت ایران قدم بردارد ما خودمان را در اختیار آن دولت قرار میدهم بنده تمام نکراتیم از این سیاست دفع الوقت است و جنابعالی هم مسبوق هستید که همیشه دولتها برای همین سیاست دفع الوقت کار ملت را باین روز سیاه کشانیده اند و اگر جنابعالی هم باتمام قوا معتقد هستید که منافع ایران را استیفاء نمیکند زودتر بفرمائید تا ما هم تکلیف خودمان را بدانیم.

آقای رئیس اظهار داشتند: بنده میخواستم عرض کنم قراردادی در سال ۱۹۳۳ بین دولت ایران و شرکت نفت وضع شده این قرارداد از نظر شخص بنده و از نظر امضاء کننده و از نظر ملت ایران باطل است بجهت اینکه برای انعقاد هر قرارداد یک شرایطی لازم است:

اول - طرفین صلاحیت داشته باشند.

دوم - طرفین آزاد باشند.

اگر یکی از طرفین صلاحیت نداشته یا آزاد نباشد اصلاً قرارداد منعقد نشده است و فقهاء میگویند رأساً باطل است اگر آقای تقی زاده اقرار کنند یا نکنند که وضع محیط چه بوده است هر ایرانی و وطن پرستی که ببیند هستی ما را اینطور میبینند تصدیق خواهد نمود که این قرارداد باطل است.

قرارداد شوروی راجع به نفت تا وقتی که نیامده بود و مذاکره ای نشده بود این موضوع اینقدر اهمیت نداشت ولی قرارداد شوروی ۴۹ درصد از عواید را حق ایران معین کرده و قرار بود چنانچه تصویب نشود راجع بقرارداد جنوب هم مذاکره بشود. اگر قدری تأمل کنیم معلوم میشود که مجلس ۱۵ قرارداد ۱۹۳۳ را باطل دانسته ولی نخواستند است دفعاً اظهار کنند در قانون مهرماه ۲۶ مجلس دولت ایران را مکلف کرد که استیفاءی حقوق ملت ایران را از نفت جنوب بنمایند بدیهی است با این ترتیب اگر دولت ها که مکلف هستند اینکار را نکنند و تکرارند و از يك شاهی صرف نظر نکنند وظیفه خود را انجام نداده اند.

قرارداد ۱۹۳۳ دو دوره دارد دوره اول از ۱۹۰۱ تا ۱۹۶۱ و دوره دوم از ۱۹۶۱ تا ۱۹۹۳ بنده اول دوره دوم را مورد بحث قرار میدهم یعنی از ۱۹۶۱ تا ۱۹۹۳ تمام عوائد شرکت نفت متعلق بایران است زیرا اگر قرارداد ۱۹۳۳ منعقد نشده بود از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۹۳ تمام ما میملک و عواید نفت تعلق بایران میگرفت از روی حساب خود کمپانی عایدات ۱۹۴۸ به ۷۹ میلیون بالغ شده است که در حقیقت هر سال صد میلیون ضرر ملت ایران میباشد از این مبلغ ۱۷ میلیون برای بهره برداری کسر میشود و باقی از ۷۹ میلیون ۶۲ میلیون عایدات خالص خود شرکت است در سال ۱۹۴۸ و اگر قیمت حقیقی نفت بحریه انگلیس راهم که شرکت میدهد بیفزائیم همان صد میلیون است که عرض کردم متجاوز نباشد کمتر نیست بنابراین از آقای فروهر وزیر دارائی که با قرارداد الحاقی موافقت میکنند حق دارم این سؤال را بکنم که وجداناً شما برای سالی صد میلیون ضرر ملت ایران چه چیز را در نظر گرفته اید که با این قرارداد

موافقت کرده‌اید؟ مجلس بدولت آقای ساعد، مأموریت داد جبران استیفای حقوق ملت ایران را بکنند و ایشان نکرده‌ند و در مقابل این لایحه را بمجلس ۱۵ آوردند که مصادم با مخالفت صریح مجلس گردید. شما که مأمور هستید استیفای حقوق ملت ایران را بکنید وظیفه خود را انجام ندادید زیرا اگر دولت بشرکت میگفت ما این قرارداد را قبول نداریم دولت با وجدانی بودید و تحت نفوذ خارجی نبودید؛ دولتی که بخواهد حقوق ملت ایران را استیفاء بکند اگر نتوانست این خدمت را انجام دهد بدون اینکه در این مسئله با شرکت صحبت نماید از کارکناره میگردد نه آنکه برای دو روز ادامه کار و تأمین نظریات خصوصی مطالبی را که بهیچوجه از دولتی وطن پرست انتظار نیست اینجا اظهار نماید.

دولت باید بگوید من موافق این لایحه هستم برای آنکه منافع ملت ایران را تأمین میکند نه آنکه سبب نماید اما راجع باینکه آقای نخست‌وزیر فرمودند چهل میلیون لیره برای ما گذاشته‌اند که ما بگیریم این مبلغ باری از دوش ملت ایران برنمیدارد زیرا از پول نفت تاحال آنچه دیده شده دیناری بمصرف ملت ایران نرسیده و نفع ایران هم نبوده است و من از آقای نخست‌وزیر خواش میکنم محافظه کاری را کنار بگذارند و صریح باشند و نظر کامل خود را نسبت بدوره دوم قرارداد نفت بگویند زیرا نظر اساسی برای ما همین است والا برای ده سال بقیه همانطور که تابعال عمل شده اینقدرها اشکالی ندارد که باز هم عمل شود و ما هم دندان روی جگر بگذاریم و صبر کنیم ولی آن ۳۲ سال جبران ناپذیر است - ما اقلیت تصمیم قطعی داریم که اگر این قضیه جبران نشود بهیچوجه در این کار شرکت نکنیم اگر اکثریت با ما همکاری میکند کمال امتنان را خواهیم داشت و الا کنار میرویم.

آقای حائری زاده اظهار نمودند: با آنکه در اینموضوع خیلی بحث شده ولی دو جمله کوچک است که باید عرض کنم قرارداد موضوعی است طرفینی و قانون عادی نیست که پیش خود اصلاح کنیم. قرار داد اولیه شرکت نفت تا ۱۹۳۳ بنام قرارداد داری بود و مطابق مقررات کشوری امضاء و مبادله شد که نسبت بآن بحثی نیست ولو آنکه ما با داری نامی طرف بودیم و حالا در حقیقت دولت انگلیس طرف ما است. در ۱۹۳۳ که طرفین قرارداد را لغو کردند ولو آنکه بتحریر خود انگلیسها بود قرارداد جدیدی را امضاء نمودند و بقول آقای دکتر مصدق اگر آن قرارداد زنده بود بعد از ده، دوازده سال دیگر تمام مایملک شرکت مال ایران بود و این قرارداد داری مثل اجاره نامه هائی است که تنظیم میشود باین ترتیب که مستأجر شرط میکند ملک را بوضع مخصوصی ساختمان نماید و تا مدت ۲۰ سال فرضاً در اختیار داشته باشد با مال الاجاره خیلی قلیل و پس از ۲۰ سال عرصه و اعیان متعلق بموخر باشد زمان شاه سابق قرارداد در حقیقت يك طرفه تنظیم شده و حقی برای ملت ایران در حقیقت قائل نشده‌اند خود کمپانی امروز تصدیق کرده که کلاه سر ما گذاشته و میگوید من حاضرم ترمیم نمایم آنوقت دولت ما میگوید قرارداد ۱۹۳۳ درست است اتفاقاً تمام مراغه ما سر همین موضوع است زیرا اگر کمپانی موافقت نماید که چهار شیلینگ حق الامتیازش شیلینگ شود این کار بحث و لایحه لازم ندارد علاوه بر اینکه نقایص بسیاری قرارداد ۱۹۳۳ دارد تمام حواس شرکت پرت مدت قرارداد است و میخواهد امضائی از ملت ایران بگیرد - در دنیا معمولی هست که پس از تغییر رژیم در هر کشوری در اصول و مقررات آن کشور تجدید نظر میشود - روس تزاری که، بلاهائی

بسرما آورد و امتیازات زیادی در ایران داشت پس از تغییر رژیم همین روسهای بلشویک تجدید قرارداد با دولت ایران نمودند و تمام مایملک و امتیازات دولت تزاری را بایران واگذار کردند حکومت کارگری انگلیس که بجای حکومت محافظه کار زمام امور را در دست گرفت تمام صنایع را ملی کرد و تقریباً رژیم انگلستان عوض شد همان دولت انگلیس امروز طرف ما است ما باید فشارها و تحمیلات سابق را از بین ببریم مخصوصاً در چنین موقعی که مثل دولت روسیه رقیب دولت انگلیس و همسایه ما است تا بحال دولتها تمام مباحثیکیری کرده و مبارز نبودند من ضمن پروندهها دیدم که نماینده دولت ایران گفته که ما با قرارداد ۱۹۳۳ مخالف نیستیم فقط يك كمكی بما بکنید در صورتی که این شرکت حق ما را گرفته و باید پس بدهد، هر روز دولتها لایحه‌ای آوردند و سرما را گرم کردند قانونی که در ۱۳۲۶ در مجلس گذشت درست است که روی قرارداد قوام السلطنه با سادچیکف بود و مجلس آنرا رد کرد در صورتیکه طرف ما روسیه‌ای بود که قدرتش از انگلستان بیشتر و همسایه ما با این وصف هیچ طوری نشد و من حالا بندج آنرا میخوانم که آقایان متوجه شوند: «مینوسد» و «واگذاری هر گونه امتیاز نفت بخارجها مطلقاً ممنوع است» و در قسمت «مینوسد»: «دولت مکلف است در کلیه مواردیکه حقوق ملت ایران مورد تضییع واقع شده است بخصوص نفت جنوب مذاکرات و اقدامات لازمه را بعمل آورده و مجلس را از نتیجه آن مطلع سازد» پس مجلس دستور صریح بدولت داده که حق ملت ایران را بگیرند ما اصلاً محتاج نیستیم وارد مواد این قرارداد بشویم بلکه باید اساس کار را حل کرد یا باید برویم روی قرارداد اولی که ۱۲ سال دیگر مدت آن تمام خواهد شد. دولت باید با ادله ^۳ کره و اجبار و عدم صلاحیت مخصوصاً بخود محاکم انگلستان شکایت نماید و ما اطمینان

داریم که آنها نخواهند گفت باطل نیست والا دادن مبلغ زیادتر یا کمتر در درما رادوا نخواهد کرد قضیه نفت جنوب مثل موربانه است که حیات اقتصادی ما را از بین خواهد برد.

آقای عامری اظهار نمودند: دوسه عقیده مختلف در اینجا اظهار شد که اگر بخواهیم بحث کنیم بجائی نخواهد رسید يك نظر الغاء قرارداد است، يك نظر دیگر اینست که قرارداد داری را قبول داریم و تاده سال دیگر هر طور بگویند قبول نمائیم. يك نظر دیگر هم اینست که آقای مکی فرمودند.

اول باید دید بدانیم که روی کدام يك از شقوق برویم تا نتیجه برسیم - دولت رفته مذاکراتی با شرکت نموده و در دوره قبل موادی تهیه و بمجلس آورده است این قرارداد را دو کمیسیون مجلس تصویب کرد و اگر با فشاری آقایان مخالفین نبود شاید دوره قبل تصویب شده بود حالا باید دید مأموریت این کمیسیون چیست آیا باید بگوئیم قرارداد منافع ما را تأمین میکند یا نمیکند یا آنکه میتوانیم وارد بحث دیگر شویم. دولت راهم زیاد نباید تعقیب کرد زیرا این وظیفه ما است که باید آنرا حل بکنیم و بالاخره من معتقدم که کمیسیون اول تعیین نماید که چه چیز را ما میتوانیم نظر بدیم بعد وارد اصل موضوع شویم.

آقای صالح توضیح دادند: قسمتی از بیانات آقایان امروز راجع باساس مطلب بود که بنظر بنده موقعش امروز نبود زیرا از آقای نخست وزیر خواهش کرده بودیم که بیابند نظر خودشان را بفرمایند و بعد ما خودمان وارد بحث شویم بهر حال آقای نخست وزیر هم بالاخره نظر صریح خودشان را فرمودند و بیاناتشان متضاد بود بنده تصدیق می‌کنم که رجال سیاسی گاهی میخواهند مطالب مهم را صریحاً اظهار ندارند ولی در این مورد ما انتظار داشتیم ایشان نظر خودشان را صریح بفرمایند از طرف دیگر

يك جا موافقت دارند با طرح این موضوع و میگویند وزیر دارائی سابق مأمور شده بود برود در لندن مذاکره بکنند پس معلوم میشود خودشان هم با این قرارداد موافق نیستند و این نظر ایشان مورد تقدیس است و از طرف دیگر فرمودند ما موافقت داریم با این لایحه بنا بر این بنده خواهش میکنم نظر خودشان را صریحاً در موضوع نفت بفرمایند و همچنین بفرمایند آقای دکتر نصر با شرکت نفت تماس گرفته یا خیر.

آقای نخست وزیر اظهار داشتند: مذاکرات آقایان يك قسمت مربوط ببنده نبود بلکه سؤالانی بود بنده در ارقام و اعداد اینکار نمیتوانم وارد شوم و دفاع کنم ولی سیاست کلی دولت را که وظیفه من بود بعرض رساندم. آقای جمال امامی سؤال فرمودند نظریه دولت چیست لازم است آقایان پس از بحث و مذاکره در کمیسیون بنده را احضار بفرمایند و حاضرم جواب لازم بدهم. آقای مکی راجع باستیفای حقوق فرمودند که منظور دولت اینست که پروژه جدیدی بدهد در صورتیکه من همچو چیزی نگفتم و خیال میکنم وظیفه کمیسیون هم نباشد. کمیسیون باید نسبت باین قرارداد الحاقی اظهار نظر نماید نه طرح جدید اینکه فرمودند دولت بدفع الوقت میگذرانند اینطور نیست و دولت از روزی که وارد کار شده یکدقیقه وقت خود را تلف نکرده و مشغول مذاکره بوده و گاهی که احساس میکنیم موضوعی بنتیجه نمیرسد منصرف شده ایم راجع بوضعیت پرونده و مخارج قبلی بر نامه که صحبت فرمودند آنچه بنده اطلاع دارم و میدانم بیش از مبلغ قبلی در اختیار ایشان نبوده و اینکه بطور خرج شده البته در جای دیگر توضیح خواهم داد. راجع بابطال قرار داد يك اظهاراتی راجع به آقای تقی زاده فرمودند تصدیق میفرمائید قبول کردن قلم یا نکردن آن تأثیری ندارد امروز در دنیا مدرک اینست که

امضاء میکنند، امروز قدرت زور و یا قانون است با کشور هائی که قانونی هستند میآیند آن امضاء را مدرک قرار میدهند ممکن است که بعضی از قرارداد ها هم مورد قبول ملت واقع نشده باشد ولی آنها برای امضاء اشخاص يك و لری قائل هستند پس ما امروز نمیتوانیم بگوئیم قراردادی که آنروز آقای تقی زاده امضاء کرده اند و قلم را قبول نکرده اند نخواسته است قبول بکنند و اگر نمیخواستند امضاء بکنند مجبور نبودند و استعفاء میدادند، جناب آقای دکتر فرمایشاتی که فرمودند راجع باطل بودن قرارداد ۱۹۳۳ بنده عرض کردم نه قانون زیاد میدانم و نه در اطرافش بحث میکنم، جناب آقای دکتر تحصیلات عمده در قسمت حقوق کرده اند و حق هم دارند در جزئیاتش وارد بشوند آن چیزیکه بنده میدانم و میتوانم بعرضتان برسانم اینست که این قرارداد ۳۳ را که دولت امضاء کرده دولت که لغو نمیکند مجلس باید لغو بکنند این را باید مجلس دوره ۱۵ همانوقت که این قانون را تصویب کرده لغو بکنند یا باید بگوئیم آن مجلس ۱۵ ضعیف بوده و با بگوئیم امضاء کرده اند و قلم طلائش را بر نداشته اند. حالاهم که مجلس ۱۶ است دولت نه حق تفسیر قانون دارد و نه میتواند لغو بکنند برای اینکه این کار از مختصات مجلس است پس این سؤال ببنده مربوط نیست و اما راجع باستیفای حقوق ما یک لحظه وقت تلف نکردیم و آنچه که بنظرمان رسیده عمل کرده ایم و آن چیزیکه تا آخرین دقیقه بنظرمان میرسد کار خواهیم کرد برای اینکه دلیل ندارد که يك کسی بر خلاف مصالح مملکتش قدمی بر دارد اگر ما يك منافع بیشتری بگیریم چه بهتر. راجع بتقسیم فرمودید بنظر بنده الآن تقسیم و تفکیک آن در دست ما نیست برای اینکه تا وقتی که این قانون را در مجلس لغو نکنند این بقوت خودش باقی است. در موضوع بیانات آقای حائری زاده چون شرح مبسوطی دادند راجع

بدارسی و غیره بنده حرفی ندارم بآن چیز بکه فرمودند و حتی معتقد هستم که گلشائیان هم نباید این حرف را گفته باشد و در خصوص بیانات آقای عامری که سه راه حل فرمودند و مربوط بشخص بنده نیست و عرضی نخواهم کرد.

آقای صالح هم سؤالی کردند و میخواهم عرض کنم که هر کاری انسان مطالعه نکند و بدون مطالعه وارد کار بشود بکروزی میفهمد که این کار ضررش بیش از نفعش بوده این بود که از روز اول که صحبت لغو فرمودید بنده عرض کردم خیر و باید درست بشود برای اینکه مابک قرارداد ۳۳ داریم که میفرمائید از روی اجبار بوده وقتی که این قرارداد الحاقی بگوئید لغو تازه بر میگردید سر قرارداد ۳۳ و عوض این ۶ شیلینگ باز دو مرتبه همان ۴ شیلینگ را میگیرید تا بنده نتوانم بک چیز بهتری را بگیرم بک چیزی که آن در دستم هست باید آن را بچسبم و تضییع آنرا نخواهم اگر دولت گفت که این لغو بشود باز دو مرتبه همان قرارداد ۳۳ میشود وقتی دولت باید این را لغو بکند که بک چیز بهتری دولت‌ها بگیرند و بگذارند سر جایش و بعد این را لغو بکنند بنابراین من این نظر را نداشتم و از اینجهه عرض کردم که من موافق هستم و تمام اعضاء کابینه هم بامن موافق هستند و از همه شان کاعذ و امضاء گرفته‌ام که مبادا اگر بک روزی آقایان اظهاری فرمودند بگویم آقا بفرمائید در خاتمه عریضم عرض میکنم که آقایان اعتماد داشته باشند که منظور نظر بنده نه اشغال مقام نخست وزیری و نه بقاء آن است بنده قسم میخورم که بودنم در این پست برای اینست که بتوانم به مملکت خدمت بکنم، اعتماد هم داشته باشید اگر امروز بنظر بد بمن نگاه بکنید بکروزی قضاوت خواهید کرد و علاقه ندارم که اینجا باشم و بک عمل بدی از من سر بزنند که بضرر مملکت باشد، اشخاص در مقامات مثل دیدگاههای مختلفی هستند که

در ارتفاعات مختلفی قرار گرفته‌اند بنده را متأسفانه یا خواسته‌اید و یا نخواستید در جایی قرارداد داده‌اید که تمام اطراف آن دیدگاه را میبینم و ناگزیرم که بک قدمی برخلاف مصالح مملکت بردارم. البته دنیا و سیاست نرمش میخواهد اگر نرم بودید از همه کس همه چیز میتوانید بگیرید اگر نرمی نداشتید از هیچکس نمیشود چیزی بگیرید البته میشود همه کار کرد در صورتیکه فکر قوه مقننه و قوه مجریه این باشد که باهم تشریک مساعی و همفکری نمایند. برای نفت عقیده‌ام این بوده که عرض کردم هیأتی را معرفی کردم و عقیده‌ام اینست که این هیأتی که معرفی کردیم نسبت به همان ماده الحاقیه صحبت بشود مطالبی که لازم است بعرض آقایان برسانند و در خاتمه بررسی بگویند که کدام ماده منافع ما را تأمین نکرده امروز بگویند بهتر است و وظیفه دولت روشن تر میگردد و آن چیزی که هست بیاورند بمجلس چه بنده باشم و چه نباشم بدولت میگوئید نسبت باین مواد و نکات برو و صحبت بکن و آنوقت دولت هم قوی تر است. اینها تمام وظائف عالقمندی به کشور و میهنم بوده که بعرض آقایان رسانده‌ام.

آقای وزیر دارائی اظهار داشتند: تعقیب سؤال آقای دکتر مصدق اولاً از ایشان استدعا میکنم که بنده را نفع پرست نفرمائید برای اینکه بنده در تمام عمرم یکشاهی نفع پرستی نکردم (آقای مکی گفتند این صحبت‌ها نباید اینجا بشود ایشان بطور عمومی صحبت کردند) در مسائلی که ببینده مربوط است و مسئولیت است فردی و دولتی در امور بکه راجع بخودم هست رأساً تصمیم میگیرم و اموری که راجع بمسئولیت مشترک است با جلب نظر دولت، این قاعده کلی است سؤالی که فرمودند که من راجع بقرارداد ۳۳ چه فکر میکنم و آن قرارداد ۳۳ باقیست یا نیست.

جناب آقای نخست وزیر بکمیسیدون گفتند و این فکر در هیئت دولت شده بود بنده نمیتوانستم عرایض خودم را بکنم برای اینکه جناب آقای نخست وزیر تشریف میآوردند اینجا و بنده از حدود وظایف خودم تخطی نکرده ام.

آقای نخست وزیر اظهار داشتند: چون آقایان استحضار دارند و اسباب خوشوقتی آقایان خواهد بود که امروز بعد از ظهر این قرارداد با شورویها امضاء میشود اینست که با اجازه آقایان بایستی بروم.

آقای رئیس اظهار داشتند: جناب آقای نخست وزیر همه اش افتادند روی جنبه لغو قرارداد بنده عرض کردم این لایحه ایکه آوردید بمجلس دولت را مکلف کرده که استیفای حق ملت ایران بکنند یکی از عرایضم این بود که عرض کردم دولت برای استیفای حقوق ایران چه در نظر گرفته اند این قرارداد را بدون اینکه حقوق ایران را در نظر بگیرند و بدون اظهار نظر آورده اند اینجا.

در این موقع جلسه یکساعت و نیم بعد از ظهر ختم و جلسه آتیه بروز دوشنبه پانزدهم آبانماه موکول گردید. رئیس کمیسیون مخصوص نفت - دکتر محمد مصدق

جلسه شانزدهم

شانزدهمین جلسه کمیسیون مخصوص نفت روز دو شنبه ۱۵ آبانماه ۱۳۲۹ یک ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای دکتر مصدق و باحضور آقای دکتر پیرنیا معاون وزارت دارائی، آقای فرمانفرمائیان رئیس اداره امتیازات و اکثریت آقایان بشرح زیر: آقایان: گنجی - ای - مکی - حائری زاده - جمال امامی - اللهیار صالح - دکتر علوی - دکتر هدایتی - سرتیب زاده - فقیه زاده - ناصر ذوالفقاری - پالیزی - بهبهانی - عامری تشکیل گردید.

آقای رئیس اعلام داشتند: صورت جلسه قبل قرائت میشود. صورت جلسه قبل قرائت و در ضمن **آقای جمال امامی** اظهار داشتند: چون در جلسه قبل مذاکرانی آقای نخست وزیر کرده اند اجازه بفرمائید صورت جلسه با حضور ایشان قرائت شود.

آقای رئیس اظهار داشتند: ممکن است بعداً خودشان بصورت مذاکرانشان مراجعه فرمایند و امروز هم ایشان تشریف نمیآورند بنا بر این مانعی نخواهد داشت که صورت جلسه خوانده بشود.

صورت جلسه قبل قرائت و تصویب گردید.

آقای مکی اظهار داشتند: اجازه میخواهم قبل از ورود بدستور حضور آقایان عرض کنم که یک نامه ای امروز از طرف ۴۸ نفر از کارمندان مسلول شرکت نفت برای بنده و آقای دکتر مصدق و سایر آقایان دیگر رسیده که اینها امضاء کرده اند اگر اجازه بفرمائید تا قرائت شود (آقای فقیهزاده گفتند بنده استدعا میکنم قرائت بشود چون برای ما نرسیده است).

در این موقع نامه مزبور را **آقای مکی** قرائت و اضافه کردند: نمیدانم دولت مسئولیت دارد یا نه و استدعا میکنم اگر خبری بجرائد داده میشود اینموضوع را هم ذکر بفرمایند که مردم بدانند عرض حال آنها مورد توجه کمیسیون و اقدام دولت قرار گرفته، دیگر اینکه آقای نخست وزیر در جلسه گذشته اظهار کردند مایک مذاکرانی باشرکت نفت کرده ایم که فعلا افشای آن مصلحت نیست بنده میخواستم این موضوع را در کمیسیون نفت مطرح کرده باشم که اگر کمیسیون مخصوص نفت صلاحیت نداشته باشد که بفهمد چه نوع مذاکرانی کرده اند پس کدام مرجع صلاحیتداری هست بنا بر این بنده خیال میکنم تنها مرجعی که صلاحیت داشته باشد که بفهمد

مذاکرات دولت با شرکت چیست همین کمیسیون مخصوص نفت است علیهذا با دولت میخواهد از وظیفه خودش شانه خالی کند و با کمیسیون را در پرده سیاست استتار نگاه بدارد بنده میخواستم خواهش بکنم که آقای نخست وزیر این موضوع را بفرمایند و حتی از قراریکه بنده شنیدم وزرای ایشانهم خبری ندارند که اینک طبق تقاضائی که آقای امامی کردند آقای وزیر دارائی گفتند من که اطلاعی ندارم و آقای نخست وزیر خودشان تشریف می آورند.

آقای فقیه زاده اظهار داشتند: این نامه ای که جناب آقای مکی قرائت کردند واقعاً حال مرا بهم زد بطوریکه نمیتوانم حرف بزنم میخواستم از مقام ریاست استدعا بکنم که بدولت یک تذکره شدیدی بدهند که ببیند این مسلولین بیچاره چه بروزشان آمده است آخر اینها هم بشر هستند و باید فکر عاجلی برای اینها بشود.

آقای صالح اظهار داشتند: بنده تذکر میدهم بجناب آقای رئیس محترم که آقای وزیر دارائی تشریف ندارند و ایشان در جلسات پیش تقاضا کردند که باید باشند و مذاکرات در حضورشان باشد بنا بر این اگر اجازه بفرمائید تلفن بشود که تشریف بیاورند دیگر اینکه بنده تأیید میکنم اظهار آقای مکی را راجع بانکه دولت حق ندارد مطالب محرمانه را حتی در کمیسیون های مخصوص مجلس نگاه دارد و این یک سنت تازه است که جناب آقای رزم آراء پیش گرفته اند یکی هم راجع بموضوع مسلولین که جناب آقای فقیه زاده تذکر دادند میخواهم این را باستحضارشان برسانم که مسلولین را از شرکت نفت برون میکنند و ما باید تقاضا بکنیم که وسایل معالجه آنها را شرکت فراهم بکند.

(در اینموقع آقای فروهر وزیر دارائی تشریف آوردند).

آقای وزیر دارائی درخصوص مسئله مسلولین بیان داشتند: این کاغذ هم به بنده رسیده و اطلاع دارم اشکال ما سر یک مسئله است در اینجا فقط بیمه کارگری مینویسد امراضی که ناشی از کار است شرکت بیمه تئوریش اینست که سل ناشی از کار نیست مگر در بعضی موارد معین موقعی که بنده در وزارت کار بودم با آنها تهمیل کردم که ناشی از کار ممکن است در بعضی موارد باشد مثل فرض بفرمائید کارمندان و کارگران سیلو بهر حال اختلاف در تفسیر قانون کار بود ولی در قانون جدید مینویسد امراضی که ناشی از کار هم نباشد و این شرحی که آنها نوشته اند دستور داده شد که رسیدگی بکنند (آقای فقیه زاده گفتند: بنده نسبت بقانون بیمه عرضی ندارم عرض میکنم گمیانی نفت را دولت مجبور بکند که آنها را بخواهاند و معالجه کنند) البته ما اقدام کرده ایم در وزارت دارائی سابقاً اینها را عذرشان را میخواستند و میرفتند حالا اقدام کردیم و یکسال آنها را میخواهاند اگر معالجه شدند که مجدداً بکار مشغول میشوند.

آقای رئیس اظهار داشتند: آیا مرخصخانه ای هست که اختصاص بمسلولین داشته باشد؟

آقای دکتر علوی اظهار داشتند: در محل مرخصخانه شاه آباد ساختمانی میکنند که یک ضلع آن قرار بود برای مسلولین اختصاص داده شود.

در اینموقع آقای وزیر دارائی با آقای فرمانفرمائیان متذکر شدند که اینموضوع را یادداشت نموده و اقدام نمایند.

آقای دکتر پیرنیا متذکر شدند: چون جناب آقای وزیر دارائی تشریف نداشتند و آقای مکی و آقای صالح یک صحبتی راجع بیانات جناب آقای نخست وزیر

فرمودند که جناب آقای نخست وزیر يك مذاكراتی فرمودند با نمایندگان شرکت نفت که نخواستند باطلاع کمیسیون برسانند و افشاء بکنند و اینطور استنباط فرمودند که اباة ایشان برای اینست که نخواستند کمیسیون وارد بشود در صورتی که اینطوری که من خاطر دارم ایشان فرمودند چون مذاکرات هنوز تمام نشده بنده مقید ندانستم که عرضی بکنم و نتیجه را برای خاتمه مذاکره عرض خواهم کرد.

آقای وزیر دارائی بیان داشتند: ب نتیجه نرسیده است دو قسم میشود تعبیر کرد یکی اینکه صحبتی شده باشد و تمام شده باشد و دیگر اینکه صحبت شده باشد و تا تمام مانده باشد منظور اینست که خود جناب آقای نخست وزیر با شرکت نفت مشغول مذاکره هستند و منظورشان این بود که بشود بيك نتیجه مثبتی برسند و بعد بگویند اینطور شده است.

آقای دکتر هدایتی متذکر شدند: راجع بکار مسلولین که قرار شد از طرف کمیسیون نفت يك شرحی بوزارت دارائی نوشته بشود بعقیده بنده ماصلاحیت نداریم که بعنوان رئیس کمیسیون و اعضاء کمیسیون این نامه نوشته بشود ولی ماهر کدام بعنوان يك نماینده مجلس میتوانیم بوزارت دارائی در اینخصوص شرحی بنویسیم.

آقای گنجه‌ای تذکر دادند: این تلگراف ها و نامه هائی که میآید اینجا البته باید مجلس بوزارتخانه های مربوطه اش ارجاع نماید.

آقای وزیر دارائی تذکر دادند: این نامه ده الان اینجا هست بوزارت دارائی هم رسیده و بنده هم دستور داده ام که اقدام بشود.

آقای دکتر هدایتی گفتند: قبل از حضر تعالی صحبت شد که از طرف کمیسیون بوزارت دارائی فرستاده بشود و بنده مخالفت کردم (آقای رئیس گفتند که ملا صحیح است) و دیگر اینکه آقای نخست وزیر چند مطلب فرمودند که قابل دقت بود یکی اینکه

فرمودند کمیسیون بکارش مشغول بشود و قضیه در مجلس مطرح بشود و از این کار دفاع میکنم از طرف دیگر فرمودند من دقیقه ای فوت وقت نکردم و مشغول مذاکره بودم برای استیفای حقوق ملت ایران و مخصوصاً تأیید فرمودند با کمپانی مشغول مذاکره هستم و چون ب نتیجه نرسیدم گفتن ندارد، اگر مشغول مذاکره هستند پس معلوم میشود که موافق قرار داد نیستند و ما مورد ندارد که اینجا بنشینیم حالا اگر صلاح بدانید نامه ای بجناب آقای نخست وزیر نوشته شود.

آقای پالیزی اظهار داشتند: بنده راجع بمراسله مسلولین تذکری داشتم مطابق قوانینی که ما داریم يك کمیسیون عرایض داریم که باین قبیل نامه ها رسیدگی میکند اگر اجازه بفرمائید این نامه بکمیسیون عرایض فرستاده بشود.

آقای رئیس موافقت نمودند که نامه بکمیسیون عرایض فرستاده شود.

در این موقع کمیسیون وارد دستور شد و ماده سه قرارداد الحاقی بشرح زیر قرائت گردید:

ماده ۳: الف - برای سال مسیحی که به ۳۱ دسامبر ۱۹۴۸ منتهی گردیده و از آن بیعد میزان حق الامتیاز سالیانه که بموجب جزء (۱ - الف) ماده ۱۰ قرارداد اصلی بدولت تعلق میگردد از چهار شیلینگ به شش شیلینگ برای هر تن نفتی که برای مصرف داخلی در ایران بفروش برسد و یا از ایران صادر شود ترقی داده خواهد شد.

آقای دکتر علوی اظهار داشتند: این ماده راجع بقیت طلاست و يك صحبت هائی در جلسه گذشته شد و آقای دکتر بیرنیا و آقای فرمانفرمایان وعده دادند که توضیحاتی بدهند و اینجان هم تقاضای صحبت کرده بودم چون جلسه تعطیل شد

صحبت خود را حالا تعقیب مینمایم. راجع بقیمت طلا در چند جلسه پیش يك توضیحات مفصلی آقای دکتر بیرنیا دادند و برای ما روشن شد ولی دوباره یکی از آقایان محترم صحبتی فرمودند که قیمت رسمی يك انس طلا ۲۴۸ شیلینگ و قیمت بازار آزاد ۳۵۰ شیلینگ است (آقای مکی گفتند: بنده گفتم و حالا هم توضیح میدهم) و حال آنکه بنظر بنده قیمت رسمی طلا در آمریکا ۳۵ دلار و در بازار آزاد ۳۸ دلار است و در انگلیس بازار سیاه وجود ندارد اینست که تقاضا میکنم آقایان يك توضیح بیشتری بدهند در موقع جنگ تفاوت بین نرخ رسمی و بازار سیاه البته خیلی بیش از این بود ولی در این سه ساله اخیر قیمت طلا تنزل فاحشی نموده و اکنون در هر انسی بیش از سه دلار تفاوت قیمت وجود ندارد.

آقای مکی در جواب اظهار داشتند بیانی را که آقای دکتر علوی فرمودند بین ۳۵ و ۳۸ دلار هست خیلی تعجب میکنم و چنین بیانی در صورت جلسات نیست و اگر هست بیاورید بنده گفتم قیمت يك انس طلا ۳۵۰ شیلینگ است در جلسه پیش هم گفتم و حالا هم میگویم و از جناب آقای معاون وزیر دارائی هم تصدیق گرفتم.

آقای دکتر علوی جواب دادند: جنابعالی نظر تان محترم است و بنده هم آزاد هستم که نظریاتم را عرض کنم اگر در موضوعی بمشکل برخوردیم باید توضیحات بخواهیم بنده اینطور استنباط کردم که قیمت رسمیش ۲۴۸ شیلینگ میباشد و این موضوع مربوط بماده مورد بحث ما است، چون بنده در سه چهار جلسه سابق عرض کردم که قیمت طلا با توافق سه چهار مؤسسه از قبیل بانک فدرال و بانک بین المللی که ایران در آن عضویت دارد و دولت افریقای جنوبی است که اینها با هم توافق میکنند و بنده فکر میکردم و هنوز هم فکر میکنم که در دوسه سال اخیر قیمت بازار سیاه طلا

خیلی پائین آمده و الساعه در امریکا قیمت رسمی يك انس طلا ۳۵ دلار و بازار آزاد ۳۸ دلار است تمنا میکنم بنده را روشن بفرمائید.

آقای مکی توضیح دادند: در جلسه اسبق مفصلاً بحث کردیم یکی از دعوی بزرگ دولت ایران همین طلا است این ۴ یا ۶ شیلینگ که صحبت میکنید آنها میگویند بطلا تضمین شده قیمت طلائی که بمحاسب میکنند مطابق نرخ بانک بین المللی است، بانک بین المللی و این سعود را مثال زدیم که عضو نیستند و آنها مجبور هستند که عین طلا را بگیرند و مثال هم زدیم که روی این اسکناس های یکصد ریالی يك پهلوی نوشته ولی اگر بخواهید آنرا بدهید بانک و يك پهلوی طلا بگیرد که نمیدهند و این قضیه هم که میگوئید در لندن خرید و فروش وجود ندارد اینست که یعنی اگر کسی خواست يك انگشتر طلا بخرد اصلاً وجود ندارد یا طلا وجود دارد و بازار سیاه وجود ندارد و باید برود و از بانک بخرد این يك سفسطه است اینها تضمین کردند که مطابق نرخ بانک بین المللی بپردازند و نرخ آن بما ۲۴۸ شیلینگ میدهند در صورتیکه در خود آمریکا ۳۵۰ شیلینگ است بنا بر این من تعجب میکنم که میگوئید فقط تنها سه دلار در آمریکا تفاوت دارد و اگر اینطور باشد تفاوتش خیلی نمیشود و بیاید بما عین طلا را بدهد این در حقیقت يك ثلث تفاوتش میشود.

آقای گنجه ای اظهار داشتند: در ضمن اینکه جواب خواهند فرمود این سؤال بنده را هم در نظر بگیرید که در این سنوات اخیر کمپانی از بابت بدهی هایش بما عین طلا داده یا نداده و عین طلا بحساب منظور شده یا خیر؟

آقای وزیر دارائی توضیح دادند: مکانیسم اینکار را باستحضار آقایان میرسانم مطابق ماده ۱۰ قرارداد ۳۳ بند الف جزء يك رومی مینویسد: حق الامتیاز سالیانه

که از اول ژانویه ۱۹۳۳ شروع میشود بمبلغ چهار شیلینگ برای هر تن نفتی که برای مصرف داخلی در ایران بفروش برسد و با از ایران صادر شود. بعد در جزء پنجم این قرارداد مینویسد: برای جلوگیری از امکان توجه ضرر بدولت در موقع ترقی و تنزل قیمت پول انگلیس طرفین بشرح ذیل توافق حاصل نمودند:

الف - هر گاه موقعی قیمت طلا در لندن از شش لیره استرلینگ در مقابل یک اونس تروی تجاوز نماید برای هر بنسی که علاوه بر شش لیره استرلینگ در مقابل یک اونس تروی در روز قیمت طلا ترقی نماید بر کلیه مبالغ لازم التادیه بدولت از طرف کمپانی بموجب این قرارداد (باستثنای مبالغی که بر حسب جزو های الف . ب و سه الف و ب) این ماده و جزو (۱ . الف از ماده ۲۳) باید بدولت برسد بمیزان یک هزار و چهارصد و چهل (۱۴۴۰) مبالغ مزبوره افزوده خواهد گردید.

میخواهم عرض کنم این قضیه روشن است حالا مورد اختلاف است کاری ندارم شرکت نفت بدولت ایران عین طلا نمیدهد البته بنده در مقام توضیح هشتم برای هر تن با آن شرایط ۴ شیلینگ میدهد این ۴ شیلینگ در آن موقع که میدادند هر اونس قیمتش ۶ لیره استرلینگ بوده گفته اند اگر قیمت لیره انگلیس پائین بیاید با این فورمولی که نوشته اند بر تعداد این لیره ها افزوده میشود در این قرار داد الحاقی نوشته اند که این چهار شیلینگی که در بند الف جزء ماده ۱۰ قرارداد اصلی نوشته شده به ۶ شیلینگ ترقی داده میشود و این را عطف بمسابق کردند و چون قرار داد در ۱۹۴۹ بسته اند گفته اند از امروز ندهید بیاید از اول سال ۱۹۴۸ حساب بکنید یعنی از اول سال ۱۹۴۸ شش شیلینگ میدهند چون تفاوتی حاصل میشود در بند (ب) آن تفاوت را نوشته است فرمایش آقای مکی اینست با توجه اینکه عرض کردم که

عین طلا نمیدهد ایشان میفرمایند شرکت یکی از این دو کار را بکنند یا نرخ عین طلا را بدهد و یا نرخ قیمت آزاد را حساب بکنند، شرکت نفت این را انکاء داده است بقرارداد اصلی آنجا میگوید هر گاه قیمت طلا در لندن الان ۲۴۸ شیلینگ است و نرخ رسمیش را هم که بانک بین المللی قبول کرده و خودتان هم عضو هستید ما عضو صندوق بین المللی هستیم و مطابق اطلاعی که بنده دارم حالا آقایان همکاران من بیشتر اطلاع دارند مطابق توضیحی که بنده دادند فقط این سعود است که پولش را بعین طلا میدهند حالا هم آقای فرمانفرمائیان توضیحات بیشتری میدهند آقایان گویند اخیراً دولت عراق بیکی از عا کم انگلستان شکایت کرده که من عین طلا میخواهم حالا آن محکمه معلوم نیست چطور رأی داده و با چطور رأی میدهد. راجع بحق - الامتیاز این سعود هم آقای فرمانفرمائیان توضیح بعرض میرسانند. قراردادهای دیگر بالاخص نفت بین النهرین آنها هم عیناً همین است.

آقای فرمانفرمائیان توضیح دادند: حق الامتیاز عربستان سعودی یک قلم ۴ شیلینگ طلا است و این را آمده اند در موقع جنک تبدیل کرده اند بدینار و با عین دلار باینصورت که گفته اند یک لیره طلا مساوی به ۱۲ دلار باشد و یک قرارداد خصوصی گذاشتند پس یک لیره طلا که مطابق پنجم تن نفت میشود این را گفتند یا ۱۲ دلار و با عین طلا را بگیرد چهار شیلینگ در تن میشود یک لیره طلا.

آقای دکتر پیرنیا متذکر شدند: نرخ ۳۵۰ شیلینگ باین ترتیب حساب شده و اختلافی بین نظر آقای دکتر علوی و آقای مکی نیست جریان اینست که اینجا نوشته شده قیمت طلا در لندن و قیمت رسمی طلا کمتر از بازار آزاد است آقای دکتر

علوی میفرماید این اختلافی که میفرمائید بین ۳۵ و ۳۸ دلار است و ایشان میفرمایند اختلاف بیش از این است و هر دو نظرشان یکی است پس اختلاف بر سر این نیست که دو بازار باشد، اختلاف تعبیر میکنید آن چیزیکه آقای دکتر علوی گفتند صحیح است در آمریکا همین ۳۵ و ۳۸ دلار است و آن چیزیکه آقای مکی می فرمایند عین حسابی است که آقای فرمانفرمائیان توضیح دادند.

آقای فرمانفرمائیان گفتند: توضیحات من تمام شد عرض کردم يك لیره طلا را مطابق کردند با ۱۲ دلار در صورتیکه شما بیائید حساب بکنید ۱۲ دلار مطابق میشود با يك لیره طلا پس چهار شیلینگ آن میشود دو دلار و چهل سنت و اگر بخواهید بلیره تبدیل بکنید در حدود ۱۷ شیلینگ میشود و اگر اینکه يك لیره را دوازده (۱۲) دلار حساب بکنید می بینید که يك انس طلا در بازار آزاد چه قیمت دارد. طبق این صورتهائی که ما داریم ۳۸ دلار در هر يك انس طلا است، نرخ بازار آزاد آمریکا در صورتی که ۳۸ دلار برایش حساب بکنیم در هر انس ۴ لیره است یعنی يك انس طلا مطابق با ۳۸ گرم و يك لیره طلا مطابق با ۷۵۰ گرم میشود پس بنا بر این اگر وزن طلای يك انس را تقسیم به ۷۵۰ گرم بکنید در حدود ۱۰ الی نه و نیم دلار میشود با این حساب قیمت يك لیره طلا در بازار آزاد فعلی آمریکا ۹۵ دلار بیشتر نیست و علت اینکه لیره طلا در بازار آزاد ۹۵ دلار شده و در قرارداد این سعود ۱۲ دلار بوده و این طلا تنزل پیدا کرده به ۹۵ دلار (آقای گنجهای سؤال کردند دلیل تنزل چه بوده؟) و دلیل تنزل آن استخراج زیاد طلا و فروش زیاد از طرف روسها است.

آقای وزیر دارائی اظهار داشتند: حالا موضوع اینکه در عربستان سعودی چه شده البته از نظر اطلاع خیلی خوب است و منم نمیدانم که دولت سعودی موظف

است و یا مختیر است که این را بگیرد. (آقای اللهی صالح تذکر دادند این را خوبست بدانیم) توضیحی که دادم عرض کردم این بند الف منظور اینست امر رز آقای دکتر هدایتی گفتند که ما میخواهیم عین طلا بدهند خواستم عرض کنم که از اول تا بحال شرکت نفت عین طلا نداده و با همان فورمول که عرض کردم حساب داده است این مبلغی هم که در این بند ج نوشته شده از نظر قراردادی است که بسته شده.

آقای دکتر هدایتی توضیح دادند: آن دفعه که بنده عرض کردم طلا نمیدهد مقصود این بوده که ما طلا میخواهیم با این توضیح آقای فرمانفرمائیان حتی امریکائیها در عربستان سعودی گفته اند حالا که طلا پائین آمده طلا میدهیم حالا انگلیسها هم طلا بدهند.

آقای صالح سؤال کردند از آقای وزیر دارائی: که با در نظر گرفتن غواید لیرهای تضمین شده بطلای ایران و تطبیق ارزش آن با ارزش طلا در بازار آزاد آیا صلاح ما است که عضویت بانك بین المللی باقی بمانیم یا خارج شویم؟

آقای وزیر دارائی جواب دادند: این موضوع را مطالعه و جلسه بعد توضیح میدهم.

آقای مکی اظهار داشتند: بنده میخواستم ذهن آقایان را روشن بکنم چون ما وقتی صحبتی از حق الامتیاز خودمان میکنیم چهار شیلینگ را به شش شیلینگ مقایسه میکنیم در مجلس هم من تذکر دادم در عربستان ۹۷۰۰۰۰۰۰ دلار را بعنوان سرقلی گرفتند و يك مقداری هم علاوه بر ۴ شیلینگ نفت استخراج شده میگیرند اینرا خواستم عرض کنم اگر ما مقایسه کنیم هم یک مقدار نفت میگیرند و هم سرقلی دیگر اینکه راجع بقیمت طلا است که فرمودید ۹۵ دلار آن تنزلی را که میگوئید

با حرف که نمیشود باید این را نشان بدهید و بعقیده بنده تا بک مأخذی نداشته باشد مانمیتوانیم قبول بکنیم و این سعود هم دارد طلایش را میگیرد و ما نباید گمراه شویم شما دارید مغلطه میکنید.

آقای وزیر دارائی توضیح دادند: مطابق این صورتی که پیش بنده است عربستان سعودی برای آن قسمت جاهائی که در حدود دهران واقع شده است و آن هم گویا دارند يك لوله بسیار عظیمی از آنجا میکشند که از اراضی عراق هم عبور میکند و به سیدون منتهی میشود ۱۵۰ هزار دلار پرداخت مقدماتی کرده و اسم شرکتش هم آرامکو است و مطابق این قراریکه دارند حق الامتياز فقط چهار شیلینگ طلا هر تن است و هیچ نفت خام از آن بابت داده نمیشود اخیراً علی الظاهر آمده اند در يك منطقه ای بنده نقشه اش را ندارم در يك محوطه ای که نزدیک است به کویت و عربستان سعودی يك امتیازاتی گرفته اند و فرمایشاتی که آقای مکی میفرمایند راجع باین قسمت است که مشترک است بین کویت و عربستان سعودی که در آنجا عملیات بهره برداری شده است و گویا در قسمت چهار، پنج هزار میل مربعی که شیخ نشین کویت را نشان میدهد موجودی نفت آنجا غوغا است و هر جائی که چاه میزنند نفت میآید بصورت اینکه آن قسمتهائی که در جنوب این ناحیه واقع شده اند اینجا هم همین خاصیت را دارد آمده اند و این قرارداد را بسته اند و تا بحال نفتی بیرون نیامده است.

در این موقع ماده چهار قسمت الف قرارداد الحاقی قرائت گردید.

آقای وزیر دارائی توضیح دادند: اینجا يك ماده ای دارد در قرارداد اصلی ماده دهم جزو سه قسمت الف مینویسد: از تفاضل بین مبالغ کل ذخائری (ژنرال رزرو)

که کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود در تاریخ انقضاء و یا ترك امتیاز موجود خواهد داشت و مبالغ ذخائری که کمپانی مذکور در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۲ موجود داشته است یعنی این پولهایی که باید بدهد علاوه بر این حق الامتياز این ۲۰ درصد را باید در مورد انقضاء و یا ترك امتیاز بدولت رد بکند در این قرارداد الحاقی این ماده خیلی مبهم نوشته شده است (آقای جمال امامی گفتند روشن تر از اینهم نمیشد) در هر حال گفته اند که بجای اینکه در آخر آن امتیاز بدهند و یا هر موقعی که دلشان بخواهد توزیع بکنند آمده اند گفته اند ما این مبالغ را میدانیم و با يك فورمول مخصوصی گفته اند مالیات بر درآمد انگلستان در آن حساب نمیکنیم و برای روشن شدنش هم يك تابلویی گذاشته اند که در اینجا چاپ شده در اینجا حساب شده که ۲۰ درصدش چقدر میشود و زیاد شده بدلیل اینکه اصولاً ذخائر را مسبق هستند که مالیات میگیرند یعنی بعد از اینکه مالیات را پرداختند و جوهر را بذخیره میبرند پس آن ۲۰ درصدی که حساب شده پس از وضع مالیات بوده است.

آقای جمال امامی اظهار کردند: گمان میکنم اشتباه فرمودید. اینطوریکه بنده استنباط میکنم وقتی ما صحبت مالیات دولت انگلیس را کردیم شرکت گفت ما که نمیتوانیم مالیات دولتمان را ندهیم گفتیم تقصیر ما چیست که از ۲۰ درصد امتیاز ما شما میدهید بدولت انگلستان و آنها هم گفتند شما حق دارید و ما سهم شما را از ذخائر هر سال میپردازیم برای جبران آن ۲۰ درصد مالیات نه از ذخیره حق الامتياز يك مبلغی باین مناسبت حساب میکنیم و میکشیم روی آن ذخائر که در سال دو میلیون و نیم میشود آقایان و بنده هم اینطور فهمیدیم.

آقای وزیر دارائی متذکر شدند: که ذخایر حق الامتياز که بما میدهند

مالیات نمیگیرند ما که حق امتیازمان همان ۴ شیلینگ هر تن است که حالا گفته اند ۶ شیلینگ (آقای جمال امامی گفتند حق سهم ۲۰ درصد را عرض کردم) اینجا میگوید مبلغی معادل ۲۰ درصد از رقمی را بدولت خواهد پرداخت که از افزایش مبلغ مزبور به حساب ذخیره عمومی (طبق حسابهای منتشره دوره مالی مربوطه) متناسب موجود بین ۲۰ شیلینگ و فاضل بیست شیلینگ و نرخ استاندارد مالیات بر درآمد انگلستان در تاریخ مربوطه حاصل میگردد، چون ذخیره در دو موقع میدهند آنها آمده اند گفتند با وجودیکه از ذخیره عمومی و یا موقعی که امتیاز تمام میشود و یا موقعیکه ما دلمان میخواهد برای اینکه منافعی بدولت ایران برسد.

آقای مکی گفتند: بنده میخواستم يك سوالی از آقای دکتر پیرنیا بکنم بطور کلی با این بیانی که آقای وزیر دارائی فرمودند دیگر هیچگونه مسائلی از ذخائر نمیگیرند؟ چون میگیرند در جلسه قبل صحبت شد که یکمقداری نفت و بنزین متفقین در ایران مصرف کردند و میگویند دولت بدولت مالیات نمیدهد پس چرا اینجا از دولت ایران مالیات میگیرند بنابر این ایشموردی که معین کرده اند میخواهند کلاه سر ملت ایران بگذارند.

آقای وزیر دارائی توضیح دادند: مطابق قانون مالیات نفت و بنزین که داریم میثوبند (توزیع کننده موظف است که این مالیات های معین را روی هر لیتر بنزین یا نفت بکشد و وجوه آنرا وصول بکند) در طول جنگ این نفت و بنزین که فروختند بهمان قیمت حقیقیش فروختند و مالیات ما را اضافه نکردند و ندانند البته این مربوط بموضوع نیست و بحث جداگانه دارد الان هم بین وزارت مالیه و شرکت همین موضوع مابه الاختلاف است نه وزارت دارائی از حق خودش صرف نظر کرده است و نه

شرکت تسلیم شده است این مطلب را برای رفع سوء تفاهم عرض کردم (آقای جمال امامی گفتند: ما میگوئیم مالیات بدولت انگلیس نمیرد ازیم) اشکال در اینجا پیدا شده که این ۲۰ درصد در آن قرار داد ۳۳ میگوید ۲۰ درصد از مبلغی که بعنوان سهم منافع توزیع میشود شرکت میگوید من آن (Dividende) دیویداندی که توزیع میکنم پس از وضع مالیات دولت انگلستان است حالا اینجا آمده راجع بآن ذخائر خواسته يك جبرانی قائل بشود.

آقای دکتر پیرنیا بطور مثال توضیح دادند: فرض بفرمائید چهل میلیون لیره در آمد یکسال شرکت نفت است از این مبلغ فرض بفرمائید ۲۰ میلیون لیره مالیات میدهند بدولت انگلیس و ۲۰ میلیون دیگر میماند این ۲۰ میلیون را فرض بفرمائید ۵ میلیون لیره اش بگذارند بذخیره و بقیه را توزیع بکنند و ما از این ۵ میلیون سابقاً سهم ۲۰ درصد بودیم که در آخر امتیاز باید بپردازند حالا این ۲۰ درصد ۵ میلیون لیره که يك میلیون لیره میشود فوری میپردازند.

دوم اینکه فرض بفرمائید نرخ استاندارد مالیات انگلیس اینست که از هر ۲۰ شیلینگ که يك لیره است ۱۲ شیلینگ مالیات بگیرد تفاوت ۲۰ شیلینگ و ۱۲ شیلینگ میشود ۸ شیلینگ آنوقت ۲۰ شیلینگ که به ۸ شیلینگ تقسیم میشود که تقریباً ۲٫۵ میلیون میشود این يك میلیون لیره را بجای آن دو میلیون لیره میدهند و در حقیقت خواسته است يك مبلغی بیشتر بدهد. (آقای ذوالفقاری سؤال کردند: این مبلغ جبران میکند؟) خیر این ۲۰ درصدش چهار میلیون لیره میشود و آنها دو میلیون و نیم داده اند و تا حدودی جبران میکنند.

آقای وزیر دارائی متذکر شدند: که این درصدها حتی مثل آن ۴ شیلینگ که تضمین شده بطلا نیست برای استحضار آقایان عرض میکنم اگر احیاناً تصویب شده بود آن ۵ میلیون لیره مطابق این حساب ۶۰ درصد که تضمین شده بود بلافاصله قیمت بالا میرفت و بحسابهای موجودی ما در لندن رفته بود ما از قرار هر لیره ای ۴ دلار حساب میکردیم ولی آن اگر بر فرض تصویب بشود این ۵ میلیون لیره در هر لیره ۲۰ دلار ضرر میکنیم.

آقای امامی تذکر دادند: این تنزل لیره را در این قرارداد الحاقی قبول کرده اند بنده خیال میکنم که آقای دکتر پیرنیا اینجا حساب کردند که ۲۰ درصد منافع ما چهار میلیون لیره میشود (آقای دکتر پیرنیا جواب دادند: خیر عرض کردم بیست درصد دو میلیون لیره میشود حالا بعنوان مثال فرض بفرمائید که اینها از این ۲۰ میلیون لیره ای که باقی مانده ۵ میلیون اگر بذخیره عمومی برده باشند ۲۰ درصدش یک میلیون میشود) اینها را فهمیدم شما فرمودید سهم ما چهار میلیون میشود و این برای جبران است (آقای دکتر پیرنیا گفتند: ما ادعای ۴ میلیون لیره داریم آنها یک میلیون لیره در مقابل این ادعا میدهند) این در مقابل ادعای مالیاتی ما میدهند این یک میلیون ونیم را بعنوان جبران مالیات بدولت ایران میدهند.

در این موقع قسمت (ب) از ماده چهار قرارداد الحاقی قرائت گردید و **آقای وزیر دارائی** توضیح دادند: اینجا تضمین را یک حداقل معین کرده که اگر فرضاً یک تفاوتی پیدا بشود و سهم دولت ایران به چهار میلیون بالغ نشود حد اقل همان چهار میلیون را بدهند.

آقای حائری زاده اظهار داشتند: این عرض را که میکنم مربوط بکل حسابها بمان میشود که اینجا اگر مصلحت باشد از عین نفت ماحقمان را بگیریم و این بازبهای لیره و دلار و کافند که باعث درد سر است اینها از بین برود کما اینکه بین مذاکرات کمپانی وساعد این صحبت شده است و خود کمپانی برای رفع این اختلافات حاضر بوده که نفت بدهد بما (آقای جمال امامی گفتند: نفت خام؟) ما در اساس کمپانی شرکت داشته باشیم و هیچ مانعی ندارد که ما نفت قبول بکنیم و در بازارهای دنیا با همان کشتی هائی که نفت میرد ببرد و ما خودمان با آن مالک بایک صدی بیست هر چه نفت خام میگیریم حساب باز کنیم خود کمپانی هم حرفی نداشته ولی مشاورین جناب گلشائیان مصلحت ندانسته اند در صورتیکه من گمان میکنم مسلم بنبف دولت ایران است و اگر ما آنرا پایه مذاکره و عمل قرار دادیم آنوقت این حد اقلی که اینجا پیش بینی شده که چند میلیون لیره آنهم باید یک مأخذی برایش قائل شد این عرض من بود راجع به حق الامتیاز و یکی هم راجع به بخش مصرف داخلی بود که کمپانی حرفی نداشته است که توزیع آنرا بخود ما واگذار بکنند و دولت تنبلی کرده و نخواست است تجار را وارد اینکار بکنند و واگذار کرده بکمپانی و رشته حیات ما بدست آن داده است این در موضوع را خواستم اگر صحبت میشود مورد توجه واقع گردد من حساب پول ولیره را نمیکشم مزار این کمپانی بیش از نفع آن است.

آقای پالیزی اظهار داشتند: مطابق توضیحاتی که جناب آقای حائری زاده دادند خواستم بدانم دولت ایران در کشتی ها شرکت دارد یا خیر؟
آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند: راجع بیانی که آقای حائری زاده فرمودند راجع به نفت خام وقتی صلاح بود که خود کمپانی تعهد بکنند که به قیمت های

بین المللی بخرد آنها حاضر بودند که هیچ تعهدی نسبت بخریدش نداشته باشند سایر دول هم که نفت میگیرند با همین تعهد است این اساس اختلاف است راجع به سؤال آقای پالیزی اگر منظورشان سهم در دارائی باشد در امتیاز نامه نوشته ما در دارائی ایران سهم هستیم ولی منظور ایشان شاید روی آن ۲۰ درصد سهام است البته این ۲۰ درصدی که می گیریم مربوط است بکلیه عملیات دستگاه شرکت .

آقای وزیر دارائی اظهار داشتند : ماده ۲۰ امتیاز نامه صریح است میشود : در موقع ختم امتیاز خواه این ختم بواسطه انقضای عادی مدت و یا بهر نحو دیگری پیش آمد کرده باشد تمام دارائی کمپانی در ایران بطور سالم و قابل استفاده بدون هیچ مخارج و قیدی متعلق بدولت ایران میگردد. بنابراین اینموضوع روشن است .

آقای فقیه زاده اظهار داشتند : بنده در چند جلسه قبل عرابضی کردم که در صورت مجلس قید است راجع بموضوع حیاتی مملکت یعنی کمپانی نفت را در دست خودشان گرفته اند دکابن نانوائی و حمامها دستشان است و هر دقیقه ای که بخواهند میتوانند جلو کازوئیل را بگیرند و یک بلوائی در مملکت ایجاد بکنند چون آن موقع جناب آقای وزیر دارائی تشریف نداشتند خواستم استدعا بکنم در مذاکراتی که با آنها میشود حتماً این مذاکرات را بکنند و فروش آن را بایران بدهند .

آقای وزیر دارائی تذکر دادند : این محتاج بقرارداد خاصی نیست و بایستی یک مسئله را در نظر گرفت مطابق آماری که در دست است تقریباً سالی ۸۵۰ هزار تن در ایران مصرف میشود صد هزار تن از طریق کرمانشاه و دویست هزار تن هم از کشتی بینادر جنوب و ۵۵۰ هزار تن هم از آبادان می آورند این را خودشان توزیع

میکنند و خیال نمیکنم اشکال داشته باشد ، امروز تمام زندگی ما بروی نفت میچرخد باید موقمی باشد که واقعاً دستگاههای توزیع خود ما صد درصد این تقسیمات لازمه را انجام بدهد و باید یک تشکیلات خاصی داشته باشد .
اما اینکه فرمودید اگر بخواهند یک روزی بفرستند من خیلی صریح میگویم شاید اصلاً نخواهند از چاه استخراج بکنند باز همین معایب پیش میآید .

آقای حائری زاده جواب دادند : اینکه آقای دکتر بیرنیا فرمودند حاضر نشد بانقدی معامله کنند کمپانی نفت ما را با اشخاص دیگری معامله میکرد نظر من اینست کمپانی با هر مملکتی که معامله میکند ماسهم خودمان را از همان مملکت بگیریم نه از کمپانی و بهتر است ماسهم خود را نفت قرار دهیم نه نقد فقط اشکال در بحریه انگلیس است که باید در آن قسمت هم فکری بشود و بالاخره اینکاری که گلشائیان کرده بضر ملت است و بنبفع شرکت .

آقای مکی توضیح دادند : عین گزارشی که نزد بنده است برای آقایان میخوانم که چگونه مواد نفتی در ایران توزیع شده است در سال ۱۳۲۸ از خرداد ۲۸ تا خرداد ۲۹ بنزین دویست و سی و هشت میلیون لیتر ، نفت یک بلیون و یک میلیون و دویست و سی و هشت هزار لیتر ، بنابراین مبلغی که در دوازده ماه عاید شرکت شده جمعاً سیصد و شصت و چهار میلیون و هفتصد و چهار هزار ریال بوده است . شرکت کار دیگری هم کرده برای هر لیتر بنزین و نفت که وزن مخصوص آن متفاوت است هر لیتر یک ریال و ۲۵ دینار خرج پخش حساب نموده است در صورتیکه در اهواز و با نقاط دیگر نزدیک به آبادان همین مبلغ را برای پخش بحساب آورده اند از آقایان سؤال میکنم آیا باور کنند

است برای هر ۷۰۰ گرم بکریال و ۲۵ دینار خرج پخش تعلق گیرد؟ پس باید برای پخش نفت دولت ترتیبی بدهد که بضرر ما نباشد.

آقای جمال امامی اظهار نمودند: موضوع پخش نفت در ایران با ترتیب فعلی عواقب وخیمی دارد انشاءالله سوم شهریور ۲۰ دیگر نخواهد آمد من در آن موقع رئیس باربری بودم و یک کمیسیونی برای امور اقتصادی تشکیل گردید که اداره باربری وعده ای از رجال در آن شرکت داشتند مافقط یک هفته نفت در تهران داشتیم و آذوقه هم نبود فقط ۷۴ تن غله در سیلو موجود بود برای اینکه در مصرف بنزین صرفه جوئی شود حتی شاه فقید دستور داد چند دستگاه اتومبیلهای دربار را بخوابانند ما با آقای فاتح نوشتیم که بنزین نداریم و آذوقه هم نیست از طرف دیگر بابشکاههای حمل و نقل مذاکره کردیم و کامیونتهائی در اختیار دولت گذاشتیم ولی متأسفانه بنزین نرسید و از ۷۰۰ کامیونی که جمع کرده بودیم فقط ۱۷۰ کامیون توانستند حرکت کنند اما اینکه آقای حائری زاده فرمودند توزیع نفت اهمیتش بیش از استخراج است صحیح است اما تهیه کردن بازار مشکل است زیرا بدبختانه توزیع نفت دردنیادست انگلیس و آمریکا است اگر ما بتوانیم کمپانی رافانک کنیم که قراردادی ببندد و سهم ما را از نفت خام تأمین نماید وبعد از فروش قیمت آنرا بما بدهند خیلی بهتر است ما که خودمان نمیتوانیم نفت را ببریم در بلژیک و فرانسه بفروشیم.

در این موقع آقای رئیس کمیسیون اظهار نمودند: چون وقت گذشته جلسه ختم میشود و آقای وزیر دارائی هم اظهار میکنند روز چهارشنبه کمیسیون دارند و هم باید بمجلس سنا حاضر بشوند و در اینصورت اجازه فرمائید یا کمیسیون تشکیل نشود و با ظهر اجازه بنده را هم بفرمائید.

جلسه یکساعت بعد از ظهر ختم گردید و جلسه آینده بروز چهارشنبه هفدهم آبان ماه دو ساعت قبل از ظهر موکول گردید.

رئیس کمیسیون مخصوص نفت - دکتر محمد مصدق

جلسه هفدهم

هفدهمین جلسه کمیسیون مخصوص نفت یکساعت ونیم قبل از ظهر روز چهارشنبه هفدهم آبان ماه ۲۹ بریاست آقای دکتر مصدق و با حضور آقای فروهر وزیر دارائی، آقای دکتر بیرنیا معاون وزارت دارائی، آقای فرمانفرمائیان رئیس اداره امتیازات و اکثریت آقایان اعضاء بشرح زیر: آقایان کنبه‌ای - حسین مکی - دکتر علوی - ناصر ذوالفقاری - سرتیپ زاده - فقیه زاده - اللهیار صالح - جمال امامی - جواد عامری - حائری زاده - پالیزی تشکیل گردید.

آقای رئیس اعلام داشتند: صورت جلسه قبل قرائت میشود.

صورت جلسه قبل قرائت و پس از تذکرات اصلاحی آقای وزیر دارائی و آقای

فرمانفرمائیان بتصویب رسید.

آقای امامی خطاب با آقای وزیر دارائی اظهار داشتند: یک موضوع خیلی مهمی است و این را استدعا میکنم با آقایان که تشریف بردید حل بکنید و در جلسه آینده جواب بدهید در روزنامه باختر امروز دیشب من دیدم یک گزارشی از کمپانی داده بود که اتفاقاً من آنرا خواندم نوشته بود عواید دولت ایران طبق لایحه الحاقی در سال ۱۹۵۰ از ۲۹ میلیون تن صادراتش ۲۱ میلیون لیره خواهد بود. این را خواهش میکنم آقای فرمانفرمائیان یادداشت فرمایند و حال آنکه طبق این لایحه الحاقی آنها روی اشل بوبیل برای ما ۱۳ شیلینگ و نیم قبل از تمزّل لیره تأمین کرده اند در یک

تن که با تنزل لیره که بعداً قبول کرده اند معادل ۲۰ شیلینگ میشود اگر ۲۹ میلیون تن صادراتی داشته باشیم اقلأ باید ۲۹ میلیون لیره عواید ایران بشود خواستیم بدانیم این تفاوت ۸ میلیون لیره از کجا است .

آقای وزیر دارائی اظهار داشتند: اینموضوع را بنده دیشب در باختر دیدم ولی بحسابهای درست وارد نشدم در باختر نوشته بود که شرکت نفت بوزارت دارائی صورت میدهد اصلاً وزارت دارائی احتیاج بصورت شرکت ندارد برای اینکه مطابق فورمولهایی که موجود داریم يك نرخهایی هست که اعمال میشود در این ارقام سال ۱۹۵۰ هم که هنوز تمام نشده است و الان ماه نوامبر است و نمیدانم چقدر استخراج خواهد شد . (آقای مکی گفتند تا ۳۱ میلیون تن پیش بینی میکنند) راجع بسؤالی که آقای صالح فرمودند با اینکه در جلسه گذشته آخر وقت بود بلافاصله بوزارتخانه که رفتم دستور دادم که سرویسهای اداری جوابشان را تهیه و برای بنده بفرستند نمیدانم امروز صبح فرستاده اند یا نه چون مجالی نشد که بنامها رسیدگی کنم و در هر حال خواستم عرض کنم که اقدام شده . قسمت دوم راجع بکاغذ مسلولین بود که گذشته از اینکه رسماً و کتباً هم اقدام خواهد شد بنده دیروز بلافاصله شفاهاً از شرکت نفت سؤال کردم و اینطور جواب دادند که ما در این قسمت سوء نیت نداریم بدلیل اینکه اولأ يك بنائی در آسایشگاه شاه آباد ساخته ایم که در حدود يك میلیون تومان خرجش میشود و این را با آسایشگاه یعنی دولت ایران اهداء میکنیم برای مسلولین و قریباً هم تمام خواهد شد البته بنده نرفتم ام ببینم و راجع بآن عده ای که کاغذ را امضاء کرده بودند این کاغذ بآنها هم رسیده بود گفتند اینها ۱۶ نفرشان در این یکی دو سال اخیر از شرکت خارج شدند و ۳۴ نفرشان نمیدانیم کی هستند و

این ۱۶ نفری هم که میدانستند چه اشخاصی هستند گفتند با آبدان تلگرافی دستور دادیم که وضع آنها را مطالعه و کمک بکنند حالا جواب کتبی را بعد باستحضار کمیسیون میرسانم .

آقای جمال امامی تذکر دادند: بنده يك سؤال دیگری در جلسات گذشته از آقای دکتر پیرنیا کرده بودم که جواب نداده اند .

آقای فقیه زاده اظهار داشتند: بنده از جناب آقای فروهر وزیر دارائی متشکرم که بمحض اینکه اینجا مذاکره در اطراف مسلولین شد تشریف بردند و اقدام کردند ولی میخواستم استدعا کنم که باین حرف کمیانی گوش ندهند معلوم نیست این مریضخانه چه وقت تمام بشود با این منافی که شرکت دارد بکجا برمیخورد الان این مسلولین را بیاورند در مریضخانه و مخارجشان را بدهند .

آقای وزیر دارائی متذکر شدند: غالب برای کارهای خودمان هم اتفاق میافتد که حتی در این آسایشگاه جا نداریم .

آقای فقیه زاده در خاتمه بیانشان گفتند: استدعایم این بود که تا کید بفرمائید این بنا را زودتر تمام بفرمایند .

آقای گنجه ای یادآور شدند: که ساختمان آن آسایشگاه تنها منظور تأمین نخواهد شد مخارج نگهداری مسلول زیاد است چون مسلول باید حداکثر تغذیه را داشته باشد اگر بخرج خودشان باشد خیلی خوب است .

آقای وزیر دارائی تذکر دادند: از نظر مسؤلیت مشترک بنده اقدام خواهم کرد ولی از نظر اداری کار راجع بکارگران باوزارت کار است .

آقای امامی متذکر شدند: در چند جلسه پیش بنده يك تذکری دادم خدمت آقای دکتر پیرنیا که ایشان هم استقبال فرمودند راجع به یکی از موضوعات بفرنج ما با شرکت نفت، قضیه این شرکت بحریه انگلیس است و تا امروز از مقدار آن و مبلغی که دولت انگلیس می بردازد جبر نداریم و در خارج اطلاعات ناقصی داریم که معلوم نیست صحیح است یا نه میگویند بحریه انگلیس عوض سه لیره يك لیره و نیم می بردازد بنده يك طریقی پیشنهاد کردم امروز دنیا رو بجلو است و ما هم اگر اطلاع نداریم باید کسب بکنیم باید بدانید که فروش نفت انگلیس و ایران در سایر ممالک در حدود سالی چه مقدار است اگر این را بدست بیاورید و مجموع آن را حساب بکنید مابه التفاوت آنها آن چیزی است که بحریه انگلیس میدهد. آقای دکتر پیرنیا هم فرمودند که میروم تحقیق میکنم و این حساب را پیدا میکنم میخواستم ببینم راجع باین عمل مقدماتش را فراهم فرموده اند یا خیر چون این حساب برای ما خیلی مهم است.

آقای دکتر پیرنیا جواب دادند: بنده همان روز رفته و یکی از مهندسین اداره امتیازات را مأمور کردم که مطالعه بکنند يك محاسبه ای آقای مهندس حسینی کردند که روی بالارفتن و پائین آمدن مصرف نفت بود و با در نظر گرفتن آن محاسبه مشغول مذاکره و مطالعه هستیم.

آقای مکی گفتند: در سال ۱۹۴۱ که مدیترانه بواسطه عبور تحت البحرهای آلمان تقریباً تحت اشغال بود مقدار استخراج نفت جنوب ایران کسر بود و روی حسابی که متخصصین، آقای مهندس حسینی و سایرین کرده بودند صدی بیست ایران بمراتب بیشتر از سالهای دیگر بود پس بنابراین روی تفاوت تن آژ که با سالهای قبل داشته میآیند حساب میکنند و روی آن حساب تفاوت تقریبی را بدست میآورند.

آقای جمال امامی گفتند: این دلیلش فشار شاه فقید بود و من عقیده ام اینست که شاه فقید روی این موضوع رفت باینها فشار آورد که باید يك حداقلی بما بدهید چهار میلیون لیره از اینها خواست و آنها هم گرفتار جنگ بودند مجبور شدند بدهند.

آقای دکتر پیرنیا گفتند: حالا ما گزارش دقیقی تهیه میکنیم و از لحاظ کار وزارت دارائی هم خیلی لازم است این حسابی که آقای مهندس حسینی کرده يك حساب دقیق و فنی است و اگر يك موقعی خارج باشد بنده مفصل توضیح میدهم و در این مطالعه ای که میکنیم مطالعات ایشان هم در نظر گرفته میشود.

در این موقع کمیسیون وارد دستور گردید و ماده ۵ قرارداد الحاقی قسمت الف قرائت گردید.

آقای جمال امامی اظهار داشتند: بنده همیشه عقیده ام این بوده که اشکال ما با شرکت اینست که دولتهای ما رفته اند روی نظر حساب و شیفر و با نظریات فنی با آنها وارد مذاکره میشوند در صورتی که ما هیچوقت حریف آنها نیستیم که آنها را متقاعد بکنیم و تازه حریفشان هم باشیم آنها يك شیفرهایی میگذارند جلو ما که سر در نمیآوریم و این را نباید باشیفر حل بکنیم که امروز وضع مملکت ما طور است که اگر خدای نخواسته در مخاطره بیفتد شما حاضر هستید که صدها میلیون لیره خرج بکنید بنده در مجلس هم گفتم باید گفت ما را بجائی نکشانید که بگوئیم خدا با غرقت کن ما هم رو بش اگر ایندفعه برویم معلوم نیست که شما نجات پیدا بکنید، این بغضی که شرکت نفت بر علیه خودش و دولت ایجاد کرده و ادار میکند که بگورزی بگوئیم شرکت نباشد ما هم نباشیم این خطر برای مملکت است ما باید بگوئیم که بیا بما کمک بکن،

دولتهای ما از این نظر باید وارد مذاکره بشوند شما وزیر هستید باینها خالی بکنید که مملکت ما امروز باینجا کشیده که اگر شما نیائید برای ما يك حقى که قابل قبول باشد تعیین بکنید این مخاطرات ایجاد میشود و بفرض هم کمیسیون آمد قبول کردولى این منظور ما را تأمین نمیکند و بایستی دولت روى این اساس وارد بحث بشود.

آقای رئیس اظهار داشتند: اینکار این دولتها نیست جنابعالی يك چیزی میخواهید که از عهده شان ساخته نیست دولت بجای اینکه خودش برود با کمپانی مذاکره بکند میآید میگوید من با قرارداد الحاقى موافقم برای اینکه یکمده از وکلارا در محظور بگذارد بنده در مجلس سؤال کردم این دولت باید در این باب مذاکره بکند اگر دو نفر، سه نفر در این هیئت دولت حساس و وطن پرست باشند اظهار عقیده میکنند شما دیدید که آقای نخست وزیر آمد و گفت که از وزراء نوشته گرفته ام از دولتی که يك نفر درس نباشد که از منافع ایران دفاع بکنند توقعى نباید داشته باشیم.

آقای سرتیپ زاده خطاب با آقای جمال امامی گفتند: شما که خودتان آن موقع در دولت بودید چرا این عمل را نکردید؟

آقای امامی جواب دادند: بنده که مأمور مذاکره نبودم و مسئولیتی نداشتم وقتی آوردند در هیئت دولت من امضاء نکردم.

آقای فقیه زاده بیان داشتند: فرمایشاتی که جناب آقای دکتر مصدق فرمودند در جلسه ای که آقای نخست وزیر حضور داشتند من کسالت داشتم خواستم عرض کنم که در هیئت دولت اشخاص وطن پرستی هم هستند اگر آقای نخست وزیر يك بیانی کردند برای اینست که آقایان راه مذاکره برای آنها باز کنند والا منظورشان

این بوده که بگویند این قرارداد صد درصد درست است و نمیخواهند که مملکت را تسلیم بکنند.

آقای حائری زاده اظهار داشتند: من کراراً این موضوع را گفته ام رُل میانجیگری همه میخواهند بازی بکنند کی طرف دعوا هست معلوم نیست رئیس دولت میگوید ما باید يك طوری بکنیم که قطع رابطه نشود دولت را من عقیده داشتم که رابطه را قطع نکنند یعنی باید مجلس قطعنامه صادر بکند که عملیات ۱۹۳۳ کان لم یکن است و دولت برود مذاکره بکند و اگر رُل میانجیگری بازی بکنند باین روز سیاه میاقتیم.

آقای وزیر دارائی بیان داشتند: راجع به بیانات جناب آقای امامی تذکرات لازم بدولت داده میشود و همکاریات بنده کوچکترین تردیدی خصوصاً بنده در وطن پرستی شان ندارم.

راجع بفرمایش آقای حائری زاده نظر دولت این بود که لغو و فسخ يك قراردادی از طرف دولت نمیتواند بشود برای اینکه این طبق قانونی از طرف مجلس گذشته و دولت تابع قوانین مصوبه است میفرمائید مجلس قطعنامه صادر بکند و دولت را مکلف بمذاکره بکند البته هر وقت مجلسین قوانینی تصویب فرمودند و بهر دولتی از دولتها ابلاغ کردند البته واجب و مطاع است.

آقای عامری متذکر شدند: رویه مان این بود که وقتی مواد خوانده میشود آقای دکتر پیرنیا توضیح بدهند.

آقای دکتر پیرنیا نسبت بماده ۵ الف اینطور توضیح دادند: که ۱۴ میلیون در ترازنامه... (آقای مکی گفتند خواهش میکنم اتخاذ سند از ترازنامه نفرمائید)

اینجا نوشته شده آن چیزی که نسبت بمبلغ ۱۴ میلیون لیره استرلینگ که در ترازنامه کمپانی نفت انگلیس و ایران بتاريخ ۳۱ دسامبر ۱۹۴۷ بعنوان تشکیل « ذخیره عمومی » کمپانی مزبور منظور شده است کمپانی در ظرف سی روز از تاریخ اجرائی این قرارداد مبلغ پنج میلیون و نود هزار و نهصد و نه لیره استرلینگ بدولت خواهد پرداخت . این ۲۰ درصدش معین شد و دومیلیون و هشتصد هزار لیره گردید بعد اینرا با همان فورمولی که عرض کردم (آقای گنجه‌ای سؤال کردند مبنای آن فورمول درست پیدا نشد ؟) فلسفه اش اینست که راجع بآن ادعائی که ما نسبت به ۲۰ درصد کل مالیات انگلیس داریم از این راه يك جبرانی شده و نرخ استاندارد مالیات دولت انگلستان خودشان گرفته اند ۹ شیلینگ یعنی در حقیقت دومیلیون و هشتصد هزار لیره از بابت ۱۴ میلیون داده اند و دومیلیون و دو صد هزار لیره هم در مقابل دعای که ما نسبت بمالیاتها داشتیم داده اند و این دومیلیون و هشتصد هزار لیره حقیقی است که از ذخیره داشتیم .

آقای مکی گفتند : بنده خواستم خاطر آقای دکتر پیرنیا را متوجه کرده باشم باین موضوع توضیحی که خود شرکت در بیان ۴۷ داده که حساب سود و زیان قسمتی از شرکت‌های تابعه را طبق اجازه‌ای که از وزارت تجارت انگلستان دریافت کرده ایم نمیتوانیم برای صاحبان سهام منتشر بکنیم بنا بر این خواهش میکنم بیان شرکت را برای ما مأخذ قرار ندهید .

آقای وزیر دارائی توضیح دادند : کسی نخواستہ بیان شرکت را مأخذ قرار بدهد در این جزء الف ماده ۵ اشاره بترازنامه میکنند میگوید در ترازنامه ۱۴

میلیون منظور است (آقای مکی گفتند این ترازنامه را بنده قبول ندارم) چون به ترازنامه اشاره میکنند آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند که حساب این ۵ میلیون لیره چه چیز است کسی نگفته ترازنامه غلط یا صحیح است .

آقای دکتر پیرنیا تذکر دادند : نسبت بآن ۳۷ شرکت هم ما اعتراض کردیم . در این موقع جزء ب از ماده ۵ قرارداد الحاقی قرائت گردید .

آقای وزیر دارائی اظهار داشتند : بنده عرض کردم آن قسمتهائی که تضمین شده بطلا است فقط حق الامتیاز آن را مطابق قرارداد ۱۹۳۳ تضمین بطلا نکرده اند در قرارداد ۱۹۳۳ پرداختهای بیست درصد یا بعنوان رزرو یا بویوداندی منافع تضمین بطلا نبوده است .

آقای مکی گفتند : اینجا یک قدری مبهم بوده است و بنفع شرکت شش میخه اش کرده اند .

آقای وزیر دارائی اظهار داشتند : اگر اجازه بفرمائید چون يك کمیسیون دارم و قبلا هم بعرضتان رسانده بودم و موافقت فرمودید مرخص میشوم .

در این موقع ساعت ۱۲ ظهر جلسه ختم و جلسه آتیہ بروز شنبه ۲۰ آبان ماه ۲۹ دوساعت قبل از ظهر موکول گردید .

رئیس کمیسیون مخصوص نفت - دکتر محمد مصدق

جلسه هیجدهم

هیجدهمین جلسه کمیسیون مخصوص نفت روز شنبه بیستم آبان ماه ۲۹ یکساعت ونیم قبل از ظهر بریاست آقای دکتر مصدق و با حضور آقای فروهر وزیر دارائی ، آقای دکتر پیرنیا معاون وزارت دارائی ، آقای فرمانفرمایان رئیس اداره امتیازات

و اکثریت آقایان اعضاء بشرح زیر :

آقایان : گنجهای - بهبهانی - مکی - دکتر علوی - ناصر ذوالفقاری - سرتیپ زاده -
اللهیار صالح - جمال امامی - جواد عامری - حائری زاده - پالیزی - دکتر کاسمی
تشکیل گردید .

آقای رئیس اظهار داشتند : صورت جلسه قبل قرائت میشود .

صورت جلسه قبل قرائت و چون اعتراضی نسبت بآن نبود تصویب گردید .

آقای امامی تذکر دادند : سؤالی بنده کرده بودم که از طرف دولت قرار بود
تحقیق بفرمایند و جواب بدهند .

آقای وزیرداری بیان داشتند : راجع بسؤال آقای امامی جوابی از طرف
اداره امتیازات تهیه شده که من هنوز مجال مطالعه آنرا نکرده ام .

آقای امامی اظهار کردند : بنده نفهمیدم مطالعه و یا عدم مطالعه آن چه
تأثیری دارد .

آقای وزیرداری جواب دادند : ممکن است بنده با جوابی که اداره امتیازات
تهیه کرده موافق نباشم و بایستی شخصاً مطالعه دقیق بکنم .

آقای امامی سؤال خود را تکرار و گفتند : من سؤال کردم که آیا شرکت
نفت اینطور گفته که از ۲۹ میلیون تن صادرات ۲۱ میلیون لیره سهم دولت میشود
یا نه و سند اینست که اداره امتیازات میدهد این را میخواستم بدانم .

آقای گنجهای اظهار داشتند : این اشکالی ندارد اجازه بفرمائید این نامه اداره
امتیازات را بخوانند ممکن است موضوع در این نامه حل شده باشد .

آقای وزیرداری اظهار داشتند : روز چهارشنبه ظهر جنابعالی فرمودید
بنده هم دستور دادم و این نامه را تهیه کرده اند که هنوز مجال برای مطالعه دقیق آن
بدست نیامده اگر میفرمائید بنده نامه را خصوصی خدمتتان تقدیم میکنم .

در این موقع کمیسیون وارد دستور شد و ماده ۶ قرارداد الحاقی قرائت گردید .

آقای وزیرداری توضیح دادند : این ماده کاملاً روشن است و این ۴ شیلینگ
تبدیل به شش شیلینگ شده و مربوط است بجزء الف ماده ۱۰ قرارداد اصلی .

ماده ۷ قرارداد الحاقی قرائت گردید .

آقای وزیرداری تذکر دادند : این ماده راجع بآن مبالغی است که در
ماده ۱۱ قرارداد اصلی ذکر شده و در این لایحه باینصورت درآمده است .

آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند : این موضوع روشن است در ماده ماقبل نوشته
شده بود که نسبت بتفاضل مقدار صادرات فروش شش میلیون تن سابقاً ۶ پنس میدادند
حالا سه پنس اضافه شده که با صرف طلایش ۶ پنس میشود و بعنوان مالیات اضافه
شده و اگر بخواهید از لحاظ ریالی حساب بکنید لیره را ده تومان اگر حساب کنید
یک شیلینگ میشود ۵ زبال برای اینکه یک لیره ۲۰ شیلینگ است و ۶ پنس میشود
۲ر۵ ریال .

آقای دکتر کاسمی سؤال کردند : چرا از تاریخ اجرای قرارداد نوشته
شده است ؟

آقای دکتر پیرنیا جواب دادند : چون تاریخ اجراء غیر از تاریخ تصویب است
تاریخ اجراء موقعی است که دستور اجرائش میدهند و آن موقعی است که از مجلس
بگذرد و توشیح هم بشود .

آقای صالح سؤال کردند: آن برداختی که میشود چه موقع چک آنرا میکشند؟

آقای دکتر پیرنیا جواب دادند: باید اول تصویب بشود و بنحست وزیر برای اجراء ارجاع شود.

ماده ۸ قرارداد الحاقی قسمتهای الف و ب قرائت گردید.

آقای دکتر پیرنیا اظهار داشتند: راجع باین ماده بنده در جلسات قبل در دو جلسه توضیحات مفصلی عرض کردم راجع بماده ۱۹ امتیاز و اختلافاتی که بود آنجا نوشته اند ده درصد بمردم تخفیف میدهند و ۲۵ درصد قرار شد و راجع بقیمتهای خلیج مکزیک و رومانی صحبت شد و قرار شد قراردادی بگذرانند که اگر توافق نکنند بحکمیت رجوع بشود و توافق شد که نسبت بقیمتهای ۱۹۴۸ پنجاه درصد تخفیف داده بشود قیمتتهای خلیج مکزیک را در هر سال با تخفیف ۲۵ درصد با نرخ رسمی حساب میکنند هر کدام کمتر بود آنرا حساب میکنند یعنی نرخ سال ۱۹۴۸ با تخفیف پنجاه درصد این مبنا است و نرخ خلیج مکزیک در هر سال با تخفیف ۲۵ درصد متغیر است این ترتیبی است که داده شده.

آقای دکتر علوی گفتند: چرا خلیج مکزیک؟ و آقای امامی جواب دادند آنجا ارز آنتر از جاهای دیگر است.

آقای صالح سؤال کردند: اینجا که نوشته شده است از تاریخ اول ژوئن ۱۹۴۹ این کار را خواهند کرد؟ آیا کرده اند یا نه؟

آقای دکتر پیرنیا جواب دادند: خیر برای اینکه ما هنوز راجع بقیمتهای نفتی هیچ توافقی با شرکت نداریم اگر این قرارداد بتصویب برسد بعداً معلوم خواهد شد.

آقای وزیر دارائی توضیح دادند: از سال ۱۳۲۵ مرسوم این بوده است که هر سال يك تصویبنامه هائی صادر و ابلاغ میشود روی مأخذ خلیج های مکزیک و خلیج رومانی که اصلاً در دست نبوده و از سال ۲۵ تا امروز هیچ نوع توافقی بین دولت و شرکت نشده است، شرکت نفت هم مبالغ گزافی خودش را طلبکار میدانند و وزارت دارائی هنوز موافقت نکرده و تا زمانی که من هستم موافقت نخواهم کرد پس از اینقرار اینکه نوشته شده از ژوئن ۴۹ چون هنوز هیچ نوع توافقی با شرکت نشده و اگر احياناً این لایحه تصویب بشود آنوقت مأخذ عمل واقع خواهد شد. و در آنتی پراتنز عرض میکنم بنده راجع بقیر و مازوت تحقیق کردم متأسفانه باید عرض کنم که قسمت اعظم قیمت این مواد نفتی را کرایه میگیرند بالاخص راه آهن و اگر واحداً ۹۰ بگیریم ۶۰ الی ۷۰ آن صرف کرایه میشود و فکر کردیم که کرایه حمل آنرا ارزان بکنیم دیدیم راه آهن خواهد خوابید.

ماده ۹ قرائت گردید و

آقای مسکی گفتند: معنایش اینست که هیچگونه ادعائی و حقی ملت ایران

ندارد.

ماده ۱۰ قرائت و چون احتیاجی بتوضیح نبود ماده ۱۱ قرائت گردید و

آقای دکتر کاسمی گفتند: این کلمه تصویب مجلس که در آخر ماده ۱۱ نوشته

شده باید مجلسین نوشته بشود.

آقای رئیس اظهار داشتند: قرائت این قرارداد الحاقی تمام شد جناب آقای

وزیر دارائی هم توضیحات خودشان را دادند حالا اگر باز برای نمایندگان يك ابهامی

باشد که محتاج بتوضیح باشد سؤال بفرمایند ما دیگر بایشان کاری نداریم باید بین

خودمان مشورت بکنیم و هر طور که صلاح مملکت است نظر بدهیم.

آقای وزیر دارائی اظهار داشتند: حالا که قرائت این لایحه تمام شده بنده پیشنهاد میکنم چون محتمل است که شاید جناب آقای نخست وزیر یا خودشان بخواهند توضیحات بیشتری بدهند و یا بخواهند که بنده را مأمور بکنند که توضیحات بیشتری از طرف دولت بدهم اینست که میخواهم استدعا بکنم اجازه بفرمایند قبل از اینکه کمیسیون وارد يك مشورتی بشود اجازه بفرمایند تا روز دوشنبه جواب قطعی این موضوع را عرض کنم.

آقای بهبهانی اظهار داشتند: که مقصود اینست که کار کمیسیون تمام شده و رأی مانده است.

آقای وزیر دارائی تذکر دادند: بنده باید بدولت گزارش بدهم که قرائت لایحه تمام شده و توضیحات هم داده شده کمیسیون هم میخواهد وارد شور و مباحثه برای رأی بشود اگر جناب آقای نخست وزیر نظری دارند یا خودشان میفرمایند یا بنده را مأمور میکنند و این فرصت برای دادن گزارش است.

آقای جمال امامی اظهار داشتند: که ما قضا را داخل هم میکنیم و نمیتوانیم سر در بیاوریم اصلاً آقای وزیر دارائی در این کمیسیون چرا حضور یافتند من تا کنون نفهمیدم ایشان بعنوان وزیر کابینه آمده بودند اینجا نه برای ادای توضیحات آقای دکتر پیرنیا توضیحات داده بودند و ما دیگر احتیاج بتوضیحات نداشتیم، ایشان برای دفاع از لایحه تشریف آورده اند اینجا و قرار بود که مواد را بخوانیم و اگر آقایان ایراداتی داشتند بگویند و دولت دفاعش را بکند و ماهنوز بان مرحله نرسیدیم حالا که آمده اند دفاع بکنند باید دفاع بکنند از این گذشته بنده در جلسات پیش

عرض کردم ما اینجا تنها تکلیفمان این نیست که ببینیم فلان ماده تأمین منافع ما را میکند یا نه؟ ما يك کمیسیون پارلمانفر هستیم قبل از این باید موضوع سیاسی را در نظر بگیریم، دولت باید بیاید در اینجا گرفتارهای سیاسی خود را بگوید و اوضاع مملکت را منطبق با اوضاع بین المللی بکند و بگوید درست است که منافع ما را تأمین نمیکند ولی اوضاع دنیا و گرفتارهای سیاسی اینطور ایجاب میکند که این کار را بکنیم و این امر تا کنون نشده است اگر خیال میفرمائید که احتیاجی باینکار نیست و دولت هم احتیاجی باین عمل ندارد آنوقت آمدن آقای وزیر دارائی دیگر لزومی نداشته است، ایشان باید دفاع بفرمایند مثلاً من ایراد دارم و میگویم بفرض ماده اول را حذف بکنید و ایشان باید دفاع بکنند که این را حذف بکنید دچار فلان محذور سیاسی میشویم.

آقای وزیر دارائی بیان داشتند: تصور میکنم متن بیان آقای امامی و بنده هیچگونه اختلافی باهم نداشته باشد بنده که عرض نکردم که دولت نمیخواهد دفاع بکند و حرفی نزد عرض کردم این موضوع يك جنبه سیاسی دارد و این جنبه سیاسی و طریق دفاع چطور باید بشود این را بنده باید تابع دولت باشم (آقای جمال امامی گفتند بنده خیال میکردم این موضوع در هیأت دولت تا بحال صحبت شده (و از اینجهت بود که عرض کردم نتیجه این کمیسیون را به هیأت دولت گزارش میدهم تصمیماتی که گرفته میشود یا خود ایشان تشریف میآورند و یا بنده مأموریت میدهند و یا مثلاً میگویند اصلاً کاری نداریم و بگذارید کمیسیون کار خودش را بکنند و بنا بر این نظر جنابعالی را تأیید میکنم و از لحاظ مسؤلیت مشترك بنده بایستی گزارش آنرا به هیأت دولت بدهم.

آقای مکی اظهار داشتند: بنده میخواستم توضیحی عرض کنم تا کنون دوسه مرتبه اینموضوع مطرح شده که باید از لحاظ سیاسی روی این لایحه مطالعه کرد بنده خیال میکنم که موقعیت امروز دنیا با موقعیت سال ۱۹۳۳ خیلی اختلاف زیاد پیدا کرده آنروز خاطر همه آقایان هست که وقتی میخواستند قرارداد ۱۹۳۳ را بملت ایران تحمیل کنند کشتی معروف نلسون مجهز به توپ های ۱۵ اینچی آمد بخلیج فارس و دولت ایران را تهدید کرد یعنی تنها يك امپراطوری انگلستان بود و سایر کشورهای جهان هنوز وزنه ای در اروپای باختری پیدا نکرده بود و ایران هم با کشور انگلستان ناگزیر بود از لحاظ اینکه در دنیا موازنه برقرار نبود اجباراً موافقت بکند ولی امروز از لحاظ سیاسی وضعیت ملل مختلف در دنیا تا يك حدودی روشن شده گر آنهایی که دعوی دفاع از ملل ضعیف را دارند فقط برای حفظ استقلال این ممالک آماده شده اند قطعاً اگر ما يك حرف داشته باشیم ملل دیگر از ما حمایت میکنند ما عضو سازمان ملل متفق هستیم الان يك موقعیت سیاسی عجیبی ایران دارد و ما میتوانیم موازنه يك صلح عمومی بوده و حفظ صلح را بعهده بگیریم و حق خودمان را حفظ بکنیم و با این وضعیت اگر يك رجال خدمتگذاری داشته باشیم میتوانند حد اعلاى کمک را برای ملت ستمدیده ایران بگیرند.

خوشبختانه باید عرض کنم آقای نخست وزیر هم در مذاکراتی که اینجا کردند از اعضای کمیسیون نفت تلویحاً تقدیر کردند که این مخالفت با لایحه بنفع دولت ایران است و همچنین در مصاحبه ای که با مخبر خارجی کرده بودند دولت در حقیقت دفاع محکمی نکرده بود گفته بود این لایحه ایست و نگفته بود که من با باتمام قوا سعی میکنم و میکوشم که بتصویب برسد و بعد از آن آقای وزیر دارائی هم

که روز اول با آنهمه حرارت اینجا تشریف آوردند دیگر دفاع محکمی از این لایحه نکردند و با آنهمه حرارت بنده خیال میکردم الان این لایحه از مجلس میگذرد ولی خوشبختانه آقای نخست وزیر يك صحبت هائی کردند که از حرارت ایشان کاسته شد. وظیفه ما يك چیز دیگری است بنده این عرایض را ناگزیر هشتم بعرض آقایان برسانم که ما هیچیک از این جهات را نباید مراعات کنیم بلکه باید مصلحت و منافع ملت ایران را در نظر بگیریم و فکر این نباشیم که دوره دیگر وکیل بشویم و خدا میداند اگر در این کمیسیون اقتضا بکند بنده از وکالت مجلس صرفنظر میکنم و هستند اشخاصی در همین کمیسیون که همین کار را خواهند کرد و ما یکدسته هستیم که تصمیم خودمان را گرفته ایم که یا باید منافع ایران در نظر گرفته شود و یا در این مجلس نماییم. ما نمیتوانیم کاری بکنیم که بقیمت آبرو و حیثیتمان تمام بشود. خوشبختانه در مجلس و در خود این کمیسیون من مبینم که روی این موضوع حساب اقلیت و اکثریت نیست ولی خدای نخواستہ اگر یکروزى خواستند تفرقه بیندازند این اقلیتی را که شما ملاحظه میفرمائید بنده قول شرف میدهم که وکالت مجلس را قبول نخواهند کرد؛ الان اگر ما پافشاری بکنیم بیکدمه تراخی ها و بدبختیهای ایران میتوانیم کمکی بکنیم.

ما يك ممر عایدی داریم و آنهم نفت است اگر توانستیم حق ایران را بگیریم میتوانیم از این راه بدردهای خودمان برسیم. خواستم بجناب آقای امامی که در کمال حسن نیت يك مطالبی فرمودند عرض بکنم که وضع ما الان خیلی خوبست و بسته به همت و قدرت و فداکاری خودمان است که هر چقدر بیشتر باشد بیشتر میتوانیم استفاده بکنیم.

آقای صالح بیان داشتند: اظهار بنده راجع بفرمایش جناب آقای فروهر
دائر بلزوم آمدن جناب آقای نخست وزیر و بالزوم اطلاع به ایشان بود (آقای وزیر
دارائی اظهار کردند بنده اینطور نگفتم) بنده شخصاً با این فرمایش جناب آقای
وزیر موافق نیستم برای اینکه ایشان دائماً با آقای نخست وزیر در تماس هستند و
این يك موضوع مهمی است که نمیشود فرس فرس کرد که آقای نخست وزیر بعد کافی
در این موضوع علاقه ندارند، جناب آقای نخست وزیر هر دقیقه و هر روز منتظر
هستند که این کمیسیون تکلیفش معلوم بشود اگر چنانچه میخواستند که قبل از
شور ایشان راهم بخواهیم همانروز میگفتند که قبل از اینکه رأی بدهید بمن بگوئید
بیایم پس بنابراین ممکن است این فرمایش جناب آقای وزیر محل سیاست دفع الوقت
بشود و مثل این چندماه که مشاهده کردیم دولت بخواهد وقت را بگذراند این نظر
بنده است ولی اگر اکثریت تصویب بکنند بنده عرضی ندارم. عرض دیگرم
اشاره است نسبت بفرمایش جناب آقای امامی که در خصوص سیاست بین المللی
و نظر دولت بیاناتی فرمودند بنده یقین دارم و اکثریت آقایان اعضاء این کمیسیون
بقدر کافی از وضع بین المللی امروز اطلاع دارند بخصوص شخص جناب آقای امامی
و تیمسار رزم آراء نخواهد توانست چیز زیادی باطلاعات ما اضافه بکند برای اینکه
اوضاع دنیای امروز با این انتشارات رادیو و مجلات و تبلیغات علنی است و چیزی نیست
که مکتوم باشد و اگر مطلبی مکتوم هم باشد تصور نمیکنم برای ایشان مکشوف
باشد زیرا دولت ایران را زیاد داخل بمسائل مهم نمیکنند. بنا بر این اگر آقایان
موافقت میفرمایند با توضیحات جناب آقای وزیر دارائی ما قناعت کنیم و برویم روی
مشاوره و اگر موافقت با آمدن ایشان دارند برای روز دوشنبه تشریف بیاورند واستدعا

میکنم بسایر آقایان هم که عضو این کمیسیون هستند و حالا تشریف ندارند برای
اینکه مجال مشورت با آنها داده بشود يك تذکری کتباً باشفاها داده بشود که در جلسه
آینده در این موضوع رأی گرفته خواهد شد.

آقای وزیر دارائی در جواب بیانات آقای مکی اظهار داشتند: بنده نه آنوقت
تحت تأثیر حرفی بودم و نه آنروز حرارتی بخرج دادم و اصولاً بنده در کارهای اداری
معتقد به (اکسهوزل) نیستم و اما راجع بفرمایشات جناب آقای صالح بنده تعجب
میکنم از شخص ایشان که اینطور میفرمایند برای اینکه خودشان در دولتها بوده اند
بنده ایمان قاطع دارم که مسائل خیلی کوچک هم بوده که تادریست دولت مذاکره
نمیشده اظهار عقیده نمیکردند من عرض کردم بدولت گزارش میدهم، دفع الوقت
هم نخواستم بکنم، در صورت مجلسی که در هیأت دولت امضاء شده گفته شده است که
نمایندگی این هیأت در کمیسیون عبارت از وزیر و دو نفر از آقایان دکتر پرنیا و
فرمانفرمایان خواهد بود و آقای نخست وزیر ممکن است احیاناً لازم بدانند که
بیابند اینجا برای اینکه ایشان گفتند هر وقت صحبت تمام شد بنده نظرم را باستحضار
آقایان میرسانم، بنده با ایشان همیشه تماس دارم و پیشنهاد هم نکردم که کمیسیون
بگوید آقای نخست وزیر بیابند گفتم خودم گزارش کمیسیون را عرض میکنم و
ممکن است تشریف بیاورند و روی این نظر بود که عرض کردم پس نه دفع الوقت بوده
و نه تحت تأثیر حرفی واقع شدم آن فرمایشی هم که فرمودند آقایان اعضاء تشریف
بیاورند مربوط بنده نیست.

آقای صالح گفتند: خدمت آقای رئیس عرض کردم.

آقای رئیس اظهار داشتند: چون نظر کمیسیون بر این شد که هر يك از

اعضاء اگر سؤالی دارند از دولت بکنند اینست که از جناب آقای وزیر دارائی سؤال میکنم: قانون مهرماه ۱۳۲۶ دولت را مکلف کرده است که استیفای حقوق ملت ایران را بکند و چون دولت لایحه الحاقی را تأیید میکند اینست که سؤال میکنم برای ۳۲ سال تمدید مدت که کلیه تأسیسات شرکت و تمام محصول نفتی متعلق بایران است و بطوریکه در جلسه علنی مجلس شورای ملی بعرض رسانیده ام لاقول در هر سال یکصد میلیون لیره حق مسلم ملت ایران بواسطه تمدید مدت از بین خواهد رفت، دولت برای استیفای حقوق ملت ایران چه تصمیمی اتخاذ کرده است و چنانچه لایحه الحاقی تصویب شود این ضرر از چه طریق جبران میشود، آیا غیر از الغای قرارداد که نظر مجلس ۱۵ این بوده است راه دیگری هست؟

آقای وزیر دارائی اظهار داشتند: پس فردا جواب عرض میکنم.

آقای جمال امامی اظهار داشتند: اینجا سوء تفاهمی بین ما نبود و آقایان هم تصدیق نمیتوانند نکنند که اصولاً کار پارلمان سیاسی است یک اجتماع فنی که نیست کمیسیونهایش هم جنبه سیاسیش بر سایر جنبه ها میچربد، ما هم یک کمیسیون پارلمانتر هستیم و نقطه های قضیه سیاسی را باید در نظر بگیریم آقای مکی عقیده اش اینست که اوضاع دنیا امروز بیشتر بنفع ما است، ممکن است عقیده من هم باشد یا نباشد، دولت هم باید نظریه اش را بدهد و وارد آن مرحله بشویم ببینیم اوضاع و احوال مناسب است یا نیست. این قضیه را خیلی سهل نگیرید در اینجا این موضوع مورد بحث ما نبوده است که آیا در ۳۲ بیشتر موقعیت بنفع ما بوده است یا امروز، ما تقاضا کردیم دولت نظریه اش را بدهد اما اینکه جناب آقای صالح فرمودند اصولاً ما

تصمیمان را گرفته ایم روز اول هم گرفته بودیم ولی کمیسیون من و شما نیستیم دولت از روزی که آمد و دفاع لایحه را بعهده گرفت وضعیت کمیسیون بالا جبار عوض شد و کمیسیون مجاب شد باینکه دولت بیاید دفاع بکند و چرخهای دولت بگردش بیفتند بلکه یک نکاتی باشد که کمیسیون بتواند چه از لحاظ سیاسی و چه اقتصادی حل قضیه را در نظر بگیرد. اگر برای من اطمینان حاصل بشود که پیش آمدهای سیاسی برای ما خواهد بود که استقلال مملکت را تهدید بکند اصلاً من این لایحه را میبوسم و میگذارم کنار و میگویم هیچ چیز بما ندهید ولی تا برای من اطمینان حاصل نشده دفاع خواهم کرد اما اگر بدانم امروز روس وانگلیس با هم میسازند برای قضیه نفت بنده این لایحه را کان لم یکن میدانم، ما باید بگذاریم دولت حرفش را بزند و استدلالمان را در مقابلش بکنیم بعد پرود صحبت بکند و ببینیم که انگلیسها تا کجا حاضر هستند با ما بیایند و او لرا این را میسنجیم که آیا بودن آنها بچه نسبت لازم است و این چند میلیون لیره را هم با آن مقایسه میکنیم اگر دیدیم ارزشش این نیست میگوئیم عجلتاً سرش را بهم بیاورید و درستش بکنید، تکلیف ما اینست آمدن نخست وزیر هم لازم است ولی چیزی که من استنباط کردم اینست که تا کنون دولت خودش هم وارد نیست (آقای وزیر دارائی گفتند: بچه دلیل) بدلیل اینکه دولت نکته این را که شما میگوئید غلط است زیرا تمام عواید نفت از ۲۵ میلیون تن است، دفاع اینست که باید بگوید این شیفری که آقای دکتر مصدق میفرمایند صد میلیون است نیست باین نظر بق باید با آقای دکتر در مقابل استدلال بکنند که این اینطور هست اگر فرضاً من بگویم فلان ماده غلط است شما باید بگوئید این ماده روی این جهات تنظیم شده است و دولت باید دفاع بکند.

آقای حائری زاده اظهار داشتند: در ضمن فرمایشات جناب آقای امامی بك جمله ای بود که بگوش من خیلی سنگین آمد و آن این بود که اگر چنانچه ما بینیم استقلال مملکت در خطر شد، من میگویم تا آخرین قطره خونس ملت ایران بایستد و مقاومت کند انگلستان انگلستانی نیست که امروز بتواند تمدنی بکند انگلستان دارد صنایع خودش را ملی میکند این چه فرمایشی هست که میفرمائید؟

آقای مکی توضیح دادند: اینجا در بیان جناب آقای دکتر مصدق خیال میکنم سوء تعبیر سوء تفسیر شده باشد، جناب آقای دکتر مصدق وقتی حساب کردند فرمودند صد میلیون با احتساب نفت بحریه انگلستان که هنوز هم بر دولت و هم بر اعضاء کمیسیون و هم بر نماینده دولت ایران جناب آقای نظام الدین امامی مجهول است با احتساب آن حسابی که متخصصین کردند سالهایی که استخراج کمتر بوده (۴۱ و ۴۲) منافع بیشتر بوده است. بنابراین روی فرض میفرمایند تا صد میلیون لیره ضرر ملت ایران است من خواستم عرض کنم که فردا دولت اتخاذ سند نکند و نگوید صد میلیون نبوده و مثلاً ۷۶ میلیون بوده است و اما موضوع سیاسی را جناب آقای امامی فرمودند، پس بنده عرض میکنم که اگر روس و انگلیس با هم ساخته اند پیشنهاد میکنند که سفیر روس و انگلیس رادر کمیسیون ما دعوت بکنیم که اگر این کار را ما بکنیم شما سازش نمیکنید؟ و اما جناب عالی خودتان بك فردی هستید که در دوره ۱۵ رفتید و حبس هم کشیدید و ناخوش هم شدید و من هم آنوقت چندان آشنائی با جناب عالی نداشتم ولی وقتی بیجمله ایشان را بردند بزندان رفتم بدید نشان برای ایتکه روی عقیده خودش رفت بزندان و آمد بیرون - من معتقدم که تا آخرین قطره خونم را میدهم و تسلیم این سیاستهای

خانمانسوز که ۱۵۰ سال است تیشه بریشه این مملکت میزنند نمیشوم و اما جهات دیگر سیاسی را میفرمائید این جهات سیاسی در پیرونده معلوم است، ما مبینیم آن تهدید سفیر انگلیس بجای خودش باقیست و باز همان تلگراف را خواهد کرد بنده که تسلیم تلگراف سفیر نمیشوم، موقعی تسلیم میشوم که بنده را بگیرند و با زور دست و پایم را ببندند و وقتی با زور بگیرند پس این قرارداد ارزشی ندارد. دولت خودش می داند، میخواهد آن محظورات سیاسی را برود با سفیر انگلیس حل بکند و بگوید این بك کمیسیون سرسختی است و موضوع نفت غیر از آن وقتی است که گلشائیان بمجلس آورد آنوقت قضا با پدر پرده سیاست استوار بود و امروز فرد فرد این ملت بحقوق خودشان در قضیه نفت بر اثر استیضاحها و مذاکرات در مجلس و سخنرانیهای متعدد آشنا شده اند، حالا شرکت نفت اگر میخواهد فهم این ملت را عوض بکند این اشتباه است. بنده کاغذی پهلوی رئیس الوزرای سابق (آقای منصورالملک) شنیدم که سفیر انگلیس نوشته بود شما بیخود نتوانستید از این لایحه دفاع بکنید، شما را بخدا ببینید که کار بکجا رسیده که نفع بنده را سفیر انگلیس تشخیص میدهد - نفع ملت ایران را باید ملت ایران تشخیص بدهد - سفیر انگلیس میآید برای ملت ایران صلاح اندیشی میکند و جهت معین میکند بخدا این برای ما ننگ است بنده خیال میکنم هیچ مصلحت سیاسی نیست که ما قضا با پدر پرده نگاه بداریم و حتی بنده خیال میکنم که جزئیات این پرونده مذاکرات نفت را بنام کتاب سفید یا آبی چاپ بکنیم و باختیار فرد فرد ملت ایران بگذارند و دنیا هم بفهمد که انگلستانی که اینهمه دعوی آزادیخواهی میکند چگونه بك ملت ضعیفی اینهمه فشار و ظلم تحمیل میکند و امیدوارم که من بتوانم بك کتابی در اینخصوص بچاپ برسانم زیرا

هر قدر احساسات این ملت زیادتر در این مورد تحریک بشود بقعیده بنده بیشتر کمک بکارها میکنند، اینجا قبرستان نیست که همینطور يك لایحه ای را بیاورند و سر بسته تصویب بکنند و بروند بگویند ایران مثل يك قبرستانی است. ما در مجلس روی این موضوع کاملاً بحث کردیم و قضایا را روشن کردیم و مجلس هم اصافاً گوش داد و رأی داد که سحبت بکنیم. وقتی بنده پیشنهاد میکنم بجای این پولهاییکه آقای وزیر دارائی باختیار يك نورچشمی هائی میگذرانند البته مقصودم جنابعالی نیست، سلف شما و آیندگان شما دولت ها اصولاً این ارزهایی که برای آنها فرستاده میشود بجای این نورچشمی ها ۲۰ نفر از این عمله های این شرکت را با همان چشمهای تراخمی و رنگهای پریده و لباس پاره پاره از همان پولها، اینها را بایک پرچمی بردارد ببرد بیاریس وانگلیس و دردنیا اینها را بگردانند. بنده خیال میکنم وظیفه هر ایرانی است که برای نشان دادن درجه اتمسفر فشار شرکت نفت این کارها را بکنند بنده حاضریم از حقوق خودم صرف نظر بکنم و بکنم از این کارگران شرکت نفت را ببرید در انگلستان بگردانید و يك مبلغ هم با او برود و در کوچه های لندن بگرداند تا آنها ببینند که این شرکت نفت چه بروز ملت بیچاره ایران میآورد، این پولی که از شرکت نفت میگیرد بیاید در این مملکتی که اینهمه زمینهای قابل زرع دارد و بيمصرف افتاده چهار پل بسازد و از محصول آن استفاده های هنگفت ببرد (آقای صالح گفتند همان ازاضی خوزستان را آباد بکنند کافیست.) بلی همان خوزستان کافیست ولی شرکت نمیگذارد اینها برای روشن شدن ذهن آقایان لازم است و اعضاء کمیسیون همه باهم متفق هستند و روی مسائل کلی تا حال اختلافی نداشته و امیدواریم که بعداً هم نداشته باشیم و بتوانیم برای این مملکت خدمت بکنیم. (احست).

آقای امامی اظهار داشتند: مثل اینست که ما هیچکدام خودمان را نماینده ملت نمیدانیم که بیائیم درد ملت را دوا بکنیم اگر بودیم اینطور نمی گفتیم ماعقلای قوم اینجا جمع شدیم که بدبختی های مملکت را حداقل در نظر بگیریم و آنچه میدانیم انجام بدهیم اگر ما آشنا هم نباشیم که تمام جوانب کار را در نظر بگیریم لیاقت این را نخواهیم داشت که بیائیم اینجا و دردهای مملکت را دوا بکنیم، آقای حائری زاده میگویند که حرفهای فلانی بگوش من سنگین آمد بنده اینجا متینگ نمیدهم حقایق را میگویم و يك وقتی مبارزه میکنم که بدانم وقتی که کشته شدم مملکت من مسمون میماند ولی وقتی بدانم که کشته می شوم و مملکت من مسمون نمیماند این خلاف عقل است، ما مثل كبك سرمان را زیر برف کرده و خیال میکنیم اگر يك اتفاقاتی بیفتد در موقع خودش هم پاره بفرار میگذاریم - آقای نخست وزیر باید حرفهایشان را بزنند ما هم حرفهایمان را بزیم ولی حقایق باید گفته بشود، ما چهارصدسال است از دولت شوروی نوری سری میخوریم هر چه مملکتمان رفته بیشترش را آنها بردند حالا هم میآیند يك قراردادی میآورند و همه میدانند که از بستن این قرارداد منظور چه هست و در مجلس این تظاهرات میکنند در صورتی که اگر ما با آلمان يك مملکت يك قرارداد تجارتمی ببندیم هیچوقت چنین تظاهراتی نمیشود و این از ترس است بنده موافق این لایحه نیستم ولی عرض کردم و عرض هم میکنم که اگر برای من مسلم بشود که رد این قرارداد توأم با خطر استقلال ایران باشد ردش نمیکنم ولی برای من مسلم نیست، آقای حائری زاده می گویند انگلیسی ها بالانشان پائین آمده، کجا پائین آمده بالانس سیاسی شان امروز بالاتر از ده سال پیش است شوروی را میآورند جلو و میخواهند ما را بترسانند ولی با تمام این عرایضی که کردم ما تا آخرین نقطه باید برویم و از

منافعمان صرف نظر نکنیم مگر اینکه دولت يك موضوع پال یابلی بیاورد بما نشان بدهد، شما میتوانید بروید در مجلس این حرفها را بزنید ولی اینجا بعنوان کمیسیون است یعنی حل يك مسئله است و يك مقام رسمی است و باید از ما اتخاذ سند نکنند ولی آنجا باید حقایق را بگوئیم و ما آمده ایم قضیه ای را حل بکنیم اگر بخواهیم حاسه سرائی بکنیم بجائی نمیرسیم و نبودن ما بهتر است و باید اشخاصی بیایند که ایده آلیست نبوده و رآلیست باشند، و کیل نباید آمده آلیست باشد، در هر صورت اجازه بفرمائید دولت روز دوشنبه برای ادای توضیحاتش بیاید و اگر يك مطالبی باید گفته بشود که محرمانه باشد دیگر در صورت جلسه نوشته نشود.

آقای دکتر علوی اظهار داشتند: بنده خواستم عرض کنم قبلاً هم عرض کردم باز هم تکرار میکنم که عقیده بنده اینست که در موقعی که ما راجع باین لایحه صحبت میکنیم مسائل سیاسی را باید کنار گذارده و از لحاظ اقتصادی و مالی آن با کمال دقت مطالعه کنیم، ملت ایران زیر بار زور نمیروند و با منطق و استدلال موضوعی را قبول یا رد مینماید، ما این لایحه را باید از لحاظ اقتصادی و مالی مطالعه کنیم و اگر از این لحاظ منافع ما را تأمین میکند و نسبت بقراردادهای مشابه خوب مطابقت میکند باید قبول کنیم اگر ایرادی هم هست باید بگوئیم، اگر بنده صحبت هائی اینجا نموده ام تمام از روی علاقمندی بحفظ مصالح مملکت و از روی وطن پرستی بوده است احساسات آقای مکی را هم تقدیر میکنم و اگر يك اختلاف هائی در مسائل فنی و در عقیده بین ایشان و بنده بوده آن اختلافات از لحاظ عقیده محترم است و باید باتبادل نظر و استدلال و منطق یکدیگر را متقاعد نمائیم. بعقیده بنده در يك موضوع قرارداد

اقتصادی و مالی ما باید روی همین زمینه برویم و موضوع را از مسائل سیاسی تفکیک نمائیم ببینیم این لایحه ای که مطرح شده و مطالعه کرده ایم آیا منافع ما را تأمین میکند یا نه؟ بعقیده بنده موضوع زور گوئی و فشار بهیچوجه در روحیه ملت ایران تأثیری ندارد (صحیح است)

آقای مکی اظهار داشتند: اظهارات من از روی توازن سیاسی است آقای امامی چیزی فرمودند که نباید بگویند. (آقای امامی تذکر دادند: صحبت من راجع بمجلس بود.)

و آقای مکی جواب دادند: بشهادت آقای بالیزی موقعیکه که قوای شوروی در اینجا بود من با ۱۵۰۰ نفر مسلح در مقابل آنها مقاومت کردیم، من از هیچ دولت اجنبی نمیترسم و افتخار این را داریم که آقای دکتر مصدق همان کسی که جلو کافتنارادزه را گرفت رهبری ما را بعهده دارد دولت باید طلاهای ما را بگیرد ما باید توازن سیاسی داشته باشیم. جبهه ملی با تمام قوا روی توازن سیاسی ایستاده است ما با هر کشوری که بخواهد منافع ما را پایمال کند با سرسختی ستیزه میکنیم این جبهه با فحش روزنامه های توده ای و مخالفین از بین نمیروند اگر شما میخواهید سر ما را بکوبید ما حرفی نداریم.

آقای وزیر دارائی تذکر دادند: جریانات را بعرض دولت و همکاران خواهیم رساند.

در این موقع جلسه ختم و جلسه آینده بروز دو شنبه دو ساعت قبل از ظهر موکول گردید.

جلسه نیم ساعت بعد از ظهر ختم گردید.

رئیس کمیسیون مخصوص نفت - دکتر محمد مصدق

جلسه نوزدهم

نوزدهمین جلسه کمیسیون مخصوص نفت روز چهارشنبه دو ساعت قبل از ظهر بریاست آقای دکتر مصدق و باحضور آقای دکتر پیرنیا معاون وزارت دارائی و آقای فرمانفرمائیان رئیس اداره امتیازات و اکثریت آقایان اعضاء بشرح زیر:

آقایان: گنجهای - بهبهانی - مکی - دکتر علوی - خسرو قشقائی - ناصر ذوالفقاری - سرتیب زاده - فقیه زاده - اللهیار صالح - جمال امامی - جواد عامری - حائری زاده - پالیزی - دکتر کاسمی تشکیل گردید.

آقای رئیس اظهار داشتند: صورتجلسه قبل قرائت میشود.

صورتجلسه قبل قرائت و چون اعتراضی نبود تصویب گردید.

آقای صالح اظهار داشتند: چون این جلسات کمیسیون نزدیک بخاتمه است بنده پیشنهاد میکنم که اگر همکاران محترم موافقت داشته باشند کتباً از آقای وجدی منشی اداری کمیسیون که همه شاهد بودیم ایشان صورت مجالس را طوری تنظیم کرده اند که بنده سابقه ندارم و آقایان که بیشتر از بنده سابقه دارند بهتر میدانند که کم نظیر بوده است و همینطور از آقای تاج که رئیس قسمت کمیسیونها هستند استدعا دارم اگر اجازه بفرمایند کتباً از آقایان تقدیر بشود (آقایان اعضاء کمیسیون اظهار داشتند کاملاً صحیح است و آقای وجدی واقعاً زحمت کشیده است).

آقای دکتر کاسمی پیشنهاد کردند: يك پاداشی هم بایشان داده بشود زیرا در غیر ساعات اداری هم کار کرده است.

آقای رئیس اظهار داشتند: بنده کاملاً موافق هستم و واقعاً اگر ایشان نبودند صورت مجلس باین خوبی تهیه نمیشد وقت جلسه گرفته میشد.

آقای صالح اظهار داشتند: يك نامه ایست در این پرونده ها از مسیو تورنبرك متخصص آمریکائی، آقایان عقیده شان این بود که قبل از اینکه آقای وزیر دارائی تشریف بیاورند این نامه قرائت بشود.

نامه مزبور قرائت گردید.

و آقای گنجهای سؤال کردند: این شخص چه کاره است؟

آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند: مسر تورنبرك يك نفر آمریکائی است و سابقاً در آمریکا در شرکت های نفت بوده اند و در شرکت های نفت خاورمیانه سوابقی دارند و مدت ها است که در خاورمیانه کار میکنند و فعلاً هم مشاور دولت بوده در قسمت برنامه ۷ ساله و چون اطلاع رسیده بود که ایشان اطلاعات و سوابقی در کار نفت دارند در آن موقع تصمیم گرفته شد که از نظریات ایشان هم استفاده بشود.

آقای مکی گفتند: همان کسی بود که قرارداد نفت بحرین را امضاء کرد.

(در این موقع آقای وزیر دارائی تشریف آوردند.)

آقای وزیر دارائی اظهار داشتند: سؤالی جناب آقای دکتر مصدق در جلسه پیش کردند که مفهوم آن اینست که دولت مکلف بوده مطابق قانون مهر ماه ۲۶ امتیاز نامه ۳۳ را لغو بکنند (آقای رئیس اظهار داشتند: دولت مکلف بوده که استیفای حقوق ملت را بکند) بعقیده بنده همانطوری که در جلسات قبلی کمیسیون بعرض رساندم نه مجلس دولت را این قسم مکلف کرده بود و نه دولت محق بوده قانونی را که بتصویب مجلس رسیده لغو بکنند یاد داشتی که در جواب سؤال ایشان تهیه شده قرائت میشود:

«در پاسخ سؤالی که جناب آقای دکتر مصدق راجع بتمدید مدت امتیاز و نظر دولت در باب استیفای حقوق ایران در مدت سی سال تمدید فرموده اند اشعار میگردد که سی سال تمدید مورد نظر ایشان از ده سال دیگر شروع میشود و بطوریکه استحضار دارند نه بموجب قرارداد ۱۹۳۳ و نه بموجب قرارداد الحاقی حقوق دولت ایران نسبت باین مدت یعنی سی سالی که از ده سال آینده ببعده مشخص میگردد معین نگردیده و نیز بموجب ماده ۱۱ امتیاز نامه مقرر است که نسبت بمالیات مربوط باین دوره که بدون شك قسمت مهمی از درآمد دولت را تشکیل خواهد داد بعداً طرفین مذاکره و توافق نمایند بنا بر این حقوقی را که قرار داد الحاقی مشخص مینماید فقط مربوط است بمدتی که از امتیاز داری باقی مانده است و چون از فحوای بیانات جناب آقای دکتر مصدق چه در مجلس شورای ملی و چه در کمیسیون نفت اینطور استنباط گردید که ایشان با قرارداد داری موافقت داشته و مخالفتشان فقط با تمدید مدت است با توضیحاتی که در بالا داده شد چون تکلیف حقوق دولت در مدت سی سال تمدید بایستی بعداً با توافق دولت و شرکت تعیین شود فعلاً آنچه که طبق نظر ایشان بایستی مورد مقایسه قرار بگیرد همانا حقوق دولت ایران طبق قرار داد الحاقی و طبق امتیاز نامه داری است - رای اینموضوع اگر شصت میلیون لیره را که خود ایشان بعنوان درآمد ویژه شرکت تعیین نمودند و اگر فرض کنیم که بموجب امتیاز داری ۱۶ درصد درآمد ویژه کلیه شرکتهای تابعه بایستی عاید دولت ایران گردد برخلاف تعبیری که شرکت از امتیاز نامه نموده و معتقد بود که فقط درآمد عملیات شرکت در ایران بایستی عاید دولت گردد ۱۶ درصد شصت میلیون لیره ۹۶

میلیون لیره میشود و حال آنکه بموجب قرارداد الحاقی درآمد دولت ایران در حدود اقلای سالی ۲۵ میلیون لیره میباشد و از اینجا واضح میگردد که تعقیب نظر ایشان یعنی رجعت بقرارداد داری چه زیان مالی هنگفتی برای دولت خواهد داشت صرفنظر از اینکه حدود امتیاز به سه برابر وسعت فعلی افزایش یافته و انحصار لوله کشی نیز برقرار میگردد. بنا بر این واضح است که برای ده سال آینده که قرارداد داری بقوت خود باقی بوده و بهر حال طبق نظر جناب آقای دکتر مصدق شرکت حق استفاده از امتیاز خود دارد مقایسه بقراریست که در بالا بیان شد و نسبت بسی سال تمدید نیز فعلاً مقایسه مقدر نمیشود زیرا حقوق دولت ایران طبق امتیاز نامه موکول بموافقتی است که در آینده باید بشود ولی در اینباب لازم است توضیح داده شود که ایشان معلوم نیست روی چه حسابی نفع آن مدت را سالی یکصد میلیون لیره حساب نموده اند زیرا اگر استخراج شرکت را در آن مدت سالی سی میلیون تن فرض کنیم و اگر حداکثر سودی که از استخراج و فروش نفت خام حاصل میشود تنی یک لیره فرض کنیم حداکثر منافع استخراج ایران بالغ بر سی میلیون لیره میشود البته منافع شرکت فعلاً بیش از این مبلغ است ولی یک قسمت مهم از این منافع اولاً در اثر مقدار مهمی نفت خام است که شرکت از عراق و کویت و غیره استخراج میکند و ثانیاً منافع دستگاههای حل و نقل و توزیع که در خارج از ایران و در کشورهای دیگر موجود است. بهمین جهت در اثر مذاکراتی که بعداً طبق ماده ۱۱ امتیاز نامه برای تعیین حقوق ایران بعمل خواهد آمد ترتیبی داده خواهد شد که بمالیات ایران افزوده گردد و حقوق دولت ایران را باسانی ترقی داده.

بنده توضیحاً باستحضار آقایان میرسانم که دولت اینطور میدانند که ماده واحده

مهرماه ۲۶ دولت را مکلف بالغای قرارداد نکرده و عقیده دولت اینست چیزی که از تصویب مجلس میگذرد خود مجلس باید تعبیر بکند و با اگر میخواهد قسمت اخیرش را تفسیر بکند این جزء مختصات مجلس است که اینک در یکی از جلسات اخیر بنده در نظر دارم که آقای حائری زاده فرمودند دولتها در میانجی بازی میکنند اصلاً مجلس باید يك قطعنامه صادر نموده و قرارداد را لغو بکند و بعقیده بنده دولت نمیتوانسته است.

ما از سه منبع از شرکت پول میگیریم يك حق الامتياز ننی چهار شیلینگ است که در قرارداد الحاقی شش شیلینگ شده، یکی آن ۲۰ درصدها است که با عنوان دیویدانندی توزیع شده بایستی بدهند و یکی هم مالیات است برای اینکه در ماده ۱۱ يك معافیتهای مالیاتی منظور شده که میگوید بجای آن معافیتها این ارقام را میدهند و این برای سی سال اول قرارداد است و در ماده ۱۱ قسمت اخیرش مینویسد که بایستی طرفین قبل از انقضای ۶۲ با هم توافق بکنند پس راه برای دولت ایران همیشه باقی است و اما راجع باصل قرارداد الحاقی همانطور که قبلاً عرض شد دولتهای قبل روی اختیار یا تکلیفی که طبق قانون مهرماه ۲۶ برایشان معین شده بود وارد مذاکره شدند و تلاشهایی هم کردند و باین قرارداد الحاقی رسیدند دولت فعلی همانطوری که جناب آقای نخست وزیر هم توضیح فرمودند اگر میخواست فرضاً این قرارداد را پس بگیرد خواهی نخواهی برمیگشت بامتياز نامه ۱۹۳۳ و چیز دیگری در دست دولت نبود و این قرارداد از نظر مالی يك رجحاناتی نسبت بقرارداد ۱۹۳۳ دارد که دولت این را تأیید کرد و اصولاً تمام اختیار این کارها با مجلس است و هر تکلیفی برای دولت معین بکند دولت صد در صد مطیع آن خواهد بود این خلاصه عریضی بود که عرض کردم.

آقای مکی بیان داشتند: بنده خیلی متأسفم که با اینکه جلسه گذشته تقریباً کار کمیسیون خاتمه پیدا کرده بود و بر طبق صورت جلسه موجود آقای وزیر دارائی قرار بود که سر ساعت در کمیسیون حضور پیدا بکنند امروز میبینم که در حدود ساعت یازده است که تشریف آورده اند و بهانه شان اینست که در هیأت دولت با آقای نخست وزیر بوده اند حالا ما راجع باینکه يك جلسه کار کمیسیون را عقب انداختند صحبتی نمیکنم ولی حرف ما این بود که دولت با سیاست دفع الوقت کار را دارد به درازا میکشاند امروز از ساعت نه آمدیم و تا ساعت ۱۱ جلسه رسمیت پیدا نکرده است و من خیال میکنم این سیاست دفع الوقت بر اساس کار و منافع و استیفای حقوق ملت ایران يك لطمه کلی میزند و هیچ توجهی نمیشود. آقای وزیر دارائی با وقتی که قبلاً معین کرده بودند حق این بود که با آقای نخست وزیر بگویند که ۱۸ نفر را نمیتوانم در انتظار بگذارم.

ما بیشتر از این نمیتوانیم این سیاست دفع الوقت را تحمل بکنیم. دیگر اینکه ایشان فرمودند راه برای ایران باقی است که دعای خودشان را طرح بکنند در صورتی با این قرارداد تمام راههای دعای ایران را دارید مسدود میکنید. راجع بمالیات و رسیدگی بحسابهای ایران است که جلوی سد شده و دهان ملت ایران را برای مدتی که باقی مانده بکلی میبندید ما چه نوع راهی داریم که بتوانیم دعای خودمان را بشرکت نفت بفهمانیم، و اینکه راجع بسؤال جناب آقای دکتر مصدق فرمودند باید عرض کنم که در سؤال ایشان اسم امتياز داری نبود که آقای وزیر دارائی گفتند مقصود ایشان امتياز داری است. امتياز داری را خود شرکت و دولت ایران در آن موقع توافق کردند و ملتقی نمودند و بعد آمدند قرارداد ۱۹۳۳ را با اقرار عاقدینی که قرارداد را بستند و با اقرار باینکه در آن موقع در مجلس آزادی نبوده است بملت

ایران تحمیل نمودند. حالاً ما بیائیم این را قبول بکنیم و نظر ایشان هیچوقت این نبوده است و یکی راجع بموضوع صد میلیون لیره بود که بنده در صورت جلسه قبل عرض کردم با احتساب سهمی که بحر به انگلیس به ثمن بغس میبرد و با احتساب صدی سه از سهام بختیاری ها و با احتساب ۱۲۰ میلیون ثمن نفت فروخته شده ثمن بغس بکمپانی های امریکائی در ظرف ۲۰ سال سالی ۶ میلیون تن که در مقابلش هزار و صد و چند کیلومتر میآند از بحر عمان بمدیترانه لوله کشی بکنند و در آن کمپانی های لوله کشی سهامی برای شرکت نفت انگلیس و ایران قائل شده اند و با آن آوانتازی که شرکت نفت داده اینها را اگر حساب بکنید منافع ایران از صد میلیون تجاوز خواهد کرد و دولت ایران حق دارد وضع مالیات بکند و شرکت نفت باید مالیاتهای ایران را بپردازد و حق ایران بیشتر خواهد شد. بنده خیال میکنم جناب آقای وزیر دارائی این قرارداد را نخوانده اند و یا درست توجه نکرده اند.

آقای وزیر دارائی در جواب بیانات آقای مکی توضیح دادند: فرمودید بنده دیر آمدم و یک جلسه کمیسیون هدر رفت و همچنین دفع الوقت شده است، آقایان باید شاهد باشند که من همیشه در اختیار کمیسیون بوده ام جلسه گذشته که روز دوشنبه بود و غفلتاً جلسه علنی مجلس را معین کردند بنده از ساعت ۹ برای تقدیم لایحه ۲۲ در مجلس بودم و جناب آقای دکتر مصدق هم یاد داشتی مرقوم فرمودند که بکمیسیون میآید یا نه و بنده عرض کردم هر وقت کمیسیون تشکیل بشود شرفیاب میشوم که آنروز کمیسیون تشکیل نشد و دیروز نزدیکهای ظهر ببینده تلفن کردند که ساعت نه بیایم آقایان تصدیق میفرمائید یا خوب یا بد یک کارهای دیگری هم هست که باید انجام بشود و بنده چطور باید وقتم را وفق بدهم و تلفیق کنم چون مقرر بود که

ساعت ده باشد. پس سیاست طفره و تعلل هم نبوده است و صراحتاً عرض میکنم که دولت میخواهد این کار زودتر از کمیسیون بگذرد و اما اینکه فرمودید این قرارداد الحاقی راههای دعاوی ایران را می بندد اینطور نیست و این قرارداد چنین حرفی نزده است و مجدداً تکرار میکنم که دولت استدعایش اینست که هر قدر ممکن است کمیسیون محترم نظرش را سریع تر بمجلس شورای ملی گزارش دهد.

آقای رئیس اظهار داشتند: بقولون بافواهم مالس فی قلوبهم من هیچوقت نمیخواهم از بیاناتی که جناب آقای وزیر دارائی بطور خصوصی نسبت بقرارداد الحاقی با من کرده اند استفاده کنم و صحبتی بکنم (آقای وزیر دارائی گفتند بفرمائید هر صحبتی که عرض کردم) برای اینکه هیچوقت مذاکره خصوصی را در جلسات عمومی منتشر نمیکنم. و اما اینکه فرمودید من با قرارداد داری موافقم بنده کجا عرض کردم که با این قرارداد موافقم و از پیشنهادی که در همین کمیسیون خواهم کرد مدلل خواهد شد که همچو نظری بنده ندانسته و نخواهم داشت نظر من این بود که قرارداد داری را با قرارداد ۱۹۳۳ که مقایسه کنیم قرارداد داری مزیتش بیش از قرارداد ۱۹۳۳ است و آقایان نمایندگان اقلیت چه در مجلس ۱۵ و چه در مجلس ۱۶ توضیحات کافی در این باب داده اند و خود را مستغنی میدانم که در اینمورد وقت کمیسیون محترم را تضییع کنم.

برطبق قانون ۲۹ مهر ماه ۲۶ دولت مکلف است که استیفای حقوق ملت ایران بکند دولت میبایست بحساب عایدات شرکت و با آنچه میدهد رسیدگی کرده و نظریات خود را بطور صریح بکمیسیون پیشنهاد کرده باشد. دولت اینکار را نکرده است و تمام را بطفره و تعلل گذرانیده است.

شرکت نفت صورت عایدات سال ۴۸ را بمبلغ ۷۹ میلیون اعلان کرده است بدینقرار :

۲۸ میلیون مالیات بر درآمد انگلیس - ۱۷ میلیون وجه ذخیره - ۱۷ میلیون مخارج بهره برداری - ده میلیون حق امتیاز و مالیات بر درآمد دولت ایران و ۷ میلیون سود صاحبان سهام که مجموعاً میشود ۷۹ میلیون لیره چنانچه مخارج بهره برداری را از این ۷۹ میلیون لیره کسر کنید ۶۲ میلیون عایدات خالص شرکت است و اگر بر طبق قرارداد داری از این عایدات خالص ۱۹ درصد سهم دولت ایران را معین بکنیم یعنی ۱۶ درصد مطابق قرارداد داری و ۳ درصد مطابق قراردادی که شرکت نفت با خوانین بختیاری منعقد کرده بود که در موقع قرارداد ۱۹۳۳ ازین رفته است آنوقت در حدود قریب ۱۲ میلیون لیره در سال ۱۹۴۸ می بایست فقط از بابت حق امتیاز عاید دولت ایران شده باشد و شرکت نفت ده میلیون از بابت حق امتیاز و سایر حقوق ملت ایران پرداخته است. بمبلغ ۶۲ میلیون لیره عایدات خالص شرکت من بطور فرض اضافه کردم که ۴۰ میلیون لیره هم معامله نفتی که با بحریه انگلیس میکند اضافه شود (آقای حال امامی گفتند يك قدری زیاد است) ما فرض میکنیم که ۳۸ میلیون لیره هم از بابت نفتی که بحریه انگلیس به ثمن بخش از شرکت خریداری میکند اضافه شود آنوقت عایدات نفت شرکت در سال متجاوز از صد میلیون لیره میشود چنانچه شرکت نفت مدلل کرد که بحریه انگلیس منافعی را که میبرد از این مبلغ کمتر است ما حاضر میشویم که از این مبلغ کسر کنیم ، من از جناب آقای وزیر دارائی سؤال کردم شما که مأمور استیفای حق ملت ایران بوده اید چطور راضی شده اید بعد از ۱۰ سال دیگر که کلیه محصولات نفتی و کلیه اشیاء و ماشین آلات صنعتی متعلق بدولت

ایران است و بنا بر این کلیه عایدات شرکت نفت ملک و حق طلق و مسلم ملت ایران است در مدت ۳۲ سال در مقابل هیچ بشرکت نفت تسلیم کنید من عرض نکردم که مجلس شورای ملی شما را مکلف کرده بود قرار داد ۱۹۳۳ را الغاء کنید ولی عرض کردم که شما مکلف بوده اید استیفای حقوق ملت ایران را بکنید و وقتی که شما دیدید که بعد از ده سال دیگر شرکت نفت سالی صد میلیون مال ملت ایران را بزور و ظلم و ستم میبرد میبایست این مطلب را به مجلس شورای ملی پیشنهاد کنید و نظر خود را گفته باشید نه آنکه برای حفظ مقام و دو ماه حقوق وزارتی سکوت اختیار کنید و لایحه الحاقیه را تأیید کنید و قرارداد باطل دوره دیکتاتوری را که بتمام دنیا بطلان آن ثابت شده است تنفیذ کنید و اینکه فرمودید برای ملت ایران باز مجال هست که بعد از سی سال دوم بر طبق ماده ۱۱ قرارداد راجع بمالیات بر درآمد صحبت و مذاکراتی با شرکت نفت بکنند من عرض میکنم شما چرا باید بعد از ده سال معادن نفت جنوب را که ملک و حق مسلم ملت ایران است بدست شرکت نفت بدهید تا آنوقت محتاج شوید که روی ماده ۱۱ امتیاز نامه با شرکت جنوب داخل مذاکره شوید. این عرایضی که میکنم نه از راه وطن پرستی است که بخواهم در صلاح ملت ایران عرض کرده باشم بلکه برای صلح بین المللی است که دول سرمایه داری بایست رویه سیاسی خود را تغییر دهند و صلح کنونی را بجنگ عالمگیر مبدل نمایند ، ۳۲ سال تنفیذ قرارداد ۱۹۳۳ در حکم امتیازی است که این مجلس بشرکت نفت میدهد و من نمیدانم چطور بعضی از دول دیگر حاضر میشوند که این مجلس بیک دولتی این امتیاز را بدهد و آنها ساکت بنشینند و هیچ اظهاری نکنند. بیش از این عرضی ندارم و امیدوارم حالا که دولت نتخواست بوظیفه خود عمل کند نمایندگان وطن پرست عضو

کمیسیون از انجام وظایف خود غفلت نکنند و آنچه را که در صلاح ملت ایران است بمجلس شورای ملی گزارش دهند.

آقای وزیر دارائی اظهار داشتند: بنده راجع بمذاکره خصوصی که جناب آقای مصدق السلطنه اشاره فرمودند اینجا علنی عرض میکنم کوبا در جلسه قبل بود وقتی که کمیسیون تمام شد ایشان با بنده تقریباً این عبارت را فرمودند:

« که من بتوارادت دارم و با پدر تو رفیق بودم، اجداد ما باهم مربوط بوده اند. و من هم تصدیق کردم و فرمودند من دلم میخواهد مثل فرور در این مملکت خیلی باشد راجع بقضیه نفت سعی کن بدنام نباشی، بنده جوابی عرض نکردم و ایشان فرمودند میخواهند توی این مملکت دیکتاتوری بکنند عرض کردم آقای نخست وزیر را میفرمائید؟ فرمودند نه میخواهند باز بساط دیکتاتوری راه بیندازند و فلان و کیل باشی را بردارند بیاورند و اول کسی را که حبس میکنند توهستی، عرض کردم بنده از دیکتاتوری اصلاً خوشم نمیآید و این صحبتها میان آمد و راجع بقرارداد هیچ اظهار نظری نکردم و ایشان بنده نصیحت فرمودند. اما قسمت دوم بنده خوشوقتیم که امروز جناب آقای دکتر مصدق میفرمایند بنده عرض نکردم مجلس شمارا مکلف کرده بود که قرارداد ۱۹۳۳ را لغو بکنید و این عین عرایض بنده است و ایشان مقصدشان این بود که قسمت اخیر قانون ۲۶ را بایستی لغو قرارداد فرض کرد. پس دولت این تکلیف را نداشته است و راجع باینکه میفرمائید که دولت موظف بوده که پیشنهاد بکند یکی اینکه چنین تکلیفی نداشته و اما از طرف دیگر مجلس مطابق قانون حق دارد که طرح بدهد و در یکی از ادوار دوره گذشته دوره ۱۴ بود که یکی از آقایان نمایندگان طرحی پیشنهاد کرد که قرارداد ۱۹۳۳ لغو بشود و خودش امضاء کرد و با وجود التماسها که یکی از آقایان نمایندگان کردند بالاخره آن را

امضاء نکردند (آقای دکتر مصدق اظهار داشتند برای خود من آوردند و امضاء نکردم گفتم باید مطالعه کنیم) پس نه دفع الوقت است و نه طفره و تعلل و نه علاقه بهیچ چیز دولت این را اقدام کرده و مجلس هم هر رأیی بدهد البته برای هر دولتی مطاع است و نظر دولت اینست که سر بعتز رأی بدهند. در قسمت اخیر بیانات جناب آقای دکتر مصدق این بود که چطور دولتی بیاید امتیازی بدهد و مجلس ساکت بنشیند. اولاً دولت امتیازی ندادده است و دولت موظف نیست برای مجلس تعیین تکلیف بکند قرار دادی است که نه این دولت امضاء کرده و نه این مجلس، قرار دادی است که در سال ۱۹۳۳ بسته شده و مجلس هم آمده است امضاء کرده (آقای حائری زاده گفتند: مجلس نبوده است آن موقع مجلس اختیاری نداشته است) راجع به سه درصد هم بنده عرض میکنم که این قضیه راجع بتمام نفت داری نبود و محدود بعایدات بختیاراویل کمیانی بوده است بعد دولت سهام بختیاری را در سال ۱۴ خریده است و راجع بتمام حوزه امتیاز نامه داری نبوده است حالا اگر حساب میفرمائید ما حساب کردیم ۱۲ میلیون و کسری میشود مطابق این قرارداد امسال تقریباً ۲۵ میلیون لیره عایدات بود البته باید یک راه حلی پیدا کرد و موضوع را هم همانطور که آقای امامی گفتند بایستی از لحاظ سیاسی در نظر گرفته بشود و سیاست موازنه را در نظر بگیریم زیرا بقسمی که در نظر دارم از اول که قضیه نفت مطرح شد منظور اقلیت آن بود که سیاست توازن رعایت بشود لذا با توجه باین موضوع و وضع جغرافیائی کشور باید نسبت باین لایحه و با توجه باضافه عایدات مالی که داریم رسیدگی و اظهار نظر شود. دیگر بنده عرضی ندارم.

آقای امامی اظهار داشتند: که در این مملکت ۱۵ میلیون با کمتر و با بیشتر جمعیت دارد بمقیده بنده یکنفر کما هو حقّه تکلیف اجتماعی خودش را انجام نمیدهد حتی مجلس و نمایندگان ولی این را باید اذعان کرد که از همه بیشتر دولت وظایف خودش را انجام نمیدهد و این را هم من آقای وزیر دارائی و آقای نخست وزیر عرض میکنم ما منبع اطلاعاتمان چه در امور خارجی و چه داخلی دولت است ما که شخصاً اطلاعاتی نداریم بنده با شرکت نفت یا دولت انگلیس تماسی نداریم که از او اطلاعاتی بگیریم و روی اظهارات و گفته هائیت که می شنویم . بنده میپرسم یک روزنامه ای یک ارقامی چاپ کرده این ارقام صحیح و با غلط است اگر شما اطلاع دارید طبق همین لایحه الحاقیه که آورده اید و در کمیسیون است شما قرارداد بسته اید که سیزده شیلینگ و نیم حداقل قبل از تنزل لیره منافع ما را تأمین کرده اند و با تنزل لیره میشود ۲۰ شیلینگ و آقای نخست وزیر خودش اذعان میکند و میگوید ۲۰ شیلینگ و ۴ پنس در تن و از ۲۹ میلیون تن میشود ۳۰ میلیون لیره ، آنجا نوشته شرکت میگوید ۲۱ میلیون لیره این را وزارت دارائی هنوز برای من نیاورده است حالا هم آقای وزیر دارائی میگویند از ۲۹ میلیون تن که استخراج ما بوده است ۲۵ میلیون لیره عایدات ما بوده است و این که وفق نمیدهد (آقای وزیر دارائی گفتند: بطور تخمین عرض کردم) ۶۰۵ میلیون لیره که تخمین نمیشود این را من استدعا میکنم و آقای فرمانفرمائیان توجه بکنند که چه عرض کردم اگر اطلاع دارند بما بگویند .

اما راجع بایراد اساسی بنده این را آقای حائری زاده راست گفتند که ما میخواهیم میانجی بشویم و بین ما و دولت هم یک میانجی لازم است . جناب آقای دکتر مصدق میگویند آقا در مجلس ۱۵ قانونی گذشته که بروید استیفای حقوق ایران بکنید

اگر بنظر شما استیفای حقوق ایران از این راه است که باید بیابید و دلائل خودتان را بگوئید ، شما مجری این مملکت هستید قانون را میدهند بشما که اجراء بکنید اگر یک جایش مبینید که اشتباه شده باید بگوئید . سیاست خارجی مملکت در دست دولت است این را من از اول کمیسیون تا حال داد زدم و دولتها تکالیف خودشان را کما هو حقّه اجراء نمیکنند الا آن همین لایحه کثیف که از نظر دولت میگوید صحیح است یعنی همه جوانب را در نظر گرفته ام ، باید دفاع بکنند ، شیفر بدهد من که نباید از طرف دولت دفاع بکنم و اینکه اگر مجلس صلاح میدانند بروند بکنند یعنی چه؟ مجلس دیده صلاح خودش نیست که اینکار را بکند صلاح دانسته است که دولت برود و نظریه اش را بدهد حالا شما صلاح نمیدانید ، دولت هم صلاح نمیداند ولی من آن قدرت را دارم که بگویم بچه جهت این طرز عملیات دولت را من تا کتون نفهمیدم دولت نظرش چه هست ، من هنوز نفهمیدم که دولت بگوید چه بکنیم خوب است و چه شرايطی داشته باشیم خوب است ، این اگر سیاستشان هست بگویند باین دلیل صلاح نیست ممکن است ما قبول بکنیم و کار بجائی برسد ما که با شما طرف نیستیم شما هم نباید طرف باشید ما یک خانواده ای هستیم که نشسته ایم اینجا و میخواهیم از یک خانواده خارجی حق خودمان را بگیریم شما مأمور ملت هستید و یک کاری بشما رجوع کرده اند اگر بنا بشود من بگردن شما و شما بگردن دیگری بیندازید و هیچکدام مامسئولیت را قبول نکنیم آخرش چه میشود و عاقبت ندارد و اگر باین روش جلو بروید همه مطمئن هستیم که بجای بن بستی خواهد رسید .

آقای رئیس اظهار داشتند : خدا را بشهادت میطلبم که این عرضی که میکنم ذره ای کم و زیاد ندارد پریروز آقای فروهر بمن فرمودند که من از شما میخواهم

مرا هدایت بفرمائید. (آقای وزیر دارائی گفتند: من روز اول گفتم که بجای اهانت هدایت بفرمائید.) من عرض کردم که این لایحه با تمدید مدت منافع ایران را تأمین میکند؟ فرمودند خیر. (آقای وزیر دارائی اظهار کردند: بنده همچنین عرضی نکردم و جداً تکذیب میکنم بنده بایشان عرض کردم من نمنا دارم بجای اهانت هدایت بفرمائید) (آقای جمال امامی گفتند: چرا این را میگوئید چه مانعی دارد که گفته باشند) گفتم جناب آقای وزیر وقتی که خودتان باین عقیده هستید کاری نکنید که بدنام باشید.

آقای حائری زاده اظهار داشتند: يك اشكالی هست که دستگاه دولت با مجلس درست باهم تطبیق نمیکند در دنیا دولت ها با مجلس مینشینند و با موافقین خودشان مشورت میکنند وقتی يك حرفی هست که دولت صلاح نمیداند بحث بکنند بویکیل طرفدار خودش میگوید تو این موضوع را استیضاح کن تا من جواب بدهم، اینجا توافق بین دولت و مجلس نیست و تمام بدبختی ها اینست و الا این آقای فروهر و آقای نخست وزیر و هر ایرانی میدانند که این شرکت را باید رفع کرد منتها اوضاع و احوال دولتها را مکلف میکنند که باری بهرجهت بکنند. بعقیده من مامطالعه مان را کرده ایم و دیگر مشورتی نداریم از دولت بکنیم و خود مادر غیاب آقایان بنشینیم و تصمیم بگیریم و تزییع وقت نکنیم ولسی يك حرفهائی پیش آمد راجع بمحاسن قرارداد جدید این بر دنیا پوشیده نیست این قرارداد جدید دایره را تنگتر کرده ولی آنچه که بعلمت ایران واگذار کردند کجا بوده، حق لوله کشی را بما دادند اما آن یکوجب لوله کشی را بمن نشان بدهید. آن منطقه امتیاز را همه را استفاده

کرده اند، يك چیزی را که نمیتوانسته اند استفاده بکنند در ظرف چند سال این را آمده اند بخشیده اند و ما نمیتوانیم بحساب محاسن قرارداد بگذاریم. حقوق ایرانی را فرد فردش بموجب این قرارداد زیر پا میگذارند این قرارداد پیشتری که داشتیم کمیانی مبرقت میگفت صدی سه بشما میدهم اجازه بدهید چاه بکنم الساعه برسید از خوزستانها بزور زمینهای آنها را میگیرند من میگویم این کمیانی را دولت حمایت نکند و خود مردم حقشان را میگیرند کارگرهایی که در عراق بودند اعتصاب کردند مزاحمشان نشدند ولی کارگرهای ایرانی اعتصاب کردند و ارتش شاهنشاهی رفت و آنها را بیرون برد معایب این یکی دو تا نیست اساساً این قرارداد ۳۳ قابل دفاع نیست.

آقای وزیر دارائی اظهار داشتند: بیانات جناب آقای حائری زاده حاکی از این بود که توی سر مردم میزنند و اراضی را میگیرند ماده ۴ قانون این موضوع را روشن کرده است (ماده مزبور قرائت گردید) دولت هیچوقت تاحدی که بنده یاد دارم نرفته است توی سر مردم بزنند و بگویند اگر قیمت زمین تو ۱۰ تومان است ۵ تومان بگیر اگر احياناً دولت های قبل کرده باشند بسیار حرکت بدی کرده اند قسمت دیگری هم که فرمودند ثلث امتیاز نامه را لغو کرده اند و چطور شد که ما نتوانستیم لوله کشی بکنیم از اینجهت بوده است که ما قدرت لوله کشی از نظر مادی نداشتیم کما اینکه شرکت نفت ایران که سازمان برنامه تشکیل داده است بطوریکه از خارج اطلاع داریم چندین میلیون تومان پول خرج کرده اند و بجائی نرسیدند و نسبت بفرمایشات جناب آقای امامی که فرمودند دولت اگر صلاح میدانست قرارداد ۳۳ را لغو میکرد (آقای جمال امامی گفتند: عرض نکردم و سوء تعبیر فرمائید من گفتم باید

بگوید باین دلیل من صلاح نمیدانم. بنده هم عقیده‌ام اینست که نباید لغو بشود دولت و مجلس باید باهم همکاری بکنند رئیس دولت هم گفت یکی از این سه کار ممکن است بعقیده بنده بشود خود بنده هم عرض کردم و آقای مکی گفتند دولت حق ندارد برای کمیسیون تعیین تکلیف بکند و عرض کردم این قرارداد دو طرفی است و اگر بعضی از مواد کمیسیون توافق نداشته باشد ممکن است دولت را مأمور بکنند. سؤالی هم آقای امامی فرمودند و مستندشان روزنامه باختربود جوابی هم تهیه شد و راجع باقلام و ارقام آنهم اگر اجازه بفرمائید آقای فرمانفرمائیان توضیح بدهند.

آقای مکی پس از توضیح يك مثال بیان داشتند: آقای امامی يك بیانی می کردند که اگر دولت از لحاظ سیاسی در يك تنگنای سیاسی هست باید بگوید دولت هم چسبیده است روی این موضوع. بنده خیلی تعجب میکنم کدام محظور سیاسی هست که ایجاب بکند ما منافع ۱۵ میلیون جمعیت گرسنه را در نظر نگیریم و تقدیم دولت امپراطوری انگلستان بکنیم اگر دولت نخواست استیفای حقوق ملت را بکند و ۲۰ نفر از کارگران شرکت را نفرستاد بارویا و بملل آزاد جهان نگفت که طرز رفتار این شرکت نسبت بما اینطور است، شما هیچ نوع تبلیغی نکردید فقط بلندگویی شرکت نفت هستید از روزنامه صدای وطن هم چهار هزار شماره بخرید و بدهید انتشار بکنند بنده هم این جریان اسناد نفت را منتشر میکنم تا معلوم بشود در این جریان کی خادم و کی خاطی است. تنها عایدی ملت ایران در مقابل نفوذ شوروی ها عبارت از عایدات نفت است فقط این عایدات است که ممکن است مملکت را از بدبختی نجات دهد اگر کارگران نفت اعتصاب کردند امپراطوری انگلستان میخواهد بچه مناسبت بما اینقدر فشار میآورند این مصلحت سیاسی چیست آیا با لغو این قرارداد مملکت ما را بمباران میکنند؟

و میکرب و با و حسب توزیع میکنند من باید بفهمم مصلحت سیاسی چیست که فرمودند بنا بر این جز ترس و جبن چیز دیگری باعث اینکار نیست اگر دولت دلسوزی داشته باشیم که مدافع شرکت نباشد آنها تسلیم خواهند شد و دست ملت ایران را هم میبوسند اگر شما چنین حرفی را زده باشید افتخار شما میباشد حالا میفرمائید من نگفتم! گفته شد با طرح این لایحه در کمیسیون نفت موافقت خود آقای نخست وزیر هم گفتند این قرارداد منافع ملت ایران را تأمین نمیکند گفتند این اظهارات هر قدر نگفته شود من استفاده خواهم کرد منتها چون رئیس دولت هستم نمیتوانم بیش از این اقدامی کنم کمیسیون فقط مأمور مطالعه در قرارداد الحاقی است و نمیتواند روی آن اصلاحاتی نماید ما فقط باید بگوئیم آیا این قرارداد نظر ایران را تأمین میکند یا خیر و نظر ما هم روی قانون سال ۲۶ است آیا کسی گفته است الغای امتیاز نفت جزو آن نیست ما با این عمل موازنه سیاسی برقرار خواهیم کرد همانطور که بروسها ندادیم به انگلیسها هم نمیدهیم و بالاخره بنده هیچ مصلحت سیاسی در این قسمت نمی بینم و معتقدم که این موضوع باین سادگی نمیکندد کما اینکه در آخر دوره ۱۵ برای همین قضیه چند هزار نفر جلو مجلس جمع شدند.

آقای وزیر دارائی گفتند: من فقط گفتم این حرف را نزد بعلاوه جداً تکذیب میکنم که آقای نخست وزیر گفته باشند مرا تحت فشار گذاشته اند این عبارت اصلاً در کمیسیون گفته نشد.

آقای مکی هم اظهار نمودند: منم چنین چیزی نگفتم.

آقای وزیر دارائی در تعقیب بیانات خود و پاسخ آقای مکی اظهار نمودند: این صحبتها در حکم متینک است باید راه حلی پیدا کرد اینکه فرمودید باین سهولت

نخواهد گذشت مگر ما توپ و تفنگی برای کمیسیون آورده ایم در قسمت تبلیغات هم من که چیزی اطلاع ندارم و مسئول آنهم نیستم نه تصدیق میکنم و نه تکذیب؛ راجع بگذشته هم نمیدانم چه شده دولت هم چنین نظری ندارد حکومت نظامی نمایدحتی طرح پیشنهادی آقای حائری زاده راجع بلغو حکومت نظامی مورد موافقت دولت واقع شد؛ فحش و ناسزا هم خوب نیست و کار ضعفاست هر کس مطابق مذاق خودش فکر میکند اگر فکر من مطابق مذاق شما نباشد منکه خاطی نیستم بهر حال دولت از کمیسیون استعفا دارد نظر خودشان را هر چه زودتر بدهند و کوچکترین طفرمای هم در کار نیست. نسبت بمندرجات جرائد هم دولت مسؤل نیست؛ باسیاست ارعاب هم قضیه اصلاً حل نمیشود ولی ممکن است راه حلی پیدا نمود دولت تاحدی که میتواند تلاش خود را نموده است و حالاً بر نوشت مواد الحاقی از دست دولت خارج است و مثل تمام عهدنامهها دست مجلس است اگر آقایان لغو آنرا صلاح میدانند نفرمایند؛ من که از گلشائیان دفاع نمیکنم ولی اوهم آنچه که توانسته اقدام کرده و در مجلس هم گفته است که بیشتر نتوانستم بگیرم و حالاً آقای فرمانفرمائیان توضیحاتی در اطراف سؤال آقایان خواهند داد.

آقای فرمانفرمائیان نسبت بسؤال آقای امامی توضیح دادند: که سؤال دو جنبه دارد یکجا موضوع ۲۱ میلیون لیره بود که این را ما حساب کردیم اگر ۲۹ میلیون فروش شرکت را در نظر بگیریم این ۲۹ میلیون تن مبلغ عایدات و صرف طلایش تطبیق میکند با... (آقای جمال امامی گفتند: این را من میدانم) ۲۰ درصد حق دولت ایران هم از سود سهام است یعنی یک حداقل ۴ میلیون لیره اگر چهار میلیون لیره اضافه بشود ۲۵ میلیون لیره میشود.

آقای جمال امامی گفتند: جواب بنده اینست که بفرمائید الان باین قرارداد الحاقی که تسلیم کرده اید در هر تن صادرات ما چقدر عایدات داریم.
آقای دکتر پیرنیا توضیح دادند: جمع حقوق ما از بابت قرارداد الحاقی برای هر تن ۱۷ شیلینگ و ۶ پنس (آقای جمال امامی گفتند: چرا مگر ۱۳۰۵ شیلینگ ما تأمین نکردیم) خیر آنها عوض شد این حسابش معلوم است ۶ شیلینگ حق الامتیاز مالیات یک شیلینگ میشود ۷ شیلینگ تفاوت طلا ۲۴۸ تقسیم بر ۱۲۰ میشود $\frac{۲۱}{۱۰}$ ضرب در ۲ مساوی میشود به ۱۴۶ پنس رو بهمرقعه ۷ شیلینگمان میشود $\frac{۱۴}{۱۰}$ شیلینگ با نرخ کنونی بعد آمدیم سر چهار میلیون لیره این را که حساب میفرمائید $\frac{۱۴}{۱۰}$ برای ۲۹ میلیون تن استخراج میشود ۲۱ میلیون لیره پس حقوق حق الامتیاز تن آژما با قیمت فعلی طلا $\frac{۱۴}{۱۰}$ شیلینگ میشود و آن جریانی که خاطر جنابعالی هست اینطور نشد وقتی چهار میلیون لیره علاوه بر این حداقل دادند این را اگر تقسیم بکنیم به ۲۹ میلیون تن میشود ۸۰ میلیون شیلینگ، تقسیم بکنیم بر سی میلیون تن میشود $\frac{۲}{۱۰}$ و تقریباً میشود ۱۷ شیلینگ.

آقای وزیر دارائی اظهار داشتند: این قرارداد اگر در مرداد ۲۸ تصویب میشد قبل از تنزل لیره و مایپولها را میگریقتیم و بحساب خودمان در لندن میگذاشتیم بجای اینکه چهار دلار برای هر پوندی بدهند آلان ۲۸۰ میدهند - نسبت به تقریباً ۵ میلیون لیره ای که از بابت ذخائر در قرار داد الحاقی پیش بینی شده است.
آقای مکی گفتند: اگر آن روز شما گرفته بودید لیره ۱۲۸ ریال پول میدادند و بلافاصله آمد پائین.

آقای وزیر دارائی اظهار داشتند: آن اقلامی که از بابت حق الامتیاز میگردیم که آن هم میشود لیره ۱۲۸ ریال.

آقای مکی گفتند: قبل از تنزل لیره بشمار داده بودند.

آقای وزیر دارائی اظهار داشتند تمام حساب های دولت ایران در بانک های انگلستان وقتی که در سال گذشته همین اوان وزیر مالیه انگلیس نرخ لیره را از چهار به ۲٫۸ تنزل داد تمام موجودیهای دولت ایران اتوماتیکمان بالا رفت کما اینکه آن ۵،۷۰۰،۰۰۰ لیره که از بابت راه آهن بود آنهم شد ۸،۳۰۰،۰۰۰ لیره یعنی تفاوت ۱٫۶ دلار در هر لیره در اینجا هم حساب شد اگر این تفاوت را که حداقل ۵ میلیون لیره شد آنموقع گرفته شده بود بلافاصله تبدیل به ۲۰ میلیون دلار میشد و بارقم لیره آن بالا میرفت ولی حالا اگر تصویب بشود از قرار لیره ای ۲٫۸ محسوب میشود و در حدود ۶ میلیون دلار خسارت صندوق دولت خواهد بود.

آقای امامی متذکر شدند: اگر ما حوصله میداشتیم این صورت جلسات از روز اول تا کنون را دوباره مرور میکردیم میدیدیم همان روز اول ما هر چه گفته ایم در تمام این جلساتی که تشکیل شده تکرار مکررات بوده است (آقای رئیس اظهار داشتند: صحیح است) حالاهم داریم تکرار میکنیم بدبختانه بنده بکرروزی از محضر آقایان استدعا کردم که ما اینجا نه در جلسه علنی مجلس هستیم که بخواهیم مردم را جلب بکنیم و نه در خیابان که متینک بدیم ما اینجا یک کمیونی هستیم که از طرف مجلس انتخاب شده ایم این قضیه را حل بکنیم و حقایق را بهم بگوئیم نه نظر ارباب و نه تحمیل داشته باشیم باید روی منطقی و استدلال یکدیگر را قانع بکنیم اگر هم نتوانستیم بالاخره رأی اکثریت قاطع خواهد بود این نظر ما روزهای اول بود بعد دولت آمد

تلویحاً یا تصریحاً بالا بجه موافقت کرد و دفاع آن بعهده گرفت ولی بدبختانه باز تکرار میکنم تا کنون دولت از لایحه دفاع نکرده است (آقای وزیر دارائی گفتند: چطور دفاع نکرده؟) بدلیل اینکه یکی از این اعتراضاتی که شده جز اینکه من این را کفتم و یا نکفتم و استنباط من اینست جوابی داده نشده و بهیچوجه استدلال نشده مثلاً راجع به لغو امتیاز و با موارد دیگر گفته اید کمپانی اینطور میگفت و ما هم آنجا رفتیم، دولت باید بما جواب صریح بدهد اگر ما نشستیم و تصمیم لغو امتیاز را گرفتیم دولت قبول میکند، دولت میگوید من تسلیم هستم دولت باید بگوید من که دولت هستم با این تصمیم موافق نیستم نمیخواهید خدا حافظ، اگر میخواستید ما خودمان تصمیم بگیریم آقایان چرا آمدید اینجا شما بعنوان مدافع آمده اید و نظریات سیاسی و اقتصادی را باید بگوئید، بگوئید که اگر این کار را بکنید برای ما خوب نیست و استعفا میدهیم، این چیزی است که من میفهمم، ما وکیل مجلس هستیم یک تکالیف داریم، شما دولت هستید باید تکالیف خودتان را بعهده بگیرید اگر نظر به ای ندارید بفرمائید تسلیم هستیم.

آقای رئیس بیان داشتند: بنده میخواهم عرض بکنم که جنابعالی میخواهید که این دولت هم مثل دولت ساعد یک صورت مجلس دیگری تنظیم بکند؟ (آقای وزیر دارائی گفتند: چه صورت مجلسی!) اگر نظر حضرت تعالی اینست که دولت هم میتواند برود یک صورت مجلسی تنظیم بکند و برود دنبال کارش.

آقای وزیر دارائی اظهار داشتند: سوء تفاهم در بیانات جناب آقای امامی حاصل شده است، میفرمائید اگر ما گفتیم لغو است دولت قبول میکند یا نه تازه اول مقدمه کار است ما گفتیم کمیسیون باید رأی بدهد یعنی میفرمائید دولت با آقایان یکن یکان

بگوید اینطور رأی بدهید، آقایان باید گزارش خودشان را بدهند آنوقت با دولت موافق است و با مخالف و اینکه فرمودید دولت دفاع نکرده میفرمائید چه کار بکند، ممکن است هر کس بقدرت و قوه خودش يك حرفهائی بزند و اینکه فرمودید دولت برود خودتان فرمودید که ما بیائیم ماچه کار باید بکنیم.

آقای عامری متذکر شدند: که منظور را درست توجه نکرديد. يك نظر اینست که بگوئیم از مجلس رجوع کردند به کمیسیون که ببینیم منافع ما را این لایحه تأمین میکند یا نمیکند. يكوقت دولت میآید میگوید من مدافع هستم اگر شما آمدید و گفتید که من لایحه را قبول و دفاع میکنم باید بمائیت بکنید که این لایحه بنفع مملکت است و یاخیر. اگر ما تصمیم داریم که ردش بکنیم ما که داخل سیاست نیستیم و تماسی نداریم که ببینیم از این رد قطعی چه مصائبی برای مملکت ما پیش میآید در اینجا راجع باین لایحه حملاتی شد، هر کسی معایب و مضار آن را گفته اند شما باید در برابر این مضار آن منافعی که دارد بیان کنید تا ما که قضاوت میکنیم بفهمیم والا اگر شما تشریف بردید و ما بگوئیم که منافع ما را تأمین نمیکند بنده فکر میکنم که مجلس هم نظر کمیسیون را تأیید میکند (دکتر مصدق - امروز حساب این مملکت دست این کمیسیون است) اما نظر آقای امامی که صد درصد صحیح است میگویند قبل از این مشکلاتی را که شما میبینید بما بگوئید که جریان چیست ایشان میخواهند بگویند يك قدری با احتیاط تر قدم بردارید (آقای مکی گفتند: این بیان درست نیست) از نقطه نظر وظیفه دولت آنچه را که آقای امامی میگویند صد درصد صحیح است یعنی دولتی که ارتباط دارد با سایر دول و مذاکره کرده و وضع سیاسی دول را میداند این باید از این جهات کمیسیون را روشن بکند تا کمیسیون هم با علم و اطلاع اوضاع سیاسی

بتواند يك قدمی بردارد اگر شما رفتید و ما رد کردیم بعد اگر يك مشکلاتی برای مملکت پیش آمد شما چه میگویند (آقای مکی گفتند: هیچ مشکلاتی نیست) میگویند مجلس کرده و شما این کار را کرده اید (آقای حائری زاده گفتند: بگویند) مقصود من بیان توضیح جناب آقای امامی است که آنچه که گفته اند بنظر بنده درست است.

آقای وزیر دارائی متذکر شدند: دولت کجا پایش را کنار گذاشته است، بنده بیایم بگویم که هشتاد تا مسلسل میآید اینجا! دولت استعفا بدهد، من چه بگویم دولت عرایضش را کرده است و اینهم که بزعم آقای امامی درست نیست بمصداق این شعر: متاع کفر و دین بی مشتری نیست. گروهی این گروهی آن پسندند بنده که الزام ندارم مطابق نظر آقای امامی صحبت بکنم، بنده اهل این صحبتها نیستم و میخواهید مرا در تنگنای بگذارید الآن هم میفرمائید دولت باشد یا نباشد بفرمائید.

آقای سر قیاب زاده بیان داشتند: بنده عقیده ام اینست که از اول که این مواد خوانده شد جناب آقای وزیر دارائی هم دفاع خودشان را کردند و حالا راجع بخودمان بنشینیم و صحبت بکنیم.

آقای گنجی پیشنهاد کردند: چون وقت گذشته اگر اجازه میفرمائید جلسه ختم بشود.

در این موقع جلسه یکساعت بعد از ظهر ختم گردید و چون بعضی از آقایان اعضاء کمیسیون قصد مسافرت داشتند لذا جلسه آتیه بروز دوشنبه ۲۹ آبانماه سه ساعت قبل از ظهر موکول گردید.

نایب رئیس کمیسیون مخصوص نفت - گنجی

جلسه بیستم

بیستمین جلسه کمیسیون مخصوص نفت روز دو شنبه بیست و نهم آبانماه ۱۳۲۹ دو ساعت قبل از ظهر بریاست آقای کنجه ای نایب رئیس کمیسیون و اکثریت آقایان اعضاء بشرح زیر :

آقایان: کنجه ای - سر تیبزاده - حائری زاده - اللهیار صالح - مکی - ذوالفقاری - جمال امامی - بهبهانی - دکتر علوی - فرامرزی - دکتر کاسمی - پالیزی - دکتر شایگان - قشقائی تشکیل گردید. پس از قرائت صورت جلسه قبل و تصویب آن نامه ای که جناب آقای دکتر مصدق توسط جناب آقای حسین مکی برای کمیسیون فرستاده بودند بشرح زیر قرائت گردید :

« ۲۹ آبانماه ۱۳۲۹ توسط جناب آقای حسین مکی نماینده محترم مجلس شورای ملی خدمت حضرات آقایان محترم اعضاء کمیسیون خاص نفت، اینجانب چند روز است دچار کسالت شده و بهمین جهت از حضور در جلسه امروز محروم شدم چنانچه نسبت بجواب جناب آقای فروهر وزیر دارائی قائل بسکوت میشدم ممکن بود که حمل بر تصدیق شود لذا نظریات خود رانتهیه نموده و تمنا میکنم که در کمیسیون قرائت و در صورت مجلس وارد شود.

امیدوارم که در جلسه چهارشنبه بتوانم تشرّف حاصل کنم و تصمیمی که لازم است در مصالح مملکت اتخاذ شود.

دکتر محمد مصدق

سؤال اینجانب از جناب آقای فروهر وزیر دارائی

در جلسه ۴۰ آبان ماه ۱۳۲۹

قانون مهرماه ۱۳۲۶ دولت را مکلف کرده است که استیفای حقوق ملت ایران

را بکنند و چون دولت لایحه الحاقی را تأیید میکنند اینست که سؤال میکنم برای ۳۲ سال تمدید مدت که کلیه تأسیسات شرکت و تمام محصول نفتی متعلق بایران است و بطوریکه در جلسه علنی مجلس شورای ملی بعرض رسانیده ام لااقل در هر سال یکصد میلیون لیره حق مسلم ایران بواسطه تمدید مدت از بین خواهد رفت دولت برای استیفای حقوق ملت ایران چه تصمیمی اتخاذ کرده است و چنانچه لایحه الحاقیه تصویب شود این ضرر از چه طریق جبران میشود آیا غیر از الغای قرارداد که نظر مجلس این بوده است راه دیگری هست ؟

بیانات اینجانب در جلسه ۲۷ مهرماه ۱۳۲۹ مجلس شورای ملی

چنانچه حساب سال ۱۹۴۸ میلادی را که شرکت نفت بشرح ذیل منتشر

نموده است :

مالیات بر درآمد انگلیس	۲۸	میلیون لیره
سود صاحبان سهام	۷	»
حق الامتیاز دولت ایران	۱۰	»
وجه ذخیره	۱۷	»
استهلاکات	۱۷	»

جمع آن مساویست با ۷۹ میلیون لیره

ماخذ قرار دهیم نتیجه این میشود که بعد از دوازده سال دیگر مبلغ مزبور غیر از آنچه خرج استهلاکات بشود بملت ایران تعلق خواهد گرفت چنانچه نفتی را هم که اکنون بحریه انگلیس از شرکت بئمن بخش میبرد با بحریه دولت انگلیس یا با شرکت های حمل و نقل بقیمت حقیقی نفت معامله کنند شاید عایدات دولت ایران در سال

از یکصد میلیون لیره تجاوز نکند که مبلغ مزبور ده برابر مبلغی است که اکنون در این حساب برای حق امتیاز دولت ایران تعیین شده است.

جواب آقای فروهر وزیر دارائی در جلسه ۲۴ آبان ۱۳۳۹

در پاسخ سؤالی که جناب آقای دکتر مصدق راجع به تمدید مدت امتیاز و نظر دولت در باب استیفای حقوق ایران در مدت سی سال تمدید فرموده اند اشعار میگردد که سی سال تمدید مورد نظر ایشان از ده سال دیگر شروع میشود و بطوریکه استحضار دارند بموجب قرارداد ۱۹۳۳ و نه بموجب قرارداد الحاقی حقوق دولت ایران نسبت باین مدت یعنی سی سالی که از ده سال آینده بیعده مشخص میگردد معین نگردیده و نیز بموجب ماده ۱۱ امتیازنامه مقرر است که نسبت بمالیات مربوط باین دوره که بدون شك قسمت مهمی از درآمد دولت را تشکیل خواهد داد بعداً طرفین مذاکره و توافق نمایند بنا بر این حقوقی را که قرارداد الحاقی مشخص مینماید فقط مربوط است بمدتی که از امتیاز داری باقی مانده است و چون از فحوای بیانات جناب آقای دکتر مصدق چه در مجلس شورای ملی و چه در کمیسیون نفت اینطور استنباط گردیده که ایشان با قرارداد داری موافقت داشته و مخالفتشان فقط با تمدید مدت است با توضیحاتی که در بالا داده شد چون تکلیف حقوق دولت در مدت سی سال تمدید بایستی بعداً با توافق دولت و شرکت معین شود فعلاً آنچه که طبق نظریه ایشان بایستی مورد مقایسه قرار بگیرد همانا حقوق دولت ایران طبق قرارداد الحاقی و طبق امتیاز نامه داری است برای این موضوع اگر شصت میلیون لیره را که خود ایشان بعنوان درآمد ویژه شرکت تعیین نموده اند و اگر فرض کنیم بموجب امتیاز داری ۱۶ درصد درآمد ویژه کلیه شرکت های تابعه بایستی عاید دولت ایران گردد برخلاف تعبیری که شرکت از

امتیاز نامه نموده و معتقد بود که فقط در آمد عملیات شرکت در ایران بایستی عاید دولت گردد ۱۶ درصد شصت میلیون لیره ۹۶ میلیون لیره میشود و حال آنکه بموجب قرارداد الحاقی در آمد دولت ایران در حدود لاقبل سالی ۲۵ میلیون لیره میباشد و از اینجا واضح میگردد که تعقیب نظر ایشان یعنی رجعت بقرارداد داری چه زبان مالی هنگفتی برای دولت خواهد داشت صرف نظر از اینکه حدود امتیاز بیه برابر وسعت فعلی افزایش یافته و انحصار لوله کشی نیز برقرار میگردد بنا بر این واضح است که برای ده سال آینده که قرارداد داری بقوت خود باقی بوده و بهر حال طبق نظر جناب آقای دکتر مصدق شرکت حق استفاده از امتیاز خود دارد مقایسه بقراری است که در بالا بیان شد و نسبت بسی سال تمدید نیز فعلاً مقایسه مقدور نمیشود زیرا حقوق دولت ایران طبق امتیاز نامه موکول بموافقتی است که در آینده باید بشود ولی در این باب لازم است توضیح داده شود که ایشان معلوم نیست روی چه حسابی نفع آن مدت را سالی یکصد میلیون لیره حساب نموده اند زیرا اگر استخراج شرکت را در این مدت سالی سی میلیون تن فرض کنیم و اگر حداکثر سودی که از استخراج و فروش نفت خام حاصل میشود تنی یک لیره فرض کنیم حداکثر منافع استخراج ایران بالغ بر سی میلیون لیره میشود البته منافع شرکت فعلاً بیش از این مبلغ است و لسی یک قسمت مهم از این منافع اولاً در اثر مقدار مهمی نفت خام است که شرکت از عراق و کویت و غیره استخراج میکنند و ثانیاً منافع دستگاههای حمل و نقل و توزیع که در خارج از ایران و در کشورهای دیگر موجود است و بهمین جهت در اثر مذاکراتی که بعداً طبق ماده ۱۱ امتیاز نامه برای تعیین حقوق ایران بعمل خواهد آمد ترتیبی داده خواهد شد که مالیات ایران افزوده گردد و حقوق ایران را باسانی ترقی داد.

چنانچه جواب وزیرداری را تجزیه کنیم باین نتیجه میرسیم که اینجانب باید در هفت فقره اظهار نظر کنم :

۱- اینکه نوشته اند «حقوق دولت ایران نسبت باین مدت یعنی سی سالی که از ده سال آینده ببعده مشخص می گردد معین نگردیده» مربوط بسؤال من نیست و مربوط بماده ۱۱ قرارداد ۱۹۳۳ میباشد که راجع بمالیات و عوارضی است که میزان آن برای سی سال اول بطور متوسط در هر سال ۲۶۲۵۰۰ لیره تعیین شده که برطبق قرارداد تحمیلی ۱۹۳۳ در سال ۱۹۴۸ دولت از کمپانی ۲۶۲۵۰۰ لیره از بابت مالیات بردرآمد گرفته در صورتیکه در همان سال کمپانی از بابت مالیات بردرآمد بدولت انگلیس ۲۸ میلیون پرداخته است و برای سی سال دویم هم باید قبل از ۱۹۶۳ بین دولت و کمپانی توافق حاصل شود و آقای فروهر خواسته اند خود را بسؤال آشنا نکنند و جواب را بطفره بر گذار نمایند.

۲- مقایسه قرارداد ۱۹۳۳ با قرارداد داری و تعیین مزایایی برای امتیازداری دلیل موافقت اینجانب با قرارداد داری نیست اینجانب با هر دو مخالفم و بگانه راهی هم که ملت ایران را از ظلم و زور کوئی کمپانی خلاص کند اینست که صنعت نفت در تمام مملکت ملی اعلام شود.

۳- اینکه نوشته اند اجرای قرار داد ۱۹۳۳ از نظر حق الامتیاز برای دولت مفید تر است تا قرارداد داری قابل قبول نیست چنانچه عایدات سال ۱۹۴۸ را که خود شرکت منتشر نموده و کمتر از میزان واقعی است مأخذ قراردیم معلوم خواهد شد که اجرای قرارداد داری از نظر مالی برای دولت بمراتب مفیدتر است زیرا صرفنظر از سه درصدی که بخواتین بختیاری پرداخت میشده است دولت ایران برطبق قسمت

آخر فصل ۱۰ قرارداد داری ۱۶ درصد از عواید هر یک از شرکت های بهره برداری را میانبستی دریافت داشته باشد ولی طبق قرارداد ۱۹۳۳ فقط دولت ایران با شرکت نفت انگلیس و ایران که شرکت مادر است طرف بوده بنا براین ۱۶ درصد عواید شرکت نفت مادر را که اینجانب مینا قرار میدهم حد اقل عوایدی است که از بابت ۱۶ درصد های کلیه شرکت های بهره برداری عاید ایران می گردیده است و بنا براین ۱۶ درصد شصت و دو میلیون لیره عواید سال ۱۹۴۸ شرکت مادر که معادل ۱۰ میلیون لیره میشود بتنهائی از عایدات دولت ایران در سال ۱۹۴۸ و بر اساس قرارداد ۱۹۳۳ بیشتر میباشد و بعلاوه طبق فصل هفتم قرارداد داری که ضمن ماده ۲۳ قرارداد ۱۹۳۳ نیز بصورتی که مورد قبول شرکت هم بوده است تفسیر شده شرکت نفت و سایر شرکتهای بهره برداری از پرداخت مالیات بر درآمد معاف نبوده و فعلاً که بیلان سایر شرکتهای در دسترس نیست اینجانب فقط میزان بدهی شرکت نفت تنها در سال ۱۹۴۸ و بر اساس قرارداد داری و نرخ مالیاتی فعلی را که ۵۰ درصد است منظور می نمایم و بنا براین تفصیل طبق بیلان شرکت که مورد قبول ملت ایران نیست شرکت نفت در سال ۱۹۴۸ میانست ۳۱ میلیون لیره مالیات بدولت ایران پرداخته باشد.

بنابر این جمع عایدی دولت ایران طبق قرارداد داری در اساس بیلان ۱۹۴۸ خود شرکت و نرخ مالیاتی فعلی به ۴۱ میلیون لیره بالغ میشود و حال آنکه طبق قرارداد ۱۹۳۳ در همین سال عایدی ایران از همه بابت ۱۰ میلیون لیره شده و طبق قرارداد الحاقی برخلاف ۲۵ میلیون لیره ای که آقای وزیر داری ضمن پاسخ اظهار داشته اند در حدود ۱۹ میلیون لیره میشود بشرح زیر :

۱- طبق قرارداد ۱۹۳۳ و قلمدادی خود کمپانی ۱۰ میلیون لیره

۲ - بابت حق دولت ایران در ذخائر بر طبق قرارداد ۱۹۳۳ و تفسیر شرکت ۵۸۰ میلیون لیره

۳ - بابت اضافه مالیات و اضافه حق الامتياز بر طبق قرارداد الحاقی ۲۹۹ میلیون لیره

۱۸۰۷ میلیون لیره

بنابراین از نصف دریافتی ایران بر طبق قرارداد داری هم کمتر است.

۴ - چنانکه ملاحظه شد عواید دولت ایران بر اساس قرارداد داری و برای یکسال مالی بسال ۱۹۴۸ چهار برابر عواید دولت طبق قرارداد ۱۹۳۳ و دو برابر درونیم عواید دولت بر اساس قرارداد الحاقی که دولت فعلی ما میخواهد بهر قیمت شده آن را از تصویب مجلس بگذراند میشده است.

بعلاوه از نظر تمدید مدت هم قرارداد ۱۹۳۳ به مراتب زیان بخش تر است زیرا در انقضای مدت قرارداد داری تمام ائینه و مؤسسات شرکت بدولت ایران تعلق میگرفته است در سورتی که طبق قرارداد ۱۹۳۳ و قرارداد الحاقی این مایملک برای مدت ۳۲ سال بلاعوض بشرکت واگذار شده است.

اما نسبت بحوزه امتیازی که وزیرداری محدودیت آن را تذکر داده اند بایستی متوجه بود که شرکت علاوه بر اینکه از سال ۱۹۰۱ تا ۱۹۳۳ یعنی مدت ۳۲ سالی که برای شناسائی منابع واقعی نفت درحوزه امتیازی وقت داشته طبق ماده ۲ قرارداد ۱۹۳۳ هم ۸ سال برای انتخاب صد هزار میل مربع حوزه امتیازی قطعی وقت داشته و بنا بر این بدون کمترین تردیدی بهترین منابع را گلیچین کرده است. چنانچه سر ویلیام فریزر رئیس سابق شرکت نفت در مجمع عمومی صاحبان سهام محدود شدن

حوزه امتیازی را بهیچوجه قابل توجه نشناخته وبصاحبان سهام اطمینان داده است که منابع اصلی و حقیقی نفت ایران همچنان در امتیاز شرکت نفت باقی مانده است.

۵ - اما راجع به لغو انحصار لوله کشی که بعنوان اولویت قرارداد ۱۹۳۳ تذکر داده اند باید دانست که بواسطه اعمال نفوذ های شرکت نفت تا کنون ملت نتوانسته است بقیه منابع نفتی خود را مورد استفاده قرار دهد و بعید بنظر میرسد که با ادامه برقراری شرکت نفت در ایران دولت و ملت ایران بتوانند از این اولویت استفاده ای ببرند.

بعلاوه نظر بتعهداتی که دولت ایران بعهد گرفته است منبع نفتی که فعلاً برای بهره برداری مقدم خواهد بود منابع نفتی است که بتوان محصول آنرا بمصرف داخلی رسانیده و در باصرفه ترین شرایط بشوروی صادر نمود و قرارداد داری مانعی برای استفاده نبوده است.

۶ - واما راجع باینکه آقای وزیرداری نوشته اند: «اگر استخراج شرکت را (که قاعدتاً منظور ایشان از ۱۹۶۱ تا ۱۹۹۳ میباشد) در آمدت سالی ۳۰ میلیون تن فرض کنیم و اگر حداکثر سودی که از استخراج و فروش نفت خام حاصل میشود تنی یک لیره فرض نماییم حداکثر منافع استخراج ایران بالغ بر سی میلیون لیره میشود» بایستی متذکر شد که معلوم نیست بچه علت عایدات و استفاده از هر تن را یک لیره گرفته اند و حال آنکه در بیان ۱۹۴۸ که مبنای بحث ما است شرکت نفت از هر تن در حدود سه لیره استفاده برده است زیرا پس از ۱۷ میلیون لیره استهلاکات عواید واقعی شرکت ۷۲ میلیون لیره بجای ۶۲ میلیون ادعائی شرکت بوده است و چون این منافع از فروش ۲۳۰۵ میلیون تن نفت بدست آمده است بنابراین استفاده از هر تن ۶۱ شیلینگ یعنی بیش از سه لیره شده است. حال اگر در این شرایط و بر اساس میزان استخراج سال جاری (۳۳ میلیون تن) عایدات دولت ایران را از منافع نفتی خود حساب کنیم

عایدات دولت سالانه ۱۰۰ میلیون لیره خواهد گردید. بایستی متوجه بود که محاسبه بالا بر اساس نسی سه لیره صورت گرفته است و مربوط بسال ۱۹۴۸ میباشد که هنوز لیره تنزل نیافته بود در صورتی که تنزل نرخ لیره را نیز منظور نمائیم همین عایدات بجای یکصد میلیون بالغ بر ۱۵۰ میلیون لیره تنزل یافته امروز میشود.

۷- اما نسبت با آنچه در انتهای نامه جوایبه خود بشرح زیر: «یک قسمت مهم از این منافع اولاً در اثر مقدار مهمی نفت خام است که شرکت از عراق و کویت و غیره استخراج میکند و ثانیاً منافع دستگاههای حمل و نقل و توزیع که در خارج از ایران در کشورهای دیگر موجود است» نوشته اند بایستی متذکر گردم که شرکت نفت طبق بیلان ۱۹۴۸ در حدود ۲۸ میلیون لیره در شرکتهای تابعه و متحده خود سهام داشته و از این بابت فقط در حدود دو میلیون لیره طبق همان بیلان استفاده برده است و این مبلغ از ۷ درصد مبلغ بکار افتاده که کلاً متعلق بمنابع نفتی ایران است تجاوز نموده و بفرض اینکه تمام این مبلغ که حقیقاً حق دولت ایران در آن سهم است از عایدات شرکت کسر شود باز هم عایدات شرکت بجای ۶۲ میلیون لیره ادعائی شرکت نفت فقط به ۶۰ میلیون لیره تنزل مییابد و بنابراین نقصان محسوسی حاصل نمیکند برای مثال بایستی متذکر گردم که شرکت بر بنیث تنگتر که شرکت حمل و نقل دریائی نفت ایران است و تمام سرمایه آن متعلق بشرکت میباشد در سال ۱۹۴۹ در حدود ۱۰ میلیون لیره حد اقل استفاده برده و از تمام این مبلغ فقط ۲۴۰ هزار لیره بشرکت مادر یعنی شرکت نفت سود داده است و حال آنکه ۴ میلیون لیره از پول حاصله نفت ما در این شرکت بکار افتاده است

آقای امامی اظهار داشتند: تقاضا میکنم آقایان این عریض مرا توجه بفرمائید

و مطمئن باشند نظری بشخص یا اشخاص خاص ندارم. بدبختانه هر چه ما پیش میرویم من نسبت بمقدرات این ملت نا امید تر میشوم، تصدیق میفرمائید اشخاصی که بزرگان قوم هستند و داعیه هدایت یک قومی را دارند اگر بنا بشود فاقد بدوی ترین صفات تقوی و اخلاق باشند این ملت نمیتواند از آنها امیدواری داشته باشد در جلساتی که اول ما داشتیم همه امیدوار بودیم که در این کمیسیون بایک روح صمیمانه ای کار را از پیش ببریم و بیک نتیجه نهائی برسیم البته اختلاف نظر هائی بود ولی همه امیدواری داشتیم که این اختلاف نظر ها از بین میروند و با اگر باقی بود بین خودمان بود در بین مردم منتشر نمیشد. در چندین جلسه هم این موضوع صحبت شد و تقاضا گردید که مذاکرات کمیسیون از کمیسیون خارج نشود، چون ما میدانیم در این مملکت دستجات و سیاستهای مختلف با هم مبارزه دارند و اگر بنا بشود امور حیاتی مابین این سیاستها بیفتد نتیجه ای گرفته نمیشود ولی بدبختانه با تمام تعهداتی که ما کردیم نه تنها مذاکرات کمیسیون در خارج منتشر شده بلکه قلب هم شده است چون اگر صحیح منتشر میشد کار بدی بود برای اینکه تعهد کرده بودند که منتشر نشود بنده یک روزنامه ای دارم که مذاکرات کمیسیون آنهائی که بنظر بنده یا دیگران نافع نبوده نوشته و مذاکرات و اظهارات ما و دیگران را قلب کرده اند. روزنامه های داد، باختر امروز و شاهد، داربا و چند روزنامه دیگری راجع بمذاکرات کمیسیون یک مطالبی نوشته اند. جلسه گذشته اعتراض شدید بدولت داشتیم که در صورت جلسه هست و آقایانی که تشریف نداشتند ممکن است بصورت جلسه مراجعه بفرمایند که من بدولت چه گفتم خلاصه اظهارات بنده بادولت این بود که هر بچه ای میفهمد که این لایحه الحاقی تأمین منافع ما را نمیکند یعنی ایده آل ما

نیست و دلیل روشنش اینست که نخست وزیر آمد اینجا و گفت از روز اولی که من زمامدار شده‌ام با شرکت وارد مذاکره شدم، پس خود آقای نخست وزیر و دولت قائل است که این لایحه چنانکه باید و شاید منافع ما را تأمین نمیکند اگر چنین است دولت باید دلیلش را بگوید که بچه عنوان قبول میکند که دفاع بکنند من این را بدولت گفتم تو باید بیانی این را بما بگوئی که این لایحه‌ای که خودت میگوئی منافع ما را تأمین نمیکند بچه دلیل میآئی قبول میکنی، حالا این روزنامه‌ها یکی نوشته که جمال امامی بدولت گفت بگذار من دفاع بکنم، باختر و شاهد نوشته‌اند که جمال امامی بدولت تلقین کرده است.

اگر بنا بشود که ما برویم این مبارزه را در خیابان بکنیم که اینجا چرا نشسته‌ایم ولی اگر این مبارزه سیاسی بین خودمان بخواهیم قرار بدهیم که چه مانعی دارد مجلس که هست و مبارزه میکنیم.

در هر صورت بنسده تصمیم دارم اگر جریان کمیسیون باین نحو باشد چون مطمئن هستم که بنفع مملکت تمام نخواهد شد در کمیسیون حضور پیدا نخواهم کرد ما نیامدیم اینجا بشینیم که از گفته‌های خودمان سوء استفاده بکنیم، يك عده از آقایان هستند بظاهر يك عقیده‌ای دارند بنده هم شخصاً يك عقیده‌ای دارم این روزنامه‌ها می‌نویسند که اکثریت يك جلساتی تشکیل داده‌اند که بنده هم جزء آنها بوده‌ام نوشته‌اند در منزل آقای محسن رئیس راجع بنفت ما نشسته‌ایم قضیه را حل کردیم، آقایان بوجدان‌شان قسم میدهم که من در آن جلسات نبوده‌ام و منزل آقای محسن رئیس را اصلاً من بلد نیستم، من نمیدانم این اتهامات بکجا میکشد دیگران خیال میکنند که آقایان لالند ولی من نمیخواهم بگویم ما باید ابداً در مقابل خارجی‌ها تظاهر باختلاف نکنیم و نشان بدهیم که اتحاد داریم باید نگوئیم که ما در مقابل شما هم

باهم اختلاف نظر داریم، ما اعضاء يك خانواده هستیم، و البته اگر من بدانم که خدای نکرده یکسفر ایرانی رفته باشد و با آنها ساخته باشد این را من تظاهرش نمیکتم برای اینکه بنفع آنها است، من نمیدانم یعنی چه که بگویند کمیسیون آمده تشسته اینجا و پول از شرکت نفت گرفته!!

من از روز اول در مجلس گفتم باین لایحه رأی نمیدهم دیگر این حرف‌ها چه هست من که این عقیده را دارم دیگر دلیل نداد که اگر با عمر و یازید اختلاف نظر داشته باشم بمن فحش بدهند، این عاقبت مملکت چه میشود شما رهبران قوم هستید ما با هم تعهد کردیم که گزارشات کمیسیون را بخارج ندهیم من عقیده‌ام اینست که در این مملکت کسی نیست که عالماً و عامداً به مملکتش خیانت بکند، دولتی است میگوید من تعهد کردم که از این لایحه دفاع بکنم این باید بیاید دفاع بکنند، دولت میگوید من میخواهم سیاست توازن را حفظ بکنم و مفهومش اینست که بروسها چیزی داده‌ایم و باید بانگلیسیها هم بدهیم من اینطور می‌فهمم، آخر اینهم شد دفاع! من بدولت میگویم که باید بیانی دلالت را بگوئی این را می‌گویند چرا تو تلقین کرده‌ای، بنده استدعا میکنم اگر نظر خاصی در قضیه نیست و نظر حل قضیه هست باین ترتیب تفسیر و تعبیر نفرمایند اگر من با این لایحه موافق بودم باکی نداشتم و دفاع می‌کردم، من که ملزم نیستم با هر کسی که يك اظهاری میکند موافق باشم، من که ملزم نیستم بگویم بالفوا امتیاز موافقم ولی نباید اینرا تفسیر کرد که من میخواهم این لایحه بگذرد، بنده انتظار دارم که آقایان این روش را ترك بکنند و اگر ترك نکنند من شخصاً در کمیسیون حاضر نخواهم شد چون مطمئن هستم هم نتیجه نمیرسیم و هم این تهمت‌ها رو بفرزونی میرود و هیچکدام از شما ها آزاد نخواهید بود که

اظهار عقیده بکنید و شرکت نفت هم حاضر نیست این قضیه بجائی برسد .
آقای حائری زاده بیان داشتند : بنده وارد این بحث نمیخواستم بشوم ولی فرمایش جناب آقای امامی مرا مجبور کرد که بیشتر حرف بزنم از اینکه محیط محیط سوءظن و بدبینی هست در این تردیدی نیست و اینهم از برکت این برامکه است و سرچشمه اش همین انگلستان و کمپانی نفت است ، بنده عقیده ندارم که يك نفر ایرانی حاضر باشد که بنفع کمپانی نفت قدمی بردارد و حرفی بزند و هیچکس بیخودی نمیخواهد خیانت بکند این چیزی است که حقوق مملکت را ازین میبرد و ممکن است يك چند نفری باشند که مخلوق انگلیس باشند و اینها ممکن است خائن باشند و الا جامعه را من نمیتوانم باور کنم که يك ایرانی باشد که منافع مملکتش را در نظر نداشته باشد ، البته ضعف و بیچارگی یا بسکوت مجبورشان میکند یا اینست که بظفره و تعلل میخواهند زیر بار نروند . ما بیشتر ساعات کارمان را در این کمیسیون بمشاجره گذرانیدیم .
 من با اینکه از مخالفین دولت هستم سعی نکردم که گردن دولت بگذارم بگویم تو میانجی باش در صورتیکه ایران باید يك رجال قوی الاراده ای در رأس کارهایش باشد و در برابر انگلستان بایستد و حقوق حقه اش را بگیرد در مصر ملك فاروق ایستاد و مبارزه کرد که قشوتان را ببرید بیرون ، در صورتی که این موقعیتی که ایران دارد و میتواند در برابر سیاست خارجی اعمال قدرت بکند این موقعیت را مصر ندارد ما اگر رجال کافی و لایق داشته باشیم از همه میتوانیم باج بگیریم نه اینکه همه توی سرمان بزنند ، استدعای من این بود که هر چه بحث کردیم بس است امروز هم قرار بود در غیاب دولت بنشینیم و تصمیم بگیریم و حالا هم در حدود ۱۴ ، ۱۵ نفر حاضر هستند و یکی دو نفر غیبت دارند که چند نفرشان کسالت دارند ، من معتقد هستم که

این مسئله يك مسئله ای نیست که ما بگوئیم مطالعه نکردیم از مضار و معایب این کار همه روشن هستیم بنده که اطلاعی از رقم و حساب آن ندارم بطور کلی میدانم که این کمپانی يك خطر عظیمی است که هر چه زودتر دفع شر بکنیم بنفع ایران است و پیشنهاد میکنم که آقایان فرد فرد پیشنهاد بکنند که چه جور از مجلس بیرونش بکنیم که دولت بروود منافع ایران را بیشتر تأمین بکند رفقائی که در فراکسیون وطن هستند عقیده دارند که این کمپانی غیر از خسارت و زحمت برای ایران فایده دیگری نداشته و این قرارداد که فرع قرارداد ۱۹۳۳ است و قرارداد ۱۹۳۳ کان لم یکن است و باید دولت و ملت ایران برای استفاده از منابع خودش آن را ملی بکند . این نظری است که ما گفتیم آقایان دیگر هم نظر خودشان را هر چه زودتر بدهند و بعد آقایان رئیس و منشی و مخیر بنشینند و این پیشنهاد ها را باهم تلفیق بکنند و يك گزارشی به مجلس داده بشود زیرا هر چه بیشتر طول بکشد بضرر ما هست فلان روز نامه هم که خبر ثبت اسنادی بآن نداده اند ، محیط که متشنج شد اتصالاً این حرفها پیش میآید و باید هر چه زودتر تصمیم قطعی بنفع ملت ایران گرفته بشود .
آقای مکی اظهار داشتند : بیانات جناب آقای امامی و ادار کرد که بحث مفصل تری بکنم که هر کس بداند وظیفه اش چه هست ما همه قصد مان اینست که میخواهیم منافع ملت ایران را تأمین بکنیم بنده بارها عرض کردم این اسناد و دلایلی که در پرونده نفت هست باید اینها منتشر بشود تا مردم بدانند و از جریان روشن بشوند ، اینها مال مردم است ما که نمیخواهیم ملت ایران را غافلگیر بکنیم و يك روز هم این لایحه الحاقیه را بیاوریم و بگوئیم بدون يك واو پس و پیش تصویب بکنیم . بنده از نامه خصوصی آقای سفیر انگلیس بر رئیس الوزرای سابق اینجا اظهار

اطلاع کردم این مطالبی که در پرونده نفت هست بعقیده من باید دنیا اطلاع پیدا بکنند، البته اگر در بیان جناب آقای امامی قلب شده کار بدی کرده اند و بردارید بنویسید که اینطور نبوده است، باید بخود روزنامه ها توضیح بدهید و انگهی از کجا معلوم است که میگویند يك جلسه ای بوده است آنها میگویند ما يك کار دلمی تشکیل داده ایم برای اینکه بینیم اعضاء کمیسیون نفت کجا میروند، چه کار میکنند و مراقب اعمال آنها هستیم البته آقای امامی در آن جلسه نبوده اند پس اینها يك چیزهایی است که مربوط باعضاء کمیسیون نیست ولی بعقیده بنده چه داعی دارد جناب آقای امامی بنده اگر اینقدر نفوذ داشتم که میتوانستم استدعا بکنم که خبرین جراید بیابند اینجا و این اخبار را ببرند بیرون ما که صحبت محرمانه ای نداشتیم چرا ملت ایران نفهمد که حق مسلمش چیست، عقیده بنده اینست عین این صورت جلساتی که در اینجا نوشته میشود این را بعنوان يك کتاب سبز یا آبی یا سیاه منتشر بکنند که ملت ایران بفهمد که آقایان محترم عقیده شان راجع بنفت چه بوده است و انگهی در همین جا اولین جلسه ای که آقای نخست وزیر آمد گفت ما از مدافعانی که نمایندگان اقلیت و سایر آقایان در مجلس کردند نهایت استفاده را خواهیم کرد، هر قدر این فشارها و با فشاری بیشتر بشود من بیشتر میتوانم در مقابل آنها استفاده بکنم حالا میفرمائید اگر این قبیل اخبار در جراید منتشر بشود و بگویند کمیسیون نفت بما فشار آوردند خیال میکنید بر قدرت دولت افزوده نمیشود، بنده يك مثالی در کمیسیون زدم و گفتم يك کوسه بایک ریشداری باهم دعواشان شد ریشدار آمد ریش کوسه را بگیرد و کوسه گفت خوب یادم آوردی و حالا شما بدولت میگوئید که بیا بگو محظور سیاسی داریم و آقای عامری هم تأیید کردند که دولت باید بگوید من محظور سیاسی دارم، دولت هم گفت که من

محظور سیاسی ندارم. حالا اگر يك سوء تفاهمی شده و روزنامه ها يك چیزهایی نوشته اند مطمئن باشید اگر روزی که شما رأیتان را دادید اگر که هزار روزنامه هم بشما نسبت بد بدهند شما عملاً با يك رأی تصحیح کرده اید، ما اگر استیفای حقوق ایران را بکنیم این مسلماً نتایج و عوایدش متوجه نسل آینده ما خواهد شد اگر بکروز این اسناد منتشر بشود میگویند که آقای امامی اینطور رأی داد و این بر آبرو و حیثیت شما و خانواده شما اضافه میکند، بعقیده من اگر يك کمیسیون دقیقی داشتیم هر روز عصر این صورت مذاکرات را میداد بیرون و میگفت این مذاکرات در باب نفت و استیفای حقوق ملت ایران شده است حالا هم من اجازه میگیرم از کمیسیون و اسناد مهم نفت را منتشر میکنم برای اینکه این مربوط بایران است و دنیا باید بداند و بفهمد که بایک ملت ضعیف ۱۵ میلیونی چه جور معامله میکنند. ضمناً بنده پیشنهاد کردم که من حاضرم از حقوق خودم صرف نظر کنم و ۲۰ نفر از این کارگران لخت و برهنه و مریض این شرکت را بفرستند بامریکا و انگلیس و بگویند که اینها کارگران شرکت نفت هستند، بعقیده بنده این مطالب قابل انکار نیست و پرده دوشی نباید کرده این خبر سؤال آقای دکتر مصدق که آقای وزیر دارائی هم پاسخ داده بودند این را از طرف دولت پروزنامه های خودشان داده بودند و نوشته بودند که دکتر مصدق با امتیاز داری موافق است پس بنا بر این مطالب را خود دولت میدهد پروزنامه های طرفدار خودش و ما اطلاع داریم که دولت آنها را خواسته در نخست وزیری و این اخبار را داده است که آقای دکتر مصدق مجبور شدند این جواب را که قرائت شد بدهند بنا بر این خود دولت اخبار را جعل میکنند و علاوه بر این این

آقایانی که می‌بند اینجا البته و کیل هستند و آزادند و ممکن است بسلیقه خودشان اخباری داده باشند.

آقای فراهرزی بیان داشتند: اینجا يك صحبت‌هایی شد که حالا شاید هم لزومی نداشته باشد ولی البته زمینه را برای بعد روشن‌تر میکند، یکجا آقای امامی گفتند ما بنسبجه نهائی نمیرسیم، این نتیجه نهائی چه هست؟ اگر موضوع این قرارداد الحاقی است بعضیها بنظر خودشان باین نتیجه رسیده اند یعنی معتقدند که این منافع ایران را تأمین نمیکند، این چند روزی هم که من مریض بودم این موضوع را مطالعه میکردم و تعجب کردم که چرا دولت اینکار میکند، دیدم این قدری که دولت میگوید از این قرارداد عاید مامیشود اینقدر نمیشود و اینقدر که دولت میگوید شرکت عایدات میرسد بنظر صحیح نمیآید اینها رقم سازی است مثلاً در همین جمله‌ای که ایشان گفتند در سال ۲۶ عایدی شرکت نفت بعد از وضع قیمت اشیائی که از خارج خریده ۸۰ میلیون لیره بوده است (آقای جمال امامی گفتند: ۷۹ میلیون لیره بوده ۱۷ میلیون بهره برداری حساب کرده و ۶۲ میلیون حساب کردند) باین دولت باید گفت آقا ما را گول نزنید، هر وکیلی که حوصله و وقت مطالعه کردن يك حساب و ارقامی که ندارد در همه جای دنیا همینطور است و کلاه که در هر کاری که متخصص نیستند و اعتماد بدولتها دارند و معتقدند که دولتها خیانت نمیکند، من وقتی دیدم دولت میخواهد مرا گول بزند، دروغی بمن يك حرف‌هایی بزند که از من رأی بگیرد پس خیانت چه هست. این خیانت نیست که بنفع يك شرکت خارجی و یا دولت خارجی آن وزیر برای من که حساب بلد نیستم میآید دروغ میگوید که رأی بگیرد پس این عمل خیانت است منتها خودش نمیفهمد، من عقیده ام اینست که دولت باید

میانجی باشد (آقای حائری زاده گفتند: من خیلی تنزل کردم باید پیشقدم باشد) دولت باید مسئولیت لایحه را بگردن بگیرد، دولتی که میداند و میگوید اگر تورد کردی من میروم مذاکره میکنم این خیلی بد است، اینکه فرمودید چرا دولتها اقدام نمیکند این موقعیت ماحقیقتاً بما اجازه میدهد که تمام حقوقمان را استیفاء بکنیم، باین موقعیت ما میتوانیم خیلی بیش از اینها منافعمان را تأمین بکنیم خصوصاً خود انگلیس علاقه دارد که يك صورتی درست بشود و يك چیزی بما بدهد که دهن ما و دهن دنیا را ببندد و ما قانع بشویم که باهم کنار آمدیم و قتیکه میخواهد بدهد اگر مجلس و دولت وطن پرستی باشد و شنش صندلی و دوسال و کالتش نباشد باین وضعی که ما و بامیلی که آنها دارند خیلی بیش از این میشود منافع ما را تأمین نمایند، الان باین قرارداد بعقیده من هیچ چیز عاید ما نمیشود یعنی يك صورت ظاهری است اما يك حقیقتی هست و آن اینست که ما ادعای يك مطالباتی از شرکت داریم که با تصویب این قرارداد آن دعوی از بین میرود. اگر يك محکمه‌ای در لیبیا یا لاهه تشکیل بشود هر دو محکمه مسلماً بما حق میدهند. مطالباتی که ما بابت سالهای گذشته داریم و حق ما است خیلی بیش از این میشود که آلان با تصویب این لایحه عاید مامیشود، البته من مثل آقایان نمیگویم که باید امتیاز لغو بشود تازه لغو هم بشود چکارش میکنیم نمیتوانیم اداره‌اش بکنیم، اما در خود قرارداد مواردی هست برای فشار آوردن بآنها که اگر ندادند ما لغو خواهیم کرد و میتوانیم از آن استفاده بکنیم، در قرارداد ماده‌ای هست که طرفین متعاهدین نوشته شده و آنها تعهدشان را انجام نداده‌اند و وقتی یکطرف تعهدش را انجام نداد لغو آن آسان است (آقای ذوالفقاری گفتند: ماده اول قرارداد الحاقی خودش سند است.) يك مطالب واضح و آشکاری هست که دولت میتواند روی اینها فشار بیاورد. جناب

آقای حائری زاده که فرمودند ملی بشود باید دید این عملی هست یا نیست باید دید که چگونه میشود درست کرد که در محظور نیقیم (آقای ناصر ذوالفقاری گفتند: این کمیسیون صلاحیت این کار را ندارد) و اما راجع بمذاکرات کمیسیون هیچ شکی نیست که باید کمیسیون مذاکراتش مخفی باشد برای اینکه آدم باید آزاد باشد در بیان و عقیده اش وقتی که دید عصر که میروید بیرون فحش میدهند این سلب آزادی از او شده شاید یک کسی دید که صد در صد باید از آن دفاع بکنند این باید آزادی داشته باشد که حرف هایش را بزند البته بعد از آنکه مقتضی شد البته در تمام دنیا اسناد را منتشر میکنند بصورت یک کتاب و الا در موقع عمل بقدری این قبیل امور را مخفی نگاه میدارند که در انگلستان یک کسی بود و سمت معاون حزب کارگر و وزیر مالیه بود قبل از اینکه بودجه مملکتی را بدهد بمجلس علنی یک رقمش را بیکی از دوستانش که وکیل مجلس بود گفت و این البته خیلی در وضع اقتصادی مؤثر بود وقتی که فهمیدند این آدم را هم از کابینه و هم از حزب کارگر بیرونش کردند و حالا هم هنوز خانه نشین است، مذاکرات کمیسیون هم بعقیده من قطعاً باید مخفی باشد تا خاتمه کار و اما راجع بمحظور سیاسی که بتازگی درست شده ما که اینجا نشسته ایم باید ببینیم بنفع و یا بضرر ماست ما نباید فکر بکنیم که محظور سیاسی در کار هست یا نیست برای اینکه بنده و شما را مرعوب میکنند این راه را نباید باز بکنیم امروز روزی نیست که هیچ دولتی بتواند بازور از یک دولتی امتیاز بگیرد، هیچ محظور سیاسی نیست و بعقیده من محظور سیاسی در موقعی که ما تسلیم بشویم بیشتر هست تا اینکه ما حقوقمان را حفظ بکنیم.

آقای امامی متذکر شدند: عرایضی که میخواستم بکنم آقای فرامرزی

فرمودند راجع بعمل کمیسیون هیچ جای دنیا در این قبیل مسائل تا قضایا بمرحله نهائی نرسیده آنرا در افکار عامه نمیکذارند برای اینکه اصل قضیه را بخدوش میکنند ما اینجا نشسته ایم بین خودمان چنین صلاح دیدیم که مذاکرات کمیسیون خارج نشود این را قبول کردیم و تعهد کردیم و مصلحت اینطور دیدیم بعد از این تعهد دیگر شایسته نبود که حرف های همدیگر را در خارج بگوئیم، اگر حالا هم کمیسیون قضیه اش افشاء بشود بنده نمیآیم در کمیسیون، قضیه هم حالا افشاء شده و در دست مردم افتاده و گمان نمیکنم که شما بتوانید دیگر آزادانه اینجا رأی بدهید و از این اختلاف نظر هم حتماً بدانید که شرکت استفاده خواهد کرد (آقای حائری زاده گفتند: اگر وحدت داشته باشیم چه اختلاف نظری است) اول وحدت بود ولی حالا بنده استنباط میکنم که این وحدت در کمیسیون نیست همانطور که گفتند ممکن است خائن در این مملکت نباشد ولی ضعیف النفس بسیار است، یکماه پیش، هیچکس در این کمیسیون تردیدی نداشت که این لایحه بگذرد ولی الآن دولت امیدوار شده است این برای این بوده است که ما خودمان این اختلاف را در خارج متظاهر شده ایم. من میخواستم که دولت را بیاورم آنکاره بکنم، بنده برای پیشرفت عرایض خودم مایل نیستم این قضیه بمیل دولت بگذرد ولی استنباط بنده اینست که الآن انگلیسها امیدوار تر از یکماه پیش هستند ما یکماه پیش اتحادمان بیشتر از حالا بود.

آقای سرتیب زاده اظهار داشتند: ما خودمان را از هر حیت آزاد می دانیم ولی باز آزادی دیگران توجهی نمی کنیم، اینجا من آزادم هر چه نظرم میرسد بگویم روز نامه ها هر چه میخواهند بنویسند من آزادی خودم را از دست نمیدهم اگر ما عقیده داشته باشیم که این لایحه منافع ما را تأمین نمی کند که دیگر اختلافی در بین نیست و هیچ تردیدی نیست و گمان نمیکنم که اینجا اختلاف باشد و این موضوع

بستگی بحیات مملکت دارد اینجا اگر خوب اداره بشود صد درصد بمنافع ایران است و اگر انحرافی بشود بضرر ایران است، مثلاً آقای مکی میفرمایند ما پنج نفر يك عقیده‌ای گرفته‌ایم و باید صد درصد همه تابع باشند (آقای مکی گفتند: چه وقت بنده این عرض را کردم) مثلاً عرض کردم و اگر اینطور باشد نسبت با آزادی و عقیده سایرین توجهی نمیشود، اینجا همه می‌آیند و وقتی محرمانه میشود که اینجا سرّی باشد من عقیده‌ام اینست که آن حقی که برای خودمان قائل هستیم برای دیگران هم قائل بشویم و قول قطعی میدهم که هیچ اختلافی پیدا نشود همه میخواهند که به نفع ایران این قضیه تمام بشود. زیرا همه میدانند که این کارگران ایرانی بدبخت در این شرکت چه جور عمر خودشان را صرف میکنند ماهی نیست ۱۰، ۱۵ نفر از اینها تلف نشوند دولت باید بیاید حق آنها را بگیرد.

آقای بهبهانی تذکر دادند: آقای حائری زاده اظهار فرمودند که ماعقیده خودمان را گرفته‌ایم که این نفت ملی بشود میخواستم عرض کنم بنظر من این طریق مشاوره در کمیسیون نیست، ما هنوز در اصل موضوع باهم صحبت نکرده‌ایم اگر باید در کمیسیون يك مذاکرانی بکنیم باید یکی یکی اظهار عقیده بکنیم و ادله اش را هم بگوئیم و بعد يك نتیجه‌ای بگیریم مقصود همه این است که این قرارداد تأمین منافع ما را نمیکند این را همه موافق بودند ولی بایستی تصدیق کرد که این قرارداد الحاقی فرع بر این است که این قرارداد ۱۹۳۳ را تصدیق کنیم در صورتیکه بنده عقیده‌ام اینست که قرارداد ۱۹۳۳ از روی اختیار تصویب نشده مگر اینکه آقایان بنده را قانع بکنند که این قرارداد ۱۹۳۳ صحیح بوده آنوقت در باب قرارداد الحاقی مذاکره بکنیم و هنوز این مذاکرات نشده است. آقای دکتر مصدق هم امروز بواسطه کسالت

عذر خواسته‌اند و مذاکره را برای روز چهارشنبه گذاشته‌اند بنده عقیده‌ام اینست که روز چهارشنبه غیر از آقایان اعضاء کمیسیون کسی نیاید اینجا تا ما مطالبان را بگوئیم و خوب است امروز جلسه را ختم بکنیم و جلسه دیگر بنشینیم یکی یکی با حضور آقای مصدق السلطنه مذاکره بکنیم.

آقای دکتر کاسمی اظهار داشتند: از بیاناتی که آقایان فرمودند من خودم را کوچکترین و تازه‌ترین افراد این کمیسیون میدانم البته آقایان دیگری هستند که از هر حیث روشن‌تر و واردتر هستند ولی خدا را شاهد میگیرم همانطور که آقای سرتیب زاده گفتند همه آقایان اینطورند بنده هم همینطور هستم آقای دکتر علوی آن روز گفتند که ما جز منافع مملکت نظر دیگری نداریم و در ابتداء هم اگر ما روشن نبودیم ولی الآن سه ماه نشستیم و مطالعه و بحث کرده‌ایم و از جریان مطلع شده‌ایم، بنده منظور عرضم این بود که مطالعات ما تا کنون راجع به روشن شدن موضوع بود و هنوز داخل در مشاوره نشده‌ایم این بیانی که جناب آقای حائری زاده فرمودند برای ما يك اشکال بزرگی ایجاد میکند بنده عقیده‌ام اینست هر تصمیمی که در این کمیسیون گرفته میشود هر چقدر اتفاق آراء بیشتر باشد بفتح مملکت است، موضوع دیگر اینست که افراد نمایندگان مجلس بآن اندازه‌ای که الان ما روشن هستیم آنها روشن نیستند و ثانیاً موضوع نفت يك انعکسی در خارج از مجلس دارد و مردم همه که از جریان کار نفت و حساب و ارقام و اعداد آن که مطلع نیستند و اینها بطور کلی میگویند الغاء بشود بفتح مملکت است، آقایانی که حقیقتاً بیشتر با افکار عمومی تماس دارند اگر بخواهند تصمیم يك طرفه بگیرند و ماها را روشن نکنند سزاوار نیست بنده عقیده‌ام اینست که بحث بشود و استدعا میکنم بعنوان يك فرد کوچک این کمیسیون که موضوع را در

مشاوره بگذاریم و از بعضی تعصبات هم خارج بشویم برای اینکه من یقین دارم آنچه که این کمیسیون بگوید مجلس هم زیاد وارد آن نخواهد شد و یک عده افراد مورد اعتماد مجلس در این کمیسیون هستند، هر چه افکار را بهم نزدیکتر بکنیم و آن تصمیمی که میگیریم مشترك باشد هم برای ماها نام نیکی میشود و هم مملکت را از مخمصه خارج میکنیم.

آقای گنجه‌ای اظهار داشتند: خوشبختانه حالا اواخر کارهای ما است و من گمان میکنم زیادتر محتاج هستیم که بیشتر بحث بکنیم و باید این بحث و مشاوره در کمال آرامی و آزادی و آرامش فکر انجام گرفته و بعد تصمیم بگیریم، شاید آقایان آتھائی که در دوره گذشته بهتر میدانند یکی از عواملی که با این لایحه الحاقیه مقاومت کرد من بودم ولی این فکری که امروز ایجاد شده که فرمودید جاسوسی درست کرده اند این کار بسیار غلطی است بنده از کسی که و احمه ندارم و دو روز دیگر باید رأیم را بنویسم و بدهم حالا در این سه چهار روز دیگر نباید دنبال بکنند بنده کجا میروم، آن کجا میروم. این آقا خوب نیست چرا جاسوسی این کار را بکنند خوب است و فلان روز نامه نگار آن کار را بکنند بد است بطور کلی این صحیح نیست ما باید مبارزه کنیم که کار نیفتد دست دیگران و آقای امامی هم نباید بگویند که من حاضر نخواهم شد بنده آزادم بهر جائی بروم و بهر کسی ملاقات بکنم بروز نامه‌ها مربوط نیست از بنده دعوت میکنند میروم از دیگری دعوت نمیکنند نمیروند بآن چه مربوط است، ما همه‌مان اتفاق داشتیم که این لایحه الحاقی را قبول نداریم و باید راه حلی برای آن پیدا بکنیم ولی این دیگر دلیل نیست که مثلاً آقای فرامرزی محدود باشد و از خانهاش بیرون نرود اگر اینطور باشد و بخواهیم این کار را تحت تهدید

بیاوریم کارمان درست نخواهد شد و این طرز نحوه انجام وظیفه و کار مانع است.

آقای حائری زاده متذکر شدند: اعتراضی که بصحبت بنده شد توضیح میدهم که این وارد نیست بعضی از رفقاء هستند که مطالعه نکردند ما ۲۵ سال است که مطالعه‌مان را کردیم و در تصمیم باهم مشترك هستیم که این قرارداد تأمین منافع ما را نمیکند، ما جنبه مثبت و منفی را گفته ایم پیشنهاد کردم آقایان نظر خودشان را بدهند. هر کس بیک شکلی آن را رد میکند آقای بهبهانی میفرمایند این قرارداد فرع بر قرارداد ۱۹۳۳ است و باید صحت قرارداد ۳۳ معلوم بشود، ما نظر هایمان را اینجا دادیم و آقای رئیس، نجیر و منشی بنشینند قدر مشترك اینها را جمع آوری بکنند و یک ماده واحده بیاورند که با وحدت بیاید به مجلس و نظر من این بود.

آقای مکی گفتند: داربا هر چه مینویسد از چشم ما می بینند در صورتی که ما ننگفته ایم.

در این موقع جلسه ختم و جلسه آتیه بروز چهارشنبه ساعت دو قبل از ظهر موکول گردید. نیم ساعت بعد از ظهر جلسه ختم شد.

رئیس کمیسیون مخصوص نفت - دکتر مصدق

جلسه بیست و یکم

بیست و یکمین جلسه کمیسیون نفت روز چهارشنبه اول آذرماه ۱۳۲۹ دوساعت قبل از ظهر بریاست آقای دکتر مصدق و با حضور آقای نخست وزیر و آقای فرزند وزیر دارائی و آقای فرمانفرمائیان رئیس اداره امتیازات و با حضور آقایان مشروح زیر: آقایان: گنجه‌ای - بهبهانی - مکی - دکتر علوی - خسرو قشقایی - ناصر ذوالفقاری - سرتیب زاده - اللهیار صالح - جمال امامی - حائری زاده - دکتر شایگان - بالیزی -

فرامرزی - دکتر کاسمی تشکیل گردید و در اطراف قرارداد الحاقی نفت مذاکرات مفصل و محرمانه ای بعمل آمد و تا یک ربع ساعت بعد از ظهر کمیسیون با حضور آقایان ادامه داشت و سپس از یک ربع ساعت بعد از ظهر تا یک ساعت بعد از ظهر جلسه بدون حضور آقایان نخست وزیر و وزیر دارائی و فرمانفرمایان ادامه داشت و مذاکرات محرمانه ای بعمل آمد که در صورت جلسه نوشته نشد.

جلسه یک ساعت بعد از ظهر ختم و جلسه آینده بروز شنبه چهارم آذر ماه ۳۲۹ موکول گردید.

رئیس کمیسیون مخصوص نفت - دکتر محمد مصدق

جلسه بیست و دوم

بیست و دومین جلسه کمیسیون مخصوص نفت روز شنبه چهارم آذر ماه ۱۳۲۹ یک ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای دکتر مصدق و با حضور آقایان مشروح زیر: آقایان: کنگه ای - بهبهانی - مکی - دکتر علوی - قشقائی - ذوالفقاری - سرتیب زاده - صالح - امامی - عامری - حائری زاده - دکتر هدایتی - دکتر شایگان - پالیزی - فرامرزی - دکتر کاسمی تشکیل گردید.

پس از قرائت صورت جلسه های ۲۰ و ۲۱ مورخ ۲۹ آبان و اول آذرماه ۲۹ چون اعتراضی نبود تصویب گردید.

بعداً نامه های جوابیه آقای فروهر وزیر دارائی و آقای دکتر مصدق بشرح زیر قرائت گردید:

نامه جوابیه آقای فروهر وزیر دارائی که در جلسه خصوصی اول آذرماه بکمیسیون تقدیم داشته اند:

کمیسیون محترم نفت - پاسخ اظهارات هفتگانه آقای دکتر مصدق که در

روزنامه های اطلاعات و کیهان بتاريخ ۲۹/۸/۲۹ منتشر شده:

۱ - مرقوم فرموده اند: اظهار اینجانب دائر بر اینکه در حقوق دولت ایران نسبت بمدت سی سالی که از ده سال آینده بیعد مشخص میگردد معین نگردیده مربوط بسؤال اینجانب نیست و مربوط بماده ۱۱ قرارداد ۱۹۳۳ است لازم میدانم تذکر دهم که برخلاف تذکر ایشان جواب مربوط بسؤال بوده زیرا که در سؤالی که کرده بودند مرقوم رفته بود برای ۳۲ سال تمدید مدت چه فکری کرده اید باتوجه باین نکته و تاریخ انقضاء قرارداد داری منظور ایشان از ۳۲ سال تمدید از تاریخ انقضاء قرارداد داری است و گرنه رقم ۳۲ سال معنی دیگری ندارد.

۲ - آنچه که راجع بماده ۱۱ قرارداد ۱۹۳۳ که مربوط بامر مالیاتی شرکت نفت است تذکر داده اند نیز با مختصر مراجعه بماده مربوطه معلوم میشود که کاملاً اشتباه است. زیرا در این ماده بهیچوجه صحبتی از دو بست و شصت و دوهزار و پانصد لیره متوسط سالیانه در بین نیست بلکه طرز خاصی برای مالیات سالیانه پیش بینی شده و اساس آن نیز نسبت بهر تن است و هر قدر استخراج آن زیاد تر شود در میزان مالیات سالیانه تأثیر میکنند و آنهم برای فقط مدت سی سال اول قرارداد و برای سی سال دوم بقسمی که در جواب قبل توضیح شد باید طرفین بنشینند توافق نمایند، بنا بر این معلوم نیست چه منظوری از ذکر این اقلام داشته اند بخصوص آنچه را که راجع بمالیات ۱۹۴۸ مرقوم فرموده اند نیز مطلقاً بيمورد است برای اینکه نوشته اند که در سال مزبور دولت ایران از کمپانی ۲۶۲۴۰۰ لیره دریافت داشته است حال آنکه مبلغ مالیات که دولت راجع باین سال وصول نموده ۱۳۶۹۳۲۸-۱۰۸ لیره میباشد. در اینمورد لازم میدانم تذکر دهم که معلوم نیست چرا آقای دکتر همیشه بسال ۱۹۴۸

متوسل میشوند حال آنکه سود آن سال وضع استثنائی داشته بدلیل آنکه طبق اطلاعاتیکه در دست است قیمت نفت در بازار بین المللی بالا بوده و معلوم نیست چرا ترانزنامه های ۱۹۴۷ و ۱۹۴۹ که در دست ایشان است مأخذ و ملاک قرار ندادند.

۳- مرقوم داشته اند مقایسه قرارداد ۱۹۳۳ با قرارداد داری دلیل موافقت ایشان با قرارداد اخیرالذکر نیست لازم میدانند تذکر دهد که در مقدمه سؤال خود ذکر نموده اند «سؤال میکنم بجای مدت ۳۲ سال تمدید مدت دولت چه تصمیمی اتخاذ نموده است» این ۳۲ سال باید قطعاً مربوط بعد از انقضای قرارداد داری باشد که از مدت آن اگر فسخ نشده بود هنوز ده سال از آن باقی مانده بود و جناب آقای دکتر مصدق در سؤال خود ذکر می‌از این ده سال نموده اند و بدین ترتیب از مطالعه سؤال ایشان اینطور استنباط میگردد که نسبت باین ده سال که از امتیاز داری باقی مانده ایرادی نداشته و ایراد ایشان مربوط به سی و دو سال است که از ده سال دیگر شروع میشود.

۴- در قسمت ۳ جناب آقای دکتر مصدق مزایائی را که قرارداد داری نسبت بقرارداد ۱۹۳۳ دارد تذکر داده اند و سه درصد سهام بختیارها و ۱۶ درصد عوائد هر يك از شرکت‌های بهره برداری را برفع دولت ایران منظور نموده اند در صورتیکه بر فرض صحت اولاً سه درصد از سهام بختیارها فقط ناظر بر یکی از شرکت‌های تابعه بوده و ثانیاً سهام مزبور امروز تمام و کمال در دست دولت میباشد و عوائد آن هم ساله وصول میگردد ولی راجع به ۱۶ درصد عوائد حاصله از عواید داری در سال ۱۹۳۲ برای شش میلیون تن صادرات و فروش يك میلیون و بیست هزار لیره عاید دولت شده و باین ترتیب اگر فرض کنیم بهمان نسبت عایدات افزایش یابند برای سال ۱۹۴۸ که بیست و سه میلیون تن صادرات و فروش بوده است عایدات دولت بالغ بر چهار

میلیون و هشتصد هزار لیره میگردد و حال آنکه طبق قرارداد الحاقی عوائد دولت بالغ بر بیش از هیجده میلیون لیره خواهد بود. جناب آقای دکتر اظهار داشته اند که در صورت اجرای قرارداد داری شرکت ملزم بپرداخت مالیات بوده است و حال آنکه هیچ ماده ای که شرکت را ملزم باین امر نماید در قرارداد مزبور وجود ندارد و برعکس در قرارداد ۱۹۳۳ مبلغی که شرکت باید بابت مالیات بپردازد صریحاً معین شده و این مبلغ بموجب قرارداد الحاقی نسبت بهر تن با توجه بصرف طلا بالغ بر دو شیلینگ و یک پنس میباشد که برای سی میلیون تن تقریباً سه میلیون لیره بالغ میگردد مضافاً باینکه برای سی سال دوم حق تجدید نظر و توافق بعدی ما محفوظ است. بنابراین محاسباتی که ایشان بوسیله اعمال نرخ مالیات بردرآمد ایران نسبت بدرآمد سال ۱۹۴۸ شرکت نموده اند و با این حساب سی و يك میلیون لیره مالیات برای آن سال شرکت تشخیص داده اند مبنا و مأخذی ندارد. در این موقع لازم میدانند اضافه نمایند که شرکت در زمان اجرای قرارداد داری نیز یعنی از سنه ۱۳۰۹ که مالیات بر شرکتها در ایران وضع شد خود را بهیچوجه مشمول مالیات ندانسته و دائماً اعتراض داشته آنها در صورتیکه نرخ مالیات فقط ۳ درصد بوده و مبلغی هم که در قسمت اخیر ماده ۲۳ امتیاز نامه ۱۹۳۳ ذکر شده در حقیقت عطف بمسابق کردن قرارداد ۱۹۳۳ بدو سال قبل از تاریخ انعقاد آنست و فی الواقع موافقتی بوده است که طرفین بایکدیگر کرده اند که اینک در قرارداد الحاقی هم که در سال ۱۹۴۹ امضاء شده مقررات عطف بمسابق گردیده و از اول ۱۹۴۸ طرز جدید مبنای محاسبه قرار گرفته است. راجع بقرارداد الحاقی که گفته اند: «برخلاف بیست و پنج میلیون لیره ای که

وزیر دارائی ضمن پاسخ خود اظهار داشته است عایدات ما در حدود نوزده میلیون لیره میشود، باید تذکر داد که نوزده میلیون لیره مربوط بمحاسبات ۱۹۴۸ است و حال آنکه وزارت دارائی بیست و پنج میلیون لیره از بابت عایدات ۱۹۵۰ حساب نموده و این میزان البته حد اقل حقوق دولت است و طبق اطلاعی که واصل گردیده حق دولت در سال جاری (۱۹۵۰) از این مبلغ هم متجاوز بوده و ظن قریب یقین میرود که حقوق دولت ایران به ۳۰ میلیون لیره بالغ گردد یعنی در هر تن متجاوز از یک لیره.

۵ - در قسمت چهارم نوشته اند که: «در آخر قرارداد داری کلیه مایملک شرکت بدولت تعلق میگرفت در صورتیکه طبق قرارداد ۱۹۳۳ برای مدت ۳۲ سال تأسیسات و ابنیه بلا عوض بشرکت واگذار شده است» برای روشن شدن موضوع لازم میدانم بعرض کمیسیون برساند که اولاً ماده ۱۵ امتیاز نامه داری چنین صراحتی نداشته و ثانیاً طبق ماده ۲۵ قرارداد ۱۹۳۳ مقرر گردیده که در آخر امتیاز کلیه دارائی های شرکت در ایران مجاناً و بدون هیچ قیدی بطور سالم و قابل استفاده متعلق بدولت ایران باشد حال آنکه در قرارداد داری مقرر شده بود که فقط اسباب و ابنیه و ادوات موجوده «شرکت هائی که بجهت استخراج و انتفاع معادن تشکیل میگردد» متعلق بدولت ایران باشد در این موقع لازم میدانم مجدداً تذکره ده که طبق ماده ۶ قرارداد داری امتیاز شامل تمام خاک ایران بجز آذربایجان - کیلان - مازندران - خراسان و استرآباد بوده و نمیتوان منکر شد که قرارداد ۱۹۳۳ حدود امتیاز را بیک نلک تقلیل داده است. آقای دکتر تذکره داده اند که شرکت نفت بهترین منابع را گلچین نماید. جناب آقای دکتر مصدق فرصتی را که برای تعیین یکصد هزار میل مربع داده شده بود هشت سال تشخیص داده اند در صورتیکه ماده ۲ قرارداد ۱۹۳۳

مدت مزبور را فقط ۵ سال تعیین کرده است و از آن تاریخ تا بحال بعلت بیشترت وسائل فنی ثابت شده است که ذخائر نفتی در طبقات تحت الارضی هم که تا آن تاریخ بهیچوجه تصور نمیرفت که در آنها نفت وجود داشته باشد موجود است و بنابراین در آن تاریخ برای شرکت عملاً امکان نداشته که بهترین مناطق نفتی را تعیین و گلچین نماید.

۶ - مرقوم داشته اند بواسطه اعمال نفوذ شرکت نفت تا کنون ملت ایران نتوانسته است بقیه منابع نفتی خود را مورد استفاده قرار دهد لازم میدانم اکیداً چنین اعمال نفوذهائی را تکذیب نماید این قبیل اظهارات منافی شئون و حیثیات دولت شاهنشاهی میباشد بعلاوه مرقوم داشته اند:

«نظر بتهداتی که دولت ایران بعهدہ گرفته است منبع نفتی که فعلاً برای بهره برداری مقدم خواهد بود منابع نفتی است که بتوان محصول آن را بمصرف داخلی رسانده و در با صرفه ترین شرایط بشوروی صادر نمود و قرارداد داری مانعی برای این استفاده نبوده است» دولت شاهنشاهی برخلاف آنچه که نوشته اند بهیچوجه تعهدی در مقابل هیچکس و با هیچ دولت نداشته و نخواهد داشت و صراحتاً مینگارند که این اظهار آقای دکتر مستند به منبأ و اصلی نیست اگر منظور ایشان قانون ۲۹ مهر ماه ۱۳۲۶ است که در قانون مزبور اصلاً و ابداً چنین تعهدی نشده است.

۷ - راجع بسود شرکت در سال ۱۹۴۸ مجدداً تذکر میدهم اولاً سود آن سال بیک وضع استثنائی داشته و معلوم نیست چرا در بین کلیه سالها فقط جناب آقای دکتر مصدق این سال بخصوص را که دارای وضع استثنائی بوده انتخاب نموده اند و حال آنکه ترازنامه سالهای ۱۹۴۷ و ۱۹۴۹ نیز در دسترس ایشان میباشد بعلاوه همانطوریکه قبلاً گفته شد اضافه بر سود مربوط بایران و عملیات شرکت در ایران

سود نفت خامی که شرکت از عراق و کویت و غیره تحصیل میکنند در ترازنامه شرکت نفت منظور میشود و نیز سود کلیه دستگاههای بخش و فروش در کلیه کشورهای خارج از ایران در این حساب منظور است لازم میدانند اضافه کنند که اظهار جناب آقای دکتر مصدق حاکی از آنکه شرکت نفت در سال ۱۹۴۸ از هر تن سه لیره استفاده نموده است گذشته از آنکه بشرح مرقوم سال ۱۹۴۸ سال فوق العاده‌ای بوده ایشان مجموع عایدات شرکت را با میزان نفتی که در ایران استخراج میشده یعنی در حقیقت ۲۳ میلیون و کسری تن مقایسه کرده و تصور کرده اند که تنی سه لیره شرکت منفعت داشته حال آنکه عواید شرکت که مورد بحث ایشان است و در بیان ۱۹۴۸ منعکس است تنها راجع بنفت استخراج شده از ایران نیست بلکه بشرحی که فوقاً گفته شد اضافه بر سود مربوط بنفت ایران و عملیات شرکت در ایران سود نفت‌هایی که شرکت از عراق و کویت و غیره تحصیل میکنند و همچنین سود کلیه دستگاههای بخش و فروش در کلیه کشورهای جهان بحساب منظور شده است بنا بر این اساس حساب آقای دکتر مأخذی ندارد که این عایدات استخراج سال جاری را در حدود سی و سه میلیون تن پیش‌بینی کرده و با همین حساب تنی سه لیره عایدات سالیانه را یکصد میلیون لیره در نظر گرفته اند در صورتی که اولاً صادرات و فروش امسال تحقیقاً بالغ بر سی و سه میلیون تن نخواهد بود و ثانیاً منفعت سه لیره هر تن بشرح مذکور نه تنها مبنا و اساسی ندارد بلکه مطلقاً مردود است و بنا بر این یکصد میلیون لیره‌ای که گفته اند پایه‌ای ندارد.

۸ - راجع بابنکه مرقوم داشته‌اند بابت شرکت‌های تابعه و متحده فقط دو میلیون لیره بحساب شرکت منظور شده عادت آنستکه نفع بسیاری از شرکت‌های تابعه در

نفع شرکت مادر منظور میگردد مثلاً شرکت نفت کویت نفت خام خود را بقیمت تمام شده بشرکت مادر میفروشد و بنا بر این در ترازنامه‌های شرکت نفت کویت سودی نشان نمیدهد و تمام سود شرکت نفت کویت عاید شرکت مادر میشود.
متن نامه جوابیه آقای دکتر مصدق در پاسخ فقره ۳۹۱
نامه آقای وزیر دارائی که در جلسه قرائت شد

چهارم آذرماه ۱۳۲۹ کمیسیون محترم نفت - آقای غلامحسین فروهر وزیر دارائی در فقره ۱ و ۳ پاسخ ثانوی که در اول آذرماه ۱۳۲۹ تسلیم آن کمیسیون محترم نمود سعی کرده اند که باز تلویحاً این جانب را طرفدار قرارداد داری معرفی کنند اینست که لازم میدانند قبل از مبادرت بهر جواب نظریه‌ای که جبهه ملی در خصوص امتیاز نفت جنوب در جلسه ۲۹ شهریورماه ۱۳۲۹ اتخاذ نموده و نظریه اینجانب نیز بوده است بعرض برسانم: « نظریه جبهه ملی اینست که منافع ملت ایران که صاحب اصلی نفت است بطور عادلانه تأمین گردد. بنا بر این چون امتیازنامه داری که در زمان قبل از مشروطیت و تدوین قانون اساسی بدون کمترین مداخله ملت ایران تفویض گردیده و قرارداد ۱۹۳۳ که در دوران دیکتاتوری و علی‌رغم میل و مصلحت ملت ایران بزور و فشار تحمیل شده است و همچنین طرح الحاقی که فعلاً مطرح است هیچیک وافی باین معنا نیست از نظر جبهه ملی مردود شناخته میشود * و چون هر قدر بیشتر نمایندگان جبهه ملی و عضو کمیسیون نفت پیرونده‌های نفت آشنا شده و اطلاعات کاملی از اعمال کمپانی و اعمال نفوذ دولت انگلیس بدست آورده بیشتر یقین حاصل کرده‌اند که بودن شرکت نفت در این مملکت حیات ملی و استقلال کشور را بباد میدهد این بود که جبهه ملی در جلسه ۱۵ آبان ماه ۱۳۲۹ قطعنامه‌ای صادر نمود که نمایندگان جبهه ملی آن را در موقع اخذ رأی بکمیسیون پیشنهاد

کنند اکنون عین قطعنامه : « بنام سعادت ملت ایران و منظور کمک بتأمین صلح جهانی امضاء کنندگان ذیل پیشنهاد مینمائیم که صنعت نفت ایران در مناطق کشور بدون استثناء ملی اعلام شود یعنی تمام عملیات اکتشافی، استخراج و بهره برداری در دست دولت قرار گیرد ».

اینجانب بملی بودن صنعت نفت و جنبه اخلاقی آن بیش از جنبه اقتصادی معتقدم بر فرض اینکه ما نتوانیم نفت را مثل کمپانی بقدر زیاد استخراج نموده و بفروش رسانیم در هر حال خواهیم توانست با استخراج مقدار کمتری میزان مایحتاج داخلی خود و عواید فعلی دولت از شرکت نفت را تأمین نمائیم و بقیه نفت در محل خود بماند تا نسل آینده از آن بهتر منتفع شود.

از حسن اداره کمپانی ملت ایران تاکنون بهره‌ای نبرده و عایدات نفت باصرفاً در راهی خرج شده که نفع آن عاید بیگانگان شده با اشخاصی از آن استفاده برده که دست نشانده کمپانی و دشمن ایران بوده‌اند چنانچه صنعت نفت ملی شود شرکتی وجود نخواهد داشت که برای پیشرفت کار خود در امور داخلی ما اعمال نفوذ کند و اشخاص فاسد را قائم مقام اشخاص صالح و وطن دوست نماید، سطح اخلاقی امروز ما با سطح اخلاقی سال ۱۹۳۳ بسیار فرق کرده و کار تدائی اخلاقی بجائی رسیده که باعث تنگ هرایرانی شده است.

با آنهمه اعتراضاتی که نسبت به آقای تقی‌زاده شده است ایشان تاکنون يك كلام از خوبی‌های غیر واقع قرارداد ۱۹۳۳ بر زبان نیاورده و در مجلس ۱۵ نیز برای تیرمه خود کرده و اجباری را که در امضای آن داشته باطلاع عامه رسانیده‌اند در صورتی که زمامداران کنونی بی مه‌با از آن دفاع میکنند و بنا باظهارات آقای نخست وزیر

در کمیسیون نفت قرارداد الحاقی ساعد - کس که قرارداد تحمیلی و باطل سال ۱۹۳۳ را نقیذ میکنند و وزرای ایشان تأیید کرده‌اند معروف است که در موقع امضای قرارداد ۱۹۳۳ کمپانی قلمی از طلا ساخته بود که بعد از امضای قرارداد آن را باقی تقی‌زاده هدیه کند و ایشان قبول نکرده‌اند و اکنون تردید نیست که برای دفاع از قرارداد الحاقی از کمپانی قلمی از چوب بدهد متصدیان آن را با منت قبول و تاج سر خود میکنند.

اماراجع بمنظور این جانب از سؤالی که در جلسه ۲۰ آبان ماه ۱۳۲۹ از آقای فروهر وزیر دارائی نموده‌ام بایستی بعرض کمیسیون برسانم که چون بکرات شنیده شد که متصدیان امور اینطور اظهار کرده‌اند که قانون ۲۹ مهر ماه ۱۳۲۶ برای استیفای حقوق ملت ایران بوده و منظور از آن لغو قرارداد ۱۹۳۳ نمیباشد و با این استناد از هرگونه پاسخی نسبت بتمدید مدت زیانبخشی که ضمن قرارداد ۱۹۳۳ بملت ایران تحمیل گردیده خودداری نموده‌اند و حال آنکه در اثر تمدید مدت :

اولاً - مایملک شرکت که در ۱۹۶۱ متعلق بکشور ایران میشده برای مدت ۳۲ سال دیگر در اختیار شرکت نفت گذارده شده مایملکی که بر طبق بیلان سال ۱۹۴۸ و اعتراف رئیس شرکت هم اکنون در حدود دوست میلیون لیره ارزش دارد و سود تجارتي آن سالانه ۲۰ میلیون لیره میشود.

ثانیاً - تمام منافع حاصله از فروش و تصفیه نفت ایران که بایستی از سال ۱۹۶۱ کلاً بجیب ملت ایران برود و در ازاء مبلغ ناچیزی که در ضمن قرارداد ۱۹۳۳ تعیین گردیده و میخواهند با قرارداد الحاقی مبلغی بران اضافه نمایند بجیب شرکت نفت خواهد رفت و تازه قرار داد های نامبرده با حق حاکمیت ملت ایران که تنها

نمونه استقلال ما است نیز مبیانت دارد بنا بر این موضوع تأمین حقوق از دست رفته ملت ایران در اثر تمدید مدت موضوعی است که منظور اصلی قانون و سؤال اینجانب بوده و هیچیک از دولت‌ها تا کنون نسبت باستیفای آن اقدامی ننموده و دولت فعلی نیز پاسخ سؤال مرا در این مورد بتعلل گذرانیده و از آن طفره زده است (ملاحظه شود فقره اول نامه آقای وزیر دارائی) حال که برای سومین دفعه منظور اصلی از سؤال خود را بعرض آقایان اعضاء محترم کمیسیون رسانیده ام لازم میدانم که جواب گزارش طولانی آقای وزیر دارائی را به سه قسمت اساسی زیر تقسیم کنم:

۱ - موضوع مالیات و شمول یا عدم شمول آن بعایدات شرکت بر اساس قرارداد داری.

۲ - موضوع تصحیح اعداد و تفسیر هائی که آقای وزیر دارائی از ارقام ذکر شده توسط اینجانب نموده اند.

۳ - تذکر پاره‌ای نکات دیگر که ضروری است. (جواب فقره ۴ نامه مذکور).

۱ - مالیات بر درآمد: بر طبق قسمت اول از فصل هفتم قرارداد داری که بدینقرار تنظیم شده:

« تمام اراضی که بصاحب امتیاز واگذار شده و همچنین تمام محصولات آنها که بخارجه حمل میشود از همه نوع مالیات و عوارض در مدت امتیازنامه معاف خواهد بود »

و این معافیت مربوط بمالیات اراضی است که بصاحب امتیاز مجاناً واگذار شده یا صاحب امتیاز آنها را از صاحبان اراضی خریداری کرده و نیز مربوط بمحصولاتی

است که بخارجه حمل میشود و از پرداخت حقوق گمرکی معاف گردیده است بنا بر این معافیت مزبور شامل مالیات بر درآمد که در حین امتیاز معمول نبوده و در اولین بار در ۱۳۰۹ وضع و برقرار شده است نمیشد و چون هر شرکتهای که در ایران باعمال بهره برداری و تجارنی اشتغال پیدا کنند مشمول مقررات قانون مزبور میباشد روی همین اصل بوده که کمپانی بر طبق قسمت دوم ماده ۲۳ قرارداد ۱۹۳۳ حاضر شده است که مالیات بر درآمد خود را که نیرداخته بود از اول فروردین ۱۳۰۹ یعنی تاریخ تصویب قانون مالیات بر درآمد تأدیه کند و مبالغی را هم که پرداخت نموده است بانرخ مالیاتی قانون مزبور کاملاً تطبیق میکند.

از مقدمه فوق این نتیجه گرفته میشود که بر طبق مقررات قرارداد داری کمپانی میبایستی در یکسال مالی شبیه سال ۱۹۴۸ از بابت حق الامتیاز و مالیات ۴۱ میلیون لیره بدولت ایران پرداخته باشد در صورتیکه بر طبق قرارداد الحاقی در سال مزبور میخواهد بما ۱۸٫۶ میلیون لیره بدهد و چنانچه از مبالغ فوق ۵٫۸ میلیون وجه ذخیره که متعلق به دولت ایران بوده است موضوع کنیم و همچنین ۱۰ میلیون پرداختی از بابت حق الامتیاز و مالیات سال ۱۹۴۸ را کسر نمائیم فقط ۲٫۸ میلیون لیره باقی میماند و این وجهی است که بر طبق مقررات قرارداد الحاقی از بابت دو شیلینک اضافه بر چهار شیلینک حق الامتیاز سابق و سه پنس اضافه مالیات هر تن بدولت ایران تعلق گرفته است.

نسبت به ۳٪ حق خوانین بختیاری چون اینجانب آن را بحساب نیاورده ام مستغنی از جواب است.

جواب فقره ۲

۲ - بایستی متذکر بود که موضوع تصحیح اعداد و تفسیرهایی که آقای وزیر دارائی از ارقام ذکر شده توسط این جانب نموده اند منظور اینجانب از تعیین ۲۶۲۵۰۰ لیره توسط حداقل مالیات تمهدی شرکت برای ۳۰ سال اول قرارداد ۱۹۳۳ بوده است و مقصود این نبوده که وجه مزبور مبلغ پرداخت شده در سال ۱۹۴۸ میباشد و بفرض اشتباه از اینکه آقای وزیر دارائی عدد بالا را اصلاح نموده و میزان پرداختی را معادل ۴ میلیون لیره معین نموده اند تغییری در نکته مورد نظر اینجانب که مالیات دریافتی ایران در مقابل مالیات دریافتی دولت انگلستان بسیار ناچیز بوده خدشهای وارد نشده زیرا بر طبق مبلغ تعیین شده بتوسط ایشان مالیات دریافتی دولت انگلیس که ۲۸ میلیون لیره بوده معادل ۲۱ برابر مالیات بر درآمدی است که در همان سال بدولت ایران پرداخته شده است و حال آنکه ملت ایران مالک حقیقی تمام منابع نفتی خود بوده و در صورتی که تمدید مدت بمیان نیامده بود اولاً دولت ایران مالیات بیشتری در ظرف ۳۰ ساله آخر قرارداد داری دریافت مینمود و بعلاوه در سال ۱۹۶۱ تمام عوائد شرکت بدولت ایران تعلق میگرفت.

اما اینکه ایراد نموده اند چرا اینجانب سال ۱۹۴۸ را که مدعی هستند سالی استثنائی بوده مینا قرار داده ام متذکر میشوم که منظور اینجانب از کلیه آن محاسبات و تعیین عدد یکصد میلیون لیره بهیچوجه عظمت آن عدد نبوده بلکه برای این بوده است که در صورت ملی کردن نفت از هم اکنون و بفرض وجود قرارداد داری از سال ۱۹۶۱ تمام عواید حاصله از فروش نفت و تصفیه آن عاید دولت ایران میگردد و حال آنکه بر طبق قرارداد های کشور و نژوئلا هم باشد فقط نیمی از عایدات شرکت

تسبب دولت ایران خواهد شد و بر طبق قرارداد الحاقی نیز بعداً کسر $\frac{1}{4}$ آن عایدات سهم دولت ایران میشود.

بهر حال بقیه موضوع تصحیح اعداد را که آقای وزیر دارائی بدان اتکاء نموده و در باره آن قلم فرسائی نموده اند مسکوت میگذارم زیرا اولاً تصحیحات ایشان بهیچوجه نکاتی که تذکر آن منظور اینجانب بوده است تغییر نمیدهد و ثانیاً اگر مقصود جنگ اعداد و خوردگی کبری بوده من هم متذکر میشوم که آقای وزیر دارائی که حقاً بایستی لااقل نرخ مالیاتی زمان را که چهار درصد بوده بدانند متأسفانه ضمن مرقومه خود آن را سه درصد تعیین نموده و نمیتوانند برای اصلاح این اشتباه نه متکی بعدم اطلاع و فقدان مدارک در دسترس خود بشوند و نه آن را حبل بر اشتباه ماشین نویس نمایند.

جواب فقره ۵ نامه آقای وزیر دارائی

۳ - تذکر پاره ای نکات ضروری:

الف - راجع به اموال کمیانی بعد از انقضاء مدت نظار این بود که بعد از ۱۹۶۱ تمام آن مایملک متعلق بدولت ایران خواهد بود و هیچ نظری نسبت بمقایسه فصل ۱۵ قرارداد داری و فصل ۲۰ قرارداد ۱۹۳۳ نبود و چنانچه مقایسه شود معلوم خواهد شد که قرارداد ۱۹۳۳ بر مقررات قرارداد داری اولوی ندارد و اما راجع بوسعت حوزه امتیاز این موضوع مورد انکار اینجانب نبوده و باز هم تأیید مینمایم که شرکت نفت برای شناسائی نواحی نفت خیز ۳۲ سال و برای انتخاب بهترین منابع نفتی ۵ سال یعنی مدت کافی در اختیار داشته و وسایل فنی امروزی نیز از زمان جنگ اول جهانی در اختیار شرکت های نفت بوده و مسلماً شرکت حدا کثر استفاده را از آن

نموده و موضوع انتخاب بهترین منابع مورد تأیید سرویلیام فریزر رئیس شرکت نیز واقع شده است.

جواب فقره ۶

راجع به اولویت بهره برداری از منابع نفت شمال منظور اینجانب بخصوص تأمین نیازمندیهای ناحیه شمال ایران بقیمت ارزان و ایجاد رقیب برای شرکت نفت بوده و نسبت بشوروی منظوری غیر از آنچه ضمن بند «د» قانون بیست و نهم مهرماه ۱۳۲۶ مقرر شده نبوده است.

جواب فقره ۸ و ۷

اینکه قسمتی از عایدات شرکت نفت را متعلق بشرکت های نفت کویت و غیرها دانسته اند چون هیچگونه عددی داده نشده اینجانب نمیتوانم اظهار عقیده نمایم و چنانچه این اظهار صحت هم داشته باشد آن عوائد مبلغ ناچیزی از درآمد شرکت نفت را تشکیل میدهد.

در خاتمه لازم است عرض کنم بجای اینکه دولت راجع بتأمین منافع و استیفای حقوق ملت ایران که در اثر تمدید مدت قرارداد داری ازین رفته است جواب مقتضی بسؤال اینجانب بدهند این طور اظهار نظر میکنند که جنبه سیاسی قضیه نفت بجنبه اقتصادی و حقوقی آن مقدم است و از این راه میخواهند بوسیله قرارداد الحاقی قرارداد دوره دیکتاتوری و بالنتیجه و علی رغم مصالح ملی تمدید مدت را تنفیذ کنند و هیچ توضیح قابل قبول نسبت بشروع و خصوصیات جنبه سیاسی ادعائی نمیدهند تا اگر قرارداد تصویب نشود بدو اواقب وخیمه آن گفته شده باشد این است که از آقایان محترم اعضاء کمیسیون خواهانم اگر میتوانند نسبت بجنبه سیاسی توضیحاتی بدهند که

در صورت مجلس کمیسیون درج شود و باطلاع عموم هم برسد و الاً بصرف اظهارات بی دلیل ملت ایران نمیتواند از مایملکی که برای آن يك قضیه حیاتی است صرف نظر کند.

اما اینکه بعضی مقامات اظهار کرده اند که در صورت پافشاری نسبت به عدم تصویب قرارداد الحاقی مردم نسبت به همسایه جنوبی جری شده و بالمآل توجه بهمسایه دیگر میکنند منطقی و صحیح نیست چه علت پیشرفت کمونیستی تنها مرام نیست بلکه در بسیاری از نقاط مرهون طمع و سوء سیاست بعضی از دول است.

از هر کس سؤال کنند که با قرارداد الحاقی موافق است یا نیست خواهد گفت نه پس آنچه که سبب عدم رضایت میشود تصویب قرارداد است.

هر کس اینطور تصور کند که ارزش قانونی قرارداد الحاقی بیش از قرارداد ۱۹۳۳ باشد تصویری بغلط و باطل کرده است زیرا بطلان قرارداد ۱۹۳۳ فقط از این جهت نیست که در دوره دیکتاتوری منعقد شده چه بسیاری از امور که در آن دوره گذشته چون بر صلاح بوده کسی با آنها مخالفت نکرده است.

پس از قرائت نامه های مذکور در فوق پیشنهاد نمایندگان جبهه ملی بشرح زیر قرائت گردید:

بنام سعادت ملت ایران و بمنظور کمک بتأمین صلح جهانی اعضاء کنندگان ذیل پیشنهاد مینمائیم که صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور بدون استثناء ملی اعلام شود یعنی تمام عملیات اکتشاف، استخراج و بهره برداری در دست دولت قرار گیرد. حائری زاده - اللهیار صالح - دکتر شایگان - دکتر محمد مصدق - حسین مکی.

در اینموقع آقای رئیس اظهار داشتند: اگر اجازه میفرمائید جلسه را خصوصی و بکفتری مذاکره بکنیم بلکه بین خودمان حل بشود.

آقای دکتر هدایتی تذکر دادند: که بنده میخواستم علت غیبتم را که باصفهان مسافرت کرده بودم عرض کنم که با اجازه محسوب گردد. (آقای رئیس اظهار داشتند با اجازه محسوب میشود.)

آقای عامری اظهار داشتند: بنده هم مسبوقی که مریض بودم. (آقای رئیس اظهار داشتند با اجازه محسوب میشود) در این موقع ساعت یازده و نیم جلسه خصوصی شد و پس از یک ساعت و نیم مذاکره و مشاوره که در جلسه خصوصی و سری بعمل آمد بانفاق آراء تصمیم زیر اتخاذ گردید:

کمیسیون نفت که طبق تصمیم ۲۹/۳/۳۰ مجلس شورای ملی تشکیل شده است پس از مذاکرات و مطالعات باین نتیجه رسیده که قرارداد الحاقی ساعد - گس کافی برای استیفای حقوق ایران نیست لذا مخالفت خود را با آن اظهار میدارد. جمال امامی - سید علی بهبهانی - جواد عامری - دکتر محمد علی هدایتی - اللهیار صالح - دکتر محمد مصدق - حسین مکی - دکتر شایگان - حائری زاده - ناصر ذوالفقاری - جواد کنجهای - سرتیبزاده - دکتر حسن علوی - پالیزی - خسرو قشقائی - دکتر کاسمی - عبدالرحمن فرامرزی.

جلسه یکساعت و نیم بعد از ظهر ختم و جلسه آتیه بروز دوشنبه ششم آذرماه ۱۳۲۹ موکول گردید. رئیس کمیسیون مخصوص نفت - دکتر محمد مصدق

جلسه بیست و سوم

بیست و سومین جلسه کمیسیون مخصوص نفت روز دو شنبه ششم آذرماه ۱۳۲۹ یکساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای دکتر مصدق و با حضور آقایان اعضاء کمیسیون بشرح زیر:

آقایان: کنجه ای - سید علی بهبهانی - حسین مکی - دکتر حسن علوی - خسرو قشقائی - ناصر ذوالفقاری - سرتیبزاده - اللهیار صالح - جمال امامی - جواد عامری - حائری زاده - دکتر هدایتی - دکتر شایگان - پالیزی - دکتر کاسمی - فرامرزی تشکیل گردید.

پس از قرائت صورت جلسه چون اعتراضی نبود بتصویب رسید.

آقای رئیس اظهار داشتند: جلسه سری اعلام میشود و احتیاجی بنوشتن مذاکرات در صورت جلسه نیست. کمیسیون تایکساعت بعد از ظهر بمشاوره و مذاکره سری ادامه و پس از صرف ناهار مجدداً از ساعت دو بعد از ظهر بمذاکرات سری خود ادامه داده و چهار ساعت بعد از ظهر بدون اخذ نتیجه مذاکرات ختم گردید.

آقای رئیس اظهار داشتند: جلسه بروز چهارشنبه دو ساعت قبل از ظهر موکول میگردد. رئیس کمیسیون مخصوص نفت - دکتر محمد مصدق

جلسه بیست و چهارم

بیست و چهارمین جلسه کمیسیون مخصوص نفت یکساعت و نیم قبل از ظهر روز چهارشنبه هفتم آذرماه ۱۳۲۹ بریاست آقای دکتر مصدق و با حضور آقایان اعضاء کمیسیون بشرح زیر:

آقایان: کنجهای - سید علی بهبهانی - حسین مکی - دکتر حسن علوی - اللهیار صالح - خسرو قشقائی - ناصر ذوالفقاری - سرتیب زاده - جمال امامی - جواد عامری - حائری زاده - دکتر هدایتی - پالیزی - دکتر کاسمی - فرامرزی تشکیل گردید. ابتدا صورت جلسه قبل قرائت و تصویب گردید.

سپس آقای حائری زاده اظهار داشتند: من معتقدم که این موضوع هر چه بیشتر طول بکشد آن وحدتی که در خارج خیلی اثر کرد که کمیسیون باتفاق آراء این لایحه الحاقی وارد کرد آن رایك قدری آلوده میکند.

نمیدانم جناب مخیر فرصت کرده اند که آن گزارش را تهیه بکنند یا نه؟
(آقای مکی تذکر دادند: این بسته برای اکثریت است که اکثریت بگویند چه میخواهند) آن چیزی که تهیه شده بود و ۱۲ نفر امضاء کرده بودند باین شرط امضاء شده بود که اگر چنانچه اتفاق آراء نشد آن را کان لم یکن بگیریم و يك چیزی که باتفاق آراء امضاء بکنند در نظر بگیریم در خارج ما يك خبری تهیه کرده ایم که بیحسب بر گذار بشود.

آقای مکی جواب دادند: بنده هنوز گزارش تهیه نکرده ام دو موضوع است یکی پیشنهاد ما راجع به ملی شدن که باید رویش رأی بگیریم و یکی هم پیشنهاد آقای بهبهانی است که آنهم باید رأی گرفته شود.

آقای جمال امامی تذکر دادند: اگر بخواهیم رأی بگیریم پیشنهادات زیادی است و ممکن است بآن رأی ندهند.

آقای دکتر کاسمی گفتند: قبل از اینکه پیشنهاد ملی شدن مطرح بشود روی این فرمولی که تهیه کردیم و امضاء کردیم و قرار شد دیگر چیزی معین نشود. (آقای مکی گفتند هر پیشنهادی داده بشود من پیشنهاد میکنم روی آن باورقه رأی گرفته شود).

آقای مکی گفتند: جناب آقای دکتر مصدق فرمودند سه پیشنهاد رسیده یکی این است، یکی تمدید مدت است، یکی هم ملی شدن است. پس مرحله اول همان

بود که رأی گرفته شد بعد مراحل بعدیش بکروز آقای فرامرزی گفتند تمام نگرانی ما با تمدید مدت است و یکی از آقایان هم با این موافق بودند، و یکی هم ملی شدن است.

آقای پالیزی تذکر دادند: بنده نمیخواستم عرض کنم اصل وظیفه کمیسیون چه است و مجلس شورای ملی چه مأموریتی باین کمیسیون داده است، مجلس رأی داده که این لایحه را کمیسیون مطالعه بکند ببیند منافع ایران تأمین میشود یا نمیشود آیا غیر از این چیز دیگری هم هست اگر چنانچه واقعاً همین قسمت بوده که کمیسیون باتفاق آراء يك تصمیمی گرفته است و اگر هم آقایان پیشنهاداتی داشته باشند باید در مجلس داده بشود چون مجلس صلاحیت دارد.

آقای دکتر کاسمی در تأیید بیانات آقای پالیزی توضیح دادند: بنده هم اتفاقاً در آن جلسه که سرتی بود عرض کردم موضوعی باتفاق آراء تصویب شده و تأثیر این اتفاق و وحدت در خارج خیلی بوده بطوری که خود جناب آقای دکتر مصدق میفرمایند تلکرافات زیادی رسیده و علت آن این بوده که باتفاق آراء تصمیم گرفته شد اگر پیشنهادات دیگری بیاید این اتفاق آراء حاصل نمیشود در جلسه پیش هم يك طرحی تهیه شد که ۱۲ نفر امضاء کرده اند اگر اتفاق آراء حاصل بشود خوب خواهد شد و اگر نشود از قوت آن تصمیم کاسته میشود. بعقیده بنده آقای مکی باید يك مقدمه ای تهیه بفرمایند و بعد آن خبری که به اتفاق آراء تصویب شده به مجلس شورای ملی بدهند و در مجلس آزادند میتوانند پیشنهاد بدهند.

آقای جمال امامی تذکر دادند: چون این جلسه تعقیب جلسه سرتی گذشته

است امر بفرمائید صورت جلسه ننویسند بعد که تصمیم گرفتیم آن تصمیم نوشته بشود در صورت جلسه .

آقای رئیس اظهار داشتند: چوی جلسه رسمی است صورت مجلس لازم است نوشته بشود و در جواب آقای پالیزی عرض میکنم که این کمیسیون مثل کمیسیونهای مجلس است در مجلس که مطرح نشده ، کمیسیون حقیق دارد بهر ترتیب که صلاح میدانند گزارش را به مجلس بدهد بنابراین ما پیشنهادات خودمان را میدهیم میخواهد قبول بشود یا نشود (آقای جمال امامی سؤال کردند: میفرمائید تمام پیشنهادات ضمن صورت جلسه به مجلس تقدیم بشود؟) خیر پیشنهادات را میدهیم اگر قبول شد که بمجلس میدهیم و اگر نشد گزارش را به مجلس میدهیم .

آقای حائری زاده اظهار داشتند: اینموضوع را کراآ عرض کردم ، تصمیم کمیسیون گرفته شده و تغییر و تبدیلی داده نمیشود در اینکه بحثی نیست ، گزارشی که به مجلس داده میشود یک فورمی باید تهیه بشود که مجلس بتواند رویش رأی بدهد این فورم را باید کمیسیون تهیه بکند و ممکن است در مجلس یک پیشنهاداتی بشود که بنفع ما نباشد ما باید یک فورمی تهیه بکنیم که اتفاق آراء در آن باشد . (آقای مکی گفتند: اگر ما نتوانستیم نمیخواهیم اتفاق آراء پیدا کرده اکثریت باشد چه مانعی دارد.) آن پیشنهادی که ما آن جلسه نوشتیم یک پیشنهادی نبود که بخواهیم بطور قطع با اکثریت تحمیل بکنیم ما آمدمیم گفتیم که یک چیزی تهیه بکنیم که همه بتوانند روی آن توافق بکنند یک عبارت مجملی باشد که منافعی با پیشنهادات مختلف نباشد حتی آقایان که امضاء کردند گفتند اگر اتفاق نباشد کان لم یکن است ما باید یک پیشنهادی تهیه بکنیم که هم رد در آن باشد و هم رویش رأی بدهیم و البته

هر چه روشن و واضحتتر باشد بهتر است . اگر اجازه میدهید بنده چیزی تهیه کرده ام بخوانم که اگر نظر مخالفی رویش نباشد تصویب شود (آقای مکی گفتند: نخوانده مخالفند آقا) ما که لجاجتی باهم نداریم و نمیخواهیم اقلیت و اکثریتی در این موضوع بوجود بیاوریم اجازه بفرمائید بنده بخوانم و با دقت ببینید اگر مخالف با نظر اصولی هست در اطراف آن صحبت بکنید اگر مخالف با نظر آقایان نیست هر کدام هر پیشنهادی دارند ممکن است دولت این پیشنهاد را برود رویش عمل بکند . اینک متن آن قرائت میشود: مجلس شورای ملی گزارش کمیسیون مخصوص نفت مبنی بر رد قرارداد الحاقی را تأیید مینماید و دولت موظف است طبق قانون ۲۹/۷/۲۶ با توجه بصورت جلسات کمیسیون مخصوص نفت دوره ۱۶ مخصوصاً در آن قسمتی که با قرارداد ۱۹۳۳ و تمدید مدت و همچنین مسائل مالی ارتباط دارد در استیفای کامل حقوق ملت ایران اقدامات لازم را بعمل آورده و در مدتی که زاید بر سه ماه از تاریخ تصویب این گزارش نباشد لایحه قانونی آنرا برای تصویب تقدیم مجلس شورای ملی نماید . این را من گفتم و در اینکه همه ما ناراضی از مدت زیاد قرارداد هستیم تردیدی نیست منتها بعضی صلاح میدانند که ما بیائیم الغاء بکنیم اینهم نه اینکه سکوت صلاح نیست میگویند زورمان نمیرسد مابدولت تذکر میدهیم که اگر زورورت میرسد برو الغاء بکن جمله هائی که باید بیشتر مورد توجه شما باشد یکی امور مالی است ، یکی راجع بمدت زیاد است این مسائل منافات بانظری که ما میگوئیم ملی باشد نیست ، دولت اگر صلاح دانست برود اعلان بکند که نفت ایران ملی است و اگر چنانچه مصلحت دید که زوروش نمیرسد لغو بکند رفت و چانه زد که بیایند مدتش را کم بکنند آنهم باید اجازه داشته باشد اینجا یک چیزی نوشته شده که بدولت تذکر داده شده و ضمناً

اجباری هم برایش نیست و تصور میکنم با اتفاق کلمه اگر ما ببریم به مجلس مخالف با نظر و پیشنهاد ما نیست و این وحدت ما که در خارج میلیارد ها قیمت دارد این را بهم نزنید این عقیده بنده است .

آقای مکی گفتند: بنده تصور میکنم در کمیسیون و در خود مجلس حکومت عدد است اکثریت و اقلیتی است اکثریت ۹۷ رأی میدهد میگوید دولت را من تأیید میکنم اقلیت ۸ رأی مخالف میدهد و میگوید تأیید نمیکنم در کمیسیون هم همینطور هر طور رأی دادند بنده عین گزارش آقایان را تقدیم میکنم و از خودم هیچگونه اظهار نظری نمیکنم پس اینجا هر چه اکثریت تصمیم بگیرد آنرا بمجلس تقدیم میکنم ولی يك چیزی هست و آن مربوط بخودم میباشد که من از ملی شدن قدمی باین تر نمیگذارم و چه مانعی دارد که یک نفر اضافه از اقلیت هم رأی بدهد من نظر اقلیت را بمجلس میدهم .

این کمیسیون هم که وقت خودش را سه ماه است تلف کرده باید اجازه بدهد به اقلیت که این نخم ملی شدن را که کاشته است بکروزی سبز بشود و ثمر بدهد بنده هم رأی اقلیت و هم رأی اکثریت را گزارش میدهم .

آقای فرامرزی متذکر شدند: عرض من زیاد نیست البته اگر بشود توافق حاصل نمود البته بهتر است و اگر نشود مهم نیست .

آقای دکتر مصدق در جواب بیانات آقای حائری زاده اظهار داشتند: اینکه بنده باین پیشنهاد ایشان عقیده ندارم برای این است که ما يك دولتهای با شخصیتی نداریم که بتوانند بروند در صلاح مملکت کار بکنند بنده می بینم سه سال و دو ماه از قانون ۱۳۲۶ گذشته اگر ما يك دولتهای دلسوزی داشتیم يك دولتهای مستقل و دلسوزی که تحت نفوذ نبودند در مملکت بودیم احتیاجی نبود که کمیسیون این اندازه

به خودش زحمت بدهد خود دولت این کار را تمام کرده می آورد به مجلس و پیشنهاد میکند گرفتاری ما برای این است که دولتی نداریم که در صلاح مملکت کار بکند و این پیشنهاد آقایان غیر از فرار از انجام وظیفه چیز دیگری من نمی بینم بنده اینها را برای مملکت غیر مفید میدانم یعنی این کمیسیون میخواهد وظائف خودش را انجام ندهد و این کار را به گردن دولت بیندازد و دولت هم چند ماه دیگر عین لایحه را با تفاوت يك یا دو میلیون لیره بیاورد اینجا و این استیفای منافع مملکت نمیشود. این است که آقایان چون نمیخواهند با نظر اقلیت موافقت بکنند گمان نمیکنم مذاکره ب نتیجه برسد و این چیزیکه بنده اصرار دارم این است که اساساً در دوره ۱۴ آن پیشنهاد شوروی را رد کردیم و اگر این کمیسیون يك تکلیفی معین نکنند برای مسئله نفت جنوب آنها خواهند آمد و آن چیزهایی که در نظر دارند خواهند خواست و اگر مجلس شورای ملی هم در این باب تصمیم نگیرد قادر نخواهد بود که در مقابل آنها هم يك تصمیمی بگیرد این نظر بنده است حالا هر چه زیاد صحبت بشود تضییع وقت میشود آقایان آن پیشنهاد را فرمودند بسیار خوب ما هم پیشنهاد ملی بودن را کرده ایم رأی میگیریم اول پیشنهاد خودمان را رأی میگیریم و بعد به آن پیشنهاد .

آقای امامی توضیح دادند: فرمایشاتی که اینجا شد يك چیزهای روشنی است که ۱۸ نفر نشسته اند در يك کمیسیونی و هر کس آزاد است رأیش را بدهد و رأی اکثریت قاطع است ولی چند دفعه بنده در همین کمیسیون عرض کردم که ما اینجا نشسته ایم نباید در نظر بگیریم که عضو يك جمعیتی هستیم حتی نباید در نظر بگیریم که نماینده مجلس هستیم باید در نظر بگیریم يك اشخاصی هستیم مورد اعتماد ملت که ما را انتخاب کرده اند برای يك موضوعی که با خارجی تماس دارد و باید حل بکنیم

و نظریات شخصی مانرا کنار بگذاریم چون اگر در امور داخلی مملکت بود بنده موافق بودم که يك اکثریت و اقلیتی باشد ولی چون گفته اند که در مقابل خارجه اقلیت و اکثریتی نیست و برای ثبوت این موضوع بنده اصرار داشتم که اتفاق رأی باشد اتفاق رأی هم در هیچ کمیسیونی ممکن نیست بشود مگر اینکه يك حداقل را در نظر بگیریم من استنباط کرده ام که بعضی از رفقا مایل باین فورمولی که نوشتم نبودند ولی برای اینکه اتفاق حاصل بشود آقایان از رأی خودشان عدول کردند و من عقیده دارم همانطور که جناب آقای حائری زاده گفتند حالا هم يك فورمولی تهیه بکنیم که اتفاق آراء داشته باشد. جناب آقای دکتر مصدق فرمودند دولتها میروند تامل میکنند بنده هم معتقدم ولی وقتی ضرب الاجل قرار دادند دولت مکلف است عمل نماید اگر برود دو میلیون را پنج میلیون بگیرد و يك قدم جلو برود باز ما راضی هستیم و آن را هم اگر کافی نبود رد میکنیم هم بنده و هم شما میدانید که ملی کردن نفت باین آسانی نمیشود ما انتظارمان از دولتها این است که هر کدام آمدند يك قدمی جلو بروند حالا هم عقیده من این است که کوشش بکنیم آن اتفاق آراء حاصل بشود اگر نشد ما صحبتی نمیکنیم يك ورقه ای آقایان امضاء کرده اند با امضاء ۱۴ نفر که اکثریت با ۱۲ نفر است و اقلیتی هم نیست ولی البته این مضر است.

آقای سر تیب زاده تذکر دادند: در این موضوع بخصوص هم باید وضعیت افکار عموم افراد کمیسیون را در نظر بگیریم و هم مجلس این گمان میکنم نظر نهائی تمام وطن پرستان است اگر این پیشنهاد ملی شدن شد و رد شد صلاح نیست من عقیده دارم که قدم بقدم جلو برویم بهتر است.

آقای ذوالفقاری توضیح دادند: بنده یکورقه ای را آن روز با احترام عقیده

آقایان مخصوصاً جناب آقای حائری زاده امضاء کردم در صورتیکه مخالف بودم بنده بطور کلی با تمام قراردادها مخالفم، تمديد مدت راهم مخالفم برای اینکه تأیید میکنند قرارداد اصلی را ولی راجع بقرارداد اصلی بنده صحبتی نمیکنم برای اینکه مجلس شورای ملی بما مأموریت نداده است و خود آقای مکی هم میدانند و در صورت جلسات قبل اینطور گفته اند: «قانونی که از مجلس گذشته هیچگونه وظیفه ای برای ما معین نکرده که خارج از مواد الحاقیه نظر بدهیم در این قانونی که از مجلس گذشته بما اجازه داده نشده است که شما يك کنتر پروژه ای هم بدولت بدهید که دولت برود روی آن کنتر پروژه و مذاکره بکند و اگر مجلس چنین تصمیمی داشته باشد باید مجدداً يك قانونی بگذرد» پس بنا بر این مجلس باید مجدداً مأموریت بدهد که برویم روی مواد (آقای دکتر مصدق اظهار کردند: این حرف ایشان سند است!) برای من سند است بنده تأیید میکنم حرف ایشان را و با آن نامه ای که پریروز امضاء کردم مخالف و امضایم را پس میگیریم و راجع به چیز دیگری اظهار نظر نمیکنم.

آقای حائری زاده اظهار کردند: این کمیسیون يك صورت خاصی بخودش گرفته حالا اگر کسی يك فرمایشی کرده عقیده شخصی خودش هست مثلاً قانون تصفیه کارمندان دولت يك مواد و يك شرایطی آوردند و گفتند کان لم یکن است در صورتیکه کمیسیون دادگستری همچنین وظیفه ای نداشت، حالا کرده شد. اینجا ما تصمیممان را تغییر نمیدهیم ما تصمیم به رد آن لایحه گرفتیم و تردیدی هم در آن نیست حالا مجلس چه دستوری بدولت بدهد معلوم نیست، ما میگوئیم همان قانون مهرماه ۲۶ که دولت را مکلف کرده برود از منابع تحت الارضی خودش استفاده بکند این را محدودتر بکنیم و بگوئیم این طرحی که ما نوشتیم نه آنرا کم و نه آنرا زیاد کرده يك

تذکرانی بدولت داده ایم و فکر میکنیم در مسائل خارجی اگر با اتفاق پیش برویم صدی نود امید موفقیت داریم. (آقای دکتر مصدق اظهار داشتند: موفقیت در چه دارید) در مقابل خارجی ها که بگویند ملت ایران تمامشان طرفدار يك فکری هستند بهتر است تا بگویند يك چند نفر ماجراجو این کار را کرده اند من میگویم چیز هائیکه امید داریم که اکثریت رأی بدهد تهیه کنیم، من وقتی می بینم دنیای امروز، مجلس ما این فکر را که ماداریم نمیتواند وسائل اجرایش را فراهم بکند این پیشنهاد را نمیتوانیم ما باید برویم روی يك اصول عملی.

آقای دکتر کاسمی اظهار داشتند: بنده عرض این بود که این تصمیمی که با اتفاق آراء در این کمیسیون گرفته شد تصور میکنم بسیار مهم و شجاعانه ای بود که از طرف کمیسیون مخصوص نفت گرفته شد (آقایان اعضاء کمیسیون - صحیح است) و من خیلی تأسف میخورم که جناب آقای دکتر میخواهند از اهمیت این بکاهند در همین کمیسیون صحبت شد که این تصمیمی بود که دو کمیسیون مجلس ۱۵ این مقاوله نامه را تصویب کرد و این مقاوله نامه به مجلس آمد مقصود عرض این بود که این ۱۸ نفر این مقاوله نامه را رد کردند و مهمترین اثرش این است که مورد قبول عامه مردم واقع شد و ما هم بانتظار مردم جواب مثبت دادیم و این يك عمل فوق العاده مهمی است عقیده دوم من این است که این اتفاق آرائی که حاصل شد و قرارداد الحاقی رد شد نظر این بود که هر تصمیمی که گرفته میشود با اتفاق آراء گرفته بشود پربروز که صحبت شد و آن طرح را که اعضاء کردیم و دادیم بدقت کمیسیون نظر این بود که آقایان دیگر هم موافقت بفرمایند و در غیر این صورت در قسمت خواهد شد.

يك قسمت با اتفاق آراء تصمیم گرفته شد بر رد مقاوله نامه و اگر بنا بشود قسمت

دوم این گزارش که به مجلس داده میشود نوشته بشود ۱۲ نفر رأی داده اند این از اهمیت آن کاسته میشود.

در قسمت دوم این گزارش که آقای مکی میدهند مینویسند که در قسمت دوم ۱۲ نفر موافقت کردند و ۵ نفر موافقت نکردند (آقای دکتر مصدق اظهار داشتند: چون صلاح مملکت نبود) ولی این جریان با این عملی که ما کردیم و مورد قبول عامه شد این از اهمیتش میکاهد.

نکته دوم این است که مادر تصمیم دوم چه گفتیم ما گفتیم طبق مصوبات مجلس دولت موظف است برود استیفای حقوق را بکند دولت این وظیفه را دارد اگر مجلس تأیید بکند دولت موظف است که باز برود اقدام کند و يك نکته دیگر این است که دولت باید باین صورت جلسات کمیسیون نفت که مطالب را روشن کرده توجه بکند در این صورت جلسات همه چیز هست و آن دولتی که باید برود استیفای حقوق ما را بکند مجبور خواهد بود که باین مطالبی که ما چهار ماه در این کمیسیون گفته ایم توجه بکند، باز هم بنده استدعا میکنم همانطور که در قسمت اول اتفاق آراء بود و این اثر شکست را در مملکت کرد در قسمت دوم موافقت بفرمائید که این موضوع با اتفاق آراء بگذرد.

آقای فرامرزی گفتند: آنچه سبب شد که اجازه حرف زدن را بخواهم يك نکته ای بود که جناب آقای دکتر مصدق گفت که کمیسیون نمیخواهد وظیفه اش را انجام بدهد کمیسیون وظیفه اش را انجام داده و آن این بوده که باین قرارداد الحاقی رسیدگی بکنند و ببینند این وافی بمقصود هست یا نیست، کمیسیون هم رأی داده که نیست پس کمیسیون انجام وظیفه کرده است. حالا میرویم سر وظیفه ثانی که میگوئیم ما ایرانی هستیم و باید خودمان وارد بشویم حالا بما مأموریت ندادند کی

هست که بما اجازه بدهد ما خودمان باید وارد بشویم و يك كار اضافی بكنیم علاوه بر اینکه مجلس بما مأموریت داده اینجا مادر این دو چیز گرفتار هستیم یکی اینکه من واقعاً نمیدانم که ما حق داریم یعنی میتوانیم قراردادیکه با يك شرکت دیگری بستیم این را يك طرفی لغو بکنیم یا نه (آقای حائری زاده گفتند: قراردادی که بسته شده آنموقع اجبار بوده است) (آقای دکتر مصدق بیان داشتند: تازه لغوش بفرمائید این باطل است) باطل هست غیر این است که بشود در عمل لغوش کرد یکی از آقایان گفتند بیرمانی صنعت خودش ملی کرده اگر بخواهیم ملی بکنیم باید يك چیزهایی باینها بدهیم. (آقای دکتر مصدق اظهار داشتند: شما در سال ۱۹۳۳ بچه دلیل قرارداد داری را لغو کردید) نپذیرفتند. (آقای دکتر مصدق اظهار داشتند: شما حالا لغو بکنید نپذیرند) همانموقع چرا گردنمان افتاد که سی سال دیگر تمدید کردند برای اینکه رضاشاه قرارداد را انداخت توی بخاری آنها گفتند بالغو نیست و با اگر بخواهید سی سال دیگر باید تمدید بکنید وقتی که ما رأی بدهیم اینجا که مجلس پیشنهاد ما را قبول نمیکند رویش بحث میکنند ورد میکنند رد که کردند رد پیشنهاد ما تأیید ضمنی وضع فعلی است (آقای دکتر مصدق اظهار داشتند: ما پیشنهاد میکنیم که صنعت نفت باید ملی بشود و کمیسیون رد میکنند) اگر بشود که همه توافق داشته باشند بهتر است. و اما شوروی اگر ما قرارداد نفت جنوب را لغو بکنیم دیگر شوروی در ایران حرفی نخواهد زد و جلو نخواهد آمد و چیزی نمیخواهد (آقای دکتر مصدق گفتند: خیر) اگر دولت انگلیس و دولت ایران از روی زمین محو بشوند باز هم دولت شوروی میخواهد این را که ما میدانیم.

آقای سنجه ای اعلام داشتند: حالا نوبت آقای صالح است و يك پیشنهادی

هم رسیده بعد از ایشان قرائت میشود.

آقای صالح اظهار داشتند: اولاً بقدر کافی ما مذاکره کرده ایم اگر نظر آقایان باشد در اولین جلسه بعد از اینکه دولت آن اسناد و مدارک را بین آقایان توزیع کرد بنده پیشنهاد کردم که قضا با روشن شد و هیچکس با این لایحه الحاقی موافقت ندارد بیائید این لایحه را رد بکنیم که زودتر استیفای حقوق ملت ایران بشود آقایان عقیده داشتند که پرونده ها خواننده بشود و بد هم نبود و نظر ما را تأیید کرد در آن پرونده ما يك مطالبی بود و فهمیدیم که یکعده از رجال ایران کوششها در اینکار کرده اند که اینها در پشت پرده مانده است و در خارج چون ملت از آنها خیر ندارد شاید آنها را هم خائن قلمداد بکنند. این محرمانه بودن مسائل در ایران همیشه نفع خارجیها تمام میشود مردم اگر بدانند این نخست وزیر و با فلان وزیر کوشش و جدیت کرد این برای دولت ایران که بد نیست و خیلی خوب است بنده حقیقتاً این را با صراحت عرض میکنم اگر مردم میدانستند که این ادعای ۲۵ ماده ای در زمان هژبر تهیه شده و حتی گلشائیان هم جدیت کرده در خارج اینهمه نسبت بهژبر و گلشائیان اظهار انزجار و تنفر نمیشد اینست که بنده اصولاً با هر مطلبی که در ایران مکتوم باشد مخالف هستم حتی مذاکرات هیئت وزراء با حضور نمایندگان جرایم انجام گیرد از غالب مفاسد جلوگیری خواهد شد. ولی اینکه اکنون ما چه باید بکنیم یا باید يك توافق کاملی حاصل بشود همانطور که در رد قرارداد الحاقی حاصل شد یا اکثریت رأی خود را بدهد. در جلسات سرّی که تشکیل دادیم و تا چهار بعد از ظهر نشستیم سعی کردیم اتفاق آراء حاصل شود ولی متأسفانه نشد اگر بنده امید میداشتم که امروز هم ما جلسه سرّی تشکیل بدهیم اینکار با توافق آراء تمام میشود امروز هم موافقت میکردیم بانظر جناب آقای امامی و با اینکه من تصدیق میکنم که هر گاه

الان يك رأی متفق بدهیم بسیار اثر مطلوب هم در ملت ایران و هم در خارج کشور دارد ولی چون این امر میسر نیست ناچار برای گرفتن نتیجه من میگویم که اکثریت باید رأی خود را بدهد که این گزارش کار تهیه بشود و البته در مجلس هم مطرح میشود و آقایان نمایندگان هم میتوانند نظر خودشان را بگویند. دیگر راجع باظهارات جناب آقای بالیزی و جناب آقای فرامرزی که فرمودند ما حق نداریم وارد مطلبی غیر از آنچه مجلس بما مأموریت داده است بشویم (آقای فرامرزی گفتند: بنده عرض نکردم) این علاوه بر اینکه سنت پارلمان این بوده که هر وقت يك لایحه ای بیاید بکمسیون آن لایحه را بهر شکلی که میخواهد کمسیون بمجلس برمیگرداند، راهی هم غیر از این نیست که کمسیون پس از مطالعه هر راهی بنظرش بیاید جلو مجلس بگذارد حالا اگر بعد از چند ماه مطالعه متوجه شده ایم که چاره ای برای ملت ایران نیست غیر از اینکه امتیاز سال ۱۹۳۳ را برای اینکه تحمیلی بوده باطل فرض کنیم، صنعت نفت را ملی بکنیم بعقیده بنده هیچ گناهی نیست و اینقدر غیر عملی هم نیست و اگر در این دوره بمرحله ای نرسید که مجلس رویش رأی بدهد مجلسهای بعد و ملت ایران بعداً میتوانند روی همین گزارش و تصمیم کمسیون بملی شدن نفت عمل نمایند. اما راجع باینکه آیا ملی نمودن صنعت نفت ایران عملی میشود یا نه اولاً ما نباید فکر کنیم که امروز دولت انگلستان هر کاری بخواهد میتواند انجام دهد ملاحظه میفرمائید دولت شوروی باینکه یکی از زورمندترین دول جهان است و با جمعیت چین و کشورهای شرق اروپا که تحت تسلط او هستند تقریباً بنصف جمعیت دنیا حکومت میکند امروز در مقابل افکار عمومی محتاج سازمان ملل متحد میباشد و نماینده چین کمونست برای اظهار مطلب خود بشورای امنیت میرود وقتی که دولت شوروی قادر

نیست هر کاری دلش میخواهد انجام دهد بطریق اولی بر بنای کبیر که خودش یکی از تشکیل دهندگان و طرفداران سازمان ملل متحد میباشد قادر نخواهد بود اراده خود را بملت ایران برخلاف حق و انصاف تحمیل نماید بطوریکه آقایان اطلاع دارند حتی قبل از تشکیل سازمان ملل متحد دولت مکزیک در مقابل کشورهای متحد امریکا که همسایه قوی مکزیک میباشد نفت خود را از دست امریکا گرفت و آنرا ملی نمود منتها خسارت امریکا را داد بنده تصدیق میکنم که شاید اهالی مکزیک نتوانسته اند نفت خود را بخوبی امریکاییها اداره کنند ولی این نتیجه را لااقل گرفتند که نفت مکزیک امروز دست خودشان است بعقیده بنده هر گاه در ایران نیز اختیار نفت در دست خود ایرانیان باشد ولو تمام چاههای نفت ما را کسد بماند بهتر است از اینکه دولت انگلستان سیل لیره بطرف کشور ما سرازیر نماید ولی آن لیره ها را برای فساد ملت ایران و خرابی دستگاه حاکمه ما بکار ببرد بنا بر این هدف ما ایرانیها باید این باشد که بهر قیمتی تمام شود سایه شوم شرکت نفت را از سر ایران برداریم و خودمان را از دست آنها خلاص کنیم و تصور نفرمائید هر گاه ما این کار را بکنیم انگلیسها کشتی جنگی خواهند آورد و قشون پیاده خواهند کرد ما میتوانیم از همین متخصصین انگلیسی که الآن در نفت جنوب کار میکنند یا اشخاص بیکار دیگر که در انگلستان یا کشورهای دیگر هستند متخصصینی را استخدام نمائیم و بتدریج نفت خودمان را استخراج و باعنان کشتیهای حامل نفت آنرا بیازار خارجه بفروشیم. بعلاوه آقایان تصدیق میفرمائید هیچ ملتی نمیتواند بعنوان اینکه قادر باداره کردن کشور خود نیست از حق حاکمیت خودش صرف نظر نماید و ما نباید حرف دکتر میلیسیو را تصدیق کنیم که این شخص بعد از اینکه مدتی در خدمت ما بود و نان ما را خورد رفت از

ایران و يك كتابی نوشت وگفت ایرانیها قادر باداره کردن کشور خود نیستند و يك کمیسیون سه جانبی باید بر ایران حکومت نماید البته دکتر میلیسیو یکنفر خارجی است و هر چه دلش میخواهد میگوید اما یکنفر ایرانی هیچوقت نمیتواند بگوید که چون ما قادر باداره کردن کشور خود نیستیم ناچار باید بحکومت خارجیها تن در دهیم . همه آقایان تصدیق میفرمایند که وضع رفتار شرکت نفت مثل يك مؤسسه صرفاً تجارتي نیست و با ما رفتار حاکم بر محکوم مینمایند و ما چاره ای غیر از این نداریم که برای حفظ حاکمیت خودمان دست شرکت نفت را بکلی از سر ایران قطع نمائیم .

بنابر این آقایان خواهش میکنم بهیچوجه نگرانی بخودتان راه ندهید و روی این پیشنهاد فراکسیون وطن دایر به ملکی نمودن صنعت نفت رأی بدهید و اطمینان داشته باشید که این عمل باعث سربلندی ایران خواهد بود عیب کار ما تزلزل خودما و دولتهای ما است که این اندازه ملاحظه خارجیها را میکنیم . آیا ما از دولت مصر کمتر هستیم ؟ ملاحظه بفرمائید نخست وزیر مصر در مقابل دانشجویان مصری نطق میکنند و میگویند ما باید در مقابل انگلیسها قیام بکنیم و حق خودمان را از آنها بگیریم و صریحاً اظهار میدارد که هر گاه انگلیسها حاضر نشوند قشون خودشان را از کانال سوئز بیرون ببرند و با سودان را تخلیه نمایند خود من که نخست وزیر هستم حاضر هستم در پیشاپیش شما حرکت کنم و حق خودمان را بزور از آنها بگیریم و لو همه ما کشته بشویم ولی اولیای امور ما حتی حاضر نیستند يك کلمه علناً برای احقاق حق ایران در مجامع عمومی دنیا صحبت نمایند و این جناب آقای انتظام که الان رئیس مجمع عمومی سازمان ملل متحد هستند يك کلمه بر علیه مظالم انگلیسها نسبت بایران چیزی نمیگویند برعکس دولتهای ما در مقابل مجلس شورای ملی از انگلیسها علناً دفاع

میکنند و توجه ندارند باینکه هر گاه لااقل با حرف و صحبت هم اگر شده دعاوی ایران را علناً اظهار بدارند و از انگلیسها شکایت بنمایند چقدر برای شئون کشور و حیثیت خودشان مفید خواهد بود . لذا بنده خواهش میکنم بیش از این موضوع را معطل ننموده و تکلیف این کار را امروز معین فرمائید .

در این موقع پیشنهاد آقای جمال امامی بشرح زیر قرائت کردید :

« چون استنباط میکنم که از مذاکرات نتیجه مطلوبه عاید نخواهد شد لذا پیشنهاد کفایت مذاکرات را میکنم . جمال امامی خوئی » در دو جلسه قبل این تصمیم را گرفتیم و رد قرارداد الحاقی را اعلام کردیم عده زیادی از آقایان باین شرط اعضاء کردند که این تصمیم نهائی کمیسیون باشد ، کمیسیون هم برای اینکه این عمل اجرا شده باشد قبول کرد و پس از آن آقایان تشخیص دادند که این تصمیم ما کافی نیست يك چیزی هم اضافه و تکلیف بعد را معین بکنیم بنده شخصاً اطمینان داشتم که این تصمیم ثانوی هم مورد اتفاق آقایان قرار خواهد گرفت و موافقت کردیم که جلسه ادامه بیدابکند ولی امروز بنده استنباط کردم که باین منظور نخواهیم رسید چون آقایان اعلام کردند که از نظرشان عدول نخواهند کرد و بنا بر این صحبتی نداریم استدعا دارم رأی گرفته بشود بکفایت مذاکرات و بعد از آن بآن دو فورمول رأی بگیریم که تمام بشود .

آقای مکی اظهار داشتند : با کفایت مذاکرات مخالفتی ندارم و عین عقیده بنده است ولی برای توجه جناب آقای ذوالفقاری و جناب آقای فرامرزی که يك مطلبی فرمودند عرض میکنم که صنعت نفت را بیرومانی ملی کرد و در مجلس انگلیس هم مطرح شد و از لحاظ بین المللی نگرانی نداریم آن روزیکه بنده راجع به کشتیرانی و غیره عرض

کردم در جواب آقای نخست وزیر بود زیرا ایشان گفتند که کمیسیون نفت بمن بگوید که روی کدام يك از مواد قرارداد الحاقی بروم صحبت کنم من گفتم که ما از طرف مجلس مأموریتی نداریم که بدولت کنتر پروژه بدهیم ما باید گزارش خودمان را با نظریاتی که داریم به مجلس گزارش بدهیم حالا هم میگویم که ما نمیتوانیم بدولت بدون جلب نظر مجلس و اجازه مخصوص بدولت کنتر پروژه بدهیم و اینجا دو عقیده وجود دارد و هر پیشنهادی داده بشود من پیشنهاد میکنم که با ورقه رأی گرفته شود تا مسئولیت افراد کمیسیون معلوم بشود نسبت به پیشنهاد ملی شدن هم پیشنهاد کردم که با ورقه رأی گرفته شود.

آقای گنجی نسبت به پیشنهاد آقای جمال امامی دایر بکفایت مذاکرات رأی گرفتند و باتفاق آراء تصویب گردید.

در این موقع پیشنهادی که در جلسه سرتی تهیه شده بود و باهضای دوازده نفر بود قرائت گردید.

آقای بهبهانی توضیح دادند: این پیشنهادات برای اینست که بعد از اینکه گزارش بمجلس داده شد و مجلس بآن رأی داد بعد این پیشنهادات را بکنند و اینجا لازم نیست و این پیشنهادی است که به مجلس میکند که دولت بعد از این وظیفه اش چه هست.

آقای گنجی اظهار داشتند: این پیشنهاد را آقای مخبر ضمن گزارش بمجلس میدهند که مجلس این کار را بکند مجلس یا رأی میدهد یا رأی نمیدهد دوازده امضا دارد (آقای دکتر مصدق تذکر دادند: پیشنهاد ما رأی بگیریید) **آقای عامری** تذکر دادند: اگر نسبت باین پیشنهاد اتفاق حاصل نمیشود همان را بدهیم با آن مقدمات من دیروز استدعا کردم و آقای مکی هم پذیرفتند که ردش بمصاحبت نیست چند نفر از

آقایان و کلاء هم که در خارج صحبت میکردیم میگفتند این موضوع از حدود وظایف ما خارج است.

آقای رئیس تذکر دادند: فرمایشاتی آقایان میفرمایند که مخالف اصول پارلمان است برای اینکه اقلیت حق دارد پیشنهاد بدهد و اکثریت رد بکند.

آقای جمال امامی گفتند: آنوقت ممکن است يك پیشنهادی بنده بدهم قبول بشود و پیشنهاد شعارد بشود.

آقای دکتر هدایتی تقاضا داشتند: برای حل موضوع چند دقیقه تنفس داده بشود.

آقای بهبهانی پیشنهاد کردند: که پیشنهاد جناب آقای دکتر مصدق رأی گرفته بشود ولی در صورت جلسه و در گزارش مجلس نوشته نشود و آقای مکی در مجلس خودشان نظرشان را اظهار بدارند.

در این موقع پیشنهاد فراکسیون جنبه ملی بشرح زیر قرائت شد:

بنام سعادت ملت ایران و بمنظور کمک بتأمین صلح جهانی امضاء کنندگان ذیل پیشنهاد مینمائیم که صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور بدون استثناء ملی اعلام شود یعنی تمام عملیات اکتشاف، استخراج و بهره برداری در دست دولت قرار گیرد. حائری زاده - اللهیار صالح - دکتر محمد مصدق - حسین مکی - دکتر شایگان. پس از قرائت پیشنهاد مزبور پیشنهاد آقای عامری بشرح زیر قرائت گردید: نظر باینکه وظیفه کمیسیون مخصوص نفت اظهار نظر در قرارداد الحاقی از لحاظ استیفاء یا عدم استیفاء منافع ایران بوده و باتفاق آراء اظهار نظر در این موضوع بعمل

آمده بنا براین ورود در هر گونه پیشنهادی از وظیفه کمیسیون خارج است و تکلیف آنها از طرف مجلس شورای ملی باید معین شود. جواد عامری

آقای حائری زاده توضیح دادند: که تصمیم کمیسیون با چیزیکه به مجلس داده میشود دوتا است و گزارشی که به مجلس داده میشود باید بدولت دستور داده بشود که دولت چه کار بکند باید يك فورمی برای مجلس تهیه بکنیم و رویش رأی بدهیم اگر اتفاق آراء هم نشد و اکثریت هم شد همان را به مجلس بدهیم.

آقای گنجهای اظهار نمودند: پس آقایان به هیچ فورمول دیگری موافقت ندارند.

آقای مکی پیشنهاد زیر را نمودند: «پیشنهاد مینمایم نسبت به پیشنهاد آقای عامری با ورقه رأی گرفته شود. حسین مکی.»

آقای گنجهای اعلام داشتند: نسبت به پیشنهاد آقای عامری بنا به پیشنهاد آقای مکی با ورقه رأی گرفته میشود. عده حاضر ۱۶ نفر - آقایان موافقین ۱۰ نفر بشرح زیر: آقایان - جواد عامری - بالیزی - گنجهای - دکتر کسمی - جمال امامی - دکتر علوی - خسرو قشقائی - سر تیب زاده - ناصر ذوالفقاری - دکتر هدایتی.

آقایان مخالفین چهار نفر: آقایان: دکتر محمد مصدق - اللهیار صالح - حسین مکی - حائری زاده.

آقایان ممتنعین دو نفر: آقایان: فرامرزی - بهبهانی.

توضیحاً اینکه آقای دکتر مصدق در ورقه رأی مخالف خود عبارتی بشرح زیر نوشته بودند که قرائت شد اینک متن آن عبارت «پیشنهاد جناب آقای عامری با اصول و سوابق پارلمانی تطبیق نمیکند لذا اینجانب با پیشنهاد مزبور مخالفم دکتر

محمد مصدق» و آقای الهیار صالح عبارت زیر را در ورقه رأی مخالفت خود نوشته بودند که قرائت شد اینک متن آن عبارت «پیشنهاد جناب آقای عامری با اصول و سوابق پارلمانی تطبیق نمیکند و اینجانب با قبول پیشنهاد مزبور موافق نیستم. ۲۹/۹/۸ اللهیار صالح» و همچنین آقای مکی در ورقه رأی مخالفت خود عبارتی نوشته بودند که نیز قرائت گردید اینک متن آن عبارت:

«چون پیشنهاد جناب آقای عامری پیشنهاد نمایندگان فراکسیون وطن دایر بر ملی شدن صنایع نفت را مسکوت میگذارد مخالفم. حسین مکی.»

در اینموقع یکساعت و یکربع بعد از ظهر جلسه ختم گردید و قرار شد آقای مخبر گزارش لازم را تهیه و جلسه دیگری برای تصویب صورت مجلس و قرائت گزارش تشکیل شود. رئیس کمیسیون مخصوص نفت - دکتر محمد مصدق

گزارش از کمیسیون مخصوص نفت به مجلس شورای ملی

کمیسیون مخصوص نفت که بر حسب تصمیم قانونی مجلس در تاریخ دوشنبه پنجم تیرماه ۱۳۲۹ تشکیل شده است گزارش خود را ضمن بیان مقدمه ای بمرض مجلس مقدس شورای ملی می‌رساند.

در ۲۹ مهرماه ۱۳۲۶ مجلس شورای ملی ضمن ماده واحده ای دولت را مکلف نموده که نسبت باسستیقای حقوق ایران از نفت جنوب اقدامات لازم نموده نتیجه را بمرض مجلس شورای ملی برساند.

بعد از یکماه پس از این تاریخ آقای گس نماینده شرکت برای مذاکره در باب اجرای ماده ۱۶ امتیاز نامه یعنی تقلیل مستخدمین خارجی شرکت که دعوت شده بود وارد تهران میشود و نسبت بموضوع فوق الذکر چنانچه از پروندهها مستفاد میشود بوسیله وزیر دارائی وقت مرحوم هژبر مذاکرات با نامبرده آغاز میگردد ضمناً چون در آتموقع مطالعات وزارت دارائی در موضوعات دیگری مانند قرارداد های فروش نفت و طرز تعیین بهای محصولات نفتی و حق دولت از ذخائر شرکت نفت و حق دولت نسبت برسدگی بدفاتر و محاسبات شرکت تکمیل شده بود و بواسطه خاتمه جنگ اطلاعاتی از درآمد سایر شرکتها واصل گردیده بود وزیر دارائی وقت راجع باصول کلی امتیاز نامه و اشکالات متعددی که در اجرای آن بوجود آمده بود و همچنین تحوولی که در وضع اقتصادی نفت ایجاد گردیده و عدم رضایتی که تجدید امتیاز و تمدید

Handwritten text in Persian script, likely a continuation of the report or a related document. The text is dense and covers most of the page.

مدت آن باقی گذارده است با آقای کس مذاکرات مفصلی بعمل میآورد در نتیجه چون مذاکرات در باب اجرای ماده ۱۶ نتیجه نرسید و ضمناً مشاهده شد که مسائل مهمتر و اساسیتری نیز مورد توجه دولت ایران میباشد آقای کس بلندن مراجعت میکند و قرار شد همینکه دولت ایران نظریات خود را نسبت باین مسائل مشخص نمود نامبرده مجدداً بایران مراجعت نماید.

پس از سقوط کابینه آقای قوام و تشکیل کابینه آقای حکیمی بدستور آقای نجم وزیر دارائی وقت کمیونی برای موضوع تقلیل کارمندان خارجی بمراکز عملیات شرکت نفت اعزام میشود ضمناً مذاکراتی با نماینده شرکت در تهران برای آمدن آقای کس با سر ویلیام فریزر بعمل میآید و در کابینه نامبرده جز راجع بماده ۱۶ عمل دیگری انجام نشده است پس از سقوط کابینه آقای حکیمی و تشکیل کابینه مرحوم هژیر از شرکت خواسته میشود نمایندگانی برای تعقیب مذاکرات مربوط باستیفای حقوق دولت ایران به تهران اعزام دارد در نتیجه هیئتی برباست آقای کس به تهران وارد میشود و از طرف دولت نیز هیئتی مرکب از آقای وارسته وزیر دارائی و آقای دکتر شادمان وزیر کشاورزی و آقای دکتر پیرنیا مدیر کل وزارت دارائی وقت تعیین میشوند این هیئت نظریات دولت را بصورت يك یادداشت مقدماتی متضمن ۲۵ ماده بشرکت نفت تسلیم نمودند بطوری که در مقدمه این یادداشت بیان شده است منظور از آن این بوده است که اولاً نشان دهد در طی ۱۵ سال گذشته مقررات امتیاز نامه بر تریبی که منظور عاقبتین آن بوده است اجراء نشده و حتی در بعضی موارد اصولاً مقررات امتیاز نامه از طرف شرکت اجراء نگردیده است و جبران خسارتهائیکه از این بابت

بدولت ایران وارد شده تقاضا شده است. ثانیاً در این یادداشت ۲۵ ماده ای متذکر شده که حتی اگر این امتیاز نامه بر تریبی که در ۱۵ سال پیش منظور عاقبتین آن بوده است اجرا شود و با وضع فعلی و با تحولاتی که در این ۱۵ سال بعمل آمده است بهیچوجه کافی برای تأمین حقوق ایران نیست.

راجع باین یادداشت قریب سه هفته از تاریخ ۲۷/۷/۸ تا تاریخ ۲۷/۷/۲۱ مذاکراتی بین نمایندگان دولت و نماینده شرکت نفت بعمل میآید و توضیحات کافی درباره نظریات دولت بشرکت نفت داده میشود.

آقای کس تقاضا میکند که بایشان سه ماه فرصت داده بشود که با هیئت مدیره شرکت در لندن در باب نظریات دولت مذاکره نماید.

پس از سقوط کابینه و تشکیل کابینه آقای ساعد ۲۵ ماده یادداشت دولت سابق مورد مطالعه قرار میگردد و قرار میشود که بامشورت متخصصین نظریه دولت وقت معلوم و از طرف دولت پروژه قطعی تنظیم گردد با آقای گلشائیان اختیار داده میشود که با مشورت آقایان دکتر پیرنیا و جهانگیر و نظام الدین امامی کمیسر ایران در لندن با نمایندگان شرکت وارد مذاکره شوند.

در گزارشی که آقای گلشائیان وزیر دارائی به آقای ساعد نخست وزیر داده نتیجه مذاکرات خود را چنین گزارش میدهد:

« برای این منظور اقدامات لازم بعمل آمده و نظریات آقایان کورتیس - کلینکیان و تورنبرک متخصص معروف وقت خواسته شد که بجه ترتیب نسبت بامتیاز نامه فعلی تقاضای تجدید نظر شود و نیز آقایان پرفسور ژیدل متخصص حقوق بین الملل و روسو

متخصص حسابداری که بموجب قانون مصوب مجلس شورای ملی حق اجازه استخدام داشتیم دعوت شدند که بایران بیایند بعد از اینکه نظریات آقایان متخصصین جلب شد نماینده تام الاختیار شرکت (آقای گس) بتهران آمد و تقاضا کرد از طرف دولت نماینده تام الاختیاری تعیین شود بموجب نامه ۲۴۲۱/۴ دولت اینجانب را بسمت نماینده تام الاختیار تعیین و بمعیت همیشگی که تعیین شده بود مذاکرات را در تاریخ ۲۰/۱۱/۱۳۲۷ بانمایندگان شرکت نفت آغاز نمودم و در جلسه اول مذاکرات به استحضار نمایندگان شرکت رسانیدم که علاوه بر کلیه نکاتی که در دولت سابق بانمایندگان آن شرکت مذاکره شده است اصولاً نظر من بطور کلی تجدید نظر در مواد قرارداد است و موادی که مورد نظر بود بنماینده شرکت ابلاغ کردم بدو نمایندگان شرکت آماده برای شنیدن این اظهار نشده و حتی تهدید بترك مذاکره را کردند. بعد که حاضر برای مذاکره شدند بآنها تذکر دادم که دو نکته از همه مهمتر که باید قبلاً در باب آنها تصمیم اتخاذ شود و بعداً بسایر نکات بپردازیم عبارتند از:

۱ - مبلغ حق الامتیاز و مالیات.

۲ - مدت امتیاز.

در مورد نکته اول یعنی مبلغ حق الامتیاز نظر دولت ایران آنست که حقوق ایران از شرکت نفت طبق اصل متداول در کشور و نژوئلا که در سایر کشورها نیز بشتر بجز مورد قبول قرار میگردد براساس نصف سود نایژه شرکت تعیین شود منتها برای اینکه دولت از افزایش بهای نفت خام بهره مند گردد و حداقلی نیز برای

حق الامتیاز موجود باشد که حداقل منافع سالیانه دولت تأمین شود خواسته شد که شرکت حقوق دولت ایران را براساس زیر بپردازد:

اولاً يك ششم بهای نفت خام استخراج شده.

ثانیاً شش شلینگ ونیم طلا برای هر تن نفت استخراج شده.

ثالثاً بیست درصد سود نایژه.

محسّنات این فورمول که بانظر متخصصین نفت تهیه شده بود اینست که اولاً در آمد دولت از سه ممر تأمین میشود:

۱ - حق الامتیاز بطلا که تنزل لیره کاغذ تأثیری در آن ندارد بعلاوه از استخراج گرفته میشود نه فروش و اینهم برای اینست که اگر موقعی بازار فروش برای شرکت نباشد یا راههای تجارت مثل زمان جنگ بسته شود در آمد ما بمقدار فروش محدود نشده و از استخراج گرفته شود بعلاوه همه ساله مقداری که استخراج میشود بیش از مقدار فروش است و با فورمول فعلی آنچه که در دستگامهای عملیات شرکت مصرف میشود حق الامتیاز نمیدهد در صورتیکه اگر حق الامتیاز از روی استخراج گرفته شود آنچه مصرف خود کمپانی است نیز مشمول حق الامتیاز شده و آنچه هم در سال استخراج ولی فروخته نمیشود نیز حق الامتیاز خواهد پرداخت.

۲ - دولت در تمام عملیات کمپانی چه در ایران و چه در خارج شریک است منتها بجای بیست درصد سودی که فعلاً بصاحبان سهام تقسیم میشود بیست درصد سود نایژه خواسته شده که دیگر مالیات بر درآمد دولت انگلستان و مبالغ بی تناسبی که برزروهای مختلفه شرکت میگذازد سود ما کسر نمیشود.

۳ - مقداری نفت خام یا بهاء آن خواسته شده که از ترقی بهای نفت در سالهای خوب استفاده شده باشد.

طبق این محاسبه حق الامتیاز دولت برای سال ۱۹۴۷ بطوریکه در بالا بعرض رسید همان ۲۰ میلیون لیره و برای سال ۱۹۴۸ بعلت اینکه قیمت نفت افزایش مهمی حاصل نموده و مقدار استخراج نیز به ۲۵ میلیون تن افزایش یافته و اگر چه هنوز حساب سود و زیان شرکت منتشر نشده است ولی حق دولت ایران را بر اساس نصف سود ناوبره به ۳۹ میلیون لیره تخمین نموده و باطلاع شرکت رسانید البته مبلغ قطعی این حق دولت پس از تنظیم حساب سود و زیان شرکت معین خواهد شد در مورد نکته دوم یعنی مدت امتیاز باستحضار نمایندگان شرکت رسانیدم که تقاضای دولت آنست که هر ۱۵ سال یکمرتبه بر اساس اوضاع و احوال روز در مقدرات امتیاز نامه تجدید نظر بعمل آید.

چندین جلسه راجع بفورمول دولت بین اینجانب و نمایندگان شرکت مذاکره مفصل شد و مخصوصاً در قسمت بیست درصد سود ناوبره و تأثیری که در طرف این چندسال اخیر مالیات بر درآمد دولت انگلستان و محدود کردن سود قابل تقسیم بصاحبان سهام از طرف دولت انگلستان در درآمد ما نموده بود توضیحات مفصل داده شد و حسابهایی که از بیلابهای شرکت از ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۷ توسط آقای روسوا استخراج شده بود باطلاع نمایندگان شرکت رسید و ثابت نمودم که اقدامات شرکت در قسمت رزروها و مالیات بر درآمد برخلاف مدلول ماده ۱۰ قسمت سوم و همچنین برخلاف روح ماده ۲۱ امتیاز نامه است بعد از چندین جلسه مذاکره و اصرار نمایندگان شرکت بحفظ فورمول فعلی و اظهار باینکه مقصود از فورمول تأمین عایدات بیشتری است و ما حاضریم

بافورمول فعلی درآمد بیشتری را برای دولت تأمین کنیم نسبت بماده ۱۰ و ۱۱ پیشنهاد زیر را نمودند:

۱ - بر مبلغ حق الامتیاز که فعلاً چهار شلینگ است از اول سال ۱۹۴۸ دوشلینگ اضافه شود.

۲ - بر مبلغ مالیات که فعلاً تقریباً ۱۰ پنس است از اول سال ۱۹۴۸ دو پنس اضافه شود.

۳ - حق دولت از ذخیره عمومی که در موقع توزیع بین صاحبان سهام یاد در موقع انقضاء امتیاز که بایستی بدولت پرداخت گردد مرتباً سالیانه پرداخت شود.

باین ترتیب ملاحظه میشود که اولاً شرکت برای سالهای ۱۹۴۷ و قبل از آن جز پرداخت سهم دولت از ذخیره عمومی چیز دیگری پیشنهاد نموده. ثانیاً از سال ۱۹۴۸ ببعده پیشنهاد نموده است که دوشلینگ و دو پنس بر مجموع حق الامتیاز و مالیات دولت که فعلاً چهار شلینگ و ده پنس است اضافه شود و این مبلغ بهفت شلینگ برسد که اگر تفاوت بهای طلا را طبق محاسبه شرکت یعنی تفاوت ۱۷۲ شلینگ و سه پنس و ۱۲۰ شلینگ را بآن اضافه کنیم حق الامتیاز دولت برای هر تن نفت فروخته و صادر شده بدوشلینگ و نیم پنس بالغ میگردد.

آقای گلشائیان پس از وصول این پیشنهادات فوری ناچیز بودن آنرا بنمایندگان شرکت اعلام و خاطر نشان میسازد که اگر همین ۴ شلینگ و ده پنس که در امتیاز نامه موجود است و آن را شرکت از قرار نرخ رسمی و مصنوعی ۱۷۲ شلینگ و ۳ پنس محاسبه و پرداخت میکند از قرار نرخ حقیقی و حتی نرخی که شرکت نفت امریکا در عربستان سعودی حقوق دولت نامبرده را میبرد از ۲۵۵ شلینگ هر انس محاسبه

کند حقوق ایران در هر تن بالغ بر ۱۰ شلینگ و سه پنس میگردد که دو پنس و نیم از مبلغی که شرکت پیشنهاد نموده است بیشتر است یعنی پیشنهاد شرکت حتی کافی برای تأمین حقوق ایران طبق امتیاز نامه قبلی نیست چه رسد باینکه نسبت بامتیاز نامه فعلی حقوق بیشتری را نیز برای ایران تأمین نمایند. راجع به نکته دوم یعنی مدت امتیاز چون نمایندگان شرکت از تجدید نظر ۱۵ ساله در کلیه مواد استیضاح داشتند آقای گلشائیان موافقت مینماید که لااقل تجدید نظر مزبور منحصر بمواد مالی باشد.

بالاخره مذاکرات بحر حله بن بست میرسد ضمناً چون تعطیلات نوروز در پیش بوده موافقت میشود که آقای کس بلندن مراجعت و با هیئت مدیره راجع بنظریات دولت مذاکره و بعد از سه هفته مجدداً مذاکره آغاز شود. در این اثنا دولت تصمیم میگیرد که از طریق مذاکره مستقیم با سر ویلیام فریزر رئیس هیئت مدیره شرکت نفت وارد شود از نامبرده دعوت میشود که پس از سه هفته باتفاق آقای کس به تهران بیاید مذاکره با سر ویلیام فریزر در اطراف مواد دیگر شروع میشود و طرحهای جدیدی نسبت بمواد ۱۵ - ۱۶ - ۱۸ - ۱۹ - ۲۰ - ۲۶ با نظر مشاورین دولت تهیه و بنمایندگان شرکت تسلیم پس از چندین جلسه مذاکره شرکت حاضر بقبول هیچگونه تغییری در مواد امتیاز نامه نگردیده و اظهار نمودند که شرکت حاضر بتجدید نظر در هیچیک از مواد امتیاز نامه نبوده و حاضرند با توجه باوضاع و احوال روز در مبلغ حقوق دولت اگر تعدیلاتی لازم باشد بعمل آورند بالاخره آخرین پیشنهاد دولت که بشرکت ابلاغ شد این بود که برای هر تن صادرات و فروش شرکت نفت از هر جهت به ۱۶ شلینگ

و چهار پنس (قبل از تنزل نرخ لیره) که با احتساب تنزل نرخ لیره و تفاوت آن قریب به ۲۴ شلینگ میشود آخرین پیشنهاد دولت مورد موافقت سر ویلیام فریزر و آقای کس قرار نگرفت و قرار شد نمایندگان شرکت نفت آخرین نظر خود را قبل از دوهفته باطلاع دولت ایران برسانند.

شرکت نفت علاوه بر ده شلینگ و نیم پنس که قبلاً پیشنهاد نموده بابت ۲۰ درصد سود سهام و حق دولت از ذخیره عمومی و مالیات و ذخیره عمومی سالی ۲۵۰۰۰۰۰ لیره را تضمین نمود یعنی هیچ سالی در آمد دولت علاوه بر ده شلینگ و نیم پنس روی هر تن فروش از بابت رزرو و سود کمتر از ۲۵۰۰۰۰۰ لیره باشد.

راجع بآخرین پیشنهاد دولت و آخرین پیشنهاد شرکت نفت نظر متخصصین استفسار شد (آقای کورتیس پیشنهاد شرکت نفت را کافی نمیداند و میگوید حق الامتیاز کم است در صورتیکه بابت سال ۱۹۴۸ مجموعاً ۱۶ شلینگ و چهار پنس بدهد در صورتی قابل قبول است که با اصل تقسیم بالمناصفه منافات نداشته باشد و لکن بر حسب ظاهر خیلی کمتر از نصف است زیرا که اگر قیمت نفت خام نیمی $8\frac{1}{3}$ دلار باشد و منافع نصفیه هم در نظر گرفته شود نصف عواید خالص پس از وضع هزینه استخراج سه دلار و بیست و پنج صدم و معادل همان ۱۶ شلینگ و چهار پنس خواهد بود و حال آنکه قیمت نفت در ۱۹۴۷ قطعاً بیش از ده دلار بوده و باید بکمپانی خاطر نشان کنید که دولت و نزوئلامدنی است اصل تقسیم بالمناصفه را برقرار ساخته و کمپانی نفت و نزوئلامدنی قبول کرده است اکنون دولت شاهنشاهی ایران نمیتواند از این اصل منحرف شود و با پیشنهاد کمتری موافقت نماید و بنا بر این کمپانی باید اصل تقسیم بالمناصفه را قبول کند.

بطوریکه ملاحظه میشود آقای کورتیس مبلغ ۱۶ شلینگ و چهارپنس راحتی برای سال ۱۴۹۷ که قیمت نفت خیلی کمتر از ۱۹۴۸ است کافی ندانسته و حال آنکه حق امتیاز پیشنهادی برای سال ۴۷ که من حیث المجموع ۱۳ شلینگ است. آقای تورنبرک میگوید مبلغ ۱۶ شلینگ و چهارپنس را که دولت در نظر گرفته حد اقلی است که میتواند بر اساس عدالت و انصاف قبول کند و ضمناً اظهار داشتند که « اگر چه حکمیت تصفیه این موضوع را بتأخیری اندازد و ممکن است مشکلات سیاسی از مقامات بالاتری را وارد جریان نماید بایستی قبول کرد که پذیرفتن پیشنهاد قبلی شرکت نفت از طرف دولت ایران تقریباً بطور حتم بعداً رد خواهد شد بنا بر مراتب فوق بفرض اینکه شرکت نفت در عدم تمایل خود بر آنکه درآمد حاصله بر اساسی که در بالا بیان شد توزیع گردد باقی بماند جز حکمیت. من طریق عاقلانه دیگری را نمی بینم » پرفسور ژیدل مشاور حقوقی در یک رساله مفصلی که تقدیم دولت نموده موضوع حکمیت و مواردی را که نسبت بآنها دولت بایستی تقاضای حکمیت نماید مورد مطالعه قرار داده و نسبت به بزرگ آنها مدارک مورد استناد را تعیین نموده است. بطوریکه از گزارش آقای گلشائیان بر میآید نظریات پرفسور ژیدل اینست که دولت بایستی جریان حکمیت را شروع نماید و معتقد است که این اقدام سبب خواهد شد که شرکت نفت و دولت انگلستان را بیشتر متوجه این جریان نموده و حاضر شوند با دولت مذاکرات را تجدید و پیشنهادات بهتری تسلیم نمایند ضمناً پرفسور ژیدل در گزارشات خود متذکر شده است که هر قسم توافقی بین دولت و شرکت نفت بشود « بشرط اینکه فقط بصورت یک قرارداد منتها برای ۱۵ سال آینده باشد و بهیچوجه قراری در بابت اینکه دولت از دعوی خود نسبت بگذشته صرف نظر نموده

و بالنتیجه این قرارداد را برای استیفای حقوق ایران کافی تشخیص میدهد نباشد و فقط قراری باشد دائر بر اینکه بعلت تغییر اوضاع و احوال شرکت حاضر است مبالغ مذکور در امتیاز نامه را بمقدار معین افزایش دهد فعلاً چهار شلینگ را به شش یا ده شلینگ برساند ».

همچنین عقیده دارد مواردیکه باتوجه بتقاضاهای دولت میتوان بحکمیت ارجاع نمود منحصر به هشت نکته میشود :

۱ - مالیات بر درآمدی که بدولت انگلیس پرداخته شده - گرچه در این قسمت کمپانی حاضر شده نسبت به ژنرال رزرو مالیات دولت انگلیس از سهم ما کسر نشود و از قسمت حق امتیاز ما که روی تن شماری پرداخت میشود نیز مالیات کسر نمیشود ولی چون ما خود را نسبت بسایر رزورها ذیحق میدانیم پس مالیات بر درآمد انگلیس را در آن قسمتها مؤثر دانسته و تقاضای رفع آن را داریم .

۲ - حق در رزورها .

۳ - محدود کردن سود سهام - در این قسمت نیز کمپانی حاضر شده که مقررات دولت انگلیس راجع بمحدود نکردن سود سهام در سهم ما تأثیر نداشته باشد ولی باطرز حسابداری شرکت و اینکه برای اجرای نظر دولت انگلیس عواید اضافی شرکت را که در نظر است توزیع نشود تنها به ژنرال رزرو نبرده بلکه بسایر رزورها میبرد و ما حق نظارت در دفاتر و حساب آنها نداریم بنا بر این از اینجهت حق مطالبه داشته و مانعی برای ارجاع بحکمیت نیست .

۴ - مربوط بقرارداد فروش به امریکائیا و بحریه انگلیس .

۵ - مقدار محصولی که در کارخانهجات خود شرکت مصرف میشود و حق امتیاز نمیدهند .

۶ - نفتیش و نظارت در دفاتر و خواستن اطلاعات مالی .

۷ - کسر تعداد مستخدمین خارجی .

۸ - عدم پرداخت مالیات و عوارض نسبت به نفت و بنزینی که در موقع جنگ بقشون متفقین در ایران فروخته شده است .

چیزی که در گزارش آقای گلشائیان مورد توجه است اینست که در قسمت آخر گزارش خود چنین میگوید « بنظر اینجناب منظوری را که مقنن از استیفای کامل حقوق حقه ملت ایران داشته با این پیشنهادات شرکت تأمین نخواهد نمود و بنظر اینجناب قابل قبول نیست » .

بالاخره رئیس دولت نامه وزیر دارائی را در جلسه ۲۱ خرداد ۱۳۲۸ هیئت دولت قرائت و ذیل آن چنین می نویسند :

این نامه در جلسه شنبه ۲۱ خرداد ۱۳۲۸ در هیئت وزیران قرائت و مطرح میشود بالاتفاق تصمیم گرفته شد که مصلحت با جریانات فعلی و نظریات متخصصین فعلاً با رجوع امر بحکمیت نیست اگر دولت همان طور که نظر آقایان نمایندگان مجلس بوده با فشاری کند و بتواند حد وسطی بین پیشنهاد شرکت و دولت پیدا بکنند بهتر است قرار شد وزارت دارائی مطالعه کرده در این زمینه پیشنهاد قطعی تهیه و بکمپانی ابلاغ گردد .

چنانکه ملاحظه میشود نظر هیئت دولت این بوده که در ۱۶ شلینگ و ۴ پنس توافق شد و نظر کارشناسان هم گفته شد و لسی وقتی موضوع در هیئت دولت مطرح

میشود باز هم بنماینده دولت یعنی وزیر دارائی اختیاری داده نشده بود که به ۶ شلینگ و ۲ پنس (که مجموعاً با احتساب تفاوت نرخ طلا و سایر عوایدی که از حق الهام و مالیات و غیره در حدود ۱۳ شلینگ میشود) یعنی آنچه را که نماینده شرکت نفت در بادی امر پیشنهاد کرده بود تسلیم شود . بهر حال بر اثر ملاقاتهای سیاسی که عیناً در پرونده منعکس است دولت آقای ساعد ناچار میشود عین پیشنهاد کمپانی را به مجلس شورای ملی تقدیم نماید .

چنانچه خاطر آقایان مستحضر است بواسطه مخالفت شدید و مقاومت و انقضاء دوره پانزدهم مجلس شورای ملی مانع از تصویب آن گردیده و قضیه مسکوت ماند تا در مجلس دوره شانزدهم بر حسب تقاضای دولت و تعیین تکلیف قرارداد الحاقی مجدداً موضوع در مجلس مطرح و بر حسب پیشنهاد عده ای از آقایان نمایندگان رسیدگی بامر بکمسیون خاصی ارجاع میگردد .

چیزی نمیگذرد که کابینه آقای منصور ساقط و کابینه آقای رزم آرا معرفی میشود .

در اینموقع بر حسب تصمیمی که در جلسه ۲۹/۳/۳۰ در مجلس شورای ملی اتخاذ گردیده بود از هر شعبه سه نفر برای عضویت کمسیون مخصوص نفت انتخاب گردیدند بشرح زیر :

آقایان : دکتر مصدق - جواد گنجهای - سید علی بهبهانی - دکتر کاسمی - دکتر علوی - ناصر ذوالفقاری - خسرو قشقائی - سر تیب زاده - فقیه زاده - اللهیار صالح - جمال امامی - جواد عامری - حائری زاده - دکتر هدایتی - دکتر شایگان - پالیزی - فرامرزی - حسین مکی .

اولین جلسه روز دوشنبه پنجم تیرماه ۲۹ تشکیل گردید و هیئت رئیسه خود را انتخاب ضمناً نامه‌ای بوزارت دارائی نوشته شد که پرونده های مربوط به نفت محتوی کلیه اسناد و مدارک خصوصاً گزارش پروفیسور ژیدل و گزارشهای ارمیتاز اسمیت انگلیسی و گزارشهای آقای نظام‌الدین امامی و نامه‌های مرحوم داور و آقای کلشائیان راجع بماده ۱۶ قرارداد ۱۹۳۳ و همچنین گزارشهای رسمی و بیلابهای شرکت نفت را از این تاریخ تا روز یکشنبه ۲۹/۴/۱۱ ارسال دارند ضمناً طبق نامه شماره ۱۶۳ مورخ ۲۹/۴/۵ از آقای دکتر پیرنیا دعوت شد که دو ساعت قبل از ظهر جهت ادای توضیحات در کمیسیون مخصوص نفت که روز دوشنبه ۲۹/۴/۱۲ تشکیل میگردد حضور یابد.

وزارت دارائی طبق نامه محرمانه فوری بشماره ۹۶۲ مورخ ۲۹/۴/۱۱ چنین پاسخ داد :

مجلس شورای ملی - کمیسیون مخصوص نفت

عطف بمرقومه شماره ۱۶۳ مورخ ۵ تیرماه ۱۳۲۹ مبنی بر اینکه گزارش و اسناد و مدارک مربوط به نفت تا روز یکشنبه ۱۱ تیرماه بان کمیسیون ارسال گردد استحضار میدهد. چون تنظیم اوراق و اسناد مزبور و مهیا نمودن آنها تا روز یکشنبه ۱۱ تیرماه مقدور نیست اوراق و مدارک مزبور تا آخر هفته جاری بان کمیسیون ارسال خواهد شد. از طرف وزیر دارائی دکتر پیرنیا.

مدتی گذشت و پرونده‌ها نرسید تا بالاخره در جلسه سوم کمیسیون مخصوص نفت که در تاریخ دوشنبه ۲۷ شهریور ماه ۲۹ تشکیل شد باتفاق آراء تصمیم گرفته شد

که نامه‌ای با آقای نخست وزیر نوشته شود که اینک برای روشن شدن ذهن نمایندگان محترم عین نامه ذیلا بشماره ۲۹۱ مورخ ۲۹/۶/۲۷ باطلاع میرساند :

جناب آقای نخست وزیر - کمیسیون منتخب مجلس شورای ملی مأمور مطالعه پرونده نفت و اظهار نظر راجع بلایحه تقدیمی دولت تا کنون سه جلسه منعقد نموده و کتباً و شفاهاً طی نامه‌های شماره $\frac{۱۶۳}{۲۹/۴/۵}$ و $\frac{۲۳۶}{۲۹/۵/۳۰}$ از وزارت دارائی خواسته است که برای روشن شدن موضوع پرونده‌های مربوطه نفت را بکمیسیون بفرستند متأسفانه تا کنون دولت پرونده‌های مربوطه را نفرستاده است اینک کمیسیون از دولت تقاضا دارد که دستور فرمایند تا مدت سه روز از این تاریخ پرونده‌های مربوطه بکمیسیون ارسال شود و نیز دولت باید تا ده روز دیگر از این تاریخ نظریه خود را در باب لایحه تقدیمی بکمیسیون اطلاع دهند چنانچه پس از گذشتن این تاریخها پرونده و نظر دولت بکمیسیون نرسید اعضاء کمیسیون تصمیم گرفته اند که دولت را در موضوع نفت استیضاح کنند. رئیس کمیسیون مخصوص نفت دکتر محمد مصدق

در تاریخ ۲۹/۶/۳۰ طبق نامه ۱۹۸۵ - ۲۹/۶/۲۸ محرمانه پرونده‌ها از وزارت دارائی بکمیسیون مخصوص نفت واصل گردید.

کمیسیون مخصوص نفت نیز در جلسه سوم مهرماه خود تصمیم گرفته که نامه‌ای بوزارت دارائی نوشته شود که اینک عین آن ذیلا ذکر میشود :

وزارت دارائی

کمیسیون مخصوص نفت روز دوشنبه سوم مهرماه تشکیل گردید و پس از قرائت نامه شماره ۱۶۳۷۴ - ۲۹/۷/۲ جناب آقای نخست وزیر مقرر گردید روز چهارشنبه ۵ مهر ماه ساعت نه و نیم صبح کمیسیون مخصوص نفت تشکیل گردیده و پرونده‌های

ارسالی باحضور نماینده وزارت دارائی قرائت شود اینک مقتضی است نماینده آن وزارتخانه در کمیسیون حضور بهم رسانند.

رئیس کمیسیون مخصوص نفت - دکتر محمد مصدق
آقای نخست وزیر نیز در تاریخ ۲۹/۷/۲ طی نامه شماره ۱۶۳۷۴ - ۲۹/۷/۲ راجع باظهار نظر چنین مینویسند: جناب آقای دکتر مصدق ریاست محترم کمیسیون مخصوص نفت - در پاسخ نامه شماره ۲۹۱ - ۲۹/۶/۲۷ اشعار میدارد:

۱ - پرونده های مربوط به نفت پیوست نامه شماره ۱۹۸۵/۴ - ۲۹/۶/۲۸ وزارت دارائی برای مطالعه کمیسیون ارسال گردیده است و علت اینک تاکنون ارسال نشده بطوریکه استحضار دارند بدو لزوم مطالعه وزیر دارائی و سپس تعطیل مجلس بوده است.

۲ - راجع بقسمت دوم نامه آن کمیسیون بطوریکه استحضار دارید لایحه الحاقی بنا بتقاضای رئیس دولت سابق در مجلس شورای ملی مطرح وبموجب تصمیمی که در جلسه ۳۸ مجلس مورخ ۳۰ خرداد ۲۹ از طرف مجلس شورای ملی اتخاذ شده است لایحه مزبور بآن کمیسیون ارجاع گردیده است بنا بر این دولت منتظر نتیجه بررسی آن کمیسیون میباشد.

نخست وزیر - امضاء
در جلسه ششم کمیسیون بتاريخ چهارشنبه دوازدهم مهرماه تصمیم گرفته شد که برای مطالعه پرونده ها جلسات کمیسیون مخصوص نفت هفته ای سه روز روزهای شنبه - دوشنبه - چهارشنبه مرتباً تشکیل گردد و چون روز شنبه ۱۵ مهرماه مصادف با افتتاح مجلس سنا بود از روز دوشنبه ۱۷ مهرماه ۱۳۲۹ جلسات هفته ای سه روز

تشکیل گردید و از تاریخ دو شنبه هفدهم مهرماه آقای دکتر پیرنیا معارن وزارت دارائی برای ادای توضیحات جلسه در کمیسیون حضور پیدا کردند در این جلسه ابتدا ۲۵ ماده اعتراضیه دولت که عیناً باستحضار مجلس شورای ملی میرسد. ضمناً باید متذکر گردید که پرفسور ژیدل در هشت مورد از ۲۵ ماده اعتراضیه ارجاع امر را بحکمیت کاملاً بشفع دولت دانسته است:

اینک هشت موردی که پروفیسور حاکمیت ایراترا قطعی میداند بعرض میرساند:

ماده اول از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده اول - تفاوت بهای طلا

بموجب قسمت ۷ از ماده دهم امتیاز نامه ۱۳۱۲ قطع نظر از توافقهائی که در خلال احوال حاصل شده است آن مقدار لیره ای که بوسیله آن شرط تضمین طلا برای دولت تأمین شود بدولت پرداخت نگردیده است.

خلاصه نظریه پروفیسور ژیدل

بطور کلی با نظریه مزبور موافق و آنرا یکی از هفت ماده ای میداند که قابل ارجاع بحکمیت است. موضوع اینک آیا از ماده ۱۰ بند یک قسمت الف یابند پنجم قسمت (ب) باید استفاده شود با آقای وان زیلند مراجعه شده که بایستی نظر بدهند. چنانچه نامبرده قسمت (ب) بند پنجم ماده ۱۰ را وارد نداند بنظر پروفیسور ژیدل قسمت الف بند یک مرجح است. شرکت ممکن است ایراد کنند که تصمیقات او مربوط بصندوق پول بین المللی و بانک بین المللی ترمیم و توسعه که دولت ایران و دولت انگلستان هر دو در آن سهم میباشند ولی این ایراد وارد نیست اولاً چرا که

در اینجا موضوع روابط بین دو دولت نیست که هر دو مقید با اجرای قراردادی باشند بلکه قرارداد است بین یک دولت و یک شرکت تجاری و بنا بر این شرکت موظف است مفاد تعهدات خود را در مورد دولت انجام دهد - ثانیاً دولت ایران از شرکت مطالبه طلا نمیکند بلکه لیره استرلینگ که پول مذکور در قرارداد است به مقدار بیشتری مطالبه مینماید که تعهد خود را ایفا کرده باشد - در این صورت با اینکه اجرای آن تعهد برای شرکت ممکن است شاق و مشکل باشد ولی اجرای آن غیر ممکن نخواهد بود و بنا بر این موضوع فورس ماژور در کار نخواهد بود - دولت ایران تقاضای پرداخت مقدار بیشتری از آنچه که بشرکت باو مدیون است نمیکند بلکه فقط آنچه را که باو مدیون است میخواهد آنها با پولی که در قرارداد تصریح شده است منتها این پول باید بشرخی که در موقع عقد قرارداد طرفین نسبت بآن توافق نموده اند پرداخت گردد - طرز ارجاع این ماده بحکمیت بسته بنظری است که مسیو وان زبلند بدهد ولی بنظر نویسنده در هر صورت باید بند الف ماده دهم را در برابر محکمه اظهار نمود در صورتیکه نظر مسیو وان زبلند نسبت به بند پنجم قسمت (ب) ماده ۱۰ نیز موافق باشد که - طلا دیگر مبنای تعیین ارزشها نیست میتوان آنرا نیز بطور اضافی بمحکمه عرضه نمود .

یادداشت اضافی - در صورتیکه توافقهائی بین بانک ملی ایران و بانک انگلستان راجع به تبدیل استرلینگ بطلا ادامه یابد منظور ماده ۱۰ بند پنجم بطریق دیگری تأمین شده است و دولت ایران را در مقابل ضرری که در مورد تغییرات پول انگلستان پیش میآید مصون نموده است بنا بر این تردیدی نیست که دولت ایران نمیتواند نه

مستقیماً و نه از راه حقوقی نسبت به بند پنجم ماده ۱۰ ادعائی برای پرداخت اضافی از شرکت داشته باشد و این ادعا بادر نظر گرفتن نامه ۲۰۸/۲۳۵۶ مورخ ۳/۹/۲۵ وزارت دارائی بشرکت که در آن ذکر شده حقوق دولت طبق بند پنجم ماده ۱۰ بطور کامل تأمین شده است همان اندازه کمتر قرین موافقت خواهد بود .

ماده دوم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده دوم - مالیات دولت انگلستان :

حصه دولت ایران از منافع سالیانه شرکت نمیبایستی مشمول مقررات مالیات بر درآمد دولت انگلستان میشد و آنچه باین ترتیب از حصه دولت کسر شده بایستی جبران شود لطمهائی که باین ترتیب بحقوق ایران وارد آمده است از ارقام صورت ضمیمه پیدا است .

نظریه پروفیسور ژیدل نسبت بماده دوم

نظریه پروفیسور ژیدل - ماده دوم - قابل ارجاع بحکمیت : شرکت از لحاظ اینکه تبعه دولت انگلستان است تابع مالیاتهای آن دولت از قبیل مالیات بر درآمد و مالیات اضافه در آمد و غیره میباشد ولی سعی کرده است قسمتی از این مالیاتها را از سهم دولت ایران طبق ماده دهم (قسمت یکم) امتیازنامه پرداخت نماید دولت ایران معتقد است که پرداختی شرکت بدولت نباید تابع هیچگونه مالیات عادی و استثنائی دولت انگلستان باشد و بنا بر این از ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۷ باید مبلغ پرداختی مسترد و در آتی نیز این عمل تکرار نشود در ۱۹۳۳ مالیات دولت انگلیس و جمع مبلغ پرداختی بدولت ایران تقریباً مساوی بود ولی از ۱۹۳۶ ببعده پرداختی بدولت انگلیس تقریباً سه برابر جمع پرداختی بدولت ایران شده است از ۱۹۳۷ ببعده

مالیات بر درآمد علاوه بر مصارف عادی بمصرف دفاع و تجدید تسلیحات دولت انگلستان رسیده و در نتیجه دولت ایران مانند بکنفر مؤدی مالیاتی انگلیس بطور غیرمستقیم بابت تجدید تسلیحات انگلستان پرداخت نموده است مالیات بر درآمد که در ۱۹۳۳ معادل ۳۰۵۴۱۸ لیره بود در ۱۹۳۶ به ۹۱۰۵۵۹ لیره بالا رفته و در ۱۹۳۷ بطور سریع به ۱۶۵۱۵۵۸ لیره ترقی نموده و در ۱۹۴۲ بمبلغ ۴۹۱۷۸۴۸ لیره بالغ گردیده است - تنها باین مالیات اکتفا نشده بلکه از سال ۱۹۴۳ بعد مالیات زمان جنگ موسوم بمالیات اضافه بر درآمد به مالیاتهای انگلیس که بخودی خود طاقت فرسا بوده است اضافه شده است تنها این مالیات در سال ۱۹۴۳ در حدود هشت برابر مالیاتی است که بایران پرداخت شده و کلیه مالیاتهای پرداختی بدولت انگلستان در سال مزبور دوازده برابر رقم مالیاتی است که بایران پرداخت شده در ۱۹۴۷ این تناسب به هیجده مرتبه بالغ گردیده یعنی ۱۵۲۶۶۶۵۵ لیره در مقابل ۷۶۵۴۰۵ لیره مالیات که طبق قرارداد بدولت ایران پرداخت گردیده است - دولت خارجی که بک شرکت خارجی تابع آنست در موضوع روابط بین امتیاز دهند و شرکت دارنده امتیاز بک شخص ثالثی است و قانون موضوعه از طرف این شخص ثالث نمیتواند در روابط بین طرفین بک قرارداد نافذ باشد مگر اینکه در قرارداد این موضوع تصریح شده باشد و در قرار داد ۱۹۳۳ چنین ذکر نشده است. موضوع اینکه دولت انگلیس سهامدار عمده شرکت مزبور است هیچگونه تفاوتی در اصل موضوع ایجاد نمینماید چرا که دولت انگلیس در موقع خرید سهام بعنوان شخص ثالث بوده و بهمین علت شرکت مالیاتهای دولت انگلیس را پرداخت نموده است. مالیاتهای مزبور باندازه‌ای

زیاد شده که از ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۷ مبلغی که شرکت بابت مالیات بدولت انگلستان پرداخت نموده معادل ۷۲۲۴۰۷۴۳ لیره بوده و حال آنکه جمع کل وجوه پرداختی بدولت از هر بابت تنها ۶۰۱۶۸۶۷۳ لیره یعنی ۱۲۰۷۲۰۷۰ لیره کمتر از مالیات دولت انگلیس بنتهایی بوده و در عرض همین مدت دولت ایران از حیث منابع طبیعی معادل ۱۶۸۲۹۰۱۲۳ تن نفت خام فقیر تر شده است شرکت نیز خود متوجه این موضوع شده و در قرارداد متمم که بدولت پیشنهاد نموده است نیز حقانیت ادعای دولت را تصدیق ضمنی نموده است منتها چون نظر دولت را از هر حیث تأمین نمینمود از قبول آن خودداری شد.

ماده سوم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده سوم - محدودیت سود سهام شرکت : محدودیت میزان سود سهام شرکت باستناد دستور دولت انگلستان در مورد حصه دولت ایران از منافع شرکت نمیبایستی نافذ باشد.

نظریه پروفیسور ژیدل در خصوص ماده سوم

ماده سوم - قابل ارجاع بحکمیت : شرکت بنابر تمایل دولت انگلیس سیاست محدودیت سود سهام را در پیش گرفته که از لحاظ تقلیل مبالغی که بایستی بطور معمول طبق ماده ۱۰ بند بک قسمت (ب) بپردازد بضرر دولت تمام شده است - رئیس کل شرکت در گزارش سالیانه ۱۹۴۷ این موضوع را صراحتاً اظهار داشته که محدودیت سود سهام در نتیجه تمایل دولت انگلستان بوده است و بهمین جهت مبلغ ۱۰۵۰۰۰۰۰ لیره بعنوان ذخیره عمومی بحساب ذخائر برده شده است دولت ایران بنابر این حق دارد که ۲۰ درصد مبلغ مزبور را یعنی ۲۱۰۰۰۰۰ لیره از شرکت مطالبه نماید که شرکت که این مبلغ را در همان ماه که موضوع بحکمیت میبود پرداخت نماید.

ماده چهارم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده چهارم - قرارداد فروش با بحریه انگلیس و شرکت های امریکائی :

بموجب ماده ۲۱ امتیاز نامه ۱۳۱۲ شرکت بایستی هر وقت و در هر موقع حقوق و امتیازات و منافع دولت را در نظر داشته و اقدام به هیچ عملی یا خودداری از عملی که موجب زیان دولت باشد ننماید و حال آنکه در مورد قراردادهای فروش که شرکت با بحریه و هواپیمائی انگلستان و شرکت های امریکائی منعقد نموده است از این لحاظ که معامله بشرح عادلانه روز انجام نگرفته حق دولت نسبت به حصه اش از منافع شرکت تضييع شده است .

نظریه پروفیسور ژیدل نسبت بماده چهارم

ماده چهارم - قابل ارجاع بحکمیت : شرکت که بایستی همواره طبق بند (۲)

ماده ۲۱ قرارداد منافع دولت را رعایت نماید در نتیجه انعقاد قراردادهائی برای فروش نفت و مواد نفتی بقیمتهای غیرتجارتی برخلاف مصالح دولت عمل نموده است - این قراردادها با بزرگترین سهامدار شرکت منعقد گردیده و در نتیجه این قراردادها عواید شرکت کم شده و مبلغی که باید بدولت به نسبت سود سهام تقسیم شده پرداخت گردد تقلیل یافته است - استناد بگفته های آقای والیس رئیس شرکت در آن موقع و آقایان رامسی ما کدونالد و وینستون چرچیل در موقع کسب اجازه از پارلمان انگلیس برای پرداخت ۲۰۰۰۰۰۰۰ لیره جهت خرید قسمت عمده سهام شرکت و مخصوصاً اینکه چرچیل وزیر دربارداری وقت میگوید :

« ما برای خرید نفت پول پرداخت خواهیم نمود ولی منافع آن بخزانهداری انگلیس برمیگردد » .

در نتیجه مشارکت با دولت انگلیس شرکت آزادی عمل تجارتي خود را از دست داده است و چون در کلیه مسائل سیاست کلی شرکت باید تابع نظر دولت انگلیس باشد بین منافع سهامدار عمده خود و منافع دولت ایران که عبارت از تأمین حداکثر منفعت برای شرکت است شق اولی را انتخاب نموده و بسهامدار عمده خود حق تقدم داده است .

مفاد ماده ۲۱ قرارداد داری صریحاً ذکر نشده و تلویحی است ولی در قرارداد ۱۹۳۳ صراحت دارد و وظیفه امتیازی شرکت میباشد .

مندرجات کتاب رسمی دولت انگلیس شماره ۷۴۱۸ - D - C مورخ سال ۱۹۱۴ و همچنین اظهارات مستر چرچیل در آن موقع دال بر این است که شرکت قرارداد های طولی المده برای فروش مواد نفتی بسته که بنفع دولت انگلیس بوده است ولی با منافع دولت ایران تناقض دارد - قیمت تعیین شده در این قراردادها افشاء نشده ولی در موقع قطع لوله نفت در ایران در سال ۱۹۱۵ اطلاعاتی بدست آمده که يك مقدار معتنا بهی مازوت طبق قراردادی از طرف شرکت بدولت انگلیس بیهای ۳۰ شلینگ هر تن فوب آبادان فروخته شده است و سرچسارلز گرین وی رئیس شرکت نیز رسماً در این مورد اظهار داشته است که قیمت بحسب مقدار فروش تا يك میزان حداقلی تنزل مینماید که این حداقل عبارتست از ۲۵ درصد منافی که شرکت علاوه بر مقداریکه برای پرداخت منافع سهام ممتاز و مبلغ ده درصد منافع بسهامداران عادی پرداخت نماید . چون اطلاعات صحیح نسبت بچگونگی قراردادها که در مدت قرارداد ۱۹۳۳ بسته شده در دست نیست دولت نمیتواند ضرری را که از اینراه در نتیجه قراردادهای منعقد جدید تا تجدید شده با وزارت دربارداری و وزارت هواپیمائی و سایر مؤسسات

رسمی دولت انگلستان متوجه اوشده تعیین نماید. ولی رسماً جبران این خسارها را که بحقوق دولت در مواد ۱۰ يك (ب) و ۱۰ سه و ۲۱ وارد آمده است تقاضا مینماید و تعیین این مبلغ را از محکمه حکمیت درخواست مینماید و در آتیبه نیز باید اقداماتی بعمل آید که در نتیجه قراردادهای غیرعادی ضرری بمنافع دولت وارد نشود و همچنین قراردادهای غیرعادی تجارتی شرکت نیز مانند قراردادهائی است که بادولت انگلستان بسته و باید در موقع انعقاد اینگونه قراردادها خسارتی را که بدولت ایران بابت فروش غیر از بهای تجارتی وارد میآید جبران نماید.

ماده پنجم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده پنجم - مواد نفتی که در عملیات شرکت مصرف میشود:

حقوق ایران از بابت مواد نفتی که در عملیات شرکت مصرف شده پرداخت نشده است.

نظریه پروفیسور ژیدل در باره ماده پنجم

ماده پنجم - قابل ارجاع بحکمیت: دولت ایران در اوائل امتیاز مبلغی که شرکت بابت محصولات نفتی که در عملیات خود مصرف مینماید بموجب ماده ۱۰ بند يك قسمت الف امتیاز نامه از قرار هر تن چهار شلینگ مطالبه نموده ولی از دیاد مصرف که فعلاً در حدود يك میلیون و نیم تن در سال است دولت را مجبور مینماید که از شرکت دعوت کند این موضوع را در محاسبات خود رعایت نماید. هیچ ماده ای از امتیاز نامه شرکت را از پرداخت حق الامتیاز در این مورد معاف نمینماید و ماده ۱۰ يك الف میگوید «پرداخت سالیانه چهار شلینگ برای هر تن نفت فروش رفته برای

مصرف و یا صادر شده از ایران» تردیدی نیست که نفت مورد مصرف شرکت برای عملیاتی نفتی است که از زیر زمین ایران استخراج شده و بهمین اندازه کشور فقیرتر شده است و بنابراین دولت باید در این خصوص حقی دریافت نماید و این حق جز بموجب ماده ۱۰ يك الف راه دیگری ندارد اظهاراتی که دولت ایران این حق را بصورت بیست درصد از سود تقسیم شده دریافت مینماید این مبلغ را بمقدار ناچیزی تقلیل میدهد و هیچگونه تناسبی با ارزش نفتی که از طرف دولت داده شده ندارد بکار بردن این نفت از طرف شرکت برای عملیات خودش تشکیل يك حقی را میدهد و این حق در ایران بوده و محاسبات شرکت نیز آنرا بصورت فروش بخودش قلمداد نموده بین اقلام محاسباتی استخراج و تصفیه واقع است.

دولت ایران بارعایت حقوق خود در پرداختهای بعدی بهمین منظور مبلغ چهار شلینگ از هر تن بموجب ماده ۱۰ يك الف امتیاز نامه برای نفتی که بوسیله شرکت در عملیات صنعتی خود در سالهای ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۷ مصرف نموده مطالبه مینماید. این مقادیر کاملاً معلوم و اختلافی در آن موجود نیست.

ماده ششم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده ششم - بازرسی مالی و اطلاعات مالی: نظارت در اجرای بند (۱) از ماده ۱۶ و ۲۱ امتیاز نامه ۱۳۱۲ و سهم دولت در سود توزیع شده در ذخائر شرکت (ذخیره عمومی ذخیره افت و استهلاك) ایجاب مینماید که دولت ایران بتواند بدفاتر و محاسبات شرکت رسیدگی کند و از معاملات و تصمیماتی که در حقوق ایران مؤثر است قبلاً اطلاع حاصل نماید.

نظریه پروفیسور ژیدل درباره ماده ششم

ماده ششم - قابل ارجاع بحکمیت : دولت ایران نسبت بشرکت حقوق مالی دارد که بعضی آنها آتی و بعضی آتی است و دولت قانوناً باید نظارت به این حقوق داشته و مطمئن شود که شرکت اجرای آنرا معوق نمیکند و ولی شرکت نه تنها برای اجرای این حق دولت در نظارت بر حقوق خودش مساعدت ننموده بلکه در نتیجه ندادن اطلاعات مالی که برای اعمال این حقوق لازم است اقدامات دولت را فلج نموده است شرکت نمیتواند برای فرار از وظایف خود بماده ۲۱ امتیاز نامه استناد نماید و اینکه در ماده مزبور قید شده که باید اصول حسن نیت مدار اجرای قرارداد باشد در صورتیکه طرف دیگر بموجب امتیاز نامه حقی داشته باشد باید حسن نیت خود را به اثبات رساند و مخصوصاً این موضوع موقعی اهمیت دارد که طرز عمل يك طرف با عرف معمول تفاوت داشته باشد مثلاً طرز تنظیم محاسباتش طوری با هم توأم شده باشد که نتوان این حسابها را در سنین مختلف با هم تطبیق نمود و حتی بایک نظر اجمالی بحسابهای منتشره شرکت بچنین نتیجه ای میرسیم . شرکت بعضی اوقات محاسبات مختلف را تحت يك قلم بیلان یا حساب سود و زیان برده و نمیتوان با این اعداد طرز تشکیل هر يك از این محاسبات خاص را در سالهای متوالی تعقیب نمود . علاوه بر این محتویات بعضی این محاسبات بیلان و حساب سود و زیان در سالهای مختلفه یکسان نیست و این تغییرات مقایسه آنها را در سالهای مختلف بین نتیجه مینماید . در مورد سود شرکت Balanc of profit شرکت فقط يك رقم میدهد که پس از در نظر گرفتن بعضی قسمتها بدست آمده و یکی از این قسمتها برای روابط بین دولت و شرکت دارای اهمیت خصوصیت و آن عبارت از

حساب استهلاك و تنزل قیمت است شرکت در محاسبات خود بجای اینکه طبقه معمول استهلاكات که عبارت از تعیین بهای اموال بقیمت اولیه و تعیین ذخیره خصوصی در بیلان برای این منظور میباشد بکار برد طریق دیگری که تعیین بهای اموال پس از استهلاك باشد بکار برده و با این طریق نمیتوان طرز بدست آوردن استهلاكات را جز در موارد استثنائی تعقیب نمود و حال آنکه هر گاه شرکت انتخاب دو طریق را داشته باشد که یکی از آنها اجازه دهد و دیگری مانع شود که دهنده امتیاز در حقوق خود نظارت نماید طبق ماده ۲۱ قرارداد مجبور است نه تنها طبق اصل حسن نیت بلکه طبق حقوق صریح دولت از این دو طریق آن یکی را انتخاب کند که بدولت کنترل در حقوق خود را اجازه دهد . ولی شرکت طبقه دیگری را انتخاب نموده است راجع باطلاعاتیکه باید بدولت داده شود شرکت بماده ۱۵ استناد نموده و طبق این ماده چنین نتیجه گرفته است که دولت حق تحصیل هیچگونه اطلاعات دیگری را ندارد ولی استناد شرکت به این ماده و دادن چنین معانی بآن صحیح نیست چرا که این استدلال تا موقعی مورد دارد که مواد مخصوصی در قرارداد نباشد که بدولت حقوق دیگری جز حقوق سهامداران شرکت بدهد ولی بموجب مواد ۱۰ و ۲۰ قرارداد این حق بدولت داده شده است طبق ماده دهم بند الف دولت در ذخایر (ذخایر عمومی) شرکت سهم است و منظور از آن کلیه ذخایر بهر عنوانی که شرکت در دفاتر خود بدهد میباشد و بنا بر این دولت باید کلیه اطلاعاتی را داشته باشد که مطمئن شود شرکت بعضی ذخایر مخفی که در حساب ذخایر عمومی نمی آید کنار نگذاشته باشد . ذخایر استهلاك را ممکن است طوری زیاد قلمداد نمود که از منظور اصلی منحرف

شده و ذخایر مخفی بشود ولی همین ذخایر در حسابهای منتشره شرکت ذکر نمیشود زیرا بطوریکه در بالا ذکر شد اموال را پس از کسر استهلاك بحساب می آورد. طبق ماده بیستم قسمت دو در آخر امتیاز کلیه دارائی شرکت در ایران مجاناً و بلاعوض بصورت قابل استفاده بدولت تعلق خواهد گرفت و بناً این ذخایر استهلاك نباید طوری باشد که در آخر امتیاز با مفاد ماده بیست راجع باینکه این اموال مجاناً و بلاعوض بدولت تعلق خواهد گرفت منافات داشته باشد چرا که میتوان این ذخایر را طوری زیاد قلمداد نمود که اموالی که باید در آخر امتیاز مجاناً بدولت تعلق گیرد چندین مرتبه بهای خود را استهلاك نموده باشد و همچنین موضوع تقسیم ذخایر استهلاك شرکت بین اموال داخل و خارج نباید از نظارت دولت ایران خارج باشد و شرکت باید اطلاعات لازمه را راجع به مبالغی که بحساب استهلاك اموال خود در خارج از ایران گذارده بدولت بدهد.

در موافقتنامه سال ۱۹۳۲ راجع بطرز حساب حق الامتیاز و مطالب دیگر طبق امتیاز نامه داری در فصل هفتم بند ۲ و ۳ ذکر شده بود نماینده دولت حق دریافت اطلاعات اضافی بیش از آنچه که در صورت حق الامتیاز ذکر شده دارد و شرکت نیز ملزم شده بود که صحت دفاتر خود و دفاتر شرکتهای تابعه را تضمین نموده و برای رسیدگی در دسترس نمایندگان دولت قرار دهد.

ماده هفتم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده هفتم - صادرات نفت خام: ماده ۲۱ امتیاز نامه ۱۳۱۲ و اختیارات قانونی دولت ایران ایجاب مینماید که تصفیه مواد نفتی کلاً در داخله ایران بعمل آید.

ماده هشتم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده هشتم - تأسیسات خارج از ایران: حق دولت در خاتمه امتیاز نسبت بتأسیساتی که در خارج از ایران باوجود شرکت ایجاد شده است.

ماده نهم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده نهم - قیمت مواد نفتی: تعیین تکلیف قیمت فروش کلیه مواد نفتی در داخله مملکت ایران از لحاظ اینکه آنچه در این باب در امتیاز نامه ۱۳۱۲ نوشته شده بود عملاً از بین رفته است.

ماده دهم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده دهم - تأسیسات بخش نفت: توسعه کافی تأسیسات بخش نفت اهم از نقاطی که فعلاً تأسیساتی در آنجا وجود دارد و با اینکه هیچگونه تأسیساتی ندارد.

ماده یازدهم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده یازدهم - تقلیل مستخدمین خارجی و بهبود وضع کارمندان و کارگران ایرانی: تعیین تکلیف طرحی که در این باب در آبانماه ۱۳۲۶ باستناد مواد ۱۶ و ۱۷ امتیاز نامه ۱۳۱۲ بشرکت تسلیم شده است.

نظریه پروفیسور ژیدل نسبت بماده هفتم

ماده یازدهم - قابل ارجاع بحکمیت: شرکت تعهدات خود را برای تقلیل مستخدمین خارجی در ظرف ۱۵ سالی که از امتیاز نامه جدید میگذرد انجام نداده است با اینکه از وظایف امتیاز نامه ای شرکت بوده است. ارقام نشان میدهد که نه تنها کارمندان خارجی را تقلیل نداده بلکه تعداد آنها را از ۲۰۵۰ نفر در سال ۱۹۳۳

فعلاً به تقریباً ۴۰۰۰ نفر افزایش داده است. شرکت باید با توافق دولت طرحی را که طبق ماده شانزدهم برای تقلیل کارمندان خارجی سالیانه و بطور تصاعدی پیش بینی شده تهیه نماید و بجای اتباع خارجی کارمندان ایرانی بطوریکه طبق امتیازنامه تعهد نموده است جایگزین نماید.

علاوه بر اینکه پرفسور ژیدل این ماده را قابل ارجاع بحکمیت میداند ماده یازدهم قرارداد الحاقی پیشنهادی خود را که بایستی بامتیازنامه اضافه شود نیز باین موضوع اختصاص داده بقرار زیر:

«نظر باینکه سیاست اساسی شرکت اینست که کارمندان شرکت در ایران شامل حداکثر ایرانیهای ممکنه باشد شرکت حداکثر بيشرفت تشکیلات حرفه‌ای وقتی را در کارگران و کادر ایرانی بخرج خود بمنظور اینکه آنها را در صنعت نفت بطوری استخدام نماید که بعد از ده سال کارمندان خارجی بیش از پنج درصد کارمندان فنی (Qualifié) نباشد ادامه خواهد داد.

شرکت موافقت دارد که مبلغ کافی برای اعزام هر سال پنجاه نفر ایرانی به بریتانیای کبیر جهت آموزش حرفه‌ای در دانشگاه در موضوع تکنولوژی نفت در مدت معمول به اختصاص دهد» ولی این ماده پیشنهادی برای حصول توافق با شرکت است نه در صورت ارجاع بحکمیت.

ماده دوازدهم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده دوازدهم - جلوگیری از تلف شدن گاز: جلوگیری از اتلاف گاز بوسیله مصرف در عملیات شرکت و لوله کشی بشهرها برای مصرف اهالی و با نگاهداری آن در چاهها باستناد مواد ۱۲ و ۲۱ امتیازنامه ۱۳۱۲.

ماده سیزدهم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده سیزدهم - مقاطعه کاران خارجی: پرداخت مالیات بر درآمد مقاطعه کاران خارجی طبق قوانین کشور.

ماده چهاردهم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده چهاردهم - بیمه: بیمه مؤسسات شرکت نفت در ایران نزد شرکت بیمه ایران.

ماده پانزدهم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده پانزدهم - مدت امتیاز: درموقع اصلاح امتیازداری دو مطلب بیش از سایر مطالب مورد توجه طرفین بوده است از طرف دولت ایران حق الامتیاز و از طرف شرکت مدت امتیاز درموقمی که هنوز امتیاز داری بحری بوده با کمتر از ۴ میلیون تن صادرات و فروش سالیانه در حدود يك میلیون و نیم لیره طلا حق الامتیاز بدولت میرسیده باین حساب بر حسب مقررات امتیازداری باقریب هیجده میلیون تن صادرات و فروش سالیانه که اخیراً استحصال شرکت است متجاوز از شش میلیون و نیم پوند طلا حق الامتیاز دولت میشود و حال آنکه عمل شرکت باستناد امتیازنامه ۱۳۱۲ طوری بوده است که با هیجده میلیون تن صادرات و فروش حق الامتیاز دولت حتی از شش میلیون و نیم پوند طلا هم خیلی کمتر است و با این وصف معلوم نیست درموقع فسخ امتیاز داری در قبال تمدید مدت امتیازنامه سابق از امتیازنامه ۱۳۱۲ بدولت ایران چه عاید شده است. این مطلب مورد نهایت علاقه دولت ایران و بیش از همه چیز مورد توجه مردم مملکت است. نکته دیگری که درموقع این مقایست باید طرف توجه قرار

گیرد این است که بموجب امتیاز داری کلیه دارائی و مؤسسات شرکت در هر جای دنیا که بود بایران تعلق میگرفت و حال آنکه در امتیاز ۱۳۱۲ این قید نسبت بدارائی شرکت در ایران شده است. اهمیت این مطلب بیشتر با این توجه جلوه میکند که مدت امتیاز داری در سال ۱۹۶۲ خانمہ مییافت و حال آنکه در امتیاز نامه سال ۱۳۱۲ نوشته شده است که از آن بعد شصت سال معتبر خواهد بود و پیداست که وضع ذخائر نفتی مملکت ایران با مقایسه مدت‌های مذکور در دو امتیاز سابق الذکر چه تفاوت فاحشی را متضمن است.

ماده شانزدهم از ماده ۲۵ اعتراضیه دولت

ماده شانزدهم - مبنای حق امتیاز: مبلغ چهار شلینگ در هر تن در سال ۱۹۳۳ معادل یک هشتم قیمت نفت خام ایران بوده است و حال آنکه فعلاً با صرف طلای آن (بر طبق محاسبه شرکت) کمتر از یک شانزدهم شده است و باین ترتیب مجموع حق امتیاز دولت ایران به نسبت قیمت کل نفت استخراج شده در ایران در سال ۱۹۳۳ در حدود ۳۳ در صد بوده و در سال ۱۹۴۷ فقط در حدود ۹ در صد. اگر حق امتیاز دولت ایران طبق امتیازات کشور نروژ و نلاند دریافت میگردد بابت ۱۹۴۷ بجای هفت میلیون لیره بالغ بر بیست و دو میلیون لیره میشد یعنی متجاوز از سه برابر. شرکت نفت عراق میتواند تا شش شلینگ طلا حق امتیاز دریافت دارد و این مبلغ نیز با در نظر گرفتن قیمت عادلانه بیش از سه برابر حق امتیازی است که تاکنون بدولت ایران پرداخته شده است. بر طبق امتیاز جدید در کویت نیز حق امتیاز دریافتی از سه برابر حق امتیازی که تاکنون بدولت ایران پرداخته شده است متجاوز است ضمناً

از کل حق امتیازی که نروژ و نلاند و کویت و بصره دریافت میدارند مقداری هم نفت خام است که عیناً میتواند آنرا تحویل گیرند و بنا بر این هر گاه این ارقام منشاء محاسبه باشد مأخذ حق امتیاز متداول فعلی در دنیا در حدود یک لیره در هر تن استخراج شده میشود از ارقام فوق و مخصوصاً با مذاکره در مندرجات قسمت (۱۷) این یادداشت بخوبی آشکار است که برای حق امتیاز ایران بهیچوجه مبنای عادلانه و منصفانه‌ای در کار نیست.

ماده هفدهم از ماده ۲۵ اعتراضیه دولت

ماده هفدهم - معافیت‌ها: کم و کیف معافیت‌های مالیاتی و گمرکی مورد محاسبه دقیق و تعیین تکلیف قطعی باید قرار گیرد باین معنی که مالیات بر درآمد شرکت بر طبق قانون مالیات بر درآمد ایران برای سال ۱۹۴۷ بالغ بر ۱۲ میلیون لیره میگردد و از طرف دیگر بر طبق مقررات مملکت در هر یک از سنوات ۱۳۲۵ و ۱۳۲۶ حقوق و عوارض گمرکی اجناس و اشیا که شرکت بایران وارد کرده است در حدود ۱۷ میلیون لیره است. توضیحاً علاوه مینماید که شرکت در سال ۱۹۳۳ از بابت مالیات بر درآمد مبلغ ۲۷۴۴۱۲ لیره بدولت ایران و ۳۰۵۴۱۸ لیره بدولت انگلستان پرداخته است و حال آنکه در سال ۱۹۴۷ مالیات دولت ایران ۷۶۵۴۰۵ لیره و مالیات انگلستان ۱۵۲۶۶۶۵ لیره بوده است.

ماده هیجدهم از ماده ۲۵ اعتراضیه دولت

ماده هیجدهم - سهام شرکت: تبدیل حصه ایران از ذخایر شرکت به سهم شرکت نظیر معامله ای که با صاحبان سهام میشود.

ماده نوزدهم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده نوزدهم - اسعار: استفاده از يك قسمت از اسعار حاصله از فروش مواد نفتی در دنیا.

ماده بیستم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده بیستم - فروش نفت برای صدور: تعیین ترتیبی که بموجب آن شرکت مواد نفتی برای صدور در اختیار دولت یا اتباع ایران خواهد گذاشت.

ماده بیست و یکم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده بیست و یکم - نفت شاه: اتخاذ تدابیر عملی برای تأمین منافع و حقوق ایران در نفت شاه بمناسبت مجاورت با نفت خانه.

ماده بیست و دوم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده بیست و دوم - شرکتهای وابسته: تعیین مقرراتی که شرکتهای غیر تابعه بایستی مشمول آن باشد.

ماده بیست و سوم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده بیست و سوم - تغییرات اساسنامه: ضرورت جلب موافقت دولت ایران بتغییراتی که در اساسنامه سال ۱۹۳۳ بعمل آمده و یا بعمل میآید.

ماده بیست و چهارم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده بیست و چهارم - ذخایر شرکت: روشن نمودن وضع ذخایر و طرز تشکیل آنها و تعیین حقوق دولت بطور دقیق.

ماده بیست و پنجم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده بیست و پنجم - خطوط هواییمائی و تلگراف و تلفن و غیره: کم و کیف

و حدود و قیود استفاده شرکت از خطوط هواییمائی و تلفن و تلگراف و بندر سازی و غیره باید مورد دقت قرار گیرد.

ماده هشتم - قابل ارجاع بحکمیت (خارج از مواد ۲۵ گانه): عین نظریه ترجمه شده:

در موقعیکه قوای متفقین در شهریور ۱۳۲۰ (سپتامبر ۱۹۴۱) وارد ایران شدند محصولات نفتی مورد احتیاج خود را در آبادان و سایر مؤسسات بخش شرکت در نقاط دیگر دریافت نمودند. بموجب امتیازنامه مالیاتها و عوارض مربوط به محصولات نفتی در ایران که بوسیله شرکت بفروش میرسید در قیمت فروش محسوب و بوسیله شرکت دریافت میگردد و شرکت در این مورد نسبت بدولت ذی حساب است.

ماده نوزدهم امتیازنامه طرز تعیین بهای محصولات نفتی را در هر سال طبق بند (ج) تعیین نموده بقرار زیر:

* کمپانی حق دارد که بقیمت های اساسی مذکور در جزء (الف) مخارج حقیقی حمل و نقل و توزیع و فروش و همچنین مالیات و عوارض موضوعه را بر محصولات مزبور بیافزاید شرکت بدون اینکه بهیچ نوع بدولت ایران مراجعه ای نماید بخودی خود اقدام نموده که حقوق و عوارض محصولات نفتی که بقوای متفقین در ایران تحویل داده است وصول نماید و بنابراین مقررات ماده نوزدهم امتیازنامه را صریحاً نقض نموده است.

پس از اتمام جنگ همینکه دولت ایران از شرکت درخواست نمود هر چه زود تر صورت محصولات نفتی مورد مصرف قوای متفقین را با داره مربوطه ارسال دارد شرکت جهد نمود براه فراری برای عدم انجام تقاضای دولت متوسل گردد و بالاخره

اظهار داشت که دولت برای تعیین ارقام مربوطه بسفارت کبرای انگلستان مراجعه نماید و حال آنکه دولت ایران نباید راجع بعدم اجرای قراردادی که شرکت مرتکب شده با سفارت کبرای انگلستان وارد مذاکره شود.

در نتیجه رسیدگی بحسابهای مؤسسات بخش وزارت دارائی دولت شاهنشاهی توانسته است محاسبه ای نماید که طبق آن جمع محصولات نفتی که تحویل قوای متفقین شده بالغ بر یک میلیارد و هفتصد و هشتاد و سه میلیون لیتر و عوارضی که طبق نرخ مقرر در ۱۹۴۳ بآن تعلق میگیرد بمبلغ ۵۷۳ میلیون ریال تخمین زده شده است. همین مبلغ است که دولت شاهنشاهی از شرکت که بدون اینکه از پرداخت آن معاف و یا هیچگونه اجازه‌ای برای عدم وصول آن داشته باشد تاکنون ایفاء ننموده مطالبه مینماید که تعهدی را که طبق ماده نوزدهم بمهمه داشته انجام دهد.

ضمیمه (۱) مواد ۳۵ گانه اعتراضیه دولت

سال	مالیات عادی دولت انگلیس	مالیات اضافه درآمد دولت انگلیس	جمع مالیات	مالیات دولت ایران
۱۹۳۳	۳۰۵۴۱۸		۳۰۵۴۱۸	۲۷۴۴۱۲
۱۹۳۴	۵۱۱۷۳۳		۵۱۱۷۳۳	۳۰۱۱۳۵
۱۹۳۵	۴۰۸۶۳۵		۴۰۸۶۳۵	۲۰۱۱۶۶
۱۹۳۶	۶۱۰۵۵۹		۹۱۰۵۵۹	۳۲۸۵۲۴
۱۹۳۷	۱۶۵۱۵۸۸		۱۶۵۱۵۸۸	۳۶۲۷۳۴
۱۹۳۸	۱۱۷۵۰۲۹		۱۱۷۵۰۲۹	۳۷۸۴۹۴
۱۹۳۹	۱۹۵۵۶۰۶		۱۹۵۵۶۰۶	۴۶۶۲۰۴
۱۹۴۰	۲۹۷۵۱۵۶		۲۹۷۵۱۵۶	۴۶۰۱۱۸
۱۹۴۱	۲۹۲۰۶۸۲		۲۹۲۰۶۸۲	۵۶۸۶۶۷
۱۹۴۲	۴۹۱۷۸۴۶		۴۹۱۷۸۴۶	۴۵۴۱۶۸
۱۹۴۳	۲۷۹۸۷۶۴	۴۸۶۴۰۰۰	۷۶۶۲۷۶۴	۶۰۶۹۴۸
۱۹۴۴	۲۷۵۶۴۵۷	۷۸۸۰۰۰۰	۱۰۶۳۶۴۵۷	۵۱۴۷۲۵
۱۹۴۵	۲۸۰۵۵۶۴	۷۸۷۵۸۰۰	۱۰۶۸۱۳۶۴	۴۴۶۶۴۴
۱۹۴۶	۲۹۷۹۲۴۱	۷۳۰۰۰۰۰	۱۰۲۷۹۲۴۱	۷۶۸۵۷۹
۱۹۴۷			۱۵۲۶۶۶۶۵	۷۶۵۴۰۰

ضمیمه شماره (۴) مواد ۴۵ گانه اعتراضیه دولت

مقایست درآمد دولت در پنج ساله آخر امتیاز داری

پنج ساله اول	پنج ساله اخیر امتیاز جدید	جمع عایدات دولت
سالها	صادرات و فروش	جمع عایدات دولت
۱۹۲۸-۹۲۷	۴۷۸۵۱۷۳	۵۷۱۷۰۶
پنج ساله آخر ۱۹۲۹-۹۲۸	۳۸۰۱۱۸۹	۱۴۵۲۱۶۳
امتیاز داری ۱۹۳۰	۵۷۶۲۸۰۳	۱۴۳۳۴۷۸ طلا
۱۹۳۱	۵۵۶۷۶۰۳	۱۱۱۰۱۶۹
۱۹۳۲	۶۰۴۱۵۰۱	۱۲۰۸۹۷۰
۱۹۳۳	۶۷۱۵۳۰۲	۱۷۸۵۰۱۲
پنج ساله اول ۱۹۳۴	۷۱۴۵۷۰۵	۲۱۵۹۱۴۲
امتیاز جدید ۱۹۳۵	۷۰۱۴۰۷۴	۲۱۹۱۹۵۲
۱۹۳۶	۷۳۷۲۲۸۸	۲۸۲۸۵۰۲
۱۹۳۷	۸۴۵۵۳۰۷	۳۴۴۴۴۳۹
۱۹۴۳	۹۰۲۱۱۶۵	۴۰۰۰۰۰۰
پنج ساله آخر ۱۹۴۴	۱۱۷۰۶۴۴۱	۴۴۶۳۷۷۸
امتیاز جدید ۱۹۴۵	۱۵۰۱۹۷۰۶	۴۶۲۳۱۶۱ کاغذ
۱۹۴۶	۱۸۴۱۸۱۷۰	۷۱۳۰۲۵۷
۱۹۴۷	۱۸۳۲۸۶۹۲	۷۱۰۱۴۷۸

از تاریخ دوشنبه پنجم تیرماه تا تاریخ چهارشنبه هشتم آذر ماه ۲۹ کمیسیون مخصوص نفت بیست و چهار جلسه تشکیل داده و در این بیست و چهار جلسه در اطراف ۲۵ ماده دعای دولت مذاکرات مشروح و مفصلی بعمل آمده و از طرف آقایان اعضاء کمیسیون اعتراضات زیادی نسبت به عملیات شرکت نفت و همچنین راجع بقرارداد ۱۹۳۳ با استناد بنطق آقای تقی زاده وزیر دارائی وقت (اعضاء کننده قرارداد ۱۹۳۳) در مجلس یانزدهم و نیز قرارداد الحاقی بعمل آمده است که در مقابل آن از طرف دولت جوابهای قانع کننده ادا نشده و با وجود اینکه بکرات از طرف اعضاء کمیسیون بدولت تذکر داده شد مدافعات خود را از لایحه طبق مسئولیتی که بعهده دارد بیان نماید مع الوصف دولت بهمان توضیحات قناعت کرده و دفاع مستدل و قانع کننده ای ننمود « کلیه این مذاکرات نظر باهمیتی که دارد در سه جلد دفتر صورتجلسات کمیسیون مخصوص نفت که حاوی ۲۶۶ صفحه و ذیل هر صفحه با مضای رئیس کمیسیون مخصوص نفت رسیده مضبوط و کاملاً منعکس است »

بالاخره کمیسیون در بیست و دومین جلسه خود جلسه را سری اعلام و وارد شور گردید در این جلسه پس از چند ساعت مذاکره و مباحثه پیشنهاداتی منجمله پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت در ایران از طرف پنج نفر از اعضاء و همچنین پیشنهاد راجع به غیر قانونی بودن تمدید مدت و چند پیشنهاد دیگر از طرف آقایان اعضاء کمیسیون داده شد که چون از طرف بعضی از آقایان تذکر داده شد که باید مرحله بمرحله تکلیف لایحه دولت را معین کرد و برای اینکه در مورد قرارداد الحاقیه زودتر نتیجه گرفته شود پس از مذاکرات زیاد پیشنهاد زیر باتفاق آراء بتصویب رسید که اینک عین آن برای تصویب قرائت و تقدیم مجلس شورای ملی می نمایم :

کمیسیون نفت که طبق تصمیم ۳۰/۳/۲۹ مجلس شورای ملی تشکیل شده است پس از مذاکرات و مطالعات باین نتیجه رسیده که قرارداد الحاقی ساعد - گس کافی برای استیفای حقوق ایران نیست لذا مخالفت خود را با آن اظهار میدارد. مجال امامی - سید علی بهبهانی - جواد عامری - دکتر محمد علی هدایتی - الهیار صالح - دکتر محمد مصدق - حسین مکی - دکتر شایگان - حائری زاده - ناصر ذوالفقاری - جواد کنبجی - سرتیب زاده - دکتر حسن علوی - پالیزی - خسرو قشقائی - دکتر کاسمی - عبدالرحمن فرامرزی.

درخانه باستحضار خاطر آقایان نمایندگان محترم میرساند که پس از اتخاذ تصمیم فوق کمیسیون دو جلسه دیگر تشکیل داد که یک جلسه آن سری و در جلسه آخرین برای تکلیف نهائی کار کمیسیون و تعیین تکلیف مجلس مذاکرات مشروحی بعمل آمد و در این جلسه نیز مجدداً پیشنهادهائی از قبیل ملی شدن صنعت نفت و تقاضای غیر قانونی شناختن و بطلان قرارداد ۱۹۳۳ و پیشنهادات دیگری بعمل آمده و چون اکثریت آقایان اعضاء کمیسیون عقیده داشتند که وظیفه کمیسیون طبق تصمیم مجلس شورای ملی اینست که نسبت باستیفاء یا عدم استیفای منافع ایران در مورد قرارداد الحاقی اظهار نظر نماید و در این موضوع کمیسیون با اتفاق آراء اظهار عقیده نموده است و ورود و بحث در سایر پیشنهادات فعلاً ضرورتی ندارد و باید این پیشنهادات در مجلس مطرح شود و تکلیف آنها از طرف مجلس شورای ملی معین شود لذا به پیشنهاد زیر اخذ رأی بعمل آمد و تصویب گردید (اینک متن پیشنهاد):

نظر باینکه وظیفه کمیسیون مخصوص نفت اظهار نظر در قرارداد الحاقی از

لحاظ استیفاء یا عدم استیفای منافع ایران بوده و با اتفاق آراء اظهار نظر در این موضوع بعمل آمده بنا بر این ورود در هر گونه پیشنهادی از وظیفه کمیسیون خارج است و تکلیف آنها از طرف مجلس شورای ملی باید تعیین شود.

پیشنهاد مذکور باده رأی موافق از شانزده نفر عده حاضر بتصویب رسید و چهار نفر مخالف و دو نفر ممتنع رأی دادند بنا بر این متن تصمیم کمیسیون برای شور اول مطرح و تصویب آن تقدیم مجلس شورای ملی میگردد:

کمیسیون نفت که طبق تصمیم ۳۰/۳/۱۳۲۹ مجلس شورای ملی تشکیل شده است پس از مذاکرات و مطالعات باین نتیجه رسید که قرارداد الحاقی ساعد - گس کافی برای استیفای حقوق ایران نیست لذا مخالفت خود را با آن اظهار میدارد.

مخبر کمیسیون مخصوص نفت - حسین مکی

۱۹ آذرماه ۱۳۲۹

تاریخ چاپ ۲۰/۹/۱۳۲۹



